





دیوان اشعار ترکی

رضا صراف تبریزی

مقدمه، تصحیح و تحشیه:  
دکتر حسین محمدزاده صدیق

انتشارات ندای شمس

۱۳۸۸



---

تبریز: خ. شریعتی جنوبی، روبروی مغازه‌های سنگی. صندوق پستی: ۴۵۶۴ - ۵۱۳۸۵  
تلفن: ۵۵۶۵۴۰۵ - ۰۹۳۵۸۷۲۳۵۲۴ nedaye\_shams\_publication@yahoo.com

---

### دیوان اشعار ترکی رضا صراف تبریزی

مقدمه، تصحیح و تحشیه: دکتر حسین محمدزاده‌ی صدیق  
شمارگان: ۱۰۰۰ / سال نشر: ۱۳۸۸ / محل نشر: تبریز / نوبت چاپ: اول /

ISBN: 978-964-2688-54-8

شابک: ۸ - ۵۴ - ۲۶۸۸ - ۹۶۴ - ۹۷۸

هر شه‌ده بیر عاشق مشهور جهان اولموش،  
بو مملکتین ایدری صرافدی مشوری.

\*\*\*

ایتمز آدیم عالده، یقینیدی، من اولسم،  
ذوق اعلی‌ بو اشعاری ضرب المثل اینلر.





## مقدمه‌ی فارسی

رضا صراف تبریزی (۱۳۲۵-۱۳۷۱ هـ.)، سراینده‌ی غزل‌های آبدار و ناب و نوحه‌های روان و سوزناک، در گیر و دار و کشاکش مشروطه، در عهد مظفرالدین شاه قاجار در تبریز زندگی می‌کرد و در سن ۵۴ سالگی، در سال صدور فرمان مشروطیت وفات کرد.

او در میان شاعران آذربایجانی در عصر خود، به عذوبت طبع، روانی سخن و سادگی بیان معروف بود و و هم‌روزگاران‌ش به وی به دیده‌ی احترام می‌نگریستند. گرچه صراف غزل‌گویی و نوحه‌سرایی پیشه داشت، به سرودن اشعار سیاسی و اجتماعی نیز دست می‌زد و در امور خیریه و عام‌المنفعه نیز پیشگام و پیشتاز بود.

دیوان غزلیات و مراثی وی بارها در تبریز، تهران، باکو و استانبول چاپ شده است و در کشور ما، از پرفروش‌ترین دیوان‌های ترکی به شمار می‌رود. چند سال پیش نیز در تبریز کنگره‌ای در سطح بین‌المللی در تبیین اندیشه‌های وی و شناخت میراث ادبی بازمانده از او برگزار شد و دیوان اشعارش (گرچه بدون تصحیح عالمانه) همراه مقالات و گفتارهای چندی درباره‌ی او انتشار یافت.

در مجموعه‌ی حاضر تلاش کرده‌ایم با استفاده از چاپ سنگی دیوان وی که یک سال پس از فوتش در تبریز انتشار یافته است، و نیز با بهره‌جویی از مجموعه‌ها و جنگ‌های ادبی، بخشی از دیوان اشعار ترکی او را - ضمن ارج نهادن به زحمات محققان صراف‌پژوه - همراه شرح احوال و افکار وی و آوردن آرا و نظرات آنان پیرامون شخصیت و آثارش انتشار دهیم و نارسایی‌های چاپ کنگره را اصلاح کنیم. امیدوارم این اقدام، طلیعه‌ی فتح باب نوینی در شناخت بیشتر صراف و گستره‌ی شعر دوران مشروطیت تلقی گردد.

در این کتاب ما توانستیم ۳ قصیده، ۹۳ غزل، ۱ ترجیع‌بند، ۲ مربع، ۲ مخمس، ۱ مرثیه، ۱ تازیانه، ۱ مستزاد و ۱ رباعی گردآوریم و همگی را به ترتیب و بر اساس نظام الفبایی قوافی، تنظیم کنیم. در آماده‌سازی این دیوان برای چاپ، حروف‌نگاری و نمونه‌خوانی آن را سرکار خانم منیژه شیرمحمدی و صفحه‌آرایی را آقای سید احسان شکرخدایی به عهده گرفتند و آقای حمید علیخانی مدیر محترم انتشارات ندای شمس، انتشار آن را در شکل و قالبی دلپذیر پذیرفتند و مرا ممنون خود ساختند.

دکتر حسین محمدزاده صدیق

## فهرست

۱۶.....	جدول آسان خوانی متون ترکی.....
۱۷.....	جدول اختصارات.....
۱۹.....	بیرینجی بۆلۆم، اۇن سۆز.....
۲۰.....	۱. سىندىلر و قىدىلر.....
۲۱.....	۱ - ۱. اسرار تېرىزى.....
۲۲.....	۲ - ۱. محمدعلى صفوت.....
۲۳.....	۳ - ۱. سىد احمد كسروى.....
۲۳.....	۴ - ۱. اوان زگال.....
۲۳.....	۵ - ۱. مهدي مجتهدى.....
۲۴.....	۶ - ۱. ميرزا ابراهيماف.....
۲۶.....	۲. گۆرۇشلر و نظرلر.....
۲۶.....	۱ - ۲. ناآرام طبع صاحى.....
۲۷.....	۲ - ۲. سلام صلواتلى شاعر.....
۲۸.....	۳ - ۲. مۇدرک شاعر.....
۲۹.....	۴ - ۲. پاك دويغولار شاعرى.....
۳۰.....	۵ - ۲. دۇغما دىلىنه مسلط شاعر.....
۳۲.....	۶ - ۲. ماهر اۆزگۇنچۇ.....
۳۵.....	۷ - ۲. سئوگى شاعرى.....
۳۷.....	۸ - ۲. آزادهلىك جارچىسى.....
۳۸.....	۹ - ۲. عنعنوى صورتلر شاعرى.....
۳۹.....	۱۰ - ۲. آرايه پرداز هنرمند.....
۴۰.....	۱۱ - ۲. لطيف نوحه لىر يازان.....
۴۱.....	۱۲ - ۲. عاشق محجوب.....
۴۳.....	۱۳ - ۲. ساده ديله مالک.....
۴۴.....	۳. تېرىزلى صرافىن چاغى و چاغداشلارى.....
۴۴.....	۱ - ۳. سىدعظيم شىروانى.....
۴۶.....	۲ - ۳. تېرىزلى مضطر.....



- ۳ - ۳. ماراغالی شکوهی ..... ۴۸
- ۴ - ۳. تبریزلی راجی ..... ۴۹
- ۵ - ۳. حکیم هیدهجی ..... ۵۲
- ۶ - ۳. سرابلی میرزا کاظم قاضی ..... ۵۴
- ۷ - ۳. خویلو سیدرضا صابر ..... ۵۶
- ۸ - ۳. اردبیلی عیسی ضیایی ..... ۵۸
- ۹ - ۳. اردبیلی میرزا شفیع ناظم ..... ۶۰
- ۱۰ - ۳. اورمیله‌لی مایل افشار ..... ۶۲
- ۱۱ - ۳. ایرهوانلی حکیم لعلی ..... ۶۳
- ۱۲ - ۳. ماراغالی دخیل ..... ۶۵
- ۱۳ - ۳. تبریزلی دلریش ..... ۶۶
- ۱۴ - ۳. تبریزلی دلسوز ..... ۶۶
- ۱۵ - ۳. سرابلی عاجز ..... ۶۸
- ۱۶ - ۳. نخجوانلی ملامحمد ..... ۶۹
- ۱۷ - ۳. دربندلی قمری ..... ۶۹
- ۱۸ - ۳. تبریزلی فانی ..... ۶۹
۴. تبریزلی صرافین یاشاییشی و شخصیتی ..... ۷۱
- ۱ - ۴. دؤغوم و اولؤم ایلی ..... ۷۱
- ۲ - ۴. دؤغوم یئری ..... ۷۱
- ۳ - ۴. اوشاقلیغی و گنجلیگی ..... ۷۲
- ۴ - ۴. صرافین شوهرتی و شغلی ..... ۷۲
- ۵ - ۴. آتاسی ..... ۷۳
- ۶ - ۴. صرافین قهری ..... ۷۳
- ۷ - ۴. اوشاقلاری ..... ۷۴
- ۸ - ۴. قارداشلاری ..... ۷۴
- ۹ - ۴. غزللری نین اوخونماسی ..... ۷۴
- ۱۰ - ۴. خیر ایشلر ..... ۷۴
- ۱۱ - ۴. مشروطه‌دن دفاع ..... ۷۵
- ۱۲ - ۴. مخلص شیعه ..... ۷۵
- ۱۳ - ۴. بیلگی ..... ۷۶
- ۱۴ - ۴. موسیقی ..... ۷۶
- ۱۵ - ۴. عرفانی مضمونلار ..... ۷۶
- ۱۶ - ۴. تبریزلی صراف و شیرازی حافظ ..... ۷۷

- ۱۷ - ۴. صائبانه شیوه ..... ۷۷
- ۱۸ - ۴. صرافین ایشلتدیگی عروض اولچؤلری ..... ۷۸
۵. تبریزلی صراف حاققیندا یازیلان شعرلر ..... ۷۹
- ۱ - ۵. محمدعلی صفوت ..... ۷۹
- ۲ - ۵. حاج محمدآقا نخجوانی ..... ۷۹
- ۳ - ۵. تبریزلی میرزا طاهرزاده نقاش ..... ۷۹
- ۴ - ۵. تبریزلی سالک ..... ۸۰
- ۵ - ۵. عسکر شاهی اردبیلی ..... ۸۱
- ۶ - ۵. محمد رنجی تبریزی ..... ۸۱
- ۷ - ۵. تبریزلی مجید صباغ (یالقیز) ..... ۸۲
۶. تبریزلی صراف حاققیندا نشر اولان کتابلار ..... ۸۳
- ۱ - ۶. نورسل اؤزنسل ..... ۸۳
- ۲ - ۶. مجموعه‌ی مقالات ..... ۸۳
- ۳ - ۶. ارمغان آذربایجان ..... ۸۵
- ۴ - ۶. میرعلی منافی ..... ۸۵
- ۵ - ۶. اؤزبه‌گی نادراف ..... ۸۵
۷. تبریزلی صراف و شاعیرلریمیز ..... ۸۶
- ۱ - ۷. صراف و فضولی ..... ۸۶
- ۲ - ۷. صراف و تبریزلی قوسی ..... ۸۷
- ۳ - ۷. صراف و شوری ..... ۸۸
- ۴ - ۷. صراف و علی آقا واحد ..... ۸۹
- ۵ - ۷. صراف و ساغری ..... ۹۱
- ۶ - ۷. صراف و محمد حسین شهریار ..... ۹۲
۸. تبریزلی صرافین اثرلری ..... ۹۳
- ۱ - ۸. قصیده‌لر ..... ۹۳
- ۲ - ۸. غزللر ..... ۹۳
- ۳ - ۸. مرثیه ..... ۹۳
- ۴ - ۸. مسدس ترجیع‌بند ..... ۹۴
- ۵ - ۸. مستزاد ..... ۹۴
- ۶ - ۸. دؤردلؤک (= مربع) ..... ۹۴
- ۷ - ۸. ترجیع‌بند ..... ۹۴
- ۸ - ۸. تازیانه ..... ۹۵

- ۹ - ۸. روباعی ..... ۹۵
- ۱۰ - ۸. نوحه‌لر ..... ۹۵
۹. ادبی بزه‌کلر ..... ۹۶
- ۱ - ۹. سس آهنگی بزه‌گی ..... ۹۶
- ۲ - ۹. قرآن و حدیث تلمیح‌لری ..... ۹۷
- ۳ - ۹. قافیه ..... ۱۰۲
۱۰. تبریزی صرافین شعر دیوانی‌نین چاپ‌لاری ..... ۱۰۳
- ۱ - ۱۰. ایلک چاپ ..... ۱۰۳
- ۲ - ۱۰. میرزا جعفر تبریزی چاپی ..... ۱۰۳
- ۳ - ۱۰. ۱۳۱۳ ش. (تبریز) ..... ۱۰۵
- ۴ - ۱۰. فردوسی کتابخانه‌سی نشرلری ..... ۱۰۵
- ۵ - ۱۰. ۱۳۲۴ ش. عبدالکریم اوغلو حسن هریسی چاپی ..... ۱۰۵
- ۶ - ۱۰. جواد بن محمد علی چاپی ..... ۱۰۵
- ۷ - ۱۰. مصطفوی چاپی (۱۳۳۴ ش.) تهران ..... ۱۰۵
- ۸ - ۱۰. کنگره چاپی (۱۳۸۳) ..... ۱۰۶
- ۹ - ۱۰. بیزیم نشریمیز ..... ۱۱۱
- ایکینجی بۆلۆم. دیوانین متنی ..... ۱۱۳**
۱. قصیده‌لر ..... ۱۱۴
- ای شهریار مملکت اولیا، علی<sup>(ع)</sup> ..... ۱۱۴
- ای جمالی مظهر آیات کبرا، یا علی<sup>(ع)</sup> ..... ۱۱۷
- اتتدیم حسین<sup>(ع)</sup> مزاربنی چوخ ایللر آرزو، ..... ۱۲۱
۲. غزللر ..... ۱۲۳
- ساخلاپ ساقی بلورین جامی سیمین ساقدا، ..... ۱۲۳
- ای شانه، بو گیسوی پریشانه دؤلاشما، ..... ۱۲۵
- صبح اولانجان یاتمادیم، یاندیم رقیبین حالینا، ..... ۱۲۶
- ز بس کی آتش آهیم یانب شراره‌لنیب، ..... ۱۲۷
- او سر زولفؤوه مشاطه پری شانه وپرار، ..... ۱۲۸
- چشم سیه یار، دل پیر ایلن اوینار، ..... ۱۲۹
- قارا گؤزؤنده گؤزل، قصد جان علامتی وار، ..... ۱۳۰
- خلق ایچره وصل مجلسی‌نین گرچی آدی وار، ..... ۱۳۲
- پریشان خاطیریم بیر طره‌ی پُر پیچ [و] تاب ایستر، ..... ۱۳۳
- تیر غمزهن قانیم باتماز- دندیم - یاندان کئچر، ..... ۱۳۴

- وئریب سررشته اهل عشقه بیر سررشته دار آخر،..... ۱۳۵
- آلب ایمانیمی ای نازنینیم! نازنین گؤزلر،..... ۱۳۶
- پریشان ائیلهین احوالیمی آشفته گیسودور،..... ۱۳۷
- ای دل! دئمہ دلدارا دهانین سر مودور،..... ۱۳۸
- صبادان گؤل اؤزؤنده سؤنبؤل زؤلفؤن اسهر تیتیره،..... ۱۳۹
- بو باغ ای باغبان! گؤلزار کوی یارا چؤخ بنزهر،..... ۱۴۰
- نقاش نقش قامت سروین روان چکهر،..... ۱۴۱
- پریوشلر همیشه رسمدیر عشاقه ناز ائیلهر،..... ۱۴۲
- اگرچی رسمدی گؤل عندلییه ناز ائیلهر،..... ۱۴۳
- هئی گوشه ی چشمیلن او شهلا گؤز، ال ائیلهر..... ۱۴۴
- دئیهردیم قامت سروین، قیامتدن علامتدیر،..... ۱۴۵
- جمعیت دل زؤلفده چؤخ عزت ایلن دیر،..... ۱۴۷
- هر کیم خیال زؤلفله زنجیره بسته دیر،..... ۱۴۸
- تؤکؤب عذارا بو مه پاره زؤلف قاره گلیر،..... ۱۴۹
- او تار طره کیم جمعیت عمر دراز بمدیر،..... ۱۵۰
- اگرچی ناز غمزه اول بت طنازه لاز بمدیر،..... ۱۵۱
- بی جا دیگیل چمنده گؤزؤم بؤلبؤل آختاریر،..... ۱۵۲
- گؤز مردمی ز بس اؤزه اشک روان سالیر،..... ۱۵۳
- معشوقه ده چؤن عشوه و ناز اولماسا اولماز،..... ۱۵۴
- تَعَالَى الله نه عارضدیر بئله حؤسن و جمال اولماز،..... ۱۵۵
- بیر رمز ایله یاربیم ائدر اهل دله قاش گؤز،..... ۱۵۶
- گل بیرجه وئر بو بستر غمده سسیمه سس،..... ۱۵۷
- شاد اول رقیب امر ائله وورسونلا طیل [و] کوس،..... ۱۵۸
- بو عشقه پرده چکمه یه چؤخ ائیلهدیم تلاش،..... ۱۵۹
- من جرعه نوش بزم بلا، سن پیاله نوش،..... ۱۶۰
- آلب قراریمی اول نازنین عشوه فروش،..... ۱۶۱
- اسیر ائدیپ منی بیر نکتہ بین دوراندیش،..... ۱۶۲
- ناز ایلن یاربیم گئنه عزم گؤلؤستان ائیلهمیش،..... ۱۶۳
- باش وئردی بنا گوشده چؤن سیزه ی تر خط،..... ۱۶۵
- یاربیم چخادپ خط چؤن ائدیپ شام [و] سحر مشق،..... ۱۶۶
- منی سئودای زؤلفؤن ائیله ییب آشفته، مجنون تک،..... ۱۶۷
- صبا! سالما اؤزه گل طره ی جانانه دن ال چک،..... ۱۶۸
- الدن آلب قراریمی بیر دلبر قشنگ،..... ۱۶۹

- بسدیر هلاک عاشیقا ابروی تیر چنگ، ..... ۱۷۰
- بیر عۆمردۆر سالبدی منی آه [و] زاره دل، ..... ۱۷۱
- چۆن وئردی دل او دلبر نامهربانه دل، ..... ۱۷۳
- خیال دانهی خالینلا دۆلدو خانهی دل، ..... ۱۷۴
- فصل بهاری ایستمه رم بۆلیؤل اولماسام، ..... ۱۷۵
- بدن بۆرجوندا چۆن منزل دوتوب ماه شب افروزوم، ..... ۱۷۶
- گۆزۆم یاشین کۆنؤل قانیله مرجان ائتمه ییم نئیلیم، ..... ۱۷۷
- من آختاردیم، آراشدیم، بیر نگار نازنین تاپدیم، ..... ۱۷۹
- سمند نازه گل باش وئرمه، ای من باشیوا قوریان! ..... ۱۸۰
- هانې بیر اهل درد آگاه اولار راز نهانېمدان، ..... ۱۸۱
- نه بیر یالقوز منم سن آفت صبر و قراریمسان، ..... ۱۸۳
- شیرین سو منه زهردی سن سیز ماتان اوغلان، ..... ۱۸۴
- هرچند درد عشقه دۆشن چۆخدو هیجردن، ..... ۱۸۵
- دیگیلسن باخبر، ای نازنین یاربم! اگر مندن، ..... ۱۸۶
- اله بیر تار مو سالمېش دل دیوانه زۆلفۆندن، ..... ۱۸۸
- گۆستریب خال سیاهین طایر ایمانه، دن، ..... ۱۸۹
- بو آب [و] رنگ ایله جانا، مگر گۆل ترسن، ..... ۱۹۱
- منیم ای مغبجه، سن کعبه و دیر و کشتیمسن، ..... ۱۹۲
- ای تۆرک خطا دیده! مگر لعبت چین سن؟ ..... ۱۹۳
- ای پیمبرزاده! آیا سن مسیحاسان نه سن؟ ..... ۱۹۴
- یاربم اگر دانېشسا لب نیم خند ایلن، ..... ۱۹۵
- تۆکرم ز بس اۆزه گۆز یاشین، گنجه گۆندۆز آه و فغان ایلن، ..... ۱۹۶
- خدنگ نازیله کۆنلۆم قوشون شکار ائله دین، ..... ۱۹۷
- ای جوان، بیر اولاسان یاخشې منی پیر ائله دین. .... ۱۹۸
- بلای عشقه دوتوم ای کۆنؤل! دوام ائله دین، ..... ۱۹۹
- اولوب از بس اۆخ آتماق رسیمنه، جانا! بلد قاشین، ..... ۲۰۰
- نه یالقېز قَدیمی خم قېلمېش آخر خم به خم زۆلفۆن، ..... ۲۰۲
- باشدان چېخبې، ایستیپ دورا قارشې گۆزه، زۆلفۆن، ..... ۲۰۳
- خیال چشم مست یاریلن دل مئی پرست اولدو، ..... ۲۰۴
- من ترک شراب لب یار ائیلهدیم اولدو، ..... ۲۰۵
- وئردیم شکنج زۆلف پریشانه کۆنلۆمۆ، ..... ۲۰۶
- دیلیم یانسین اگر دلدن دئیهم گل ترک ناز ائيله، ..... ۲۰۷
- حقیقتده اگر عاشیقْدې سوز شمع، پروانه، ..... ۲۰۸

- ۲۰۹..... پروانه تک بو مُلکده یوخ آشیان منه،  
 ۲۱۱..... سرلوح حۆسندن خطین ائندی لب اۆستۆنه،  
 ۲۱۲..... طایر دل قۆندو زۆلفِ عنبرافشان اۆستۆنه،  
 ۲۱۳..... ای بالا! ای قوزو! ای شوخ ممه! قوربان گۆزۆنه،  
 ۲۱۴..... اۆز اختیاربمی من وئرمیشم نگار الینه،  
 ۲۱۵..... سالب خیال خطین رخنه دین عیسییه،  
 ۲۱۶..... قسم اؤ کعبه ی رویینده، طاق ابرویه،  
 ۲۱۷..... هر کیمسه بلا ناوکینی جانہ یتتیردی،  
 ۲۱۸..... قدیمی پیوسته قاشبن اگدی چوگان ائیلهدی،  
 ۲۱۹..... گۆزۆم یاشی یودو تۆپراقدان خس و خاری،  
 ۲۲۰..... بیر ساغر ایلن ساقی! مست ائیله بو مخموری،  
 ۲۲۱..... نۆلو بیر دقیقه بو حالیلن، گۆره سئیل اشک روانیمی،  
 ۲۲۲..... ائدییدیر خم، قاشبن فیکری، خمیده طاق ایمانی،  
 ۲۲۴..... قېلسا آزاد او سر زۆلفِ دل اویز منی،  
 ۲۲۵..... قېلیدی سنین مفارقتین باغری قان منی،  
 ۲۲۶..... شرار شمع آهېمدان منیم، پروانه لر یانیدی،  
 ۲۲۷..... نۆلوردو مجلسیمیز بیر دقیقه خلوت اولاییدی،  
 ۲۲۸..... ۳. ترجیع بند  
 ۲۲۸..... منی چرخ فلک آواره قېلیدی خانمانېمدان،  
 ۲۳۱..... ۴. مربعلر  
 ۲۳۱..... قبر پاکین یا حسین! مدّدی وار ایستر کۆنول،  
 ۲۳۴..... گۆزلریم سنسیز تۆکر قان یاش، علی خوش گلیمسن!  
 ۲۳۶..... ۵. مخمسالر  
 ۲۳۶..... دئیشیم بیر گۆنۆم اولسون سنه، ای میرزه جواد!  
 ۲۳۷..... بو نه دیر؟ نه عدلدير، هر لحظه مین بیداد اولور؟  
 ۲۳۸..... ۶. مرثیه  
 ۲۳۸..... قۆیدون منی رباب عجب خورد و خوابدان،  
 ۲۴۰..... ۷. تازیانه  
 ۲۴۰..... مدّدی کی ایرانین ایشی اؤددور، آلاودور،  
 ۲۴۱..... ۸. مستزاد  
 ۲۴۱..... ای ملت اسلام! اویان وقت سحردی،  
 ۲۴۳..... ۹. رباعی

۲۴۳.....	چۇن سالدې منى گۇزدن او گۇل چهره پرى زاد،
۲۴۵.....	<b>اۆچۆنجۆ بۇلۇم. علاوهلر</b>
۲۴۶.....	۱. ادبى بزهكلر
۲۵۹.....	۲. آدلار و جدوللر
۲۵۹.....	۲-۱. آيهلر و عربجه عبارهلر
۲۶۱.....	۲-۲. شخص آدلارې
۲۶۳.....	۲-۳. حيوان و قوشلار آدلارې
۲۶۴.....	۲-۴. يئر آدلارې
۲۶۵.....	۲-۵. بيتگى و گۇل آدلارې
۲۶۶.....	۲-۶. موسيقى اصطلاحلارې
۲۶۷.....	۲-۷. فلسفى و عرفانى اصطلاحلار
۲۶۹.....	۲-۸. داشلار
۲۷۰.....	۲-۹. قىيلهلر و طايغالار
۲۷۱.....	۲-۱۰. كتاب آدلارې
۲۷۲.....	۳. لغت- معنى
۲۷۵.....	۴. قايناقلار
۲۷۷.....	۵. كشف الابيات
۲۹۴.....	۶. وثيقهلر

## جدول آسان خوانی متون ترکی

برای آسان خوانی متون ترکی، برخی تغییرات در نگارش کلمات ترکی و کلمات دخیل عربی و فارسی در این کتاب اعمال کردیم که در جدول‌های زیر نشان می‌دهیم:

### ۱. جدول واک‌نگاری

نشانه‌های واکه‌های ترکی	مثال	معادل حروف لاتین
اَ ، اِ ، اُ ، هَ ، هِ ، هُ	الماق (گرفتن)	A , a
ای ، یِ ، یُ	ال (دست)	Ə, ə
ای ، یِ ، یُ	ایلان (مار)	İ, i
ای ، یِ ، یُ	قیزیل (طلا)	I, ı
اؤ ، وُ ، وُ	سؤل (چپ)	O, o
اؤ ، وُ ، وُ	سۆز (سخن)	Ö, ö
او ، وُ ، وُ	اولدوز (ستاره)	U, u
اؤ ، وُ ، وُ	دۆزمک (چیدن)	Ü, ü
ائ ، ئُ ، ئُ	یئل (باد)	E, e

### ۲. جدول آواک‌نگاری

نشانه‌های آواک‌های ترکی	مثال	معادل حروف لاتین
ب / پ / ب / ب	بوز (بغ)	B, b
پ / پ / پ / پ	اۆپمک (بوسیدن)	P, p
ت / ت / ت / ت	توی (جشن)	T, t
ث / ث / ث / ث	ثریا	S, s
ج / ج / ج / ج	جان	C, c
چ / چ / چ / چ	چاخماق (آتش زنه)	Ç, ç
ح / ح / ح / ح	حوا	H, h
خ / خ / خ / خ	خالیق	X, x
د / د	دائش (سنگ)	D, d
ذ / ذ	ذؤوق	Z, z
ر / ر	بیر (یک)	R, r
ز / ز	زیغ (گل)	Z, z
ژ / ژ	ژاله	J, j
س / س / س / س	سرین (خنک)	S, s



şəhid	Ş, ş	شهید	ش / شـ / شـ / شـ
sidq	S, s	صیدق	ص / صـ / صـ / صـ
zəlalət	Z, z	ضالالت	ض / ضـ / ضـ / ضـ
Tur-e Sina	T, t	طور سینا	ط / طـ
zill	Z, z	ظل	ظ / ظـ
Cə`fər	`	جعفر	ع / عـ / عـ / عـ
bağ	Ğ, ğ	باغ	غ / غـ / غـ / غـ
fəna	F, f	فنا	ف / فـ / فـ / فـ
qaş	Q, q	قاش (ابرو)	ق / قـ / قـ / قـ
kəsmək	K, k	کسمک (بریدن)	ک / کـ / کـ / کـ
gəzmək	G, g	گزمک (گشتن)	گ / گـ / گـ / گـ
diləyim	Y, y	دیله ییم (ارزویم)	ی / یـ / یـ / یـ
lalə	L, l	لاله	ل / لـ / لـ / لـ
miskin	M, m	میسکین	م / مـ / مـ / مـ
incə	N, n	اینجه (ظریف)	ن / نـ / نـ / نـ
vaxt	V, v	واخت (وقت)	و / وـ
hilal	H, h	هیلال	ه / هـ / هـ / هـ
yaban	Y, y	یابان (دشت)	ی / یـ / یـ / یـ

## جدول اختصارات

/	به - با	(ع)	علیه السلام
()	هر جوره ایضاح اوچون	[عر. جـ.]	جمع عربی
۱-۱/۱	بیت اول از قصیده ی اول	فضولی	ارجاع به دیوان ترکی فضولی
(۱.)	اسم	فضولی فا	ارجاع به دیوان فارسی فضولی
(امص.)	اسم مصدر	(فع. مر.)	فعل مرکب
[تر.]	ترکی	(مجـ.)	مجازی
(تر. اض.)	ترکیب اضافی	(مص. مر.)	مصدر مرکب
(تر. وص.)	ترکیب وصفی	[مع.ر. از یو.]	معرب از یونان
(جم. شر.)	جمله ی شرطی	[مع.ر.]	معرب
ش.	شمسی	نسیمی	ارجاع به دیوان نسیمی
ص.	صفحه	هـ.	هجری
صص.	صفحه لَر	هیده جی	ارجاع به دیوان هیده جی
(ص)	صلی الله	واقف	ارجاع به دیوان واقف
(ص.)	صفت	[یو.]	یونان



بىرىخىر بۇلوم:

اۋن سۇز



## ۱. سندلر و قیدلر

حاج رضا صراف حاققېندا، اؤز عصرینده و اوندان سؤنرا یازېلان تذکره‌لرده، بعضی یازېلاردا راست گلیریک. بو زمینه‌ده کئچن عصرده کی عمومی قایناقلار یازانلار آراسېندان، شیخ آقا بزرگ تهرانی،<sup>۱</sup> محمدعلی صفوت تبریزی،<sup>۲</sup> محمدعلی تربیت،<sup>۳</sup> خان بابا مشار،<sup>۴</sup> علی اصغر مجتهدی،<sup>۵</sup> عزیز دولت‌آبادی،<sup>۶</sup> محمد دیهیم<sup>۷</sup> و باشقالارېنی آد آپارماق اؤلار. بونلارېن چؤخو و بونلاردان سؤنرا گلن شرح‌حال یازانلار، صراف حاققېندا وئردیکلری معلوماتی بیرى - بیریندن آلېب تکرار ائتمیشلر.

بئله یاشایېش ییلیم کتابلارېنېن سؤنوجوسو، ۱۳۴۸ - نجی ایلده نشر اؤلان اثر آفرینان کتابې دېر کی یوخابداکې کتابلاردا وئریلن بؤتؤن معلوماتی ۶ - ۵ سطرده خلاصه ائدیب یازېر:

«- صراف تبریزی، حاج رضا (وف. ۱۳۲۵ هـ.)، شاعر، متخلص به صراف، در آغاز به تجارت و سپس به صرافى و در اواخر عمر به بُنکداری اشتغال داشت. وی از دانشوران آذربایجان و مقیم تبریز بود و در همان جا درگذشت. «انجمن ادبی لنکرانی» غالب اوقات در خانه‌ی او تشکیل می‌شد. صراف «دیوان» شعری داشت که

<sup>۱</sup> شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۹، ص ۶۰۶.

<sup>۲</sup> صفوت، محمدعلی. داستان دوستان، صراف ماده‌سی.

<sup>۳</sup> تربیت، محمدعلی. دانشمندان آذربایجان، تهران، ۱۳۱۴، ص ۲۳.

<sup>۴</sup> خان بابا مشار، فهرست مؤلفین کتب چاپی، ج ۳، ص ۱۷۴.

<sup>۵</sup> مجتهدی، مهدی. رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، ج ۶، ص ۱۰۴.

<sup>۶</sup> دولت‌آبادی، عزیز. سخنوران آذربایجان، ص ۴۸۵.

<sup>۷</sup> دیهیم، محمد. تذکره‌ی شعرای آذربایجان، ج ۳، ص ۴۷۹.

پس از وفاتش، پسرانش آن را به طبع رسانیدند. او، در غزل ماهر بود. اثر دیگر وی «تهذیب الاخلاق» است.<sup>۱</sup>

بیزیم عصریمیزده ایسه، اؤنون یاشاییشی، یارادبجیلې و دؤشؤنجه‌لری ایله علاقه‌دار تدقیقاتلار آپارلمیشدیر. ۱۳۸۳ - نجو ایله ده اؤنون اولومونون یوزونجو ایلدؤنؤمؤ مناسبتی ایله تبریزده بیر تۆپلانتی<sup>۲</sup> قورولدو. همین تۆپلانتی دا اشتراک ائدنلر، موضوع ایله ایلگیلی مقاله‌لر و شعرلر یازدیلار.<sup>۳</sup> بعضی نشریه‌لرده صراف اوچون اؤزل ساییلار نشر ائتدیلر.<sup>۴</sup> آشاغیدا الیمیزده اولان یازیلار آراسیندان، یئنی‌لیگی اولان بعضی پارچالاری نقل ائدرک، بو زمینه ده یازی یازانلاری خیر دوعا ایله یاد ائدیریک:

### ۱ - ۱. اسرار تبریزی

صراف ایله بیر عصرده یاشایان و اؤنون هم یئرلیسی اولان اسرار علیشاه تبریزی، اؤنون آدېنی یازدېغی حدیقه‌الشعرا و بهجة‌الشعرا آدلی تذکره‌لرینه سالمیشدیر. بو ایکی کتاب حله‌لیک نشر اولمامیشدیر. او، صراف حاققیندا دئیر:

«از سخن‌سرایان شهر تبریز، اسم مبارکش آقا رضا صراف مشهور به مُشگر در دم بازار امیر دکان صرافى دارد. مولانا از جمله‌ی «بی‌کیفان حسینیّه» شمرده می‌شود. مخفی‌نماید «بی‌کیفان دسته‌ی حسینیّه» کسانی هستند که در زمان دسته‌بندی و سینه‌زن‌گویی چنان که قرار است: [۱] اول بیدق و درفش که علامت مصیبت است از پیش می‌رود. [۲] فرقه‌ی دوم زنجیرزنان، [۳] فرقه‌ی سیم دسته‌ی «بی‌کیفان» است که به گردن سیه انداخته، سر به دوش افکنده، پیشاپیش سینه‌زن‌ها می‌رود هر جا نوحه‌خوانی و رامشگری دسته به عهده‌ی آن‌هاست. مولانا هم داخل سلسله‌ی آن‌هاست. چنان که خودش می‌فرماید،

<sup>۱</sup> نصیری، محمدرضا (زیر نظر). اثر افریتان، زندگینامه‌ی نام‌آوران فرهنگی ایران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۴۰.

<sup>۲</sup> تۆپلانتی: کنگره، همایش.

<sup>۳</sup> صراف سخن (مجموعه‌ی مقالات همایش بزرگداشت یکصدمین سال وفات حاج رضا صراف تبریزی)، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی، تبریز، ۱۳۸۳.

<sup>۴</sup> مجله‌ی ارماغان آذربایجان، سال سوم، ش ۶۰، ۱۶ آذر ۱۳۸۳.

شعر:

آغلایانمادی اؤلنده یا حسین خواهر سنه،  
غم یئمه اوخشار بوگون جمله بو مُشگرلر سنه.

مجملاً در ربط سخن‌گویی بی‌مثل، در قواعد غزل‌سرایی بی‌عدیل، هر شب و روز  
در خانه‌ی یکی از همسران و هم‌زبانان خودش انجمن می‌کردند. در علم رسمیه مثل  
ایهام یا قوافی یا غیر از این‌ها گفتگو می‌کردند. آن بزرگوار دایم گوی تفوق و رجحان  
با چوگان معرفت از میان می‌برد.

شعر:

وصف آن شکری که کلکش داد،  
در زمین چون نبات مشهور است.

... مجملاً از آن بزرگوار اشعار آبدار [و] قصایدات دُرربار در صفحه‌ی روزگار بسیار  
است. لهذا به یک غزل غراً اکتفا خواهد شد.<sup>۱</sup>

## ۲- ۱. محمدعلی صفوت

«در زمان ما کمتر کسی از دانشوران در هشیاری و تیزی ذهن مانند صراف  
بوده‌اند». شادروان رضا صراف مردی بود بسیار خیررسان و بی‌آزار و عاشق پیشه و  
میهن‌دوست.

انجمن ادبی «انکرانی» بیشتر اوقات در منزل صراف تشکیل می‌یافت. آن مرحوم  
از غایت علاقه بر دانش و ادب، برادر خود مرحوم میرزا جعفر معروف به صراف را از  
کسب و کار بازاری منع کرد و به تحصیلات علمی واداشت، تا آن که برای اكمال  
فضل و دانش به عراق عرب روانه‌اش کرد. میرزا جعفر در نجف از محضر شیخ هادی  
تهرانی<sup>قدس سره</sup> استفاده‌ی بسزا نموده، از علمای روشنفکر و دقیق ایران گردید. نگارنده  
تفسیر آیه‌ی نور شیخ مذکور را پیش میرزا جعفر خوانده و فواید بسیار برده [است].

<sup>۱</sup> تبریزی، اسرار. بهجة الشعر، نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مرکزی تبریز.

بالجمله «حاج رضا صراف» از کارمندان انجمن صفا و مستفیدان نزدیک محضر مرحوم لنکرانی بود. دیوان اشعار صراف برای شناساندن مقام ذوقی و ادبی و لطافت عواطف روحی او ناطق فصیحی می‌باشد.<sup>۱</sup>

### ۳ - ۱. سید احمد کسروی

«اسمش حاج رضا است و از خاندانی ثروتمند که در تبریز به کار صراف‌ی اشتغال داشتند، برخاسته است. وی در همین چند ساله‌ی اخیر درگذشت. معروفیت عمده‌ی صراف در غزل است و غزل‌هایش به زبان خاص و عام افتاده است و مردم کوچه و بازار، اغلب اشعار وی را زمزمه می‌کنند. برادر صراف، از علمای معروف تبریز بود و «میرزا جعفر» نام داشت که از شاگردان مرحوم شیخ هادی تهرانی و ساکن نجف بود و در همان جا درگذشت.<sup>۲</sup>»

### ۴ - ۱. اوان زگال

«صراف از مریدان سید عبدالعظیم شیروانی بود که از مدرنیست‌های مسلمان محسوب می‌شد، در حدی پایین‌تر از فضولی قرار دارد و از آن جا که سبکی ساده و عامه فهم دارد، آثارش مورد پسند و اقبال توده‌ی مردم قرار گرفته است. دیوان او، حاوی ۲۵۰۰ بیت شعر است. بخش عمده‌ی این اشعار به ترکی است... مضمون غالب آثار صراف عاشقانه است و مراثی مردم پسندی نیز دارد.<sup>۳</sup>»

### ۵ - ۱. مهدی مجتهدی

«صراف در صنعت غزل ماهر بود. غزلیات ترکی او شیرین‌تر، لطیف‌تر و عاشقانه‌تر از غزلیات میرزا علی اکبر صابر شیروانی و استاد او سید عظیم شیروانی است، اما به پایه‌ی غزل‌های فضولی بغدادی نمی‌رسد. چون این غزل‌ها در زبان

<sup>۱</sup> کسروی، احمد. زبان ترکی در ایران (اللغة التركية فی ایران)، ترجمه: احمد امیرفرهنگی / پرفسور دکتر محمدعلی شهایی، به کوشش رضا همراز تبریزی، تبریز، ۱۳۸۴، ص ۵۴.

<sup>۲</sup> همان، ص ۳۰.

مصطلح تبریز سروده شده است، بیشتر از اشعار فضولی بغدادی زبانزد مردم آذربایجان است، در مجالس انس، هر خواننده از آن غزل‌ها یاد می‌کند. مضامین بکر اشعار او، شخص را به یاد شاه‌بیت‌های صائب تبریزی می‌اندازد. وی گاهی در بیان مطالب مربوط به عشق، چنان به سادگی و لطافت شعر گفته است که می‌توان بعضی غزلیات ترکی او را هم‌ردیف بهترین اشعار عشقی السنه‌ی مختلفه دانست و او را سعدی ترکی سرا نامید.<sup>۱</sup>

## ۶ - ۱. میرزا ابراهیم‌اف

۱۹۸۳ - نجو ایلده میرزا ابراهیم‌اف دؤرد جیلدلیک «جنوبی آذربایجان ادبیاتی آنتولوگیاسی» کتابی‌نین ایکینجی جیلدینه یازدبغی مقدمه‌ده رضا صراف حاققیندا بحث ائتمیشدیر. او، اؤز مقدمه‌سینی صرافین مشهور مستزادی ایله باشلامیشدیر. او دئیر:

«- ۱۹ نجو عصر جنوب آذربایجان پوئزییاسی‌نین گؤرکملی نماینده‌سی رضا صراف مهارتلی سؤز اوستادلربی، دؤوقونون اینجه‌لیگی، سؤزؤن گؤزهللیگی، لطافتین دریندن دویماسی، سیرلرینه بلدچیلیگی ایله سئچیلر. محبتی گؤیدن یئرله یئندیرمیش، گؤزهلریمیزی حرارتله، مهارتله تصویر ائتمیشدیر:

قارا گؤزؤنده، گؤزهل، قصد جان علامتی وار،  
بو جان اؤنوندو، قوی آلسین، منه نه حاجتی وار؟  
زبان حال ایله حالبدان ائتمیشم حالی،  
چوخ اهل خالیدی یاربیم، غریبه حالتی وار.

بیرجه «حال» کلمه‌سی‌نین نئچه دفعه نئچه معنادا ایشلتمه‌سیندن هله صرافین سؤز سحرکاری اؤلدوغونو دئمک اولماز. لاکین بئله حاللار اؤنون اثرلرینده تصادفی و نادر حادثه دگیلدیر:

اؤزؤم سویون اؤزؤم سویوندان اؤترؤ سو کیمی تۆکدؤم،  
خجالتدن سویا دؤندؤم، مئی و میخانه‌لر یاندی.

<sup>۱</sup> مجتهدی، مهدی. رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، ج ۶، ص ۱۰۸.



صراف اونا گۆره سۆزلردن و ایفادهلردن بئله مهارتله استفاده ائدیر، اؤخوجو اۆره گینه  
تأثیر گۆستره بیلیر کی اؤندا درین فیکیر وار، حسیاتی گۆزهل و جوشغوندور. محض بو  
سببدن سۆزلری میرواری کیمی بیر - بیرینین آردینجا دۆزه بیلیر:  
بو سببق سینمه ووردون نه گۆزهل سنگ جفا،  
اؤوین آباد اولما، ویرانه نی تعمیر ائله دین.»

## ۲. گۆرۈشلەر و نظرلەر

### ۱- ۲. ناآرام طبع صاحىبى

«- صراف نىكنام تاجر، اقتدارلىق بىر شاعىر اولدوقدا، خىرخواه و نىك بىن بىر شىخسىت ايدى. حتى قىطلىق زامانى كى مستبدلر يۇللارنى باغلايىپ تىرىزلىلرلىرى آجىلىغا چكىمىشدىلر، صراف بىر نىچە شىخسىتلرلە بىرگە، آرپا - بوغدانى آغىر قىمىتە آلېب، اوجوز و چۇخ واختلار مۇقتە، يۇخسوللار اختىيارىندا قۇيوردو.

مشروطه انقلابى تىزە باشلاناندا، صرافدا آزادلىق سئوھنلر و حرىت پىرىستلر جىرگەسىندە داخىل اولوب، بو يۇلدا مادى و معنوى ياردىملاردان قىزىرقانمايىردى. حتى ائوينىدە برپا اولان ادبى انجمن، بو لحظه لىردە سىياسى و اجتماعى انجمنە چئورىلمىشىدى. صراف طنزى و انتقادى شعر يازماغادا رىغبەت گۇستىرىدى.

اۇنجه صراف مشروطه قىيامىنا تحسىن و نىك بىن نظرلە باخىردى. استبداد هىكلىن زوالدا حس ائدىردى. ۱۳۲۴ھ. - دە مشروطه فرمانى صادر اولاندا سۇنرا يئىندە بىر عدە دون دەگىش مستبدلر و ملت قانۇن سوران عنصرلر، ايش باشىنا گلدىلر. بو ايش صرافىن اۆرەگىنە داغ چكىدى. اۆرەگى بو يۇلدا تۇكۇلن پاك قانلار و قهرمان جوانلارا ياندى. ناآرام طبعى جۇشودو، قلمى بو ساياق جولان ائتدى:

بو نەدىر؟ عدلىدېر، هر لحظه مىن بىداد اولور؟

بو نىجه مشروطه دىر؟ گنتدىكجه استبداد اولور؟<sup>۱</sup>

صرافىن غزللىرى، عمومىتله صمىمى، محتوالى و آخىجى دېر، و بعضى شعرلرى عراقى و هندى سبكى نىن اورتاسى دئىيلىن «آذربايجان سبكى» نى ذھندە تداعى ائدىر:

<sup>۱</sup> همىن كتاب، ۵/۲.

بو امید ایله منیم نخله‌ی عمرۆم قورودو،  
چکه آغوشونا بیر گۆلبن نوخیز منی.<sup>۱</sup>

صرافین غزلرینده طنز و ملاححت کۆلگه سالېب و اؤنو خلق ادبیاتینا دؤغرو چکیر.  
طنزلیرى چؤخ ملامیم و اؤرهک اوخشیان دېر. سؤز چؤخ اوزانا چکمه‌سین دئییه، بو  
زمین ده شاهد گتیرمکدن چکینیرم.»<sup>۲</sup>

## ۲-۲. سلام صلواتلی شاعر

«- تۆرک ادبیاتیندا بیر ده‌گه‌رلی اؤزۆک قاشی کیمی پارلایان رحمتلی تبریزی  
صرافین آدی و شعرلیرى بیر چؤخ ادبیاتچیلارین تانیسی و سیرداشی اولموشدور و بیر  
سیرا بؤیۆک یازېچی و شاعیرلر، صرافلا کئچمیشده اولان اولو شاعیرلریمیزی قیاس  
ااتمیشلر، شعرلرین آچقلامیشلار، یاشاییشین یازمیشلار و ... اما بیر بئله ایشله‌ره  
باخمایاراق، اؤنون ادبی یاشاییشین بیر چؤخ حیصه‌سی هله‌لیک قارانلیق دېر.  
بۆتۆن یازېچی و تذکره‌چیلر صرافین آدینا یتیشرکن، اؤنو سلام صلواتلا یاد  
اتمیش و دؤوقون تحسین ااتمیشلر. آراییب اختاردېغېمیز یازېچیلاردان هئچ بیر  
یازېچی بو شاعیر حاققېندا حۆرمت‌سزلیک ائتمه‌میش و ینری گلیمشکن اؤنو تعریف،  
تمجید ااتمیشلر.

دئمک صرافین شعر سبکی منجه اؤزۆنه عاید بیر سبک و یا یننی بیر فورمادا  
دئسک، تبریز سبکی دیر. دؤزدۆر کی او شعرلرینده فضولی و نباتی‌دن آرتېق تأثیرله‌نیر،  
اما صرافین دیلی ائله‌دیر کی، اؤنو بیر شاعیرله قیاس ااتمک چؤخ چتیندیر. آنجاق  
اؤلسا - اؤلماسا اؤنون شعرلرین اؤز هم‌یئرلی و هم‌شهرلی‌سی ساییلان راجی ایله قیاس  
اتمک بیر حده کیمی مۆمکۆندۆر. اؤدا یالنبز غزللرینده.

<sup>۱</sup> همین کتاب، ۲/۹۰.

<sup>۲</sup> صراف سخن، ص ۳۸ - ۳۵ (یحیی شیدا).

صراف طبعین هر ایکی دیلده ایستر فارسجا ایسترسه آنا دیلینده سبنامبش و بو  
سبناقدان یاخشی و باش اوجا چپخمبشدیر. اونون تۆرکۆ - فارسی شعرلرینده بدیع‌لیک  
و آخېجېلېق هر زاددان اول اۆزمل بیر یئر توتور.<sup>۱</sup>

### ۳-۲. مدرک شاعر

«حاج رضا صرافین یارادېجېلېق یولو» آدلې تتر یازان اۆزییگ نادراف، ۲۰۰۴ - نجۆ ایلده  
اۆز علمی ایشیندن مدافعه ائتمیشدیر. او، اۆز یارادېجېلېغیندا صرافین بدیعی ارثینی ایکی یئره  
بۆلۆر: ۱- دنیوی شعرلر ۲- دینی - فلسفی شعرلر.

او، صرافی اصلینده لیریک شاعیر تانیییر و دئییر کی: «- صراف، فضولی عنعنه آلریندن  
مهارتله و اۆزۆنه خاص شکیلده بهره‌لنن، لاکین تقلیدچیلیک یولوندان اوزاق اولان  
شاعیردیر.» و نتیجه آلبر کی: «- صراف، موضوعوندان آسېلې اولمایارق، هر هانسې بیر غزل  
ایله اوخوجوسونو حیرت‌لندریمه‌گی باجاران بیر صنعتکاردر.»

او، همین اثری‌نین نشر ائتدیگی خلاصه‌سینده دئییر:

«- کلاسیک پوئزیا<sup>۲</sup> مېزدا، خصوصی ایله لیریک<sup>۳</sup> نوعون ژانری<sup>۴</sup> اولان غزللرده بیر  
قایدا اولاراق عشق معنوی اضطرابلا، عاشق اوبرازی<sup>۵</sup> ایسه محنت و عذابلارلا وحدت  
ده وئرلییر. بو جهت صرافین غزللری اۆچۆن ده مقبول حساب ائدیله بیلر.  
معلوم اولدوغو کیمی، عشق غزل ژانری‌نین باشلېجا موضوعودور و عاشیقانه  
موتیولر<sup>۶</sup> غزل ادبیاتیندا اهمیتی یئر توتور.

ژانرین طلبلرینه اوینون اولاراق صرافین دا غزللرینده باشلېجا موضوع محبت و  
عشق‌دیر. لاکن بو اؤدئمک دگیل کی، شاعیر غزللرینده اجتماعی موتیولره

<sup>۱</sup> ارمان آذربایجان، سال سوم، شماره‌ی ۶۰، ۱۶ آذر ۱۳۸۳، صص ۴۶ و ۴۹ (رضا همراز تبریزی).

<sup>۲</sup> عنعنه: سنت و آداب و رسوم.

<sup>۳</sup> پوئزیا: شعر.

<sup>۴</sup> لیریک: تغزلی، غنایی.

<sup>۵</sup> ژانر: نوع، گونه.

<sup>۶</sup> اوبراز: تمثال، صورت.

<sup>۷</sup> موتیو: موضوع.

توخونامیش، یا خود جمعیتین و انسانلارین طالعی ایله باغلی عموم بشری و ملی مسألهلردن یان کئچمیشدیر.

حیاتین دا بللی اولدوغو کیمی، صراف عمرؤ بویو خلق ایچه ریسینده جماعت آراسیندا اولموش، بۆتون سعی و باجاریغنی علم، تحصیل کسب ائتمه گیه، خیرخواهلیغا، بو گون کی آنلامدا گۆتورسک، خیریله چیلیگه صرف ائتمیشدیر. بئله اولان حالدا بو مدرک شاعیرین خلق حیاتینین آجی و آغریلاری، اضطرابلاری ایله سسله شن شعرلر یازماماسی مۆمکن سایلا بیلمز.

غزلرینه صفحه لنمیش اجتماعی مضمونلو فیکرلر ایله یاناشی، شاعیرین صرف اجتماعی مضمون و ماهیت کسب ائدن شعرلری ده واردیر کی اولاردا یاشادیغی ایللرین بو و یا دیگر جهتلری، عین زاماندا اجتماعی حادثه لر باره ده دویغو و دوشونجه لری اؤز عکسینی تاپمیشدیر.

قید ائدک کی صرافین لیریکاسیندا زمانه سی نین آب - هواسی و اجتماعی - سیاسی حادثه لری ده بو و یا دیگر درجه ده عکسینی تاپا بیلیمیشدی. بو جهتدن شاعیرین «دور، وقت سحر دیر» شعرى چوخ خارا کتر<sup>۱</sup> لی دیر. حجم جه چوخ دا بؤیوک اولمایان و لیریکاسیندا خصوصی یئری اولان بو شعر یازبالان کیمی خلق آراسیندا ائله یایلمیش، اجتماعی فیکره ائله تأثیر ائتمیشدیر کی اؤنو تبریزده انگلیس کنسول خاناسی نین قاباغیندا گئیش کۆتله نین نمایش زمانی اؤخوموشدولار<sup>۲</sup>. مستزاد فورماسیندا قلمه آلنمیش شعرین بو ژانریندا یازلماسی تصادفی حال دگیل<sup>۲</sup>.

#### ۴-۲. پاک دویغولار شاعری

«- صرافین دیوانیندا اجتماعی مضمون داشیپان بیر غزلی اولمادیغینی ادعا ائدنلرین نظرینه شاعیرین ائله بو بیرجه بیتینی ده چاتدیرماق کفایت ائدر: صراف نقد شعر داخی خرجه گئتمیری، مین بیتدن مقدم اولوب ایندی بیر فلوس.

<sup>۱</sup> خارا کتر: شخصیت، کاراکتر.

<sup>۲</sup> صراف سخن، ص ۱۳۸ و ۱۳۹ (اؤز بیگ نادر).

بئله حساب اندیرم کی بو بیتده کئچن عصرین بیرینجی یاربسیندا اؤلکهده یاردېمجي انسانلارېن امه گینه، شعره، صنعته، غزله لایقجه قیمت وئريلمه ديگي، کسگين تنقيد اولونور و ائله بونون اؤزؤده همين غزليْن جدي اجتماعي مضمون داشېدېغېنا چؤخ قيمتلي بير ثبوتدور.

عموميتله هر هانسې بير شاعيرين اؤزؤده آرتيق دۇنياسېني دگيشميش صنعتكارين اثرلري قارشېسېندا، اجتماعي طلبلر قويماق، اونو يازدېقلارېنا گؤره قيمتلنديرمه ييب، يازمادېقلارېنا اساساً اتهام ائتمك، بؤيؤك معنوي عدالتسيزليكدور. بئله ليكله ده، صراف بير سؤز اوستادي كيمي هانسې كيفيتلره ماليك دير؟ اونون شعرينده كي اؤزؤنه مخصوص دستخطي نين بارز علامتلي هانسې لاردېر؟

صرافېن، صنعت اونون ياردېجېلېق يولونو بير جؤمله ايله افاده ائتمك سئچيمي قارشېسېندا قالسايدېم، اعتراف اندرديم كي او هر شئيدن اول پاك دويغولار، ظريف فيكرلر، سؤگي و محبت شاعيري دير.

صرافېن ارثي نى تكرار - تكرار دقتله نظردن كئچيرديكجه اؤره كدن اينانېرسان كي اونون اثرلري فولكلور<sup>۱</sup> دان، كلاسيك آذربايجان و ياخېن شرق پوئزياسې نېن قايناقلارېندان خصوصاً فضولي چشمه سى نين ديرليك سويوندان ايچميش او بؤيؤك قلب شاعيري نين تۆركجه ديواني ايسه هميشه بو تبريز ائولادي نېن گؤز قاباغېندا اؤلموشدور.<sup>۲</sup>

## ۵-۲. دۇغما ديلينه مسلط شاعر

«- صرافېن غزللرينده تصوير اولونان عاشيق هيجرانا متانتله دؤزمه گي باجاران، سؤگي سى يولوندا حياتېندان بئله كئچمه گه حاضېر اولان فداكار بير انسان دېر. اونون معنوي دۇنياسېندا عشق حاكمليك اندير. اؤدور كي اؤته ري، كئچيمجي دۇنيا عاشېق فيكريني مشغول ائتمير. آرزوسو وصاله قووشماق اولان بو انسانېن گؤزلري حياتېن،

<sup>۱</sup> فولكلور: شفاهي ادبيات.

<sup>۲</sup> همان، ص ۵۲ (بکیر نی اف).

خلقتین گۆزه‌لیکلرینی آختارپر. اوجا خالقین انسانلار اوچون یاراتدیغی بو عالمده هر شیئین متناسبلیک اؤستۆنده خلق اولوندوغونو گۆرۆر. وصال - هیجران، نشئه - غم شاعیرین یارادبجیلېغېندا بیرری دیگرینی تماملایان و اکثر مقاملاردا قوشا ترنم اولونان حسلردیر. شاعیر محبت عالمی‌نین بیر اینجلیجه دگیل، فضیلت، کامل‌لیک مقامی اولدوغونو و انسانی داخلاً تمیزله‌دیگینی الوان بدییی بویالارلار تصویر ائدیر. اونون استفاده ائتدیگی تصویر واسطه‌لری ده موضوعاً اويعون اولاراق بؤيۆك مهارتله سئچيلمیشدیر.

معلوماتور کی کلاسیک ادبیاتدا مجنون، فرهاد، وامق، صنعان آدلاری فداکار عاشقلار کیمی دئمک اولار کی اکثر شاعیرلرین یارادبجیلېغېندا وصف اولونموشدور. بعضی‌لری اؤزلرینی اؤنالار بنزه‌تمیش، بونولادا محبت عالمینده فداکارلیقلا چالشمیشلار. لاکن صراف بؤيۆك سلفی فضولی کیمی فرهاددان، مجنوندان، صنعاندان داها صادق بیر عاشق اولدوغونو مختلف بیتلرینده بئله افاده ائتمیشدیر:

فرهاد آدې دفتر عشاقدا یازمېن،  
 وار شۆهرتی عالمده، ولی صنعت ایلن‌دیر.  
 مجنونه دئیین: «اولما دد و دام ایله مأنوس،  
 انسان آدې انساندا انسیت ایلن‌دیر.  
 بیر دایره‌ی عشقده صنعانی بگه‌ندیم،  
 صد حئیف، اونون عشقی‌ده بیر عورت ایلن‌دیر.

دیل صرافین الینده گۆجلۆ بیر سلاح‌دیر. اثرلریندن گۆرۆتۆر کی او، دؤغما دیلینین بۆتۆن اینجه‌لیکلرینه مسلط‌دیر. سۆزۆ یاخشې معنادا اؤینادا بیلیمک، سۆزدن سۆز چپخارماق، سۆزۆ بیر نئجه معنا ایله عین زاماندا یۆکلەیه بیلیمک، صراف یارادبجیلېغېنا خاص اولان علامتلردن‌دیر.

آشاغېداکی بیئتله بو جهت‌دن نظر سالماق کفایت‌دیر:  
 نقاش نقش قامت سروین روان چکەر،  
 اما یئتەر دؤداغېوا چکدیکجه جان چکەر.

بئیتین بیرینجی مصراعیندا «چکمک» فعلی رسم ائتمک معناسیندادیرسا، ایکینجی  
بئیتده اؤلکمک، جان وئرمک آنلامیندادیر.  
گۆز حلقه سینده گۆردۆ خدنگین، دئدی: «- کۆنۆل،  
قانلینې، قان آياغينا آخرده قان چکەر.»

بو بئیتده «چکمک» سۆزۆ «توتماق» معناسینې، آشاغېداکی بئیتده ایسه  
«وورماق» معناسینې بیلدیریر:  
خنجر چکەر دئیلله گۆزۆن گۆز امیری تک،  
گۆز یولدا قالمېشام، گۆره سن بس هاچان چکەر.<sup>۱</sup>

## ۶- ۲. ماهر اۆز گۆنچۆ

«اگر بیز شعرې، عقل دریاسې نېن مروارېدې، شاعیری ایسه همین مروارېدې تاپان  
ماهیر اۆز گۆنچۆ کیمی قبول ائتسک بو جهتدن حاجی رضا صراف اۆز دؤورۆنده غزل  
شاعیرلری ایچریسینده بیرینجی یئر قازانا بیلر. باشقا غزل شاعیرلرینده اولدوغو کیمی  
عشق، محبت، شراب و ساقی صراف غزللری نین ده باش لیریک صورتلری و  
موضوعودور. انسان محبتی، عاشیق و معشوق مناسبتلری، بونولا علاقه دار میدانا  
گلن سئوینج و اضطرابلار شاعیرین غزللرینده چوخ مهارتله قلمه آلېنمېشدير. اؤ پروانه  
کیمی عشق اهلې نین اودا یانماسېنې چوخ طبیعی بیر حال حساب ائدیر، غزللریندن  
بیرینده پروانه سۆزۆنۆ جناس ایشله دره ک یازېر:  
حقیقتده اگر عاشیقدير سوز شمع پروانه،  
قویون یانسېن، بو یانماقلېدا اهل عشقه پروانه؟

یا خود باشقا بیر غزلینده دئیر:  
گۆزۆم یاشېن، کۆنۆل قانيله الوان ائتمه ییم، نئيله ییم؟

<sup>۱</sup> صراف سخن، ص ۵۹ - ۵۷ (حافظ آبی اف).



بو آغ دُری شیه لعل و مرجان ائتمه ییم، نئیه ییم؟  
 قورولموش نئی کیمی هر بند بندیمدن چبخار ناله،  
 اسیر درد عشقم آه و افغان ائتمه ییم، نئیه ییم؟

صراف معشوقونون داش اوره کلی اولماسینې و بو داش اوره کدن اونون حیات  
 چشمه سی نین آخدیغینې، اؤز سؤگی سی نین اونا آراجیق قایغی، لطف و مرحمت  
 گؤسترمه سی قارشېسېندا بۆتۆن وارلېغېندا ائتمه گه حاضر اولدوغونو یوکسک بدیعی  
 لوحه ده تصویر ائتمیشدیر کی، بئله نادر اینجی یه غزل ادبیاتېندا چوخ آز تصادف ائتمک  
 اولار:

بلورین سینه ی صاف ایچره وار بیر داش کیمی قلبین،  
 حیاتیم چشمه سی، باغېندا سنگین داشېوا قوربان.  
 اگر صرافه بیر خشخاش قدرینجه اول لطفون،  
 کفایتدیر هامی تقدیم او بیر خشخاشېوا قوربان.

صراف اؤز غزل لرینده معشوقوندا آیرې دؤشۆب عُمرۆ بویو اونون آردېنجا  
 گئتدیکیندن اوندان هئچ بیر نیشان تاپمادېغېندان شکایتلنهرک یازېر:  
 هانی بیر اهل درد، آگاه اول راز نهانېمدان،  
 وئره دؤغرو نیشان معشوق بی نام / و / نیشانېمدان؟  
 دل و دلبردن اوترؤ اهل دل آردېنجا چوخ دؤشدۆم،  
 نه بیر دلدن سوراغ آلدېم، نه یار دلستانېمدان.

یاخشې دئییلر کی: «اصل شعر اودور کی اوره کدن قالخا.» بو دؤداقد و فیکری  
 سؤزۆن اصل معناسېندا صراف یارادېجېلېغېنا عاید ائتمک اولار:  
 نقاش سرو قامتی سروین روان چکهر،  
 اما یئتهر دؤداغېنا چکدیکجه جان چکهر.

صرافین عشقی حقیقی انسانی عشقیدیر. او، اؤز غزلرینده محبت صحراسی نېن  
صاف و تمیز عاشقی اولماغی تبلیغ ائدیر. صراف فضولی داوامچیسی کیمی دیوانه  
آدلاندیریلدېغېندان قورخمور. مجنون لیلی نین عشقینده چؤلرله دوشموشسه، اودا  
شهرده عشق روسواسی اولدوغونو اظهار ائدیر:  
من محبت چؤلونون عاشیق سرگشته سییم،  
نؤلا دیوانه بیله مردم تبریز منی.

صراف عشق و محبت یولوندا روسوا اولماغی اؤزونه اساس آمال و آرزو کیمی  
حساب ائدیر. اؤز معشوقی ایله همسر، هم درد اولدوغو گؤنلری بۆتون چتین لیک  
محرومیتلره باخمایاراق اؤزؤن ان خوش گؤنلری حساب ائدیر:  
خوشا! جانانین هم درد و هم راز اولدوغوم گؤنلر،  
سر کویوندا ایتلرین هم آواز اولدوغوم گؤنلر.  
ایمده، تار زلفؤ قصه پرداز اولدوغوم گؤنلر،  
کۆنؤلده، نار عشقی سوزیلن ساز اولدوغوم گؤنلر.

صرافین غزلرینده عشق اجتماعی مضمونا مالیکدیر. او، اؤز لیلی سینی ائله بیر  
خۆسن و جمال صاحبی کیمی تصویر ائدیر کی، اونون خۆسنونون شعاعیندان مجنونلا  
بۆتون عاشیقلار فایدا لانیبر. بونا گۆره ده صراف مجنونون چؤلرله دوشوب یوردسوز،  
یوواسیز قالماسینی اؤز عشقی قارشېسېندا ساده بیر حادثه حساب ائدرهک یازېر:  
شرار شمع آهېمدان منیم، پروانه لر یاندې،  
اؤزؤم یاندېم، کۆل اولدوم، سھلدر، بیگانه لر یاندې.  
دئیین مجنون بی بی خانمان اولماق لېغېن قدرین،  
شعاع خۆسن لیلادان سراسر خانه لر یاندې.

باشقا بیر غزلینده صراف آهې نین اودونو سما جیسملرله علاقه لندیرن بیر غزلده  
تصادف ائتمه دیگیمیز بیر شکلیده تصویر ائدیر:

ز بس کی آتش آهیم یانپ شراره‌لہ نیب،  
یئتیبیدی چرخه، اؤدور، چرخ اؤزؤ ستاره‌لہ نیب.<sup>۱</sup>

## ۷-۲. سؤگی شاعری

« صراف یاراتدبغی غزلده، مختلف اجتماعی مسئله‌لره دؤلاشیر و غزللرین  
آراسیندا ایهام و ایشاره ایله اؤلکه‌نین فنا حالیندا یاشاماسینا و مملکتین نظامی پوزولوب  
و باشسبز قالماسینا ایشاره ائدیر:

ائدییدیر باغرمی قان لبلرین، قوی بیر ایچیم قانین،  
بو باشسبز مملکتده، قانیم قان ائتمه‌ییم، نئیه‌ییم؟

صراف جامعه‌ده علمه، صنعته، شعره اهمیت وئریمه‌دیگینی و پولون حاکیم بیر  
رول ایفا ائتمه‌سینی آچیق و آیدین گؤرؤر. او، اؤزونه خطاباً بو باره‌ده بئله سؤیله‌ییر:  
صراف، نقد شعری داخی خرجه گئتمیری،  
مین بئیتدن مقدم اولوب ایندی بیر فلوس.

صراف سؤیله‌دیگی غزللرده، یئری گل‌دیگجه، زاهیدنمالارې افشاء ائدیر. او،  
گؤستریر کی، بونلارین ائتدیکلری عبادت بیر معامله‌یه بنزه‌ییر. اؤنلار، تانرېدان بو  
عبادتلر قارشېسیندا محشرده مین - مین حوری طلب ائدیرلر:  
تسبیح کیمی زاهید اؤرادا مقیددیر،  
ایستر آلا محشرده، هر وردینه بیر حوری.

صراف توتدوغو و گئتدیگی یولدا ثابت قدمدیر. او، حقیقی بیر عشق دالینجا گئدیر  
و بو یولدا قاباغیندا دوران مانعلره و یا خود دالینجا دئیلن افترالارا اصلا اهمیت وئریمیر.  
او، بو خصوصدا بئله سؤیله‌ییر:

<sup>۱</sup> ارمان آذربایجان، ص ۵۴ (حسین جدی تبریزی).

بانگ نوشانوش کیم میخانه سمتیندن گلیر،  
اهل زهدون وئرمیرم بیهوده قیل و قالبنا.

صراف دئییر هر کیم منیم باره مدله هر جوره فیکر اندیر قوی ائتسین. منیم هئچ بیر  
فرقه یه تعلقوم یوخدور. آنجاق بو مدعیلر بؤیوک بیر یالان اویدورورلار:  
بیلمز نه دیر کۆنۆلدله کی منظور و مطلبیم،  
هر فرقه ظنّ بدلن اندر بیر گمان منه.  
نه جبری یم، نه صوفی، نه قشری، نه وحدتی،  
ای مدعی! اوتان دئمه فاحش یالان منه.

صراف اؤز دوزلو یاراتدېغی بدیعی غزلرینده، خلق یارادېچیلېغېن دان مهارتله  
استفاده ائدیپ:

عئیییم آچیلدی، ایندی کی اۆلدوم گۆنۆ قارا،  
دور گل قوجا قلاشاق قارادان اۆزگه یوخدو رنگ.

و یا خود:

کۆنۆل بسدیر، گۆزه لدن ال گۆتۆر گۆز، هرزه گرد اۆلما،  
سنی هر یئرده خرمن گۆردۆم، اورددا خوشه چین تاپدېم.

صراف، عشقه، سۆگی یه بؤیوک اهمیت وئیریر و حیاتبین اوندان قانیر. صرافا گۆره،  
عۆمۆر، یالنیز سۆگی ده اۆزۆنه معنا و اعتبار تاپیر. اؤ، سۆگیسیر یاشایېشی اعتبارسیر و  
عزتسیر یاشاماق حساب ائدیر.

غلط سۆزدور دئییه هر کیمسه عُمَره اعتبار اۆلماز،  
منیم عُمَرۆم، گۆزۆم سن، عزتیم سن، اعتبار پمسان.  
ایکی دۇنیایا وئرمه م بیر سر موپون سنین آخر،

قارا گۆزلۆ، گۆن اۆزلۆ، دادلی، دوزلو بیر نگاریمسان.»<sup>۱</sup>

## ۸- ۲. آزاده‌لیک جارچپسی

«- صراف خیرییه ایشلرینده دائماً قاباقجیل و خلق ایچینده حۆرمتملی بیر شخصیت صاحبی ایدی. همیشه جماعتله اولوب، ائل ایله یاشاییب، ائل غمیندن غملی، ائل شادلېغیندان سۆنییب، تأسف کی صرافین حیاتی تبریزلیلرین غم و فلاکتلی دؤورۆنه دۆشۆب اهالی نېن چۆخو الی قوینوندا ایشسیزلیکله یۆخسوللوق بیر یئرده، ظۆلم و استبدادین آغزېندان اۆد یاغېر:

رقیبی قویمارام عالمده راحت اگیلسین،  
اؤ قدر آه و فغان ائیلهرم کی زاره گلیر.

مشروطه حرکتی نېن اساس یۆکۆ آذربایجانېن شرفلی ضیالېلاری چيگیننده ایدی. اؤ جۆمله دن شرفلی شاعیرلر چۆخو خلقی مبارزه یه چاغېرېر، بو مهم و اؤنملی ایشده چۆخلاری قلملرینی مستقیم تۆفنگله ده گیشیرلر. بیر سیراسی دا حق و آزاده‌لیک جارچپسی اولور. بو حق حقیقته دایانان مبارزه دن بیر آن بئله چکیمه ییر. صراف دا بو یۆلدا خلقی ایللرین یوخوسوندا اویاتماغا چالېشېر. اۆزۆ میرزه علی اکبر صابرله معاصر اولدوغو حالداکی البته اؤ زامان هله هوبه وپ نامه چاپ اولمامېشدی و خلق ایچینده یایېلمامېشدی. اما یئنه ده بو حرکت صابرانه بیر حرکت دئسک ده صراف قاباقجیل اؤلا بیلر. چۆنکۆ میرزه علی اکبر صابر ۱۸۶۲ ده دؤغولوب اما صراف ۱۸۵۰ - نجۆ ایلده دؤغولوب. الیمیزده اولان هوبه وپ نامه بئش ایل ایچینده یعنی ۱۹۰۶ دان ۱۹۱۱ قده یازېلېب. بئله‌لیکله صراف طنزده هم صابر دن همده شېستری معجزدن اؤنجه یازېب. اما هر اۆچ شاعیریمیز هر هانسی نېن اۆزۆنه خاص پارلاق یئری وار. بیزه بللی اولان بودور کی صرافین هم طنزی، هم نوحه و مرثیه‌سی، هم قصیده و غزللری چۆخ گۆزهل معنلار داشېیان آیدېن و پارلاقدر و بو دؤرد سبکده یازېلمېش صراف شعرلری

<sup>۱</sup> صراف سخن، صص ۱۵۹ - ۱۵۷ (عزیز محسنی).

هم اؤز زامانیندا یازیب - یارادان شاعیرلره، هم ده اؤزؤندن سؤنرا گلەن شاعیرلره  
مثبت، گؤزەل و یاخشې تأثیر قویوب.<sup>۱</sup>

## ۹-۲. عنعنوی صورتلر شاعری

«- صرافین شعرلرینده توتوملو، معنالی افاده‌لی عنعنوی صورتلره باغلی اؤلوب،  
اسلام دینی تاریخینده مشهور حادثه‌لری یادا سالان، امام علی بن ابی طالبین حیاتی و  
شخصیتینی یوکسلدن مقاملاری دا اؤزه چپخارپر.  
شاعیر، امام علی<sup>(ع)</sup> قدرتی نی صنعت میدانینا گتیره‌رک اؤزؤنه باغلانمیش امید  
قاپسې آچماق اؤچون اوندان امداد ایسته‌ییر:  
در امید اؤلوب صرافا هر بیر سمتدن بسته،  
علی<sup>(ع)</sup> تک فاتح خیبر، الین فتح باب ایستر.

سؤگیلی سینی بشر اولادی مثالیندا عمومیلشدیرن شاعیر اؤنو یوکسلتمک اؤچون  
عنعنوی صورتلردن استفاده ائدیر و معلوم بدیعی افاده واسطه‌لرینی اؤنون وارلېغین  
عالی نمونه‌سی مقامیندا گؤرؤر.

صرافین غزللرینده بدیعی سؤزؤن مهم قایناغې، شعر امک‌انلاری گئنیش اؤلان  
دوغما دیلی نین زنگین افاده‌لری و بؤیوک شعر عنعنه‌لرینه مالیک زنگین ادبیاتلاردیر.  
بونولا یاناشې مسلمان خلقلری نین ادبیاتیندا مشاهیده ائدیلن قرآنین آیه و افاده‌لرینه  
بدیعی اشاره‌لرده اؤزؤنه یئر تاپیر.

شاعیرین غزل یارادبجیلېغیندا عنعنه‌دن گلەن کلاسیک شعره مخصوص بدیعی  
افاده واسطه‌لریندن یئرلی - یئرینده و یارادبجی شکیلده استفاده ائدیلمیشدیر.  
اؤنون شعرلرینده ایشلتدیگی تجنیس، جناس، تشبیه، تکریر بوللوغو هر بیر  
بئیتده کی بیتگین مضمونا خصوصی بیر رونق وئرمکله شعریتی گؤزەلشدیریر.

صرافین غزللرینه عنعنه ایله معاصرلیک بیرلشمیش، دؤرؤن سجه‌سینی وئرن  
بعضی چیزگی لر نظمه داخل ائدیلمیشدیر. کلاسیک غزل یارادبجیلېغیندا معشوقه‌نین

<sup>۱</sup> همان، صص ۱۵۱ و ۱۵۲ (حسین مجیدزاده ساوالان).

ظاهیری تصویرینده عرب الفباسی نین حرفلرینه بنزه تمهیه چوخ تصادف ائدیلیر. صرافدا  
دا بونو گورمک چتین دگیل. مثلاً:

الف دیر کیپرگیین، ها حلقه چشمین، لام کج زولفون،  
بیله الله، بیر الله اوچون، لازیمدی مد قاشین.

یا خود:

شیرینلیک عبارتدی سنین شهید لبیندن،  
یوخ، یوخ، سن او شکرده اولان نقطه‌لی شین سن.

شاعیر غزلده یاشادبعی دؤورون گئچک حیاتی ایله سسله‌شن اوغورلو مقاملار  
یارادا بیلیمشدیر. بو باخمیدان بیئت داخیلینده عین معنا وئرن آذربایجان، عرب و فارس  
سؤزلری نین ایشله‌دیلمه‌سینده مؤلفین اوغورلاری چوخدور. بونو بیر سیرا نمونه‌لرده  
گورمک اولار:

آلب کؤنلوم آپاردی گؤزلرین، ای گؤزلریم نورو،  
شکار شیر اندر آهوی چشمین عین جادودور.<sup>۱</sup>

## ۱۰ - ۲. آرایه‌پرداز هنرمند

«- بهره‌مندی حاج رضا صراف تبریزی از آرایش‌های سخن هنرمندانه است و به  
طور استادانه از فنون بیان و مخصوصاً بدیع استفاده کرده است که حسن تعلیل‌های  
بی‌نظیر و واج‌آرایی‌های گوش‌نواز و هزل و مطایبه‌های فرح‌بخش و مراعات نظیرهای  
مرتب و تلمیحات بجا در اشعارش بر آن ادعا صحه می‌گذارد.

در بررسی دیوان صراف به آرایه‌های ادبی زیادی از قبیل: تشبیه، استعاره، مجاز،  
براعت مطلع، براعت مقطع، براعت استهلال، اسلوب معادله، عقد، مذهب کلامی،  
تجاهل العارف، تمثیل، ارسال المثل، طباق و مقابله، عکس، رجوع، مراجعه، لف و نشر،  
هزل و مطایبه، حس آمیزی، تنسیق الصفات، تشخیص، تلمیح، ایهام، تتابع اضافات،

<sup>۱</sup> همان، صص ۱۴۶ - ۱۴۳ (امام و نردی حمیداف).

مبالغه، ترادفات لفظی، حسن تعلیل، واج‌آرایی و تشابهات برخورد می‌کنیم که به طور استادانه مستفاد گشته‌اند. اگرچه مواردی نیز از قبیل موازنه، ردالعجزالی الصدر، تضمین و اقتباس به ندرت دیده می‌شوند.<sup>۱</sup>

## ۱۱ - ۲. لطیف نوحه‌لر یازان

«- حاج رضا صرافین نوحه و مرثیه شعرلری، قصیده‌لری، غزللری و ترجیع‌بندی کیمی محسنات لفظی و معنوی و آیرې شعر صنع‌لری‌نین بزه‌کلریله بزه‌کله‌نیب و یاتیم‌لې زبان حال‌لار سلسبیل آسا سرچشمه طبعینه چنلی چؤلره آخب و چاغلایان چاپ‌لار وجودا گتیریب، قانلی لاله‌لر بیتیریب، و ترنم‌لری سبب اولوب حضرت حسینین عزرا مجلسلرین رونق‌لندیریب بو زبان حال‌لاری ائله لطف‌تیله، مهارتیله یازیب اصل موضوع یاراشعبین و حقیقتین ساخلاشدیریدیر. اونلاردان بیر سی شام غریبان نوحه‌سی‌دیر کی حضرت زهرا(س) دیلینجه بالاسی مظلوم حسین یازیب، بیر هنر نشان وئریب کی مرور زمانیه کهنله‌نیب و کهنله‌مییه‌جک‌دیر. او زبان‌حال بئله‌دیر:

ای نور عینیم، منزل مبارک!

بی‌کس حسینمی، منزل مبارک!

تۆرک و فارس ادبیات ساحه‌سینده شاعیرلریمیزین اکثری سیر و سلوک عرفاندا قرار تاپیدیلار. بونلارین بیر عده‌سی حدود شرعدن آیاق کنارا قویما‌ییب معنویتده شراب طهور شرابنا کی شرعی اصطلاحی علم‌الیقین‌دیر، قانع اولوب ربانی عارف آدلانیدیلار.

صرافین عرفان عالمینده سیر و سلوک ائتمه‌سی نه حد‌دیر؟ آثاری حاکی‌دیر کی بو شاعیر ربانی عارف‌دیر، اؤزؤن و سؤزؤن انحراف‌لاردان چوخ قورویوب‌دور. ایسته‌سک شاعیرلردن بو عارف شاعیرین مشرب حیثیندن قرینه‌سینده قرار وئرک تقریباً خاقانی‌ده و تبریزی قوسی‌ده، نظامی گنجوی‌ده و نوحه و مرثیه یازان شاعیرلرده الیمیز بند

<sup>۱</sup> همان، ص ۸۸ (داود رضایی).



اؤلا بیلر. بو سببه صرافین غزللرینین مقایسه‌سی وحدت وجودی شاعیرلرین آثاربله قیاس مع‌الفارق دیر.

بو سؤز منیم اؤز سؤزؤمدور تورک و فارس ادبیاتیندا وحدت وجودا معتقد اؤلان شاعیرلرین آثاری حذف اولسا یئرینده بیرزاد قالماز. غزلی اعلا درجه‌ده قرار وئرن وحدت وجودی شاعیرلرده، عین حالدا صراف وحدت وجودی مسلک دگیل. عارف ربانی اولدوقدا غزللرینده گؤجلو هؤنر نیشان وئریدیر کی لطافتلری و جذابیترلری لباس معرفتیه ملبس اولدوقدا وحدت وجودی شاعیرلرین آثاربندان دالی قالان دگیل.<sup>۱</sup>

## ۱۲ - ۲. عاشق محبوب

«... حاج رضا صراف تبریزی هم جزء یکی از این انسان‌های عاشق است که با عشق همین موهبت الهی مانند شاعران دیگر، راز و نیازها و نجواهای عاشقانه‌ی خود را شروع می‌کند. از سوز فراق، درد هجران، از فراز و نشیب راه عشق و مخاطرات آن، شیرینی و تلخی، وصل و هجران و در کل از احساسات درونی خویش و شوق وصال یار سخن می‌راند و در تمامی این‌ها روی سخن با معشوقه‌ی خویش «خیالی یا حقیقی» دارد و بهترین لحظه‌ی عمر خود را همانا هم‌صحبتی و همدم بودن با معشوق می‌داند:

خوشا! جانانیلین مشغول صحبت اولدوغوم ساعت،  
اگر عمرؤمده بیر ساعت حساب اولسا او ساعتدیر.

و چنان محو عشق‌بازی با دلداده‌ی خویش است که هیچ ابایی از این که مردم او را دیوانه لقب بدهند، ندارد. چرا که در قاموس عاشقان، جنون و از خود بی‌خود شدن حرف اول را می‌زند:

من محبت چؤلونون عاشق سرگشته‌سی‌یم،  
بیلسه دیوانه نولور مردم تبریز منی.

<sup>۱</sup> همان، صص ۱۰۵ و ۱۰۷ (موسی هریسی‌نژاد).

و حتی در جایی خطاب به معشوق زمینی‌اش، که کبوتر دل او را چون صیادی  
 شکار کرده، سوز درد و هجر را با دل و جان‌ش آشنا و دردهای پنهانش را برملا ساخته  
 است، فنون شعری و قدرت شاعری خویش را از معشوق می‌داند و با او، با زبان  
 تشکرآمیزی سخن می‌گوید و این همان جمله‌ی معروف «شعر زبان عشق است.» را  
 بیان و آمیختگی هنر با عشق را نشان می‌دهد:  
 خدنگ نازیلہ کؤنلؤم قوشون شکار ائله‌دین،  
 کؤنؤلدہ گیزلین اولان سیرری آشکار ائله‌دین.

البته عشقی که صراف از آن سخن می‌گوید و آن را می‌ستاید، عشقی پاک و به  
 دور از هر گونه آلودگی است، اگر خلوت با معشوق را می‌خواهد. به شرطی که حجب  
 و حیا هم آنجا باشد:

نؤلوردو مجلسیمیز بیر دقیقه خلوت اولایدی،  
 دئییب دانیشماغا جانان ایلن فراغت اولایدی.

اونون جمالبدیر عشق اهلینه اندر جیلوه،  
 وگرنه شاهی نجه دستگیر اندر درویش.  
 جمال بیردیر اگر گؤزده اولمویا پرده،  
 باخار گؤره هامی یئرده نگاری پیشاپیش.

بنابراین وی در طی طریق عشق، با تمام سختی‌ها و مخاطراتی که در راه عشق  
 است، به جایی می‌رسد که می‌گوید:  
 هر کیمده عشق اولای ائده‌جک جیلوه حؤسن دوست،  
 عشقین همیشه حؤسنیله بیر اتحادی وار.

و این چنین دل عاشق جلوه گاه جمال حضرت دوست و چشم او، خدای بین می شود  
و برای رسیدن به این مرحله، عاشق واقعی هم چنان که دیده ی سر را به بد دیدن  
نیالوده است، دیده ی دل را هم باید باز کند:  
بصیرت اهلی گؤره ر یاری اؤزگه ایلن،  
بو گؤز اؤنو گؤره بیلمز نه قدر ائده تفتیش.<sup>۱</sup>

### ۱۳ - ۲. ساده دیله مالک

«- حاج رضا صراف تبریزی اؤز تۆن سادّه دیله و سۆن درجه غم - حزن ایله  
افاده ائتدیگی مرثیه و نوحه لری ایله نه اینکی تبریزده حتی ایران آذربایجانین باشا  
باشبندا و اوجقار اؤلکه لرده او جۆمله دن داغستاندا آدی دیلر ازبری اولموشدور.  
سینه زنلری و نوحه لری چوخ آز بیر مدت عرضینده خلق طرفیندن ازبرلنمیش و سینه  
به سینه مختلف یئرلره داشبنمیشدیر. صراف بلکه بیرینجی شاعیرلردن دیر کی، نوحه  
ادبیاتینې مرکب و غلیظ افاده لرده اوزاقلاشدیرمیشدیر. اؤنون مشهور اولماسې و خلق  
طرفیندن خوش قارشېلانماغې دا محض دیلی نین ساده لیگی و نوحه لری نین مضمونجا  
یارالې و کؤیره لدیجی عبارت و افاده لرله دۆلو اولدوغوندان ایره لی گلیر.  
دوغرودان دا اگر صرافین دیلی نین ساده لیگینی خلق دیلینه داها یاخېنلېغې خلق  
طرفیندن رغبتله قارشېلانېب ازبرلنمه سینی و بونولا مرثیه ادبیاتیندا گئیش و درین  
تأثیر بوراخدېغې نظره آلا راق ادعا ائتسک کی، صراف مرثیه ادبیاتیمیزدا دا یئنی بیر  
مرحله نین یارانماسېنا سبب اولدو، هئچده غلو ائتمه میشیک.  
بیز اؤنون هر هانسی بیر سینه زیننی گؤتۆرسک گؤره ریک کی، حقیقتاً فورما،  
مضمون و آهنگ باخېمدان بیر یئنی لیگه صاحبدیر.»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> همان، صص ۱۸۱ و ۱۸۲ (عبدالحسین لاله).

<sup>۲</sup> همان، ص ۶۸ (رسول اسماعیل زاده).

### ۳. تېرىزلى صرافېن چاغې و چاغداشلارې

حاج رضا صراف تېرىزى نىن چاغې، يەنى ھىجرى ۱۳ - نىچۆ عصر، تېرىزى مېھىتى سىياسى و ادبى قالخېنما ايله دۆلو ايدى. تېرىزى بىر پارچا ادبى جانلانمايا چئوريلمىشىدى. خصوصى ايله بازار مېھىتىندە، علمىيە حوزەلرېنە ياخېن اولماسى اۆچۆن، چۆخلو ادىب و شاعىرلر ظھور ائىدىردى. باشقا طرفدن دە داش باسماسى چاپ اصولونون تېرىزدە عمومىلشمەسى سبب اولموشدو شاعىرلرېن دىوانلارې دالبادال نشر ائىلىسىن. تېرىزىن ھەر محلە و ھەر كۆچەسىندە بىر ادبى مېھل و شعر انجمنى تشكىل تاپىردى، مختلف نشرىلر منتشر اولوردو، و ھەر گۆن ھەر يئردە سىياسى - ادبى بىھتلر گئىدىردى. ھمىن دۆورۆ ياخشى تانېماق اۆچۆن، تېرىزدە و يا تېرىزدن كىناردا او دۆورۆدە فعال اولان بعضى غزل و نوحە يازان شاعىرلرېن آدلارېنى چكىرىك.

### ۱ - ۳. سىدعظىم شىروانى

حاج رضا صراف اۆچۆن غىر مستقىم اوستاد حساب اولونان سىدعظىم شىروانى ھ. ۱۲۵۱ - نىچى ايلدە دۆنيايا گۆز آچمېش و صرافېن اولۆمۆندن ۲۰ ايل قاباق يەنى ھ. ۱۳۰۵ - نىچى ايلدە شھىد اولموشدور. صراف تېرىزى، سىد عظيمدن تأثير آلان اوستاد شاعىر حساب اولونور. آشاغېدا صرافېن غزللرى ايله سىلنن ايكى غزلى گتيرىرىك:

اول اوزۇ خورشيد كيم عاشىقلرىن جانانېدېر،

گۆن تكى روشندى كيم، بو خستە جىسمىن جانېدېر.

ظۆلمت زۆلفۆندە پنهان لعلينە مئىل ائندى كيم،

اول دھان تنگ، خىضرىن چشمەى حيوانېدېر.

سىررىمى عالم بىلىر، اى دل! نه پنهان ائيله يىم،

آشیکارا دل آلان اول خنده ی پنهانیدپر.  
 ای طبیب! ال چک علاجمدان، منه ائتمه علاج،  
 خاک کوی دوست، کور اولموش گۆزۆم درمانیدپر.  
 نام معشوقه نه حاجت ظاهر ائتمک، ای کۆنۆل!  
 ائل بیلیر، عالم بیلیر گۆل روخلارین سولطانیدپر.  
 سینهدہ پیکانبوا قیلدیم جیگر قانبن غیدا،  
 جانا میتتدیر کی بو جانانیمین مهمانیدپر.  
 نامه گلدی یاردان، ایستر جسدن جانیمی،  
 بۆیله ساندیم کیم حقین گۆیدن گلن فرمانیدپر.  
 اولما یاربَن سیدا جۆر و جفاسپندان ملول،  
 عاشیقه جۆر و جفاسی دلبرین احسانیدپر.<sup>۱</sup>  
 \*\*\*

سانماکی چشمندن اۆزۆمه اشک تر گلیر،  
 بو چشمه خشک اولوب، داخی خون جیگر گلیر.  
 ای مۆج اشک! آخما، داخی توتما یوللاربن،  
 بیر رهگذار وئر، او بوت سیمبر گلیر.  
 گه یاد زۆلفۆن ائیلہ بیرم، گاه کاکیلین،  
 بیر فیکر ائتمیشم، دلہ فیکر دگر گلیر.  
 کسمه اومید وصلدن ایام هیجرده،  
 ای دل! بو شام کیم گئدر، آخر سحر گلیر.  
 گر موژده ی وصالی گلہ، یۆخدو فائده،  
 جانیم چیخار فرحدن، اگر بیر خبر گلیر.  
 دۆنیایا گلہ بیر نه سبب بیر وفالی یار،  
 باعیث نه دیر کی بیر ی- بیریندن بتر گلیر؟

<sup>۱</sup> قایناق: شیروانی، عظیم بن محمد. دیوان اشعار ترکی سید عظیم شیروانی، تدوین: حسین محمدزاده صدیق، تبریز، ندای شمس، ۱۳۸۵. ص ۲۸۹.

سید، گئدەر دئدیم سر کویوندان، ای پری!  
گۆلدۆ کی کۆنلۆ منده دیر آنبن، گئدەر، گلیر!<sup>۱</sup>

## ۲ - ۳. تبریزی مضطر

میر یحیی مضطر تبریزی نین «گۆلزار باهار» آدلې کتابې رضا صرافین کتابې ایله بیر زاماندا، ۱۳۲۵ هـ. ایلینده تبریزده نشر اولموشدور. مضطربین لقبی «ادیب العلماء» ایدی. او، بو کتابې، بیر درسلیک کیمی یازمیشدېر و کتابین حاشیه‌لرینده شعرلرینی نشر ائتمیشدیر. مضطربین شعرلری ایله صرافین شعرلری آراسیندا درین بیر اؤخشارلېق واردېر:

نه حۆسندۆر کی ملکده بئله جمال اۆلماز،  
نه طلعتی کی بئله طلعتِ هلال اۆلماز.  
هلال چرخده ائیلەر زوال، وجهی نه دیر،  
کی بو هلال وجاهتده هئچ زوال اۆلماز؟  
لقایتینه خطادېر دئسه م صنوبر من،  
چمنده سروده هرگز بو اعتدال اۆلماز.  
لبین لعابینې بیمار عشقه وئر دادسېن،  
داوادې، چشمه‌ی کوثر بئله داوا اۆلماز.  
توتوب کنارینې اغیار، نئیله‌ییم؟ صد حیثیف،  
کی باخماغا اۆزۆنه عاشیقه مجال اۆلماز.  
دورودور فوج کیمی دسته - دسته عشاقېن،  
بو پادشاه جهاندا بئله جمال اۆلماز.  
علی‌الدوام سر کویون ائتمیشم منزل،  
گشاده عارضیمه بیر در وصال اۆلماز.  
بو مستی سرزنش غیر یاندېرېر بالله،  
وگر نه آیرېلېغېن باعثِ ملال اۆلماز.  
یوخومدو سیم و زریم باشېنا نثار ائله‌ییم،

<sup>۱</sup> همان، ص ۲۹۳.

بو نقدِ جان کیمی لایبق سنه نوال اؤلماز.  
 بو نظمِ دلکش، مضطرب! اگر باخا شعرا،  
 دئییلله جۆمله سی: «- احسن، بئله مقال اؤلماز!»  
 \*\*\*

سالبدی فورقتین ای شوخ! کوهسارا منی،  
 نئجه فراقدی جانا! گتیردی زارا منی.  
 رقیبلر سۆزونه اویدون، ای ستم پرور!  
 کی قویمادېلا گۆزۆن تا گۆره دوباره منی.  
 نه قدر سعی ائله دیم وصله یئتمز هرگز الیم،  
 یازیب قضا قلمی لوحه بختی قارا منی.  
 اگر خطا ائله دیم راه عشقه جانا!  
 بویورگیلن چکله زۇلفۇن ایله دارا منی.  
 یارالایب کؤنؤلؤ اوخ کیمی او موژگانبن،  
 کی قورخورام، صنما! اؤلدۆره بو یارا منی.  
 قېلېم نه چارا؟ کیمه عرض حال ائدیم یاران،  
 یوخ ایندی چۆن یئتیره بیر نفر او یارا منی.  
 قانادی باغلی قوشام اوولایب منی صیاد،  
 گمان کی پیشکش ائتسین او شهریارا منی.  
 سبب نه دیر کی بئله مضطرب، جهان ایچره،  
 زمانه قویدو دا حسرت او گۆل عذارا منی؟

### ۳ - ۳. ماراغالی شکوهی

هـ. ۱۲۴۵ - نجی ایلده دۇنیایا گلەن حاج میرزا مهدی شکوهی مراغه‌ای، ۱۰ ایل صرافین وفاتیندان قاباق، یعنی ۱۳۱۵ هـ. ایلینده ماراغا دا وفات ائتمیشدیر. اؤنون ۵۰ بئیتلیک «صرافیه» عنوانلی مثنویسی واردیر. بو مثنوی بئله باشلاییر:

شکوهی دئییر چۆن قضادان منیم،  
مراغه اولوب عاقبت مسکنیم.  
اولوب قسمتیم شیوهی تاجری،  
ایشین اولی، عمرؤمؤن آخری.  
دئدیم من: «اگر نیت صاف ایلن،  
اادم داد و ستاد صراف ایلن.  
اولور مایه‌ی اعتباریم منیم،  
دؤشر رونقه کار و باریم منیم...

بعضی تدقیقاتچیلار بو مثنوی‌نین حاج رضا صراف تبریزی‌یه خطاب یازیلدیغی ادعاسیندادیرلار.

شکوهی اصلینده طنز شاعیریدير ولاکین غزللری صرافین غزللری ایله بیرگه سسله‌نیر. اؤنون کلیاتی تبریزده، صراف ساغ ایکن (۱۳۲۱ هـ.) چاپ اولموشدور.

مجلسیده یئنه ساقی گؤل‌رنگلر اؤینار،  
شور ایله مغنی‌لر اوخور، جنگی‌لر اؤینار.  
مهوشلر ائدیر خنده، پری‌چهره‌لر عشوه،  
ناز ایله گۆزه‌لر دۆلانه‌لر، شنگیلر اؤینار.  
مطرب سسینه سس وئری گه تار، گهی چنگ،  
گه نای چکه‌ر ناله، نه خوش‌هنگلر اؤینار.  
قورتولدو قفسدن سئوینیر مرغ دل و جان،

<sup>1</sup> ماراغا: مراغه.



وصله یئتیشیب عاشیق دلتنگلر اؤینار.  
 زۇلفۇن گۆل رویینده گلر رقصه هوادان،  
 گویا کی دۆشۆب جنته برزنگیلر اؤینار.  
 خشم ایله منه بئيله باخار، نرگس مستین،  
 قان تۆکمەگه یئردن دئیەسن جنگیلر اؤینار.  
 پئیمانه یه باخدېقجا گلر رقصه شکوهی،  
 قلیانې گۆرهنده نئجه کیم بنگیلر اؤینار.  
 \*\*\*

اۆلدۆم، نه دئییم؟ دردیمی بیر یارا دئیەن یۇخ،  
 نئیلیم کی بو بیچاره یه بیر چارا دئیەن یۇخ.  
 اۆل زۇلفۇ پریشان دېر ائدن کۆنلۆمۆ ویران،  
 آل شانه اله زۇلفۇنۆ بیر دارا، دئیەن یۇخ.  
 عاشیق دیلینی اۆزگه نه آنلار، بیر اۆزۆم تک،  
 یۆز مین دیل ایله یالوارا - یالوارا دئیەن یۇخ.  
 «نه بئيله چکیبسەن اۆزه اۆل زۇلف سیاهی؟  
 گل وئرمەگیلن جنتی کفارا» دئیەن یۇخ.  
 زۇلفۇن یئلە وئرمە کی وئرەر عُمرومۆ بادا،  
 «چۆخ وئرمە هوا بئيله خطاکارا»، دئیەن یۇخ.  
 بی چاره شکوهی! سنی اۆلدۆردۆ بو ظالم،  
 صد آه بو کیفیتی سردارا دئیەن یۇخ.

#### ۴ - ۳. تبریزی راجی

حاج رضا صرافین هم شهری سی حاج میرزا ابوالحسن راجی تبریزی، اؤ، گنج ایکن هـ.  
 ۱۲۹۳ - نجو ایله مکه دن قایدارکن، دریدا غرق اولوب اولموشدور.

راجی، هـ. ۱۳ - نجو عصرین شاعیرلری صراف، شکوهی و لعلی کیمی آدلیم  
شاعیرلریندن ساییلیر. اؤنون شعرلری، صرافین غزللری کیمی اؤیناق لهجه‌لی، روان و  
آخجی‌دیر.

صراف، راجی‌نین بعضی شعرلریندن استقبال ائتمیش، اؤنا نظیره یازمیش و یا جواب  
وئرمیشدیر. میثال اؤچون راجی دئیر:

همیشه خانه‌ی امید قالماز راجی! سربسته،  
اؤلور بیر گون کی فتح ایله یدالله فتح باب ائیلەر.

صراف ایسه یازیر:  
در امید اؤلوب صرافه هر بیر سمتدن بسته،  
علی تک فاتح خیبر ایله فتح باب ایستر.

آشاغیدا راجی‌نین صراف شعرى ایله سسله‌نن اؤچ غزلینی گتیریریک:  
کؤنلؤم خیال عارض جانان ایلن دؤلوب،  
بی‌روح قالیم گئنه بیر جان ایلن دؤلوب.  
بس کی ووروبدو سینه‌مه مژگان یاراسی یار،  
بو ساده سرزمین گؤل خندان ایلن دؤلوب.  
خوبان شهر جمع اؤلوب اغیار ائوینده، گور،  
زندانی مصر یوسف کنعان ایلن دؤلوب.  
بو ناله‌ی حزینیم اؤنا ائیلهمز اثر،  
چون گوشو، اوج ناله‌ی هیجران ایلن دؤلوب.  
کامبجا ساقی باده‌نی دؤلدورمايیب هنوز،  
بزم رقیب بوش یئر بؤهتان ایلن دؤلوب.  
دورماز سنبق سبودا، دئییرلر سو، بس نئچون،  
ای ساقی! بو شکسته کؤنول قان ایلن دؤلوب.  
سینه‌مه یاری گورجک، اؤ بی‌دین رقیب دئدی:

«- قلبی بو راجی نین گئجه ایمان ایلن دۆلوب.»

\*\*\*

یېخدېلار عاشېقلارېن قلبی کیمی میخانهنی،  
 بی وفالار عهدی تک سېندېردېلار پیمانەنی.  
 لعل جانان تک نظرلردن اوزاق اولدو شراب،  
 چشم دلبر تک خومارا سالدېلار مستانهنی.  
 رند و شیخ و سالک و زاهد قارېشمېش بیر بیرە،  
 چشم حق بین یوخ، سئچه نامرد ایله مردانهنی.  
 دۆشدۆ رونقدن گۆلۆستان وفا، زاغ و زغن،  
 بۆلبول شئیدا یئرینده باشلاپ افسانهنی.  
 آتش شؤوق محبت یاندېراردې عاقبت،  
 شمع لر ناحق یئرە یاندېردېلار پروانهنی.  
 اولدوم هم رنگ جماعت، عشق خال و زؤلف ایله،  
 رشتە ی زئارا دۆزدۆم سېحە صدदानەنی.  
 ای دل، ال چک یوخ بنی نوع بشردە اعتبار،  
 مسکن ائت، باغو صفت هر گوشە ی ویرانهنی.  
 کوتە ائیلین قصە ی زؤلفو، ای ارباب عقل!  
 راحت اگله شسین قویون زنجیرده دیوانەنی.  
 راجی، گۆردۆم ترک جاندېر اقتضای اتحاد،  
 بزم وصل خاصه قویمازلار گیره بیگانهنی.

\*\*\*

ساقی، نه اولوبدور، منی بیر یاده گتیرمز؟  
 کۆنلۆم توتولوبدور، منه بیر باده گتیرمز.  
 رحمە گلەر آخر گتیرەر ساقی مئی ناب،  
 گۆل فصلیدی، صد حئیف بو ائنادە گتیرمز.

زاهید تاپا گر طاق قاشبن سجده سین ای شوخ،  
 محراب عبادتله سجاده گتیرمز!  
 ناقصلره تکلیف ائله میش عشق روموزون،  
 ابجد دیگی هر طفلی بو ارشاده گتیرمز.  
 محبوس ائله زولفونده کونول مرغونو یوخسا،  
 دیوانه ی غم تابینی قلاده گتیرمز.  
 هرچند دئدین، راجی، ده بو بئیتی مکرر،  
 ساقی، نه اولوبدور، منی بیر یاده گتیرمز.

### ۵ - ۳. حکیم هیده جی

حکیم ملامحمد هیده جی (۱۲۷۰ - ۱۳۴۶ هـ.) حاج رضا صراف ایله بیر عصرده  
 یاشامیشدیر. آذربایجان تاریخینه، او هم شاعیر و همده بیر فیلسوف کیمی داخل اولور.  
 هیده جی ایله صرافین ادبیات ساحه سینده اولان اورتاق نقطه سی، هر ایکی شاعیرین روان  
 شیوه ده و دانشیق شیوه میزه یاخین بیر دیلده شعر یازمالاریدیر.<sup>۱</sup> هیده جی نین آشاغداکی  
 ایکی غزلی، صرافین غزللری ایله سسله نیر:  
 بو گون اذیت یار و مذمت اغیار،  
 خدا بیلیر کی منی عُمردن ائدی بى زار.  
 منه بو عقل اذیت ائدیر، دور، ای ساقی!  
 گتیر پیاله، آپار عقلی، جانمې قورتار.  
 بنای عُمرومؤ بیر جام ایلن ائله ویران.  
 دوْگول بو عُم مگر مایه ی غم و آزار؟  
 قېتېب نئجه دوْوه نین چگیننی یوک آلتېندا؟  
 سېخار، سېخېب منی بو روزگار ناهنجار.

<sup>۱</sup> هیده جی، حکیم ملامحمد. دیوان اشعار ترکی، مقدمه، تصحیح و تحشیه: حسین محمدزاده صدیق. زنجان: پینار، ۱۳۸۷. ص ۶۷.

گۆل اۆزۆن ائشیگیه آتدی پردهدن، ای وای!  
 ائویم ییخیلدی کی بوندان سؤرا ایشیمدیر زار.  
 هانی او کس کی منیم حالېما یانا اۆرهگی؟  
 هارا گئدیم، کیمه اۆز دردیمی ائدیم اظهار؟  
 منه مذمت ائدهرلر کی سن امه یارامان،  
 بو دؤغرو دور، من اۆزۆم بو سۆزه وارېم اقرار.  
 سۆگۆد آغاجېنا ائتمک گرەک بو ایرادی،  
 اؤدا منیم کیمی گلمز امه، گتیرمز بار.  
 دیییرله لاف محبت ووران بلایا دۆزه،  
 یالان دئمله، منیم حق سۆزه یوخوم انکار.  
 دۆزن بلایا منم هیدهجی! اگر گتیره م -  
 بیانا حالېمی، آغلار منه در و دیوار.

\*\*\*

صنم! سنین اۆزۆنؤ اؤخشادېم اگر آیه،  
 جفا اولور سنه، یوخ آی اۆچۆن بئله پایه.  
 جفا چۆخ ائتمه مگر سالماغا بلایا منی،  
 سنی دؤغوبدور آنان، پرورش وئریب دایه.  
 او گۆن کی بیر گۆرۆشه دینیمی سنه ساتدېم،  
 بو گۆنده بیر اؤپۆشه جانې قویموشام مایه.  
 من اول کسم کی همیشه وفا یولوندا منیم،  
 دهگړ آياغېما داش، باشېما گلەر قایه.  
 دۆزن بلایا منم، هیدهجی! منیملن غم،  
 گزه همیشه، نئجه شخصیلن گزه سایه.  
 گلیر خوشو منه بیر پاره نین، بودور جهتی  
 کی باغلامام اۆزۆمه هیچ وقت پیرایه.

### ۶ - ۳. سرابلی میرزا کاظم قاضی

هیجرى ۱۳ - نجو عصرین اورتالاریندا دۇنیایا گلەن میرزا کاظم قاضی سرابی نېن اصلی سراب شەهرینە تابع اولان «آلان بیر آغوش» ناحیە سیندن دیر. اۇ، صرافین یاشادېغی ایللردە اوشاق ادبیاتی ایله مشغول اولوردو و بیر نئچە درسلیک کتابی دا نشر ائتمیشدیر. صرافین وفاتیندان ۱۵ ایل قاباق یعنی ۱۳۱۰ هـ . ایلینده دۇنیایا گۆز یوموشدور. اۇنون شعرلری ساده، روان و اۇیناقدیر:

آی آفرین گۆل اۇغلوم،  
گۆل اۇغلوم، بۆلۈل اۇغلوم!  
درسین اۇخ، روانلا،  
سۇنرا دانېش، گۆل اۇغلوم!  
\*\*\*

گئدیردیم هاردا گۆردۆم،  
گویا دیواردا گۆردۆم.  
ائوده سېچان چۆخ ایدی،  
پیشیک ائوده یۇخ ایدی.  
سېچان چېخدی دیوارا،  
عینینده خاکی خارا.  
بیردن پیشیگه گۆردۆ،  
دۇندۆ، باخدی، قورودو.  
سېچانلار آت چاپېردی،  
پیشیک دوروب باخېردی.  
تۆلکۆ گیریبدیر باغا،  
هانې بس باغبان آغا؟  
تۆلکۆ یئدی اۆرۆمۆ،  
ااشیتمه دن سۆزۆمۆ.  
پېسپېسا سۆرمه چکدی،

چارقاتین اگیری بۆکدی.  
 تۆسباغانین یولداشی،  
 بیشیردی یارما آشی.  
 یارمانی دانه - دانه،  
 چپخارتدیلار میدانہ.  
 قوزولار مله شدیلر،  
 تۇریاغا بله شدیلر.  
 قوزو منی گۆرهنده،  
 یئردن چیچک درهنده.  
 اینک بالا دۇغاردپر،  
 پری اینک ساغاردپر.  
 اینه گی بالاسی وار،  
 باشیندا آلاسی وار.  
 \*\*\*

اۇغلوم، اۇغلوم، ناز اۇغلوم،  
 درسیندن قالماز اۇغلوم.  
 بۆلۈل کیمی درس اۇخو،  
 ایستر چوخ یا آز، اۇغلوم.  
 قلمین آل الینه،  
 بیر یاخشې زاد یاز، اۇغلوم.  
 اۇغلوم گئدیر مکتبه،  
 اۇخور چاتار مطلبه.  
 درسین اۇخور، روانلار،  
 نه اۇخویوبدور آنلار.  
 داش اۆسته چیچک قازار،  
 مشقینی گۆیچک یازار.

منیم اوغلو جاندې جان،  
 درس لرین اوخو روان.  
 گوؤشدندی داواتې،  
 قلمی وار بئش - آلتې.  
 قلمدانې، شکیللی،  
 قلمی خاللی، موللی.  
 دفتری وار تر - تمیز،  
 کتابی اوندان عزیز.  
 کاغذلاری رنگ به رنگ،  
 اوغلو، گتیر یاز گؤره ک.

### ۷ - ۳. خویلو سیدرضا صابر

سیدرضا امیرزاده صابر ۱۲۶۲ هـ. ایلینده خوی شهرینده دۇنیایا گلیمیشدیر. همین شهرده بویا - باشا چاتب و تحصیل آلمیشدیر. گنج یاشلاریندان شاعیرلیگه باشلامیش و اوتوز یاشینا چاتار چاتماز ایرهوان شهرینه کۆچمۆش و «اکینجی» نشریهسی ایله امکداشلیق اتمیشدیر. او، همین شهرده و ۱۳۲۲ هـ. ایلینده وفات اتمیشدیر. اؤنون اؤلۆم ایلی نین ماده تاریخی «شاعر شیرین مقال» دیر و همین ماده تاریخ مزار داشیندادا یازلمیشدیر.<sup>۱</sup>

فریدون بیگ کۆچرلی، اؤنو «خیلی خوش صحبت و ظریف بیر شاعر» آدلاندیریر. اؤنون شعر دیلی صراف کیمی اویناق و طبیعی دیر و صراف کیمی دؤورۆنۆن اجتماعی و سیاسی مسألهلری ایله علاقه دار شعرلری واردیر. او جۆمله دن «اکینجی» نشریهسی نین مدیری «حسن بیگ زردابی» اۆچۆن یادېنی منظوم مکتبولارېنی آد آپارماق اۆلار. بو مکتوبلارېن بیرینده دئیر:

مرحبا! ای حسن بیگ عاقیل،  
 علم حکمتده قابل و کامیل.  
 بافهیم اولماغیندا سؤز یۆخدور،

<sup>۱</sup> منافی، میر علی. جنوب آذربایجان ادبیاتی آنتولوگیاسی، علمی نشریاتې، باکی، ۱۹۸۱، ص ۲۰۳.



اۆلدو معلوم، غیرتین چۆخدور.  
 اهلی قفقازی ائتمیسن خوشنود،  
 سن اۆزۆن اۆلدون اهلی نامسعود.  
 سنه هر کیمسه توتسا بیر ایراد،  
 کۆردو باطنده بیلمه ییب ارشاد.  
 بیزه هر نوعی سۆز دئسن، حقدير،  
 کیمسه تکذیب قیلسا، ناحقدير.  
 حددن آرتیق چکیب اذیتلر،  
 خالقا آرتیرمېسان حمیتلر.  
 بیز ائشیتدیک: «اهالی شیروان،  
 اوشقولا ائیله یییدیلر سامان.»  
 شوکر قېلدیق خدای منانه،  
 وئردی توفیق اهلی شیروانه.  
 شیعه و سنی جمع اۆلوبلا تمام،  
 ائیله ییبلر بو خئیر ایشه اقدام.  
 آفرینلر بو قوم علامه،  
 یاخشې رونق وئریرلر اسلامه.  
 گرچی بیزلر او شهردن دوردوق،  
 لیک، مسلم دئییرله مسروروق.  
 وار بیزیم افتخاربمېز شب و روز،  
 غیرت اسلامدان ائدییدی بروز.  
 اهلی اسلام باکمال اۆلسون،  
 هامې ایشلرده اهلی حال اۆلسون.  
 بو مثلدير کی: «بید بر وئرمز،  
 شوره زار اۆلسا یئر، ثمر وئرمز.»  
 شعرانېن امیر و سولطانې،

معرفت تختی نین سلیمانی.  
 حاجی سید عظیم، عارف حق،  
 علم و زهدونده یوخدو سۆز، مطلق.  
 جۆمله علم و فنونه ماهیردیر.  
 اؤزۆ فاضل، غریبه شاعیردیر.

### ۸ - ۳. اردبیللی عیسی ضیایی

عیسی ضیایی، اردبیل شهرینده صرافین ایشی ایله مشغول اولان حاج محمدرحیم آقانبین  
 ائوپنده دۇنیایا گلدی. اردبیل شهرینده تحصیل آلدی و ۲۸ یاشیندا ایکن ۱۸۷۸ - نجی ایلده  
 لنکران شهرینه کۆچمۆشدۆر. او، یازدیغی «تذکره ی ضیایی» کتابیندا، نادرشاه افشار دؤورۆندن  
 اؤز زامانینا دک یاشایان آذربایجان شاعیرلری حاققیندا معلومات وئیریر. او، محمدعلی شاه  
 قاجار دؤورۆندن سؤنرا وفات ائتمیشدیر. اؤنون شعرلری تاممیله رضا صرافین شعرلری  
 کیمی دیر، شعرلرینده دیل ساده، لهجه اویناق و طبیعی دیر:

قویوبدور باشا او سرو سهی کلاه اگری،  
 قاش اگری، زولف سیه اگری و نگاه اگری.  
 من ائیلهدیم قاشا عاشیقلا اچره سجده، ولی،  
 گۆرۆلمه میشدی جهان اچره قبله گاه اگری.  
 شکنج سعی ایله اولمادی بخت، طالع راست،  
 چپخبیدی چۆنکۆ بو خلقتدن اول گیاه اگری.  
 دادبزدپرر منه ظاهر اجل کراحت سیز،  
 گلنده غمزهن اوخو خواه راست، خواه اگری.  
 گۆنۆم قارادپر و کۆنلۆم شکسته، قدیم خم،  
 نه قدر واردپر اول طره ی سیاه اگری.  
 او سرو قامتہ یوخ، حئیف، استقامت خوب،  
 کی واردپر عاشیق ایلن گاه راست، گاه اگری.  
 غرض، زیان تک آخیردا گۆرمه دی منزل،

فضای عشقده هر کس کی، گتتدی راه اگیری.

\*\*\*

دلبر! شهید لبین کیم هر دم ائیلهر آرزو،  
مفلس بی عاری گۆر جام جم ائیلهر آرزو.  
مئیل عشق ائیلهر، بلی، دیوانه، یاران، بو عجب،  
طیفل شیر خوار جنگ رستم ائیلهر آرزو.  
جان دیلر لعل لبیندن قالب افسرده میز،  
مرده ی صدساله عیسی دن دم ائیلهر آرزو.  
آرزوی گوی رویون روز و شب ائیلهر کۆنۆل،  
اوندان آرتیقراق کی، مفلس درهم ائیلهر آرزو.  
سینه ده تیر غمین، پئیکان اندوهون، کۆنۆل،  
گرچی محکم دیر، بئله مستحکم ائیلهر آرزو.  
من خم ابروی جانان، لیک، خضر آب حیات،  
زاهد بی چاره محراب خم ائیلهر آرزو.  
هر کیمین بازار عشقیندن، ضیایی بیگ، دۆشۆب،  
عشرت عالمدن انجامین غم ائیلهر آرزو.

\*\*\*

هر آنی گۆرسم، فرحدن عرشه افغانیم چبخار،  
گۆرمه سم هم محنت هیجران ایلن جانیم چبخار.  
ایکی گۆن بیر گۆنده گۆرمۆش خلق اولور حیران، اگر،  
منزلیندن بی نقاب اول ماه تابانیم چبخار.  
قونچا باغربن رشکدن هر لحظه قان آلمیش دیلر،  
گۆلشنه ناز ایله اول سرو خورامانیم چبخار.  
اشک ایله قیلدیم نثار اینجیمی، اما بیلمه دیم،  
نه زامان صبح وصاله شام هیجرانیم چبخار.  
گتتدی مجنون، عشق مئیدانین منه تسلیم ائدیپ،

تا کیمه یئتسین منیم اؤل گۆن کی، فرمانیم چبخار.  
 بیلمه ییب دردیمی، قانیم ال تۆکەر ناحق هنوز،  
 وای او گۆن کیم، دیشره دیلدن راز پنهانیم چبخار.  
 ای ضیایی! بیر نظر گر غیر ایلن گؤرسم آنی،  
 رشکدن جانیم، حسدن چشم گریانیم چبخار.  
 \*\*\*

چوخ کیمسه لردن ایستهردی بو بینوا، مدد!  
 چوخ کیمسه ائیله سین من ایله آشینا، مدد!  
 عشقینه بختیمی گؤر، او غایتده قاره دیر،  
 کیم گؤرسه، جوورونو منه، ائیلهر سنه مدد!  
 چک بیر کناره جانیم دریای عشقندن،  
 کشتی لرینی بحرہ سالان ناخدا، مدد!  
 امید ساحلینه کؤنؤل، جانا یئتمیشم،  
 اینجیتمه ائیله غرق منی، ائیله یا مدد!  
 عشقین بو ناتوانه توانا وئریر، بلی،  
 اؤل نوع ایلن کی کورلارا ائیلهر عصا مدد!  
 بهبودوموزا چکمه مشقت فزون طیب،  
 بو درد، عشق دردیدیر، ائتمز داوا مدد!  
 تحریک زولفو قیلدی، ضیایی گونوم قارا،  
 وه کیم، کؤنؤل جنونونا ائیله صبا مدد!

### ۹ - ۳. اردبیلی میرزا شفیع ناظم

رضا صراف ایله بیر زاماندا یاشایان میرزا شفیع ناظم اردبیلی، صراف سایاغی غزaller  
 صاحبی دیر. معلم لیک ایشی ایله مشغول اولان ناظم، هجری ۱۳ - نجو عصرین ایکینجی  
 یارپسندا اردبیلده یاشامیش و اورادا وفات ائتمیشدیر. ضیایی اردبیلی اونون بیر نجه شعرینی

اؤز «تذکره» سینده نقل ائتمیشدیر. بو شعرلردن وئردیگیمیز نمونه لر تامامیله صراف سایاغی غزللردیر:

مؤذن اؤیره نیب «قد قامة» ی اول سرو قامتدن،  
 اودور عاشیقلارا ائیلر بیان هر گون قیامتدن.  
 سنه منکیر اولان زاهد، قاشین تصویرینی گورموش،  
 اودور کیم چکمز ال مسجدده محراب عبادتدن.  
 سلامت اهل دردیندن قاچار چون لذتی بیلمز،  
 سنین دردینی چکمک لیک منه خوشدور سلامتدن.  
 متاع دردینی جان نقدینه وئرسن خریدارم،  
 دولانیب باشینا خوف ائتمرم هرگز ملامتدن.  
 گوروب رخسارینی شمشاد، پای بند خاک اولموش،  
 خجالتدن گوتورمز بیر قدم جای اقامتدن.  
 ز بس کی قامت سروین سالیبدیر قلیمه ریشه،  
 قوجالسام، ای گوزل! دوشمز مزاجیم استقامتدن.  
 ال اوزمه دامن دلداران دنیادا ای ناظم!  
 نه لازیم ال - اله وئرمک قیامتدن، ندامتدن.

\*\*\*

یاربن ایگینی من آلبرام نوبهاردان،  
 هر سونبولو خیالا سالبر زولف یاردان.  
 قویموش گورنده بولبولو باش گول آیاغبنا،  
 بی اختیار من گندیرم اختیاردان.  
 هر گوشه و کناردا همدم رفیقلر،  
 دویمازلار عیش و نوش ایله بوس و کناردان.  
 من بینوا و بختی قارا یاردان جدا،  
 دیوانه وار ائیلهمه افغان کناردان.  
 لال ائتدی روزگار منی ائتمهرم خیال،

عشق اهلین صداسی کسيلمز مزاردان.  
 ائتمیش منی شکار بیر آهوی شیردل،  
 صیادی کیمی گورؤب کی رم ائتسین شکاردان؟  
 ناظم، وصالې ایسته‌ین هیجرانه صبر ائدهر،  
 گلچین گره‌کدی انجیمییه زخم خاردان.  
 \*\*\*

عاشیق ثابت‌قدم عالمده گر پروانه‌دیر،  
 نار هیجرانه یانان پروانه‌دن مردانه‌دیر.  
 زاهد ایستر خلقی ائتسین پخته پند خامیله،  
 دام تزویری الینده سبحه‌ی صدانه‌دیر.  
 عاقلان مجنون قویوبلار آدېمی، بی‌جا دگیل،  
 مهر لیلی جان کیمی جیسمیمده صاحب‌خانه‌دیر.  
 تشنه‌سن ای دل! لب جانانه، اما قورخورام،  
 چشمه‌ی آبی اونون درک ائيله، جان جانده‌دیر.  
 آشنای باد صبانې ائتمه‌رم اسرارېما،  
 یار آراسیندا اولان اسرار او بیگانه‌دیر.  
 مهر مهرویان دل آبادېمی ویران ائدیب،  
 مسکنی گنجین، دئیرلر گوشه‌ی ویرانه‌دیر.  
 ناظم! هر کیم منیم تک عاشیق لیلا اولوب،  
 آدېنا عاقیل دئمه، دیوانه‌دن دیوانه‌دیر.

### ۱۰ - ۳. اورمی‌لی مایل افشار

هیجرى ۱۳ - نجو عصرین ایکینجی یاربسېندا ۸۷ یاشېندا تهراندا وفات ائدن میرزا حسن مایل افشار اورموی، اورمی شهرینده دؤنیایا گلیمیشدیر. اونون «ملک الشعرا» لقبی وار ایمیش. قاجار دؤلتی صاحب منصبلریندن اولان مایل افشار، اوزون مدت بندرلنگه‌ده خدمت ائتمیش و

تهراندا دۇنيایا گۆز یومموشدور. اؤنون غزللری فضولی مکتبینه باغلی و صرافین دیلی و شیوهسی ایله بیرگه سسله نیر:

بی وفا دیلبر گرفتار وفا ائیلەر منی،  
 دهرده روسوای خلق، اؤل بی وفا ائیلەر منی.  
 هانسی معشوق ائیله یییدیر بؤیله بیداد، عاشیقه،  
 کیم او ظالم غرقه یه بحر بلا ائیلەر منی؟  
 حلقه - حلقه، خم به خم، چین - چین او زولف مشکبار،  
 گاه باغلار، گاه توتار، گاهی رها ائیلەر منی.  
 دم به دم گاه جان آلبر، گاه جان وئیر هر غمزه سی،  
 هر نگاه می بین بلایا مبتلا ائیلەر منی.  
 چشم مستی خنجر مژگان ایله قانیم تۆکەر،  
 لعل بوسی طالب عین الشفا ائیلەر منی.  
 لوح رخسارین چکیب نقاش قدرت صدق ایله،  
 بیر تجلاً ایله گۆر محو لقا ائیلەر منی.  
 شوره گلیمیش مایل بی چاره هر دمده دئییر:  
 «اؤز حبیبیم مایل شور و نوا ائیلەر منی.»

### ۱۱ - ۳. ایره وائلې حکیم لعلی

شمس الحکما میرزا علی خان لعلی ایره وانی، هـ. ۱۲۵۲ - نجی ایلده ایره وان شهرینده مسلمان عائلده دۇنیایا گلیمیش و ۲۰ یاشیندا تبریزه کۆچمۆش و بورادا یئرلشمیشدیر. او، میرزا ابوالحسن حکیم باشی یانیندا طب اؤیره نیمیش و بیر نچه ایل استانبول شهرینه گئتمیش و تحصیلینه داوام ائتدیکن سؤنرا، یئنه تبریزه قایتمیش و «دیک باشی» محلّه سینده مطبّ آچمیشدیر.

لعلی، صراف ایله بیر ایلده (۱۳۲۵ هـ.) وفات ائتمیشدیر. اؤنون هم غزللری، همده نوحه لری صراف کیمی دیلر ازبری دیر. اؤنون آشاغېداکی نوحه سی بیزیم زامانیمېزدا مشهور دور:

عمه جان! گل ائيله چاره، شورش قیامت اولدو،  
دولدو خیمه‌گاها لشکر، وقت قتل و غارت اولدو.

اونون غزللری ایله تبریزلی صرافین غزللری آراسیندا بنزهرلیکلر واردیر. میثال اؤچۆن  
صرافین آشاغېداکې:

سرلوح حۆسندن خطین ائندی لب اۆستۆنه،  
دیباچه ختم اولوبدو، کئچیر مطلب اۆستۆنه.

مطلعلی غزلی ایله لعلی نین:  
خالبندان اوچدو مرغ خیالیم لب اۆستۆنه،  
قسمت چکیب گتیردی نه خوش مشرب اۆستۆنه.

مطلعلی غزلی آراسیندا بنزهرلیک، واردیر. ایره‌وانلی لعلی غزلریندن نمونه‌لر:  
آغلادیم بسکی فراقبندان نفسدن دۆشدۆم،  
ناله چکدیم او قدهر، آخیری سسندن دۆشدۆم.  
ایسته‌دیم وصله یئتیب جانیمې غمدن قورتارام،  
منی غافل، دئمه دریا یا ارسدن دۆشدۆم.  
گۆرمه‌دیم بیر نفس آزاد اۆزۆمۆ عالمده،  
گۆردۆگۆن بو قفسه اۆزگه قفسدن دۆشدۆم.  
عمر سن سیز او قدهر کئچدی قفس گنجونده،  
سۆلدو حۆسنۆن چمنی، من ده هوسدن دۆشدۆم.  
من ایدیم گۆلشن حۆسنۆنده کی شئیدا بۆلبۆل،  
بس کی فریاد ائله‌دیم پاک نفسدن دۆشدۆم.  
\*\*\*

بۆینوما کاکیلین، ای شوخ! کمند ائيله میسن،  
بیر اوزون فیکره منیم باشیمې بند ائيله میسن.



سایه‌ی مرحمتین باشما دۆشمز، نه ثمر!  
 کی سهی قَدینی بیر سرو بلند ائیله‌میسن.  
 بیر نفس لعلِ لبین ذیکری دیلیمدن دۆشمز،  
 منی طوطی کیمی تریاکِ قند ائیله‌میسن.  
 گوئی ده چبخسا، مقابل دورا بیلمز قاشبنا،  
 بیر هالالی کی اُونو نعلِ سمند ائیله‌میسن.  
 آفتِ چشمندن ای مغیچه! تشویش ائتمه،  
 کۆنلۆمۆ مجمرِ حۆسنۆنده سپند ائیله‌میسن.  
 بو گۆز و قاشبنا قوربان اُولوم، ای مه‌پارا!  
 منی بو قاش و گۆزۆندن گله‌مند ائیله‌میسن.  
 هامی حیران دۆلانی دایره‌ی زۆلفۆنده،  
 نئچه دیوانه بو زنجیرده بند ائیله‌میسن.  
 اۆزۆنه نذر دئییبسن منی قوربان ائده‌سن،  
 منه زینده‌دی سن هر نه پسند ائیله‌میسن.  
 جۆمله عاشیق‌لارین آزاد گزه‌ر عالمده،  
 بیرجه لعلینی گرفتار کمند ائیله‌میسن.

### ۱۲ - ۳. ماراغالې دخیل

ملاحمدحسین دخیل مراغه‌ای، صراف زامانېندا محرم‌لیک گۆنلرینده ماراغادان تبریزه  
 گلیب حسن پادشاه مسجیدینده منبره گئدەرمیش. اُونون نوحه‌لری صرافین نوحه‌لری کیمی  
 دیلدن دیله دۆلانی، ایندی ده اۆز اهمیتی نی ساخلا مېشدېر. بو اوستاد شاعیرین شعرلری هم  
 ساده همده شعر صنایعی ایله دۆلودور.

اؤیله مست جام عشقم بیلمز صهبا نه‌دیر،  
 آب کوثر هاردادېر، یا ساغر مینا نه‌دیر؟  
 بزم وحدت، شمر ساقی، زخم ساغر، قان شراب،  
 بانگ نونشانوشدور، فریاد و واویلا نه‌دیر؟

زینبیم یاددان چپخېب، بيلم سکنه م هاردادېر،  
 جلوه گاه عشقه دۇنيا و مافيها نهدير؟  
 اؤز اؤزۆمۆ من فراموش ائتميشم هئچ بيلمزم،  
 ريزه - ريزه دۇغراناں صدپاره بو اعضا نهدير؟  
 عاشيق مجروحه يئر بستردي، گۆن نورو لحاف،  
 سندس خلدبرين يا سايه ي طوبا نهدير؟  
 باش وئرن من، باش كسه ن سن، قيل و قال ائتمك ئىچۆن،  
 بير نفر مظلومو اؤلدۆرمكده بو غوغا نهدير؟  
 ايندى يئل طوفان ائدر، تۆز تۇرپاغې ائيله ر كفن،  
 يار كويوندا شهيد خلع ت ديا نهدير؟

### ۱۳ - ۳. تبريزلى دلريش

مشهدى على اصغر دلريش تبريزى، بحث ائتديگيمز چاغدا ياشايان مشهور نوحه  
 شاعيرلريندن ساييلير. اؤدا صراف كيمي تبريزين بازاريندا كسب صاحبي ايدى. اؤز زامانيندا بير  
 عزادارلىق دسته سى تاسيس ائتميشدير. بو دسته، حله ده تبريزده «دلريش» آدي ايله  
 محرم ليكه بازارا چېخار و جانسوز نوحه لر اويارلار. آشاغېداكي معروف نوحه، اونا عائدير:  
 حسينه يئرلر آغلار، گۆيلر آغلار،  
 نبى مصطفى پيغمبر آغلار.

### ۱۴ - ۳. تبريزلى دلسوز

محمدامين دلسوز تبريزى، صراف و باشقا شاعيرلر طرفيندن «لؤستاد» آدلانيردي. اؤنون  
 غزللري و نوحه لري، صرافين اثرلري كيمي ساده و روان شيوه ده يازيلميشدير. تبريزده  
 ياشاييب و بورادا تحصيل آلان دلسوزون صراف ايله حشر و نشرى وار ايميش. اؤنون  
 اجتماعى - سياسى شعرلري ده واردير.  
 مايلم روز ازلدن بير حبيبين قاشينا،  
 وئرمه دي فرصت رقييلر، تا دولانيم باشينا.

قاش و گۆز، مژگان و غمزە، زۆلف و سۆنپۆل، خط و خال،  
 اۇلا يۆز مین جان فدا بو دلبرین نقاشینا.  
 ال اۇزۇب مندن، گئیدیباغیار ایلن الفت توتار،  
 رحم ائتمز بی مروت، عاشیقین گۆز یاشینا.  
 ای صبا! اؤل بی مروت یارا مندن عرض قبل،  
 اولماسین راضی آلا اغیار اؤنو آغوشینا.  
 من فقیرە عشقی اؤل شوخ جوان عئیب ائتمه سین،  
 بیر نچە گۆندن سۇرا بالله گلەر اۇز باشینا.  
 ایستیری عاشیق اگر عالمده روسوا اولماسین،  
 تۆکمە سین اؤل مەوش زۆلفونۇ چین – چین دوشونا.  
 نئیلە میشدی بینوا دلسوز اۇنا بو دهرده،  
 آخېرېندا ظۆلم الیلە زهر قاتدی آشینا.

\*\*\*

عزیزیم، عشق عالمده یقین بیل کیم، نهان اولماز،  
 غلط سۆزدۆر دئیەرلر: «عاشیقین عشقی عیان اولماز.»  
 گۆرۆب معشوقه سین عاشیق، قاچار رنگی، دیزی تیتەر،  
 بعینه صورت دیوار اولار، جیسیمینده جان اولماز.  
 گئدر صبر و قرارې عاشیقین، معشوقه سین گۆزجک،  
 داخی کۆنلۆنده اؤل دم ذره جه تاب و توان اولماز.  
 چوخ اولما حۆسنۆنه مغرور، بیل بو عاشیقین قدرین،  
 سنه هرگز جهاندا عاشیقین تک جانفشان اولماز.  
 دئدی لیایا مجنون بیر گئجه: «کئی شوخ بی همتا!  
 اۇلا عالم سنه عاشیق، منیم تک مهربان اولماز.»  
 گۆلۆ مشهور ائدن عالمده بۆلۆلدۆر، یقین ائیلە،  
 کی عاشیق اولماسا، معشوقه دن نام و نیشان اولماز.

چک ال جوور و جفادان، عاشیق دلسوزونا رحم ائت،  
اگر خلزون ده حوسنؤن تک اؤلا، بالله یامان اؤلماز.

### ۱۵ - ۳. سرابلی عاجز

محمد خلیفه عاجز سراپی، هـ. ۱۳ - نجو عصرین ایکینجی یاربسپندا ۷۲ یاشپندا ایکن  
دۇنیایا گۆز یوموش و وفات ائتمیشدیر. یاشاییشی حاققپندا از معلوماتیمیز اؤلان سرابلی  
عاجز، زمانه سی نین گؤجلو شاعیرلریندن اؤلوموش و صرافین یارادپجیلپننا تأثیر بوراخمپشدیر.  
آشاغپداکی نمونه لر، بو ادعایا ثبوت اؤلا بیلر:

نه یاخشی لاله قپزارمپش بنفشه زارپندا،  
نه طورفه سؤنبؤل آپلمپش او گؤل عذارپندا.  
نئدر شراب طهوری امه ن دؤداغپندان،  
نئدر بهشت برینی یاتان کنارپندا؟  
نه راه و رسمدیر ای گؤل! بو بؤلبؤل بی دل،  
چکیب خزانپنی، بیر گزمه سین باهارپندا؟  
همیشه ناله و افغان، مدام گۆز یاشی،  
نه گؤرمؤسن مگر ای دل! بو آه و زارپندا؟  
عجب کی یانمادی، عاجز، بو خرگه گردون،  
اثر کی یوخدو بو آه شراربارپندا.

\*\*\*

آل شانه دستینه، صنما! دارا تئلترین،  
کؤنلؤم کیمی داغبت یئنه رخسارا تئلترین.  
توتموش گؤنؤن قاباغپنی زؤلفؤن، کنار چک،  
ائتمیش عجب قارا گؤنؤمؤ قارا تئلترین.  
بیمار عشق، خسته و رنجورم، ای طیب!  
ائتمز منه دن بو دردیمه بیر چارا تئلترین؟!  
آخیردا آشکار اؤلوب، سیرر عشقه باخ،

یوسف کیمی سالیب منی بازارا تئلیرین.  
 بۆلبول کیمی نوایه گلیب، ائیلهرم خروش،  
 اتمیش اسیر هر گۆلۆ بیر خارا تئلیرین.  
 اؤد توتدو پرلریم بو زامان، ماهِ گۆل عذار!  
 سالمیش منی نه نوع ایله، گۆر نارا تئلیرین.  
 بیلیم سبب نه دیر گئنه، ای یارِ مهربان!  
 منصور تک چکیب منی اول دارا تئلیرین.

### ۱۶ - ۳. نخجوانلی ملامحمد

۶۶ یاشیندا مقدس نجف شهرینده هـ. ۱۳۳۴ - نجی ایلده وفات ائدن ملامحمد  
 نخجوانی، آدلم نوحه شاعیرلریمیزدندیر. اونون *سحاب الدموع* آدلې نوحه کتابی صرافین  
 اؤلوموندن ۱۰ ایل قاباق تبریزده چاپ اؤلموشودور. اونون *مظاهر الانوار فی عقاید الاخیار* آدلې  
 باشقا بیر نوحه کتابی دا واردیر.

### ۱۷ - ۳. دربندلی قمری

هـ. ۱۲۳۵ - نجی ایلده دربند شهرینده دؤنیایا گلن و ۱۳۰۹ - نجو ایلده وفات ائدن ابراهیم  
 اؤغلو میرزا محمدتقی قمری نین کنزالمصائب اثری تۆرکجه میزه باغیشلانان ان دۆلغون و  
 سلیس نوحه کتابلاریندان بیرسی دیر. اؤنو نوحه یازان حاج رضا صراف اؤزه رینده چۆخ تأثیری  
 اؤلموشودور.  
 «قمری» نین *عقل و عشق* آدلې مثنوی سی و *کنزالمعارف* آدلې باشقا نوحه کتابی واردیر.  
 اونون نوحه لری سوزناک و چۆخ مشهور نوحه لر دیرلر.

### ۱۸ - ۳. تبریزی فانی

حاج رضا صراف ایله بیر ایلده (۱۳۲۵ هـ.) دؤنیایا گۆز یومان میرزا صادق فانی تبریزی ده  
 اونون کیمی فضولی و سید عظیم غزل مکتبینه باغلی شاعیرلردن سایلییر. اؤ، *عمرؤنؤن* سؤن  
 ایللرینی گنجه شهرینده معلم لیک ایشی ایله سؤنا چاتدیرمیشدیر. تبریزی فانی نین اؤز

همشهری سی صراف ایله حشر و نشری وار ایمیش. تبریزی ملا اسدالله اوغلو اولان فانی نین  
خمسه ی / ادبیّه آدلې بئش جیلدلیک درسلیگی ده واردېر.

## ۴. تېرىزلى صرافىن ياشايشى و شخصىتى

### ۱ - ۴. دۇغوم و اۆلۆم اىلى

الدە اۆلان قايناقلاردا دئىيلير كى صراف ۱۷ ربيع الاول ۱۳۲۵ هـ. (۱۲۸۶/۲/۱۰ ش.) گۆنۆندە وفات ائتميشدير. اؤ، عُمروُنۆن سۆنلارېندا آسم خستەليگىنە دوچار اۆلموشدور. اۆنون اۆلۆم تارىخى ايله علاقه دار، بير نئجه ماده تارىخ ده يازېلمېشدير. ۵۴ ايل ياشايان صرافىن دۇغوم تارىخى ۱۲۷۱ هـ. اۆلمالېدير.

### ۲ - ۴. دۇغوم يىرى

رضا صراف تېرىزدە دۇغولموشدور. اۆنون بو شېهرين هانسى محلەسىندە دۇغولماسى دا، بير سيرا تدقيق موضوعو اۆلموشدور. تربيت، اۆنون «ورجى» محلەسىندە و صفوت «مقصوديه» محلەسىندە دۇغولماسېنى اۆنه سۆرۆرلر. بعضى تدقيقاتچىلار، صرافىن آشاغېداكى شعرلرينه استناد ائدەرك، اۆنون «ويجويه» ده دۇغولماسېنى ادعا ائديرلر.<sup>۱</sup> اۆنلارېن دىليجه دئسك، صراف اۆز دۇغوم يىرىنه، بير غزلىندە بئله اشاره ائدير:

دئديم صرافه: «كىمدير سئودىگين محبوبه؟» عرض ائتدى:

«آدې هم اسم احمد، مسكن و ماواسې «ويجو» دور.»

(۲/۱۳)

و باشقا بير يىردە دئير:

آتاردې يوسفى الدن دوتاردې دامنيوى،

<sup>۱</sup> همراز، رضا. سۆز مۇكونون صرافلارېندان. ارمغان آذربايجان، ش ۶۰، ص ۴۶.

اگر دۆشه‌یدی زۆلیخا گذاری ویجویه.

(۲/۸۳)

بو اشاره‌لردن، بئله چپخبر کی صراف تبریزین ویجویه (=ورجی) محله‌سینده یاشایان بیر  
شخصه باغلی اییمیش. صراف دیوانین مکرر چاپ ائدن تبریز فردوسی کتابخانه‌سی مدیری  
آقای سیروس قمری اؤنون «راستا کۆچه» محله‌سینده بیر تاجر عائله‌ده آنادان اولماسینې  
سؤیلر.<sup>۱</sup>

### ۳ - ۴. اوشاقلېغې و گنجلیگی

رضا صراف آتاسینې ۱۲ یاشیندا ایکن الدن وئرمیشدیر. اؤنون توصیه‌سی ایله تبریزده  
تحصیلینه داوام ائدن صراف، زمانه‌نین علملرینه صاحب چپخمبشدر، دینی و ادبی بیلگیه  
مسلط اولموشدور.

### ۴ - ۴. صرافین شۆهرتی و شغلی

«صراف» سۆزجوگۆ عربجه صیغه‌ی مبالغه‌دیر و تۆرکجه‌میزده آشاغېداکې معنالاردا  
ایشله‌نیر:

۱. اصل سگه‌نی قلب سگه‌دن آیبرا بیلن و تشخیص وئرن آدم.<sup>۲</sup>
۲. خالصی ناخالصدن آیبرا بیلن و ایشلره آگاه اولان آدم.<sup>۳</sup> میثال: فلان کس چوخ صراف  
آدامدېر.
۳. پول ایله مشغول اولان آدم.

<sup>۱</sup> صراف سخن، ص هفت.

<sup>۲</sup> فضولی دئیر:

خوش اول کی قهلب رهبر صدقین اخلاص،

خلوتگه قُربا اولا اخلاص ایله خاص.

صراف وفا بوتهی تأدیه سالیب،

هر غشْدن انده مس وجودونو خلاص. (فضولی/۳۰)

<sup>۳</sup> نسیمی:

صراف بدر قُدرتم، یاقوت کان وحدتم،

شیمدی بو گون نسیمی یم خاک ایله یکسان اولموشام. (نسیمی/۳۲۸)



تبریزی رضا صراف اؤزونه بو کلمه‌نی تخلص سئچمه‌سی‌نین علتینه بیر نئچه یئرده اشاره ائتمیشدیر. اؤ جۆمله‌دن دئییر:

دئدیم جانانه: «منظورون عیار قلبی بیلیمکدیر،

گلیب صراف له شاگرد اول آیاق چکمه دؤکانبمدان».

(۲/۵۳)

بئله نظره گلیر رضا صراف، آتاسی اۆلدۆکدن سؤنرا، اوندان قالان تجارت‌خانادا صرافلیق ایشینه داوام ائتمیشدیر:

وار امیدیم سالا صراف اله بیر سرمایه،

سکّهی عشقی ز بس نقد دل [و] جانه و برار.

(۲/۵)

#### ۵ - ۴. آتاسی

صرافین آتاسی‌نین آدی محمد ایدی. حاج محمد «راستا» کۆچه محلّه‌سینده، حصار دربندینده ساکن ایدی. اؤنون «حاج سید حسین» تیمچه‌سینده تجارت خاناسی وار ایدی. اؤغلو رضا ۱۲ یاشیندا ایدی کی دؤنیادان کۆچمۆشدۆر.

#### ۶ - ۴. صرافین قیزی

صرافین «رباب» آدلّی قیزی وارمیش. اؤ، بئش یاشیندا و ۱۳۰۵ هـ. ایلینده اۆلمۆش و اؤنو چۆخ متأثر ائتمیشدیر. آشاغیداکی مطلعلی مرثیه‌نی، اؤ قیزی اۆچۆن یازمیشدیر:

قۆیدون منی رباب عجب خورد و خوابدان،  
سالدین کنارا محفل چنگ و ربابدان.

(۶/۱)

شعرین سؤنوندا دئییر:

تاریخ ایسته‌دیم سنه صرافدان، دئدی:

«قدر رضا» مشخص اۆلور بو حسابدان.

#### ۷ - ۴. اوشاقلاری

رضا صرافین، محمد و علی اصغر آدلې ایکی اوشاغی اۆلموشدور. کیچیک اؤغلو «علی اصغر صرافی» ده، شعر یازارمیش.

#### ۸ - ۴. قارداشلاری

رضا صرافین محمد، جعفر، عبدالعلی و عبدالعظیم آدلې قارداشلاری وار ایدی. اؤ، آتاسی اۆلدۆکدن سؤنرا، عائله نین خرچینه کفیل اۆلور و آتاسی نین تجارت ایشینه داوام ائدهرک، علم و ادب تحصیلینه ده داوام ائدیر. اۆز قارداشلاری، اؤ جۆمله دن جعفری ده علم تحصیلینی تکمیل ائتمه اۆچۆن نجف شهرینه گۆنده ریر. میرزا جعفر سؤنرالار ایرانین محقق عالیم لریندن بیرسی اۆلور و ۱۸ ایل تحصیلدن سؤنرا، هجری ۱۳۲۳ - نجۆ ایلده تبریزه قاییدیر.

#### ۹ - ۴. غزللری نین اؤخونماسی

صرافین بیر چۆخ غزللری موسیقی چیلر طرفیندن بسته له نیب و اؤخونموشدور. میثال اۆچۆن:

خدنگ نازیله کۆنلۆم قوشون شکار ائله دین،  
کۆنۆلده گیزلین اولان سیرری آشکار ائله دین.

(۲/۶۶)

#### ۱۰ - ۴. خیر ایشلر

حاج رضا صراف اۆز زمانه سینده اجتماعی خیر ایشلرده ده اشتراک ائدیردی. اؤ جۆمله دن: هـ. ۱۳۱۶ - نجی قبتلیق ایلینده صراف «اعانه ملی» آدې ایله تبریزده بیر یاردېم کۆمیسسیاسی تشکیل ائتمیشدیر. ها بئله تبریزده چاپ اولان «انجمن» روزنامه سی نین ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۴ هـ. گۆنۆ ۴۱ - نجی نۆمره سینده بیر اطلاعیه ده دئییلیر کی حاج رضا صراف نوبار محله سینده مدرسه تأسیس ائتمه ایشینه مالی یاردېم ائتمیشدیر.

## ۱۱ - ۴. مشروطه دن دفاع

تبریزی صراف یالینز ادبی محفیللرده یوخ، بلکه سیاسی میدانلاردا فعالیت گؤستریدی. او، تبریزلیلرین تاپسیز مبارزه و ساواشلاری زامانی، مشروطه مجاهدلرینه هر جور ماده و معنوی یاردیم ائیدیدی و ائوینده قورولان ادبی انجمنی ده سیاسی و اجتماعی تظاهراتیا چئویریردی. الیمیزده اولان ایکی بئشلیک (مخمس) و بیر مستزاد و بیر تازیانه سی اونون بیر حقیقی مشروطه خواه و آزادلیق سئون شاعیر اولدوغونو ثبوت ائدیر. او، مشروطه دن سؤنرا، مشروطه انقلابینی آزدېرماغا چالېشانلاری طنزی تازیانه لر ایله هجو ائدیر و دئییر:

بو نه دیر؟ نه عدل دیر، هر لحظه مین بیداد اولور؟

بو نجه مشروطه دیر؟ گئتدیکجه استبداد اولور؟

## ۱۲ - ۴. مخلص شیعه

صراف آزاده شاعیر دیر. بو آزاده لیک، اونون مخلص شیعه اولماسیندان ناشېدېر. او، یاشایېشی بویونجا کیمسه نی مدح ائتمه میشدیر. مدحی، داها دؤغروسو منقبه لری یالینز حضرت علی ابن ابیطالب<sup>(ع)</sup> و شیعه اماملاری اوچوندور. امام علی<sup>(ع)</sup> نی او قدهر سئویرکی گاهی غلو ائدیر و دئییر:

ذات پاکېندېر مرگېدن مبرا، یا علی<sup>(ع)</sup>!

(۱/۲)

و بیز بیلیریک مرگېدن مبرا اولماق یالینز حضرت حقه مخصوصدور. و یا بو کی دئییر:

ائيله مۆمکۆنسن کی واجبدیر وجودون عالمه،

ای وجودو علت غایی اشیاء، یا علی<sup>(ع)</sup>!

(۱/۲)

و بیز بیلیریک کی بو توصیف مولامېز حضرت علی<sup>(ع)</sup> اوچون یوخ، بلکه رسول اکرم

وصفینده دیر و بو بویروقدان گلیر کی:

لولاکی لما خلقت افلاکی.

همین اخلاص سبب اولموشدور کی صراف ان یاخېجې و جان یاندېرېجې نوحه لر

یازسېن. اونون بو ساحه ده یازدېجې هر بیر جمله اوره گیندن قۇپور و اوره کله تاثیر ائدیر.

## ۱۳ - ۴. بیلگی

صرافین شعرلری گؤستریر کی او سنتی ادبیاتین مختلف قۇللارېندان خبردار اولان بیلگین بیر شاعیردیر. خصوصیه اسلام تاریخینده چۇخ درین بیلک صاحبی اولان صراف کُھف الوری، کُشف الغطّاء، آیہی بَلّغ، إِنَّمَا، هَلْ أَتَى و اؤنلار بئله تعبیر و اصطلاح شعرلرینده ایشله دیر و بلکه یؤزلر تاریخی حادثه لر، فلسفی مفهوملار، انبیاء تاریخی و اسطوره وی واقعه لره تلمیح لری واردیر. اؤزه لیکله قید ائتمک لازیم دیر کی صراف کربلا حادثه سیله تام جزئیاتی ایله تانبشدیر و بو ماجرالاری اینجه لیکلری ایله توصیف ائدیر.

## ۱۴ - ۴. موسیقی

رضا صراف موسیقی مقاملاری ایله تانبش بیر شاعیردیر. شعرلرینده موسیقی اصطلاحلاری و بعضی مقاملارین آدلاری سیرالانمیشدیر:

مخالف رغمینه، بزم طریده مطرب مجلس،  
بیر اؤزگه شور ایلن باشلار نوا، افشای راز ایئر.

(۲/۱۸)

## ۱۵ - ۴. عرفانی مضمونلار

صراف گرچی عارف شاعیر دگیلیر، آنجاق عرفان وادیسیندن خبرسیزده اولمامیشدیر. یئر - یئر عارفانه اصطلاحلار و مضمونلار ایشلتیمیشدیر. مثال اؤچون عرفان عالمینده هئج قیل و قالا احتیاج اولما ااصلینی بیر یئرده بئله بیان ائدیر:

کلام عشقه صغرا و کبرا احتیاج اولماز،  
اؤنا برهان همین حوسن رخ دلبر کفایتدیر.

(۲/۲۱)

و یا توحیده و ذات حقین کائناتی یاراتما اراده سینه بئله اشاره ائدیر:

چون گوردؤ الف طالب کثرتدی، بس ائتدی،  
زو مختلف اشکال ایله تشکیل صور خط.

(۲/۳۹)

و یا همین غزلده بیر باشقا بئته آلاهبین لطف و عنایتینی بئله بیر دیل ایله بیان ائدیر:

بو صفحه ده اولمازدی نه شیرازه نه ترتیب،  
مجموعه ی حؤسنؤ اۆزه سالمازدی اگر خط.

(۲/۳۹)

#### ۱۶ - ۴. تبریزی صراف و شیرازی حافظ

تۆرکجه غزل یازان شاعیرلر، عمومیتله شیرازی حافظی بیگه نیشلر، اؤنون شعرلرینه نظیره لر یازمیشلار، شعرلرینی تۆرکجه میزه چئویرمیشلر و اؤندان بیر چوخ استقباللار ائتمیشلر. بؤیوک سؤز اوستادلاریمیز اولان نسیمی، فضولی و نباتی نین اثرلرینده شیرازی حافظین ایزی - تۆزو گۆرۆنمکده دیر. بودا شاید اؤنا گۆره دیر کی شیرازی حافظ تۆرک سئوهر و تۆرک سیتا بیر شاعیر اولموشدور و شعرلرینده تۆرکلری ده هر زامان تعریف ائتمیشدیر.

تبریزی صرافین دا شعرلرینی درین اوخویاندا، اؤنون حافظ ایله یاخپندان تانیش اولماسی و گاهدان دا شعرلریندن الهام آلماسی حس ائدیلمیر. مثال اوچون:

یوخ باغاندا شرم و حیا، هئج اوتانمیری،  
قدین یانیندا صحبت سرو روان سالبر.

بئیتینی اوخویارکن، ایستر ایسته مز حافظین بو بئیتی یادا دؤشور:

بنفشه طره ی مفتول خود گره می زد،  
صبا حکایت زلف تو در میان انداخت.

#### ۱۷ - ۴. صائبانه شیوه

صرافین شعر شیوه سی حاققیندا نه دئمک اولار؟ او، تۆرکجه یازان هانسی شاعیری تعقیب ائدیر؟ فضولی و قوسی کیمی شاعیرلردن تأثیر آلماسینا باخمایاراق، صرافین شعر دؤنیامیزدا اۆز دست خطی و شیوه سی واردیر. بعضاً بئله نظره گیر کی او، نوایی، فضولی و صائب اوچلؤگۆندن تۆره یین تۆرکۆ شیوه ده شعر یازبر. آشاغیداکی بئیتلر، تامایله صائبانه دیرلر:

گۆتۆر مرهم طیبیم، دوتما زخم سینه سوراخین،  
بو دارالملک عشقه بیر آچیق دروازه لازیمدیر.

بورادا بؤیوک بیر تشبیه واردېر. هم ده ایکی:۱. عینی تصویر «سینه ده ایجاد اولان دلیک» ۲. ذهنی تصویر یعنی «عشق شهرینه دروازا» بیر - بیرین قارشېسېندا دورموشلار.

هابئله آشاغېداکې بئیت صائب شیوه سی نین ان گؤزهل نمونه سی اولایلر:  
چېخېب ترتیدن، اوراق اولوب مجموعه ی جسمیم،  
محبت رشته سیندن جلدیمه شیرازه لازم دېر.

#### ۱۸ - ۴. صرافین ایشلتدیگی عروض اولچولری

تبریزی صراف عروض قایدالارنا مسلط بیر شاعیر ایدی، ایستر دیوانېندا و ایتسر سه ده نوحه لر مجموعه سینده آذربایجان عروضونا مخصوص اولان بحرلر و وزنلردن یارارلانمېشدېر. آشاغېدا اونون نشر اتدیگیمیز شعر دیوانېندا ایشلتدیگی بحرلر و وزنلرین جدولینی وئیریک:

بحرین آدی	ایشلتدیگی وزنلر	سای
رمل	مثنی محذوف	۱۲
	مثنی اخرب	1
	مثنی مخبون محذوف	5
هزج	مثنی اخرب مکفوف محذوف	17
	مثنی سالم	30
کامل	مثنی سالم	2
مجتث	مثنی مخبون محذوف (اصلم)	15
	مثنی مخبون	1
مضارع	مثنی اخرب مکفوف محذوف	۲۱
	مثنی اخرب محذوف	۱

## ۵. تبریزی صراف حاققېندا یازېلان شعرلر

حاج رضا صرافېن شخصیتی و اؤنون اولومو حاققېندا بیر نئچه شاعیر اوؤز تأثراتېنې دېله گتیرمیشدیلر و شعر نمونه لری یاراتمېشلار. بورادا همین شعرلردن اوړنکلر گتیره رک، اؤنون شعرلرینه یازېلان بعضی تضمین لر و نظیره لرده ده نمونه لر ذکر ائدیریک:

### ۱- ۵. محمد علی صفوت

غَابَ النَّجْمُ وَرَمَانَا بَوْلَهُ،  
إِنَّ حُزْنِي دَائِمٌ مَا دُمْتُ لَهُ.  
فَسَتَلْتُ الطَّيْعَ عَنْ رَحْلَتِهِ:  
قَالَ فِي تَارِيخِهَا «يَغْفِرُ لَهُ».

### ۲- ۵. حاج محمد آقا نخجوانی

فخرالشعرا، نخبه ی صراف سخن، مُرد،  
با رحلت خود قلب احبّا همه بسترده.  
صد حیف که آن شاعر دانا و سخنور،  
ابکار معانی همه در سینه ی خود برد.  
در رحلتش این جمله چه خوش گفت ادیبی،  
تاریخ وفاتش شده: «صراف سخن مُرد.»

### ۳- ۵. تبریزی میرزا طاهرزاده نقاش

صراف خود برفتی و زنده است نام تو،

خلدبرین و جنت رضوان مقام تو.  
 ... گرچه نوشته شد به مرکب چنین کتاب،  
 باید به آب زر نوشتن کلام تو.  
 تاریخ رحلتش تو ز تقاش کن سؤال:  
 حاجی رضا به فکر برآرد مرام تو.

#### ۴-۵. تبریزی سالک

افسوس وفاسیزدی بو دؤوران غم افزود،  
 هئچ کیمسهنی قویماز اؤلا آفاقدا خشنود.  
 عشاق اؤزونه عیشی حرام ائتسه سزادپر،  
 ایام طرب کؤچدؤ، نه دیر زمزمه ی رود؟  
 ساقی! منه پیمانه گتیرمه داخی بسدیر،  
 مشکل کی بو پیمانه وئره دردیم اؤچؤن سود.  
 سرگرم ائله ییب ساقی محنت منی غمدن،  
 صهبای آلتدن، کی اؤدور باده ی معهود.  
 از بس کی کؤنؤل فرقت جانانه چکیب آه،  
 دل صفحه سی یکباره اولوب مجمره ی عود.  
 نار غم هیجرانیله اؤدلاننام اؤره کدن،  
 اؤز حال پریشانیم اؤلور شاهد مشهود.  
 بیر گوهر نایابدی عاشقلره جانان،  
 صد حیف کی الدن گئدیب اؤل طالع مسعود.  
 اهل دل اؤچؤن کشف ائله ای دل! نه دی دردین،  
 بو هئیت افسوسدن آیا نه دی مقصود؟  
 بیلدیم غم افکاردی چؤن رسم ادب وار،  
 عشق اهلی نین آثاری گر هک اولمویا مقفود.  
 تاریخ وفات رضا صراف ی سؤروشسان،



اؤن یئددی عین اولیدی لیلہی مولود.  
 سال مین اوچوز ییرمی بش اؤستونده او مرحوم،  
 عقیبا قدم قویدو، تاپیب رحمت موعود.  
 سالک، ائله تعداددا قبرخ یئددینی موضوع،  
 اؤز اسم شریفی اولو بو مادهده معدود.

#### ۵ - ۵. عسکر شاهی اردبیلی

خیالهم توز کیمی قالخېب هوايا آفتاب ایستر،  
 فروغ عارض سولطان عشقی بی نقاب ایستر.  
 اولوبدو زیر و رو نالان وجودوم انقلاب ایستر،  
 پریشان خاطریم بیر طره‌ی پر پیچ و تاب ایستر،  
 عجب دیوانه‌دیر اؤز قدینه بند طناب ایستر.

اولوب بیر عمردور هیجريله آهیم آهه پیوسته،  
 ولی بیر ذره تأثیر ائيله‌میر اول دلبر مسته.  
 کئچیدیر انتظار اندازه‌دن شاهی اولوب خسته،  
 در امید اولوب صرافه هر بیر سمتدن بسته،  
 علی تک فاتح خیبر الین فتح باب ایستر.

#### ۶ - ۵. محمد رنجی تبریزی

غمینده لاله‌لر تک کؤنلؤمؤ قان ائتمه‌ییم، نئيله‌ییم؟  
 گئجه گؤندوز سنین هیجرینده افغان ائتمه‌ییم، نئيله‌ییم؟  
 اوره‌ک قانین گؤزؤمدن سیل دامن ائتمه‌ییم، نئيله‌ییم؟  
 گؤزؤم یاشین کؤنول قانيله مرجان ائتمه‌ییم، نئيله‌ییم؟  
 بو آق دری شبیه لعل جانان ائتمه‌ییم، نئيله‌ییم؟

سنین لعل لبیندن هر گئجه میخانه‌ده مستم،

کمند زؤلف مشکین فامیوه ایللردی پابستم.  
 مگر کیمدیر دئسین رنجی کی من قارون کیمی پستم،  
 بو بازار محبت ایچره «صراف» تهیدستم،  
 یتیم دُر اشکی زیب دکان ائتمه ییم، نیله ییم؟

#### ۷ - ۵. تبریزی مجید صباغ (یالقیز)

ای جان! حذر ائت گئتمه او جانانه دؤلاشما،  
 بیچاره، ساغین آتش سوزانه دؤلاشما!  
 یان دور کی چکهر کامه و ثعبانه دؤلاشما،  
 ای شانه او گیسوی پریشانه دؤلاشما،  
 جان رشته سی وار اورد، چکیل یانه دؤلاشما.

یالقیز جان آتیب سن ده او جانانه یئتیشدین،  
 او زؤلف پریشانه اولوب شانه یئتیشدین.  
 صباغ کیمی مرغ غزل خوانه یئتیشدین،

صراف ائله کیم چاک گریبانه یئتیشدین،  
 یاز قاش ایله گؤزدن داخی بوستانه دؤلاشما.

## ۶. تېرىزلى صراف حاققىندا نشر اولان كىتابلار

### ۱ - ۶. نورسل اۆزنسل<sup>۱</sup>

۱۹۷۰ - نجى ايلده، صرافىن تۆركجه ديوانى ۱۹۰ صحيفهده بير ماذونيت تئزى كىمى لاتىن الفباسى ايله نورسل اۆزنسل طرفىندىن ايشلىنىش و قبول اولونموشدور. بو تئز استانبول اونيورسيتەسى، ادبيات فاكولتەسى، تۆرك دىلى و ادبياتى بۆلۆمۆ، اسكى تۆرك فيلولوژىسى شعبەسىندە، مرحوم پرفسور دكتور محرم ارگىن رهبرليگى ايله باشا چاتمىشدور.

### ۲ - ۶. مجموعهى مقالات<sup>۲</sup>

۱۳۸۳ - نجى ايلده تېرىزدە، تېرىزلى صرافىن اۆلۆمۆنۆن يۆز ايلىگى مناسىتى ايله قورولان تۆپلانتىدا اوخونان مقالهلر، «حوزهى هنرى سازمان تېليغات اسلامى آذربايجان شرقى» طرفىندىن نشر اولموشدور. بو مجموعهيه ايگيرمىدن چۆخ علمى مقاله سالېنمىشدور. كىتابدا گئىدن مقالهلر تۆركجه و فارسجادورلار. همىن مقالهلر و شعرلردىن بعضى پارچالار «گۆرۆشلر و نظرلر» بۆلۆمۆندە نقل ائتدىك.

بو كىتاب تېرىزلى صراف شرفينه نشر اولان ايلك علمى مجموعه حساب اولور. كىتابا اؤن سۆز يازان «حوزهى هنرى» مديرى و تۆپلانتى رئيسى دئير:

---

<sup>1</sup> Nursel Özensel. **TEBRİZLİ RİZA SARRAFIN GAZELLERİ**, Yonetmen: Istanbul Üniversitesi Fen – Edebiyat Fakültesi, Türkl Dili ve Edebiyatı Bölümü, Eski Türk Filolojisi Kürsü Başkanı prof. Dr. Muharrem Ergin, İstanbul, 1970. (Meznniyet Tezi).

<sup>2</sup> صراف سخن (مجموعهى مقالات همایش بزرگداشت يكصدمین سال وفات حاج رضا صراف تبریزی)، حوزهى هنرى سازمان تېليغات اسلامى آذربايجان شرقى، تبریز، ۱۳۸۳.

«- امسال بر حسب سال قمری، صد سال تمام از وفات این شاعر فرزانه می‌گذرد. حوزه‌ی هنری آذربایجان شرقی همایش بزرگداشت وی را در تبریز و باکو برگزار می‌کند و هدف از این همایش، یادکرد نام و خاطره و بازخوانی و تجدید چاپ و تکثیر آثار و اندیشه‌ی این بزرگ مرد شعر و ادب شیعی است.

از همه‌ی نویسندگان، شعرا و صراف شناسان فرهیخته‌ی ایران، جمهوری آذربایجان و جمهوری خود مختار نخجوان که به فراخوان دبیرخانه‌ی همایش صراف پاسخ داده و با ارسال اشعار و مقالات خویش در پیرامون زندگی، شخصیت، شعر و هنر صراف ما را در برگزاری هر چه باشکوه‌تر این همایش یاری و به آن معنای علمی دادند، صمیمانه تشکر می‌نمایم. کتاب حاضر (صراف سخن) ارمغان این بزرگواران اهل قلم، فرهنگ و ادب است که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد. البته مقالات بیانگر دیدگاه نویسندگان محترم است. گاهی دیدگاه‌ها مشترک و خیلی نزدیک به هم می‌نماید. این هم حائز اهمیت است زیرا نشان می‌دهد که بسیاری از صاحب‌نظران صراف‌شناس، حقایق تاریخی و ادبی را هم‌سان می‌نگرند.»<sup>۱</sup>

همین کتابا باشقا بیر اؤن سؤز یازان «اسلامی تبلیغات تشکیلاتی هنری حوزه رئیس»<sup>۲</sup>

دئیر:

«- از دوران ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> شاعران محب اهل بیت<sup>(ع)</sup> از هر نژادی به زبان قومی و ملی خود در بلاد مختلف اسلامی همواره در طول تاریخ به دفاع از حقانیت آل محمد<sup>(ع)</sup> پرداخته‌اند.

مرحوم حاج رضا صراف تبریزی نیز یکی از این ستارگان تابناک سپهر پرفروغ ادبیات عاشورایی است که اشعارش در گستره‌ی جغرافیای زبان آذری دنیا زمزمه می‌شود و نزد دوستداران اهل بیت<sup>(ع)</sup> مقام و منزلت والایی دارد. همایش بزرگداشت یکصدمین سال وفات این شاعر آل علی<sup>(ع)</sup> در تبریز و باکو از طرف حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی فرصت مغتنمی است که نسل ادب‌دوست امروز ما با یکی از بزرگان ادب و هنر شیعی یک قرن پیش آشنا شوند.»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> همان، ص ۸.

<sup>۲</sup> همان، ص ۱۲.

مقاله‌لر مجموعه‌سی مرحوم محمدعلی صفوتین تبریزی صراف حاقق‌بندا داستان دوستان کتابیندا یازدېغې مطلب ایله باشلاپیر. ۲۶۰ صحیفه‌ده نشر اولان بو مجموعه‌یه تۆرکجه و یا فارسجا یازبالان مقاله‌لر و شعرلر سالینمیشدیر.

### ۳ - ۶. ارمغان آذربایجان

نقده شهرینده نشر اولان «ارمغان آذربایجان» هفته‌لیگی ۱۶ آبان ۱۳۸۳ تاریخلی ۶۰ - نجی ساینې، تبریزی صرافین اۆزل سایې‌سی کیمی اولاراق نشر ائتمیشدیر. بورادا آشاغېداکی مقاله‌لر درج اولونموشدور:

۱. یحیی شیدا: آذربایجان افتخار یارادان سیمالار بندان.
۲. حسین جدی تبریزی: گۆرکملی غزل شاعری، صراف.
۳. عزیز محسنی: حاج رضا صراف تبریزی.
۴. رضا همراز: سۆز مُلکونون صرافلار بندان.
۵. مصطفی قلیزاده: شاعری پرشور، عاشقی شیفته (فارسجادیر).

### ۴ - ۶. میرعلی منافی

مرحوم میرعلی منافی خسرو شاهی ۱۹۸۱ - نجی ایلهده باکی شهرینده، میرزه ابراهیم اوفون رهبرلیگی ایله نشر ائدیگی اۆچ جیلدلیک «جنوبی آذربایجان ادبیاتی آنتولوگیاسی» کتابین بیرینجی جیلدینین ۱۸۲ - ۱۶۱ نجی صحیفه‌لری آراسینا صرافین قبرخا یاخین غزلینی سالمېش و اونون حاقق‌بندا بحث ائتمیشدیر.

### ۵ - ۶. اؤزبه‌گی نادراف

۲۰۰۴ - نجۆ ایلهده باکی شهرینده «حاج رضا صرافین یارادېجېلیق» یولو عنوانلی بیتیرمه تئزی، اؤزبی نادراف طرفیندن مدافیه ائدیلمیشدیر. بو بیتیرمه تئزینده تبریزی صرافین شخصیتی و ادبی - بدییی یارادېجېلیغی تحلیل ائدیلمیشدیر.

## ۷. تبریزلی صراف و شاعیرلریمیز

### ۱- ۷. صراف و فضولی

مولانا حکیم ملامحمد فضولی (۹۰۰ - ۹۶۳ هـ.) یالنیز آذربایجان ادبیاتی یوخ، بلکه بۆتۆن عمومی تۆرک، فارس و عرب دیللی ادبیاتلارین ان تأثیر ائدیجی و گۆرکملی شاعیری و اسلام دۇنیاسی نین متفکر و فلسفه چیسى و بشریت تاریخی نین اعجوبه شخصیتی کیمی تانینمیشدیر.

فضولی دن سؤنرا ظهور ائدن شاعیرلر آراسیندان کیمسه اؤزۆنۆ اؤنون تأثیریندن قورتارا بیللمه میشدیر. حله ایندی ده غزل یازان هر شاعیر چالیشیر کی اؤزۆنۆ فضولی نین شاگردلیک پایه سیننه چاتدیرا بیلسین.

اینجه له دیگیمیز هـ. ۱۳ - نجۆ عصر تبریز شاعیرلریندن هر کس ده فضولی و سؤنرا سید عظیم شیروانی اؤزلرینه سرمشق و اوستاد توتوردولار. اؤنلارین آراسیندا، حاج رضا صراف تبریزی ده، اؤزۆنه مخصوص شیوه و اوسلوب صاحبی اولماسینا باخمایاراق، فضولی دن ایلهام آلیر و اؤنون غزللرینه نظیره یازماق ایله اؤیۆنۆردۆ. آشاغیدا بعضی نمونه لره باخالیم:

ف.: دگیل بیهوده گر یاغسا فلکدن باشیما داشلار،

بناسین تیشه ی آهیملا ویران ائتدیگیمدنیر.<sup>۱</sup>

(ص ۱۸۸)

ص.: زمانه ایریلیق طرحین آرایا سالسا قوی سالسین،

بیر آه ایله بیناسین ائیلهمک زیر و زیر مندن.

(۲/۵۷)

---

<sup>۱</sup> فضولی بیاتلی، محمد بن سلیمان. دیوان اشعار ترکی، تصحیح، تدوین و مقدمه: دکتر حسین محمدزاده صدیق، تبریز: اختر، ۱۳۸۴.

ف: ایکی گۆزدن روان ائتمیش سرشکیم قامتین شووقو،  
عصای معجزی گۆر کیم ایکی بۆلمۆش بو دریانی.

(ص ۲۴۸)

ص: گۆزۆم یاشی آخار قَدین گۆرنده رود نیل آسا،  
دئیهرسن حضرت موسی عصاسی یاردی دریانی.

(۲/۳۴)

ف: کوھکن کند ائیلهمیش مین تیشه نی بیر داغ ایلن،  
من قۇپارب سالمشام مین داغی بیر دېرناق ایلن.

(ص ۲۲۱)

ص: عاقبت شیرین غمین صرافی فرهاد ائیلهمیش،  
سینه داغبندان سالبر مین داغی بیر دېرناقدا.

(۲/۱)

ف: یئتر ای فلک بو جفا، یئتیر من زارا سرو روانمی،  
مه طلعتیله منور ائت، دل و دیدهی نگرانمی.

(ص ۲۴۴)

ص: نۆلو بیر دقیقه بو حالین، گۆره سئیل اشک روانمی،  
ره انتظاردان اول پری، کسه دیدهی نگرانمی؟

(۲/۸۸)

ف: پریشان خلق عالم زار و افغان ائتدیگیمندیر،  
پریشان اولدوغوم خلقی پریشان ائتدیگیمندیر.

(ص ۱۸۸)

ص: پریشان ائیله یین احوالمی آشفته گیسودور،  
قېلان خم قدیمی محراب تک پیوسته، ابرودور.

(۲/۱۳)

## ۲ - ۷. صراف و تبریزی قوسی

قوسی تبریزی، آذربایجان غزل تاریخینده ان آدلیم آدلاردان بیرسی ساییلر. اونون غزل یازان شاعیرلرده، بلکه ده فضولی قدهر تأثیری اولموشدور. بئله نظره گلیر کی تبریزی صراف،

اُونون دیوانین اُوخویور و اُوژۆنه ایلهام قایناغی ائدیرمیش. تدقیقاتچیلار، صراف طرفیندن قوسی نین بعضی غزللرینه یازیلان نظیره‌لری گۆسترمیشلر. اُو جۆمله‌دن:  
 قـ: فراقبندان سنین، ای نو گۆل! افغان ائتمه‌ییم، نئیلیم؟  
 اُوژۆم تک عندلییین باغربنی قان ائتمه‌ییم، نئیلیم؟<sup>۱</sup>

ص: گۆزۆم یاشین کۆنۆل قانیله مرجان ائتمه‌ییم نئیلیم،  
 بو آق دُرّی شبیه لعل جانان ائتمه‌ییم، نئیلیم؟

(۲/۵۰)

### ۳ - ۷. صراف و شوری

میرزا عبدالحسین شوری بخشایشی ۱۳۱۶ هـ. ایلینده وفات ائدن، خانیم پروین اعتصامی نین آنا طرفیندن بۆیۆک دده‌سی حساب اۆلۆنور. اُو، طبعی روان، بیلگین و مهارتلی شاعیر ساییلیردی. صراف دیوانینین فارسجا بۆلۆمۆنۆن بیر یئرینده اوندان بئله یاد ائدیر:

ساغر محنت مگو که دردسر آرد،  
 مستی این باده نشئه‌ی دگر آرد.  
 شاهدی آرم کنون ز گفته‌ی شوری،  
 آن که ز دریای معرفت گهر آرد.  
 کام وجودم ز زندگی همه زهر است،  
 مرگ مگر ساغری پر از شکر آرد.  
 در غم صراف زاده مردم چشمم،  
 از صدف دیده دُر به در آرد.

عبدالحسین شوری نین دیوانبندان الدّه اۆلان یگانه الیازمادا ایسه، صراف ایله علاقه‌دار بعضی شعرلری ده واردیر.<sup>۲</sup> شوری بخشایشی نین شعرلریندن نمونه:  
 کۆنۆل دگیل کی منیم وار، بو سنگ صمّادیر،

<sup>۱</sup> قوسی تبریزی، علیجان. دیوان قوسی، سهمانیان سیده حمیده رئیس‌زاده، ناشر مصحح، تهران، ۱۳۷۶، ص ۲۶۰، (غزل ۳۳۰).

<sup>۲</sup> همراز، رضا. سۆز مُلکونون صرافلاریندان، ارمغان آذربایجان، ش ۶۰، ص ۴۶.



کۆنۆل دگیل کی منیم واردېر، بو دریادېر.  
 اگر نه داشدې، بو قان اۆلموشون بلاسی نه دیر؟  
 بو قدر تیر جفا، نئچین مہیادېر؟  
 اگر نه بحردی، بو داشا دۆنمۆشه نه گلیب،  
 بو قدر قان اودورام داشمایر نه سؤدادېر؟  
 کۆنۆل دگیل بو، جفا سہمی نین نشانه سیدیر،  
 کۆنۆل دگیل بو، خیول بلایا ماوادېر.<sup>۱</sup>

#### ۴-۷. صراف و علی آقا واحد

آقای رضا همراز تبریزی مرحوم دکتر محمدتقی زهتابی نین چاپ اۆلمامیش خاطیره لر کتابندن، اونون دیلیندن رضا صراف حاققیندا بیر قئیدینی گتیریر. بو قئیدی عیناً بورادا نقل ائدیریک:

«حاج رضا صراف مشروطه اینقلابینا حاضریلق دؤورو و اونون اولرینده ان قدرتلی شاعیرلردن و عمومیتله ادبیاتیمیزین ماهیر غزل یازانلاریندان بیریدیر. ایستر صراف، ایسترسه مشروطه دؤوروون باشقا شاعیرلری نین اثرلری شمالدا چاپ ائدیلمه دیگی و ادبیات تاریخینده اؤیره نیلمه دیگیندن، باکیدا اۆلدوغوم زامانلار، هامی نین، حتی ادبی دایره لرین بئله، اؤنلارین باره سینده معلوماتلاری چوخ آز ایدی. بو ایشین سببی اؤلان استالین استبدادی، ثانیاً اؤ شاعیرلرین نوحه یازماسی و غزللری نین عمومیتله اجتماعی مضمون جهتدن ضعیف اۆلماسی ایدی. لاکن اؤنلاردا صنعت گؤجلؤ ایدی. بو شاعیرلرین اثرلری ایستر اؤنلارین گؤزهل غزللری، ایسترسه نوحه و مرثیه لری خاطیرینه بۆتؤن آذربایجان کندلرینده بئله تاپیلار. من صرافین، راجی نین، لعلی نین، دخیلین، قمری نین... اثرلرینی کرکوک، توزخوماتو، مندی، داقوق، آلتین کۆپرؤ، تلغفر و سایره آذری نشین عراق شهرلری، قصبه و کندلرینده گۆردؤم. بو اثرلر قدیم دؤوردن شمالی آذربایجانین دئمک اؤلار بۆتؤن کندلرینده

<sup>۱</sup> شوری دیوانی نین الیازماسی، تبریز مرکزی کتابخاناسی، ش ۳۶۶۱/۱۱۳۰ ص ۲۷۹ (نقل اۆلدو ارمنان آذربایجان، همان، ص ۴۶، آقای رضا همرازین مقاله سیندن)

اۆلۈمۈش و خلق طرفیندن سئویله رک اؤخونموشدور. باکی دارالفنوندا ایشله دیگیم ایلر  
 قدیم فارس، تۆرک و حتی بعضی عرب کتابلارینې کندلردن تاپاردیم. تاریخ  
 طبری نین ترجمه سی نین بیر نچه جیلدینی قوبا منطقه سی کندلریندن تاپمیشدیم. بیر  
 گۆن همین یۆل ایله حاجی رضا صرافین دیوانین تاپیب آلدیم. من صرافین آدینې  
 ائشیتیمیشدیم سه ده یارادېجیلېغې ایله تانبش دگیلدیم. بو دیوانی الده ائدیپ اؤخودوقدا،  
 شعریت باخیمبندان برک خوشوما گلدی و واحدی اؤنونلا تانبش ائتمه گی آرزو  
 ائده رک، اونا تلفن ائدیپ قرار قویاراق ائوینه گتتیم. صرافین حیاتی، دؤورۆ و  
 یارادېجیلېغدان قېسسا دانېشانان سؤنرا، اؤنون بیر نچه غزلینی اؤخودوم. واحد،  
 شعرى اؤخویارکن، قایداسې اؤزره اؤتوردوغو کیمی، صندلده اللرینی دیزلرینه قویوب  
 باشینې آشاعې سالاراق، تام دقتله دینله ییر و هر بیر غزلین اؤخونماسې بیتدیکده،  
 «چۆخ قُدرتلیدیر، فضولی یانه دیر، مثلسیزدیر.» کیمی سؤزلرله اؤنو تعریف ائدیپ،  
 باشقا غزلی اؤخوماغې خواهیش ائدیردی. بیر ساعاتا قدر صرافین غزللریندن  
 اؤخویاندان سؤنرا، واحد یؤرولان کیمی ایدی. یئریندن دوروب چای دؤزه تمک  
 اؤچۆن مطبخه گئده - گئده:

«- میرزه محمدتقی، بو صراف چۆخ اوستاد شاعیر ایمیش، نه اؤچۆن بیزیمکیلر  
 ایندی یه قدهر اؤنو تانېمامېشلار، اثرلرینی چاپ ائتدیریب خلقه معرفلیک ائتمه میشلر؟  
 شعرلرین قافییه، وزن، ردیف و صنعتی قیامتدیر.  
 - اوستاد واحد، بونلار مشروطه دؤورۆنۆن بیر نچه قُدرتلی شاعیرلری ایدیلر کی،  
 بیرى بیریندن گۆجلۆ و اوستاد ایدیلر و هئچ بیرى ده بو تایدا تانېمامېشلار.  
 گۆرۆندۆگۆ کیمی، اؤنا گۆره کی اؤلاً مرثیه یازمېشلار، ایکینجیسی اؤنا گۆره کی،  
 انقلابدان یازمېشلار. دؤغروندان اؤنلاردا اجتماعى فیکیر چۆخ ضعیفدیر، آنجاق  
 مشروطه انقلابې باشلانان سؤنرا، اجتماعى مضمونلو شعرلر یازمېشلار.  
 - حئیفدیر. گرەک اؤنلاری اؤیره نمک و تانېتماق.

چایې ایچندن سؤنرا صرافین مشهور مسدسینی اؤخودوم. شعرین:  
 دئیین جانانه: «- ای خورشید مه رخساریوه بنده!  
 کۆتۆل جمعیتی چۆن ذره نوروندان پراکنده.

فراقین طاقت و صبر و تحمل قویمایب منده،  
علیلم، دردمندم، دردیمن درمانی وار سنده.

بیتلرینی اؤخودوقدا، واحدین گۆزلری دۆلدو و هئچ نه دئمهدن دوروب اؤتاغی  
گزدی. شعرین اؤخوماسینا دوام ائتدیم:  
گۆرۆم مندن سؤرا شمع روخون پروانه سیز قالسین،  
ایراق گۆزدن، گۆرۆن بی سورمه، زۆلفۆن شانه سیز قالسین.

بیتله باشلانان نسبتاً بدبینانه حصه لرینی ده، باشا چاتدیردیم. واحد فیکره دالان  
حالدا، دئدی:  
- میرزه محمدتقی، شعریتی، صنعتی و هۆنرینه سؤز اؤلا بیلمز. اما محبوبو،  
سؤگیلینی قارغبمازلار.<sup>۱</sup>

## ۵ - ۷. صراف و ساغری

زین العابدین ساغری (۱۲۰۶ - ۱۲۷۱ هـ.) صرافدان داها اؤنجه یاشایان غزل شاعیردیر.  
اؤنون آشاغبداکي:

ای شانه! اوتان طره ی افشانما دیگمه،  
جانیم چبخار، اول زۆلف پریشانما دیگمه.

مطلعلی غزلینه جواب اولاراق، صراف دئییر:  
ای شانه! بو گیسوی پریشانه دؤلاشما،  
جان رشته سی وار اورد، چکیل یانه، دؤلاشما!

<sup>۱</sup> مجله ی ارمان آذربایجان، سال سوم، شماره ی ۶۰، ص ۴۷.

### ۶ - ۷. صراف و محمد حسین شهریار

محمد حسین شهریار، رضا صرافى اؤزۆنه سرمشق ائتمیش و اؤنون گؤزهل غزللرینی  
استقبال و یا ترجمه ائتمیشدیر. میثال اؤچۆن:

ص.: سرلوح حۆسندن خطین ائندی لب اؤستۆنه،  
دیباچه ختم اولوبدو، کنچیر مطلب اؤستۆنه.

ش.: کلک خط تو، نقش بناگوش زد به لب،  
دیباچه چون تمام شود، مطلب اوفتد.<sup>۱</sup>

ص.: غبغب دگیل، حباب معلقدی، محو اولور،  
دۆشه خیال سایه سی بو غبغب اؤستۆنه.

ش.: غبغب نه، چون حباب معلق شود تبه،  
گر سایه ی خیال بر آن غبغب اوفتد.

ص.: بو شعر نغزده صراف، طؤرفه جاذبه وار،  
غزل دئییه - دئییه وحشی غزالی رام ائله دین.

ش.: شهریار! غزل خوانده غزال وحشی،  
بد نشد، با غزلی، صید غزالی کردیم.

<sup>۱</sup> دیوان شهریار، انتشارات زرین، ۱۳۷۱، ج. ۱، ص ۱۵۳.

## ۸. تېرىزلى صرافېن اثرلىرى

تېرىزلى رضا صرافېن الیمیزده ھ. ۱۳۲۵ ایلینده نشر اولان بیر دیوانبندان علاوه، حلهلیک *بهجة الشعر* تذکرهسینده نقل اولونان بیر غزلی و *رجال آذربایجان* کتابیندا گتیریلن بیر مربع و بیر تازیانه سیندن خبریمیز واردیر.

بونلاردان علاوه یئنه ده ۱۳۲۵ ھ. ایلینده تېریزده داش باسماسی اصولیله نشر اولان حاج محمد صراف تېریزییه عائد اولان ۲۳ صحیفهلیک «تهذیب الاخلاق» شعر تۋپلوسونو اونا منسوب ائدنلرده اولموشلار. آشاغیدا اونون اثرلرینی قېسساجا معرفی ائدیریک.

### ۱ - ۸. قصیدهلر

رضا صرافېن قصیدهلری آراسیندان حلهلیک اۆچ قصیده تۋپلایا بیلدیک. بو قصیدهلرین ایکسی مضارع و بیرى رمل بحریندهدیر.

### ۲ - ۸. غزللر

صرافېن غزللری عمومیتله عشق و عاشیقلیک ترنم ائدن شعرلردیر. او، اصلینده غزل شاعیریدیر. او اۆز دۋورۇنده غزله یئنیلیک گتیرمیشدیر. کتابا صرافېن حلهلیک معلوم اولان ۹۳ غزلینى سالمېشېق.

### ۳ - ۸. مرثیه

صرافېن قېزې روبابېن کیچیک یاشلارېندا اولۇمۇ، اونو سارسېتمېشېدېر. بو مرثیهده او بیر آتا کیم اۆز درد و غمینى دیله گتیرمک ایله برابر، فلسفی دۋشۇنجهلرده یۆل وئیر. اولۇم

حاققېندا و آتا - آنالارېن چکدیکلری عذابلار ایله علاقه دار، فیکیرلرینی سؤیله ییر و نهایت هر زادې ایلاهی مشیت و قادر متعال ایسته گینه باغلا ییر و دئییر:  
 نیله ییم ازل گۆنۆنده سنی مرحمت قېلان،  
 ایندی آلب آپاردې جهان خرابدان.

#### ۴ - ۸. مسدس ترجیع بند

صرافین دیوانیندا بیر مسدس ترجیع بند واردېر. بو ترجیع بند:  
 منی چرخ فلک آواره قېلدې خان و مانېمدان.

مصراعى ایله باشلا ییر و اجتماعى شیکایت مضمونو داشی ییر.  
 بو ترجیع بند ۹ بندده دیر و هر بیر بندین اؤزۆنه مخصوص حال و هواسې واردېر و عمومیتله اوندان غربت دردی و وطن حسرتی قوخوسو دیولور.

#### ۵ - ۸. مستزاد

صرافدان بیزیم الیمیزه چاتان بیر مستزادې واردېر. اؤنون بو مستزادې ایلیک دفعه،  
 «آذربایجان» مجموعه سی نین ۲ - نجی ساییندا «بیر چتین خواهش» آدې ایله نشر اولموشدور. مستزادین باشلېغیندا بئله یازېلمېشدېر:  
 «- تبریز اهلی نین انگلیس کنسولخاناسېنا پناه آپاردېغې زامان.»

#### ۶ - ۸. دؤردلۆک (= مربع)

تبریزلی صرافین بیر سیاسی مضمونلو دؤردلۆگۆنۆ، «ملا عمو» نشریه سینه مدیونوق.  
 همین دؤردلۆگۆ، مهدی مجتهدی اؤز کتابیندا بیر «تازیانه» یانیندا نقل ائتمیشدیر.

#### ۷ - ۸. ترجیع بند

شاعیردن الیمیزده بیر ترجیع بند واردېر. هزج بحرینده یازېلان بو ترجیع بند، اؤز نوعوندا ان گۆزهل شعر نمونه لریندن حساب اولونور.

**۸ - ۸. تازیانه**

مشروطه دؤورونده تازیانه یازماغی طنز یازان شاعیرلریمیز رواج وئردیلر. میرزا علی اکبر صابر و میرزا علی معجز شبستری ان آدلم تازیانه یازانلاردان سایبلرلار. صرافین بورادا وئردیگیمیز تازیانه سی ایلک دفعه «ملا عمو» نشریه سینده چاپ اولموشدور.

**۹ - ۸. رباعی**

صرافدان حله لیک بیر رباعی الده ائده بیلیدیک.

**۱۰ - ۸. نوحه لر**

صرافین نوحه لری چوخ معروف، لطیف و سوزناک نوحه لر سایبلر. ان شاءالله بیر مستقل جیلده نشرینه غیرت گؤستره جه ییک.

## ۹. ادبی بزه کُلر

صراف تبریزی، آذربایجان شعرینه بیر چوخ ادبی بزه کُلری گتیرن اوستاد شاعیردیر. اؤ، هیده جی کیمی<sup>۱</sup> بعضاً بیر بئیت ایچینده بیر نئچه ادبی بزه ک یئرلشدیریر. میثال اؤچون آشاغیداکی بئیته نظر سالالیم:

ایمدن صبر و هوش و تاب و طاقت هر نه وار، آلدی،  
بیرین خطین، بیرین خالین، بیرین زولفون، بیرین گۆزلر.

بورادا، آشاغیداکی بزه کُلر ایشلنمیشدیر:

۱. مراعات نظیر (خط، خال، زولف، گۆز و...)
۲. لف و نشر مرتب (صبر، خط، هوش، خال، زولف، تاب و...)
۳. سس آهنگی بزه گی (خ/ سسی، / ز/ سسی).
۴. جانلی سایما (خط، خال، زولف و گۆزلر جانلار کیمی بیر ایش گۆرمه لری).
۵. تکریر.
۶. مترادف گتیرمه.
۷. ادبی بزه کُلری بیر ی - بیر ی ایله ادغام ائتمه.

### ۹-۱. سس آهنگی بزه گی

صراف سس آهنگی بزه گی (واج آراییی) مسأله سینه چوخ اهمیت وئریر و شعرده مهارت ایله بو بزه کدن استفاده ائدیر:

---

<sup>۱</sup> هیده جی دیوانی نین ادبی بزه کُلر اؤچون باخ: هیده جی، محمد. دیوان اشعار ترکی حکیم ملامحمد هیده جی، مقدمه، تصحیح و تحشیه: حسین محمدزاده صدیق. زنجان، پینار، ۱۳۸۷.



کناردان باخارام، گل منی کنار بوا آل،  
 بو خلقدن منی عالمده سن کنار ائله دین. (/ک/ سسی).  
 \*\*\*

دئیهردیم قامت سروین قیامتدن علامتدیر،  
 بئله بیلزمی دیم قامت دگیل، مطلق قیامتدیر. (/ق/ سسی).  
 \*\*\*

باش ایستیرسن بو باش، گل آل، بو امر خیری سال باشندان،  
 گورؤم باش گئتسه آخر ال چکهر بو دردسر مندن؟ (/ب/ سسی).  
 \*\*\*

ساخلایب ساقی بلورین جامی سیمین ساقدا،  
 گوستریر آیات کبرا، انفس [و] آفاقدا. (/س/ سسی).  
 \*\*\*

صراف صفا اهلی اولوب صاف ائله قلیبن،  
 ای بیر - بیرینه قلب ایله صافی قاتان اوغلان. (/ص/ سسی).

## ۲- ۹. قرآن و حدیث تلمیح لری

تبریزی صرافین دیوانیندا و ها بئله نوحه لرینده قرآن آیه لرینه و حدیثلره اشاره ائدن بؤللوجا  
 تلمیح لره راست گلیریک. همین اشاره لردن بعضی نمونه لر ذکر ائدیریک:<sup>۱</sup>

– وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا. (شمس/۱)

سنسن منیر مشعلِ وَالشَّمْسِ وَالضُّحَى،

سنسن امیر مسندِ عزّ و علا، علی (ع)!

– إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا. (فتح/۱)

سن بو مخلوقاتا باب علمی مفتوح ائيله دین،

<sup>۱</sup> بورادا سبرالادبغیمیز تلمیح لرین چوخو بیزدن قایاق استخراج اتمیشلر. باخ: صراف سخن، صص ۱۱۳ - ۱۱۰.

شاهیدیمدیر سورہی اِنَّا فَتَحْنَا، یا علی<sup>(ع)</sup>!

– فَمَنْ يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى. (بقره/ ۲۶۵)

عُرْوَةُ الْوُثْقَى به معنا، تاجدار اِنَّمَا،

قفل گنج هلْ اَتَى، مصداق طه، یا علی<sup>(ع)</sup>!

– وَهَلْ اَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى. (طه/ ۹)

عُرْوَةُ الْوُثْقَى به معنا، تاجدار اِنَّمَا،

قفل گنج هلْ اَتَى، مصداق طه، یا علی<sup>(ع)</sup>!

– وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى. (اعراف/ ۱۸۰)

سن صفیّ الاها وئردين زنگ محنتدن صفا،

اسم پاکیندپر سنين اُسْمَاءُ حُسْنَى، یا علی<sup>(ع)</sup>!

– وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ. (زمر/ ۶۱)

فُلْک محنتدن تاپیب نوح نَجَّى الله نجات،

اؤندا کیم ائتدی سر کویوندا مأوا، یا علی<sup>(ع)</sup>!

– فَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ.

آئیینده اؤز عکسینه یاربم اولوب عاشیق،

صورتگره باخ، گلدیگی تصویر ایلن اؤینار.

– اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ. (قمر/ ۱)

گؤتدؤ وانشق القمر ثبتین قضا بیر دفتره،

ساخلایبب گؤستردی بیر – بیر عترت پیغمبره.

عاقبت بو شیوه سرمشق اولدو اوغلان اکبره،  
مشق عشق آلدی باشبندان یا امیرالمومنین.

– وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ. (انبیاء/۱۰۷)  
آغلاپین ای امتان خاص ختم المرسلین،  
ائیله ییب رحلت بو گوئنده رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ.

– ... يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا. (نبأ/۴۰)  
چون تراب تیره اولدو خوابگاه بوتراب،  
عرشدن گلدی ندا يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا.

– هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ. (آل عمران/۷)  
کشور ایمانیده نصب ائیلهدی بیرق یئر،  
حق دیلیلی ائتدی امر اللهی جاری حق یئر.  
بیلمه ییب حقین اؤنو اولدوردولر ناحق یئر،  
اولدو قانلبن مترجم معنی أُمُّ الْكِتَابِ.  
\*\*\*

عالم علم سلونی معنی أُمُّ الْكِتَابِ،  
واقف اسرار سر لیل اسراء یا علی.

– اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ... (نور/۳۵)  
لوح حوسنؤنده یازبلمبش آیهی الله نور،  
صورتینده کلمهی مشکوته معنا یا علی.

– وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ. (صافات / ۱۰۷)

عشقدن المیشدی چۆن اۆل بلا سرمایه‌سین،  
پایه پایه سئیر ائدیپ اوردان محبت پایه‌سین.  
قان ایلن شرح ائتدی تفصیلاً فدینا آیه‌سین،  
صورتیندن اولدو ظاهر معنی ذبح عظیم.

– يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ. (مائده / ۶۷)

شأنینده گلدی آیه‌ی بلغ پیمبره،  
وصفینده نازل اولدو سنین ائما علی.

– وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا. (اعراف / ۱۸۰)

سن صفی اللهه وئردین زنگ محتندن صفا،  
اسم پاکیندیر سنین ائسماء الحسنی یا علی.

– فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ

كَرِيمٌ. (یوسف / ۳۱)

دۆلدوروب آفاقه حۆسنۆن صوت ما هَذَا بشر،  
حۆسن یوسف ذره‌دیر حۆسنۆن یانبندا یا علی.

– يَوْمُ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ.

گۆردۆ وار غم ازدحامی درد و محنت کثرتی،  
باشبنا جمع ائتدی یئتمیش بیر نفر جمعیتی.  
اونلارا گۆستردی بیر بیر کثرت ایچره وحدتی،

اۆلدولار عین موحد تاپدیلار قلب سلیم.

– أُم حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا. (کهف / ۹)

اۆلدولار آگه جفاى شمر بی ناموسیدن،

شمع سؤنسه ال گوٲۆرمز پرده ی فانوسیدن.

باش وئریب، جانبن قاچېردېب ظۆلم دقیانوسیدن،

استراحتلن یاتېب کهفینده اصحاب رَقیم.

– هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ. (ص / ۵۳)

لشکر جرم و معاصی بیرق آچمېش رنگ رنگ،

پهلوان نفس ائیدییر عرصه نی صرافه تنگ.

چۆخ سعادتدیر وېرا اگر دامن مولایه چنگ،

چۆن امیرالمؤمنین دیر شافع یَوْمِ الْحِسَابِ.

– قَالَ رَبِّ ارْنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي. (اعراف / ۱۴۳)

چۆن جلوه گاه عشقیدی موسی کیمی کۆنۆل،

أَرْنِي دُئِيبٌ تَجْلِي حَقِّ أَثِيلِهِ أَرْزُو.

\*\*\*

ذره ذره دۆلدوروب از بس وجودون نور حق،

کربلا دشتین ائدیپ شور حسینی طور حق.

قېلدې بیر صورتله ذاتبندان تجلا نور حق،

لَنْ تَرَانِي عقده سین حل ائتدی موسای کلیم.

## ۳ - ۹. قافیه

صراف هر زامان تقلیدچی لیکن اوزاقدا دورموشدور. اؤ، شعرلرینده یئنی لیک و ابتکار  
خرجه وئرن شاعیردیر. حتی قافیه سچمکدهده، بو یئنی لیگی گؤستریر. «ب» قافیه سینده  
وئردیگیمیز:

ز بس کی آتش آهیم یانېب شراره له نیب،  
یئتیبدی چرخه، اودور چرخ اوزو ستاره له نیب.

غزلینده گتیردیگی قاره له نیب، اداره له نیب، آشکاره له نیب و یاره له نیب کیمی قافیه لر، اوندان  
قاباقکی غزل یازان شاعیرلرین شعرلرینده گورؤنمه میشدیر.

## ۱۰. تبریزلی صرافین شعر دیوانی نهن چاپلاری

### ۱ - ۱۰. ایلک چاپ

تبریزلی رضا صرافین دیوانی ایلک دفعه ۱۳۲۳ هـ. ایلینده ۱۹۰ صحیفهده یازلمیش و اولوموندن بیر ایل سؤنرا «سالک» طرفیندن بیر مرثیهده اؤنا اکلنه رک داش باسما اصولو ایله تبریزده چاپ اولموشدور. ایلیمیزده اولان بو نسخه نین باشیندا یازیر:

«دیوان صراف سلمه الله»

و ۸۵ نجی صحیفهده یازیر:

«تمام شد غزلیات ترکی و فارسی مولانا صراف سنه ۱۳۲۳.»

و کتابین ان سؤن صحیفه سینده یازیر:

«تمام شد غزلیات و نواحی جناب صراف سلمه الله تعالی سنه هزار و سیصد و بیست و

یک هجری من هجرة النبوة صلی الله علیه و آله - بیدالاقل.»

بو نشرین خبری تبریزده چاپ اولان «انجمن» گۆنده لیگی نین ۲۹ رمضان و ۲ شوال

تاریخلی سایلاریندا ( ۱۰ و ۱۱ - نجو شماره ده) «اعلان» شکلینده نشر اولموشدور:

«دیوان مراثی و غزلیات ترکی مرحوم حاجی رضای صراف علیه الرحمة که مستغنی از

توصیف و بیان است به خط خوب در کاغذ مرغوب به تازگی از طبع درآمدہ دم سراج بازار

روبروی تیمچه ی حاجی صفرعلی در دکان کربلایی زین العابدین صراف از قرار جلدی چهار

قران به فروش می رسد. طالبین بدانجا رجوع فرمایند.»

### ۲ - ۱۰. میرزا جعفر تبریزی چاپی

تبریزلی صرافین شعر دیوانی سؤنرا یئنه بیر دفعه ده تبریزده نشر اولموشدور. بو نشر

اؤچۆن، صرافین قارداشی مرحوم میرزا جعفر تبریزی یازدېغې اؤن سؤزده دئییر:

«بر دانشمندان و ارباب فهم و ذكاء، روشن و میرهن است که اصحاب معارف و کمالات اگر چه به شمایل انسانی و خصایص جسمانی با مردمان یکسان‌اند، اما به فضایل نفسانی و تشریفات روحانی دیگر کسان‌اند. هادی راه سعادت و مرشد طریق هدایت، نکته‌سنگ عالم معانی و خوشه‌چین بوستان کامرانی‌اند. لاجرم این جمع همه، شمع محافل ممکنات و ضیاء بخش مجالس موجودات آمدند. خاصه حاوی فضائل کمال و جامع محامد سعادت، سالک مسالک حقیقت و ناهج مناهج طریقت، صاحب قریحه‌ی صافیه و دارای مراتب عالیّه، غوّاص بحار دقایق و صراف نقود حقایق، کاشف رموز حکمت و ناشر فضل و معرفت، محب خاندان عصمت و عاشق اهل بیت طهارت، زائر سمیه الامام ابن الامام ثامن الائمه و عاکف بیت الله الحرام آعنی جناب فردوس مکان، خلد آشیان حاج رضا متخلص به «صراف» نور الله مضجعه، که این ارجوزه‌ی شریفه و وجیزه‌ی نفسیه‌ی منیفه که به منزله‌ی قطره است از دریا، از سوانح خاطر خیریه مظاهر او بوده که به جهت کثرت رغبات طالبین و به ملاحظه‌ی آن که لم یمت من اخلف اثرأ جمیلا و ذکرأ حسناً به زیور طبع آراسته گردید.

چو گوهر پاک دارد مردم پاک،

کی آلوده شود در دامن خاک.

گل سرشور از این معنی که پاک است،

به سر بر می‌کنندش گرچه خاک است.

و چون نهال قامتش به کمال رسید و مکیال قسمتش مالا مال گشت، در شب میمون مولود حضرت ختمی مآب<sup>(ص)</sup> هفدهم شهر ربیع‌الاول از هجرت نبویه هزار و سیصد و بیست و پنج سال گذشته، مرغ روحش این جهان فانی را ترک گفته، در فردوس اعلی آشیان گرفت و داغ حسرت بر دل احباء و دوستان خودش گذاشت.

چنان زهر فراقی ریخته بر ساغر جانم،

که مرگ از تلخی آن گرد جان من نمی‌گردد.

و مدت زندگانی‌اش در این عالم فانی پنجاه و چهار سال کشید.

اَللّٰهُمَّ اَصْعِدْ رُوْحَهُ اِلَيْكَ وَ اَسْكِنْهُ فِي جَنَّتِكَ فِي جَوَارِ مَوَالِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ اَرْحَمُهُ وَ اِيَّاَنَا وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِيْنَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.



**۳ - ۱۰. ۱۳۱۳ ش. (تبریز)**

بو ایلهده بیر داها تبریزده صراف دیوانی داش باسما اصولو ایله نشر اولموشدور.

**۴ - ۱۰. فردوسی کتابخاناسی نشرلی**

تبریزی رضا صرافین دیوانی ۱۳۱۷ ش. ایلینده مرحوم حاج حسن قمری همتی ایله، تبریزده رحمتلی حسن مصطفوی مقدمه‌سی ایله داش باسما اصولی اساسیندا نشر ائدیله. بو نشرین قاباقکی چاپلار ایله فرقی یوخدور. همین چاپ، فردوسی کتابخاناسی طرفیندن هر نئچه ایلدن بیر افست طریقی ایله نشر ائدیله. مرحوم حاج حسن قمری نین خلف اوغلو آقای سیروس قمری ۱۳۶۱ ش. ایلینده، مرحوم میرزا علی نقاش افضل و مرحوم سلماسی طرفیندن گۆزهل خط و تذهیبلر ایله سوسلنمیش صراف دیوانینی بیر داها ۱۳۶۱ ش. ایلینده چاپ ائتدی. فردوسی کتابخاناسی طرفیندن بیر ده ۱۳۸۳ ش. ایلینده صرافین اولومونون ۱۰۰- نجو ایلدونومو مناسبتی ایله حاضرلاناتان «دیوان صراف تبریزی» نشر اولدو.

**۵ - ۱۰. ۱۳۲۴ ش. عبدالکریم اوغلو حسن هریسی چاپی**

۱۳۲۴ ش. ایلینده تبریزی رضا صرافین غزلریندن نمونه‌لر درس کتابلارینا سالیندی و حسن هریسی خطی ایله بیر داها نشر ائدیله.

**۶ - ۱۰. جواد بن محمد علی چاپی**

همین دیوان بیر داها ۱۳۳۱ هـ. ایلینده تبریزی محمدعلی اوغلو جواد همتی ایله نشر اولموشدور.

**۷ - ۱۰. مصطفوی چاپی (۱۳۳۴ ش.) تهران**

فردوسی کتابخاناسی نین ۱۳۱۷ ش. ایلینده تبریزده نشر ائدیگی نسخه، بیر داها تهراندا چاپ اولوندو.

## ۸ - ۱۰. کنگره چاپی (۱۳۸۳)

تبریزده ۱۳۸۳ - نجو ایلده «همایش بزرگداشت یکصدمین سال وفات حاج رضا صراف تبریزی» کنگره‌سی رئیس طرفیندن تصحیح و نشر اولونان بو چاپ اؤزه‌رینه علمی ایش گؤرؤلمه ادعاسی وارسادا، دیوانی غیر علمی شکیلده ترتیب ائدن مصحح، عصریمیزده شاعیرلریمیزین دیوانلارینې نشر ائتمه‌گه غیرت گؤسترنلری عمومی اولاراق هده‌له‌ییر، اؤزۆ ایسه هئچ بیر متن شناسلیق اصولونا رعایت ائتمه‌دن، دیوانین چاپنا اقدام ائدیر. آشاغیدا مصحح طرفیندن بعضی یئرسیز تصرفلر و اصل نسخه‌ده اولان کلمه‌لری معلوم ائتمه‌دن ده‌گیشمه‌لر و تصحیح ایشینده اولان یانلېشلاری ذکر ائتمه‌ده یارار گؤرؤرم. بورادا وئردیگیمیز صحیفه سایلاری کنگره چاپنا اشاره‌دیر.

۱. صراف الینه یئتمه‌دی بیر گوهر وصلین،  
عمرؤن شیخ هیجر ایله پایانا یئتیردی. (ص ۸۷)<sup>۱</sup>

بئیتینده یئرسیز تصرف ایله «شیخ هیجر» ترکیبینی ده‌گیشمیش «شب هیجران» ضبط ائتمیشدیر.

۲. دام بلایا سالدی او بیر دانه کؤنلؤمؤ. (ص ۸۸)  
بئیتینده «بیردانه»نی «پروانه» ائتمیشدیر و همین غزلده «بنزه‌ری» سؤزجوگؤنؤ، فعل سایمېش و «بنزیری» فورماسېندا ضبط ائتمیشدیر.

۳. صراف آه [و] ناله‌سی، بیگانه طعنه‌سی. (ص ۸۸)  
بئیتینی:

صرافین آه و ناله‌سی، بیگانه طعنه‌سی.  
شکلینده گتیرمیشدیر.

۴. هابئله ۱۳۲۵ هـ. ایل داش باسماسېندا آشاغېداکې شکیلده گلن:  
صراف عشق کافریدیر، چوخ تعجبیم. (ص ۸۳)

بئیتینده «چوخ تعجبیم» جؤمله‌سینی تاممیله حذف ائتمیش و اونون یئرینه «بولمورم ندن» گتیرمیشدیر.

<sup>۱</sup> کنگره نشری‌نین صحیفه سایلارینې گؤستریر.

کنگره نشری بئله تحریفلر ایله دۆلودور. او، حتی اضافه ائتدیگی بۆتۆن عطف واولاربنی،  
اۆز تصرفی اۆلدوغونو گۆسترمدن متنه داخل ائتمیشدیر. حال بو کی کلاسیک متنی تصحیح  
ائتمه ادعاسیندا اۆلان هر کس، آرتبردبغی سۆز و یا حرفی، اؤخوجو یا مشخص ائتمه لیدیر.

۵. قاسم الارزاق سنسن، خوان جودوندان سنین،  
قوم اسرائیله گلدی من و سلوی یا علی<sup>(ع)</sup>. (ص ۱۰۴)

بئیتینده «قاسم الارزاق» عباره سینی «قاسم الرزاق» یازمیشدیر.

۶. اۆزۆ بیر مور حقیر و دفتری پای ملخ،  
چوخ سعادتدیر اگر مقبول اولونسا، یا علی<sup>(ع)</sup>! (ص ۱۰۵)

بئیتینده «حقیر» کلمه سینی «محقر» اؤخوموشدور.

۷. خوشا جانان ایلن مشغول صحبت اۆلدوغوم ساعت،  
اگر عمرۆمده بیر ساعت حساب اولسا، اؤ ساعتدیر. (ص ۲۱)

بئیتینده «اۆلدوغوم ساعت» ترکیبینی «اۆلدۆگۆم ساعت» یازمیشدیر.

۸. شکفته لبلرین جان گۆلشنینده غنچه ی تردیر،  
کشیده قامتین باغ وفادا سرو نازیمدیر. (ص ۲۴)

بئیتینده «شکفته» کلمه سینه «شکسته» اؤخوموشدور.

۹. بیر اگری قاش اؤیناتماغا وئردیم گۆزه مین جان،  
بونلان بئله ائیلر گئنه مندن گیله قاش گۆز.

بئیتینده «اؤیناتماغا» ترکیبینی، هانسی بیر لهجه یه تابع ائدرک «اؤینتمگه» ضبط  
ائتمیشدیر. (ص ۳۰)

۱۰. بیداد هیجردن قاپپوا دادا گلیمیشم،

یئت بیرجه دادیما منیم، ای شوخ دادرس!

بئیتینده «یئت» فعلینی، «ائت» یازمیشدیر. (ص ۳۳)

۱۱. نی! نی! غلط ائتدیم، نه سمندردی، نه ریحان،  
ابراهیم آزدی، اؤد اؤستونده گزه ر خط.

بئیتینده باشلېغې بئله تحریف ائتمیشدیر:  
ظنی غلط ائتدیم... (ص ۴۰)

۱۲. بو سئیل سرشکیمله، نمیم خارجه چیخماز،  
خشک ائتمه گه گؤز یاشین ائدیپ دامن تر، مشق.

«نمیم» ترکیبینی «نمیم» یازمیشدیر. (ص ۴۱)

۱۳. دقت سیزلیک نتیجه سینده «ساخلیپا جاقسان» ترکیبینی «ساحیله چکسن» یازمیشدیر.  
(ص ۴۶)

۱۴. آشاغېداکې بئیتده:

من بی چاره یه ائیلر مذمت زاهد بی دین،  
گۆرهنده کفر زؤلفون، ترک ایمان ائتمه ییم، نئیلیم؟

اؤز فهم و سلیقه سیننی اعمال ائده رک، «بیچاره یه» ترکیبینی «بی جا یئر» ائتمیشدیر.  
حال بو کی عارف لر آراسیندا «زلف» معناسې «مطلق کفر» دور، و بونا گۆره شاعیر اؤزؤنؤ  
«بیچاره» حساب ائدیر. (ص ۵۰)

۱۵. دئمه ای باغبان سرو قد جانانه بی حاصل،  
تۇنج غبغه باخ، آسلانې سرو روانېمدان.

بئیتینده «بی حاصل» ترکیبی یئرینه «بی خالدی» یازمیشدیر. (ص ۶۱)

۱۶. یئنه ده دقت سیزلیک نتیجه سینده:

تار زؤلفون حسرتیندن بئله اینجه لدیم گۆزهل،  
کئچهرم هر گۆنده یۆز مین یول شکاف شانهدن.

بئیتینده «کچهرم» فعلینی «کچمه‌رم» یازمیشدپر. (ص ۵۵)

۱۷. کوثر لب لعلیندی، بویون نخله‌ی طوبی،  
سۆز یوخ، اوزون آراسته بیر خلد برین سن.

بئیتینده «لعلیندی» عیباره‌سینی «لعلینده» ضبط ائتمیشدپر. (ص ۷۱)

۱۸. معنائی باشا دۆشمه‌مک سببی ایله:  
سن جانمې آل، من ده آلېم بوسه لبیندن،  
بو شرط ایلن ای شوخ! بیرین بنده، بیرین سن!

بئیتین ایکینجی مصراعې معناسېز حالا سالمیشدپر:  
بو شرطیلن ای شوخ برین، بنده برینسن. (ص ۷۱)

همین بئیتدن سؤنرا گلن بئیتده «سن» سؤزونو آرتېرمیشدپر، لاکین آرتېرماغې مشخص  
ائتمه‌میشدپر:

برهمزن جمعیت دل‌های پریشان،  
پیرایه‌ده [سن] انجمن اهل یقین سن. (ص ۷۱)

یئنه‌ده همین غزلده «ائیله‌میسن» فعلینی «ائیلمه، سن» شکلینده یازمیش و شعر  
معناسېز حالا گتیمیشدپر. (ص ۷۱)

گوژ گوشه‌سینی ائیله‌میسن اوزده گوژ آلتې،  
ای خال خیالین عجب گوشه‌نشین سن! (ص ۷۱)  
۱۹. دلبرا بو قد موزن و لب میگون ایلن،  
آفت دین و دل و عقل شکیباسان، نه سن؟

بئیتینی ایلک مصراعې بئله یازمیشدپر:  
دلبرا، بو قد موزنون، لب میگونیلن. (ص ۵۷)

۲۰. گۆرۆب فوج موژهن یاجوج تک خونریز و سرکشدپر:

مصراعبندا «خونریز» سۆزۈنۈ جملەدە مفعول بە حسابلامېش و «... خونریزه سرکشدير» يازمېشدېر. (ص ۵۹)

۲۱. «دير» ياردېمچې فعلینی همین غزلین ۷- نجی بئیتینده «دوز» اؤخوموشدور. (ص ۶۰)

۲۲. يئنە همین غزلین ۸ - نجی بئیتینده «منم» عبارەسینی «منیم» يازمېش و معنائې قارېشدېر مېشدېر.

۲۳. علیل اولوبدو دئییرلر وجود یار مگر،  
ائدیب وجودونا تأثیر چشم بیماری.

بئیتینده «وجودونا» عبارەسینی «وجودوما» يازمېش و معنائې قارېشدېر مېشدېر. (ص ۹۲)

۲۴. گۆزۈن ياشې آخار قدين گۆرنده، رود نیل آسا،  
دئیەرسن حضرت موسی عصاسې ياردې دریانې.

بئیتینده «گۆزۈن» ترکیبینی «گۆزۈم» يازمېشدېر و بئله ظن ائتمیشدیر کی شاعیر عمومیتله گۆزدن یوخ، بلکه اؤز گۆزۈندن دانېشېر! (ص ۸۹)  
۲۶. پیکانلارېن يئریندن آخار چشمه - چشمه قان:  
مصراعبندا «يئریندن» ترکیبینی «يئرینده» يازمېشدېر. (ص ۹۳)

کنگره نشرینده گئدن تصرف و تحریفلر، بوندان داها چۆخدور. اساس عیب بورادادېر کی تصحیح ادعاسېندا اولان کنگره رئیسی، اؤز تصرفلرینی صرافین دلیندن جاری اولدوغو کیمی گۆستیر و تحریفلری گیزلەدیر.

تصحیح ادعاسېندا اولان، یالنبز:  
نۆلوردو مجلسیمیز بیر دقیقه خلوت اولایدې،  
دئییب دانېشماغا جانان ایلن فراغت اولایدې.

مطلعی ایله باشلايان غزلی تصحیح ائتمیش و اتک یازېدا بئله بیر افاضه قېلمېشدېر:

«صرافین بو غزلینده، شعرین عروض وزنی پوزولوب. بیرینجی مصراعلار بیر وزنده، ایکینجی مصراعلار ایسه باشقا بیر وزنده دئیلمیش دیر. بو سهو، شاعیرلره و ادیبلره آیدندبر(!)»

و بیزه آیدندبر کی تصحیح ادعاسیندا اولان سهو ائدیر. چؤنکو شاعیر بورادا «مجتث مثنی بحر» نین هر ایکی مخبون و محذوف وزنلریندن استفاده ائتمیشدیر و سؤز نظامیندا اینجه لیک یاراتماق اوچون قصد اولاراق بو ایشی گؤرمؤشدور و «اختیارات شاعری» دن بهره لنمیشدیر. بئله کی اوخوجو، تقطیع ائتمه یینجه بو قصددن خبرسیز قالیر و سؤز آخیمی و آهنگیندن لذت آپاریر.

تصحیح ادعاسیندا اولانین هدهلمه لرینه و ایشه اعتناسیزلیغینا باخمایاراق آشاغبدکی کیمی چوخ ده گهرلی سؤزلی ده واردیر:

«... و [اهل فکر و فرهنگ] بدانند که ارزش تحقیق در زندگی و شعر هر کدام از شاعران بزرگ اهل بیت (ع) در زبان [ترکی] آذری، کمتر از ارزش تحقیق در احوال و آثار مثلاً فردوسی، حافظ یا شهریار نیست. چرا که این امر، خدمتی است علمی، دینی، تاریخی و ادبی به زبان، ادبیات و فرهنگ اصیل آذربایجان و مردم غیور و فرهنگ پرور آن.»<sup>۱</sup>

## ۹ - ۱۰. بیزیم نشریمیز

بیز بورادا تبریزی رضا صراف دیوانی نین ایلک چاپینی نظمه سالدبق و بعضی قاینالاردان باشقا شعرلرینی ده تویلا یاراق، نشر ائتمه گه چالیشدبق. همین نشرده اولان شعرلر آراسیندان، یالنبز «دیوان» تعریفینه سبغان شعرلی آشاغبدکی بؤلگولره تویلا دبق و هر بؤلگونؤ قافیه اساسیندا الفبایی سیستم ایله منظم ائتدیک:

۱. قصیده لر، ۲. غزللر، ۳. ترجیع بند، ۴. مربع، ۵. مخمس، ۶. مرثیه، ۷. تازیانه، ۸. رباعی.

شعرلی یوخاربدکی بؤلگولر اساسیندا قوردوقدان سؤنرا آشاغبدکی ایشلری گؤردوک:

۱. تۆرکجه سؤزجوکلرین املا لارینی دیلین آهنگ قانونونا اوغونلاشدیردبق ولاکن عربجه و فارسجا کلمه لرین املا لارینی امکان داخلینده اولدوغو کیمی قوردوق.

۲. آیه لر و عربجه عبارهلری حرکه لنیدردیک.

<sup>۱</sup> صراف سخن، ص ۲۲۴.

۳. بۆتۆن نثرلردە گئدن سەھولری، باشا دۆشدۆگۆمۆز قەدر اصلاح ائتدیک.
  ۴. آرتەرېلماسېنې لازم گۆردۆگۆمۆز هر بیر حرف و یا کلمەنی [] اشارەسی ایچینە آلدېق.
  ۵. مصراعلارېن ھامېسېنې نقتەلمە اشارەلری ایلە آیدېنلاشدېردېق.
  ۶. هر شعرین بحرینى و هر بحرین اۆلچۆسۆنۆ تعین ائدېق، عروض خطى ایلە یازدېق.
  ۷. کتابین سۆنونا آیەلر، حدیثلر، عربجە عبارەلر جدولى آرتېردېق.
  ۸. بعضى چتین لغتلىرى معنا ائتدیک.
  ۹. کتاب، یئر، حیوان، بیتکی و سایرە آدلار فەرستینی استخراج ائتدیک.
  ۱۰. دیواندا ایشلەنن ادبی بزه کلردن بیر چۆخ نمونە تۆپلادېق.
  ۱۱. شعرلری راحت تاپماق اۆچۆن «کشف الابیات» بۆلۆمۆ اکلەدیک.
  ۱۲. صرافین حاققېندا یازېلان سۆزلر، شعرلر و گۆرۆشلری بیر یئرە تۆپلادېق، اۆنون چاغی و چاغداشلاری و یاشایېشى حاققېندا معلومات وئردیک.
  ۱۳. بیز بو نثرده شعر نواعلارېنې بیر یئرە تۆپلادېق و بیتلری اشارەلندیردیک. مثال اۆچۆن ۸/۶-۲ اشارەتى یەنى: دیوانېن ۲-نجى قىسمىندە اۆلان ۸-نجى غزلىن ۶-نجى بیتى.
- حاج رضا صراف اۆچۆن اۆلان معنوی اولادېق بۆرجوموزو تامامیلە ادا ائتمیش دگیلیک. بو اثرین بئله گۆزەل و نفیس شکیلده یارانماسېندا «مؤسسەسى دانش سەھند و سېلان» مجموعەسیندە ایشلەین خانم منیرە شیرمحمدی ھدفلى و بیلگیلى حروف یېغما ایشیندە، آقای سید احسان شکرخداى صفحەلرین شکیلى اۆلماسې و نظم تاپماسې اۆچۆن و «ندای شمس» نشریاتېنېن خوش ذؤوق مدیرى آقای حمید علیخانى، کتابى تمیز و لیجىملى نشر ائتمە ایشیندە صمیم قلبدن خدمت گۆسترمیشلر. بیز ھامېمېز زحمتلریمیزین اجرینى رحمتلى رضا صرافین روحونا نثار ائدیریک.

دکتر ح.م. صدیق

تهران - تبریز

مرداد ۱۳۸۸



رېښخېر بولوم:  
د پوړيښ مېستې





— • — • — — • • — • — • — • — —

५

- ای خاص محرم حرم کبریا، علی<sup>(ع)</sup>!  
 ای پادشاه مُلک قضا، کشور قدر،  
 وی دادخواه روز جزا، مرتضی علی<sup>(ع)</sup>!  
 ۱۰ حَبْلُ الْمَتین، امام مبین، پیشوای دین،  
 صندل نشین بارگه اتقیا، علی<sup>(ع)</sup>!  
 ای عاکفان گوشه‌ی توحیده میزبان،  
 وی طائفان کعبه‌ی وصله صفا، علی<sup>(ع)</sup>!  
 ای ساکنان عالم لاهوته مقتدا،  
 وی سالکان کوی حقه رهنما، علی<sup>(ع)</sup>!  
 ای گوهرِ ولایت بهر پربها صدف،  
 وی اختر امامته نور بها، علی<sup>(ع)</sup>!  
 امرینده‌دیر زمان و مکان امر کُنْ فُکَّان،  
 حوْکمؤنده‌دیر سنین همه‌ی ماسوا، علی<sup>(ع)</sup>!  
 ۱۵ سنلن اوجالده‌ی بیدق دین محمدی<sup>(ص)</sup>،  
 ای صاحب شریعت‌ه صاحب لوا، علی<sup>(ع)</sup>!  
 اسلامین ائتدی کج قِبَلِجین، راست قدّینی،  
 اولسون او ضرب شستیوه روحوم فدا علی<sup>(ع)</sup>!  
 ای ناخدای کشتی دریای لامکان،  
 وی ابتدای خلقتی بی‌انتها، علی<sup>(ع)</sup>!  
 بَدْرُ الدُّجَا، ولی خدا، شاه لاقّی،  
 کَهْفُ الْوَری، شهنشه مشکل‌گشا، علی<sup>(ع)</sup>!  
 سنسن وصی ختم رُسل، نفس عقل کل،  
 سنسن ولی خالق ارض و سما، علی<sup>(ع)</sup>!  
 ۲۰ سنسن منیر مشعلِ الشَّمْسِ وَالضُّحی،  
 سنسن امیر مسندِ عزّ و علا، علی<sup>(ع)</sup>!

سنسن کلید قفل در گنج معرفت،  
 سنسن امید ملجاء شاه و گدا، علی<sup>(ع)</sup>!  
 شائینده گلدی آیه ی بلغ پیمبره،  
 وصفینده نازل اولدو سنین انما، علی<sup>(ع)</sup>!  
 سنسن حبیب حضرت معبوده جانشین،  
 سنسن طیب درد دل بی دوا علی<sup>(ع)</sup>!  
 من عین حق دئمهم، دئیهرم عین حقسن،  
 مشرکدی عین حق دئیهر هر کیم سنا، علی<sup>(ع)</sup>!  
 بی شک و شبهه خلقت ارواح انس و جان،  
 اولموش سنین وجودووه وابسته، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 اولدون محبت اهلینه مصباح کنت کنت،  
 اتندین حقیقت اهلینه کشف غطا، علی<sup>(ع)</sup>!  
 صراف نقد عمرؤن ائدیب صرف معصیت،  
 از بس گؤرؤب متاعنې چوخ کم بها، علی<sup>(ع)</sup>!  
 روی سیاهیله زر ناقص عیار تک،  
 امیدواردېر سنه، یا مرتضی علی<sup>(ع)</sup>!

۲۵

## - ۲ -

بحر رمل مثنوی محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن)

ای جمالی مظهر آیات کبرا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 وی جلالپندان جلال حق هویدا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 فیض جودوندن وجود ماسوا موجود اولوب،  
 ای وجود ماسوایا، فیض عظمایا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 نور حق آئینه‌ی ذاتپندا اولموش جیلوه‌گر،  
 ای صفات آلاها مرآت تجلاً، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 لوح حوسنؤنده یازلمپش آیه‌ی الله<sup>تور</sup>،  
 صورتینده کلمه‌ی مشکوه<sup>معنا</sup>، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 سن بو مخلوقاتا باب علمی مفتوح ائیلهدین، ۵  
 شاهیدیمدیر سوره‌ی اِنَّا فَتَحْنَا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 الف قدین خلقه لاء نفی اثبات ائیلهدی،  
 کلمه‌ی توحیده سنسن اَلْا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 من نئجه وصف ائیله‌ییم، خالق سنه مداح اولوب،  
 دؤلدوروب قرآنی اوصافین سراپا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 کم و کیف ذاتپوی درک ائتمز اوهام و عقول،  
 ذات پاکبندبر مرکب‌دن مبرا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 گر دئسه‌م ممکن سنه، من تک بشر ممکن دگیل،  
 ور دئسه‌م واجب اولور کُفروم هویدا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 ائيله ممکن سن کی واجبدیر وجودون عالمه، ۱۰  
 ای وجودو علت غایی اشیا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 نار قهریندن، اولور نار جهنم شعله‌ور،  
 نور مهریندن، دؤلوب فردوس اعلا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 پرتو نور جمال بی‌مثالپندان سنین،

مقتبس‌دیر آفتاب عالم آرا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
ای ولی الله اَعْظَمُ! عالم و آدم سنه -  
بنده‌دیر، سنسن بو مخلوقاتا مولا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
خواجه‌ی قنبر، امیرالمؤمنین، یعسوب دین،  
فاتح خیبر، شه دُنیا و عقبا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
۱۵ ای کلام الله ناطق، وی کلید کُنت کُز،  
آشکار اولموش سنبله گنج اخفا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
باب شُبَّیر و شُبَّیر، ابن عم خَیر البَشَر،  
صاحب محراب و منبر، زوج زهرا<sup>(س)</sup>، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
ای دُر بحر شرف، شاهنشاه مُلک نجف،  
سرّ حق سندن اولوب عالمده پیدا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
پادشاه کون [و] امکان، جیسم مخلوقاتا جان،  
سرور مردان، امیر مُلک بطحا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
قُدرت الله، حُجَّة الله، جانشین مصطفی<sup>(ص)</sup>،  
آیه‌ی رحمت، ولیّ حَیّ یکتا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
۲۰ عالم علم سلوَنی، معنی اُم الکتاب،  
واقف اسرار و سرّ لَیلِ اسراء، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
عُرْوَةُ الوُثْقَى یه معنا، تاجدار اِنَّمَا،  
قفل گنج هل اُتَی، مصداق طه، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
ای شه والا مکان، پیوسته ائیلهر آروز،  
درگهین اسفل، مقامین عرش اعلی، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
آب اولور آتش سر کویون هواسپندان سنین،  
خاک پایندبر عجب گوگرد حمرا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
آستان درگه پاکین چراغان ائتمه‌گه،  
مشعل خورشید اله اَلْمَبْشِ مسیحا، یا علی<sup>(ع)</sup>!

- ۲۵ سن صفیّ اللّاه وئردین زنگ محنتدن صفا،  
اسم پاکیندیر سنین اُسْمَاءُ حُسْنٰی، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
نار نمرودو ائدیپ لۇطفون خلیله گولستان،  
پور آزر گورمه ییب آزدردن اوندایا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
فُلك محنتدن تاپیب نوح نَجّٰی الله نجات،  
اوندایا کیم ائتدی سر کویوندا ماوا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
سن ذبیح اللّاه مشق عشقی تعلیم ائیلهدین،  
وئرمه میش باشبن، اَلْب تاج فَدَیْنَا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
حضرت موسییا مولا! سن تجالاً ائیلهدین،  
نور حؤسنؤندن سنین محو اولدو موسی، یا علی<sup>(ع)</sup>!
- ۳۰ اولماسایدی حضرت عیسی ایله همددم دمین،  
هاردایا روح الله ائدردی مُرده احیایا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
قَاسِمُ الْأَرْزَاق سنسن، خوان جودوندان سنین،  
قوم اسرائیلله گلدی مَن و سَلَوَا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
مهر رویون ائتدی موسی دان ید بیضا عیان،  
ائیلهدی فرعونی قهرین غرق دریا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
میزبان اولدون حبیب اللّاه سن معراجدا،  
دگیلم منکر ائدم حاشا و کلا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
نازنین آدین سلیمان ائیلهدی نقش نگین،  
اولدو جنّ و اُنسه هر فرمانی مجرا، یا علی<sup>(ع)</sup>!
- ۳۵ بَيْتُ الْأَحْزَان ایچره سن یعقوبه اولدون هم نفس،  
محنت هیجره ائدیپ صبر و شکویا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
دؤلدوروب آفاقا حؤسنؤن صوت مَا هَذَا الْبَشَر،  
حؤسن یوسف ذرّدیر حؤسنؤن یانیندا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
ای جمال الله! جمالین اولسا ظاهیر پرده دن،

پرده‌ی عصمتده قالماز بیر زۆلیخا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 هر گۆزهل معشوقه، بیر عاشیق بیابانگرد ائدیپ،  
 سن منی، فرهادی شیرین، قیسی لیلا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 عرصه‌ی محشرده صرافین یتیش فریادینا،  
 چۆن سئون مدحین ائدیر املا و انشا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 مطلب و منظورو شاه، التفاتبندپر سنین،  
 یوخ یقین کۆنلۆنده بیر اۆزگه تمنا، یا علی<sup>(ع)</sup>!  
 فیکر و ذیکری روز و شبده، ورد «یا محبوب!» اولوب،  
 کیمدی سندن اۆزگه محبوب دل آرا، یا علی<sup>(ع)</sup>?  
 اۆزۆ بیر مور محقیر و دفتری پای ملخ،  
 چۆخ سعادتدیر اگر مقبول اولونسا یا علی<sup>(ع)</sup>!

۴۰



- ۴ -

— • — • — — • • — • — • — —

باشپن وئریب، ائدردی تن بی سر آرزو.

ال چکدی مُلک و مالدان، اهل و عیالان،  
 جانان یولوندا ائتمه‌دی سیم و زر آرزو.  
 کئچدی علیٰ اصغر<sup>(ع)</sup> شیرین زباندان،  
 گۆردۆ بلا خدنگین ائدر اصغر آرزو.  
 تیر بلا گلنده قېلب سینه‌سین سپر،  
 تیغ جفا دگه‌نده ائدیپ خنجر آرزو.  
 زینب گۆرۆب جنازه‌سینی یئرده بی کفن،  
 ائتدی او نعشه چکمه‌گه بیر معجر آرزو.  
 زنجیره شمر باغلادی گۆردۆ سکینه‌نی،  
 ائیلەر کمند زۆلف علی اکبر<sup>(ع)</sup> آرزو.  
 من ده بو آستاندا گۆز یاشی ایستهرم،  
 صراف اولان همیشه ائدر گوهر آرزو.

۱۵



## ۲. غزەلەر

- ۱ -

بحر رمل مئمن محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن)

ساخلايىپ ساقى بلورين جامى سيمين ساقدا،  
گۆسترير آيات كبرا، انفس [و] آفاقدا.  
من كيمى ترياكي عشق اولسا هر عاشق بيلير،  
يۇخدو معجون لبين كيفيتى ترياقادا.  
گۆز لرین هر گۆندە يۆز مين آدم اوغلون اۆلدۆرۆر،  
آفرین چۆخ ياخشى قابيلدير قېلىچ وېرماقدا.  
آشيان اولموش خيال خاليوه خاكي بدن،  
مور اگر بير دانه تاپسا، گيزلهدير تۆپراقدا.  
ايچمهسه پيكان غمزەن قانېمې، يانماز كۆنۆل،  
داشدان اۆد چېخماز اگر سو اولماسا چاخماقدا.  
پنجەي مژگانه پابند اولسا كۆنلۆم عئيبى يۇخ،  
قۇيدو بير سوزن مسيحي دۇردۇمۇنجۇ طاقدا.  
مستحقم گل منى بير بوسه ايلن شاد قبل،  
نازينينيم، لذت روحانى وار انفاقدا.  
بيلميرم آيا بشرسن، يا ملكسن، يا پرى،  
قالمېشام حيران [و] عاجز قۇدرت خلاقدا.

عاقبت شیرین غمین صرافِی فرهاد ائیلہ ییب،  
سینه داغ‌بندان سالہر مین داغِی بیر دہرناقددا.

www.duzgun.ir  
http://isamajidi.blogfa.com

- ۴ -

[illegible]

کسک اغار گور نه عالمدير داشين احوالنا.

بیلمه‌دیم، اویدوم رقیب خیره‌سر افعالبنا.

اهل زهدون و ثرمه رم بيهوده قيل و قالبنا.

رشکدن اۆللم اۆزۈ گر باخسا اۆز تمثالېنا.

زۆلف تک پیچیده‌یم از بس خیال خالینا.

بو قارا بختين تماشا ائيله بين اقبالنا.

گوردو پیکانېن گلیر، جان چپخدی استقبالبنا.

یای بند اۆلموش، کۆنۆل شاهین زرین، بالبنا.

بیر باخشدا یۆز مین آهونو سالیب دنبالنا.

کیمای، عشقم، تاب، آدانما دؤنا مالنا.



## - ۵ -

بحر رمل مثنوی محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن)

او سر زولفؤوه مشاطه پری شانه وېرار،  
 چوخ ستمگردی پریشانی پریشانه وېرار.  
 گورورم قتلیمه آمادهدی جالاد گوزون،  
 تورک بدمست تک ال خنجر برآنه وېرار.  
 حلقه‌ی زولفِ گره‌گیرده باغلاندی کونول،  
 اوز اوزون گور نجه زنجیره بو دیوانه وېرار.  
 لوح رخساریوی دوتموش او خطاکار خطین،  
 قویما بیگانه الین سیب زرخدانه وېرار.  
 ۵      آلمېسان یانبوا گوردوم گئجه رۇیادا، منی،  
 اوزوم اوز بختیمی بیللم، بو یوخو یانه وېرار.  
 لبلرین فیکری منه قوت دل اولسا نه عجب،  
 طعنه یاقوت لبین لعل بدخشانه وېرار.  
 شیخ صنعان کیمی هر کیمسه سنی گوردو دئدی:  
 «عاقبت رخنه بو ترسایچه ایمانه وېرار!».  
 ناوک غمزهن ایچر قانېمی، ای قاشی کمان!  
 چشم مستین کیمی مخموردو، پیمانه وېرار.  
 یانارام آتش هیجرانېوا باک ائیلهمرم،  
 شعله‌ی شمع اوزون رسمدیر پروانه وېرار.  
 ۱۰      زاهدین کفرؤنه عشقیم وئری فتوای صریح،  
 کافر عشقه باخېن، طعنه مسلماننه وېرار!  
 وار امیدیم سالا صراف اله بیر سرمایه،  
 سگه‌ی عشقی ز بس نقد دل [و] جانه وېرار.



- ٤ -

— — • • — — • • — — • • — —

چشمِ سیه یار، دل پیر ایلن اؤینار،  
 آهوی خطا دیده به باخ، شیر ایلن اؤینار!  
 سالمبش اؤزه تک خالینې یاندېرسېن حریفی،  
 لیللاج دغل بازدی، تدبیر ایلن اؤینار.  
 آیینده اؤز عکسینه یاربم اولوب عاشیق،  
 صورتگره باخ چکدیگی تصویر ایلن اؤینار.  
 صبریم کسلیبر، عُمر آزالبر، محنتیم آرتار،  
 فوج مژه تا غمزه، پی پیر ایلن اؤینار.  
 روحوم اوچار از بس کی سبزلدار دل زاریم،  
 مطرب کیمی دستگاهِ بَم و زیر ایلن اؤینار.  
 اویناتماغا یوخ زولفون اگر، اولما مکدر،  
 دیوانه اولان حلقه‌ی زنجیر ایلن اؤینار.  
 مستانه گورون اوینادا قاش، ائتمه ملامت،  
 میخانه‌ده هر کیم قالا، شمشیر ایلن اؤینار.  
 تۆک خنجر ناز ایله قیزیل قانېمی، دورما،  
 صیّاد هاچان دوتدوغو نخجیر ایلن اؤینار؟  
 چوخ ائیلمه پیچ و خم و دستاريله بازی،  
 قورخام دئیهر: «- فتنه‌دی تزویر ایلن اؤینار!»  
 اؤینار تب عشق ایله وجودوم گنجه - گوندوز،  
 صرّافدی گویا غم اکسیر ایلن اؤینار.

## - ۷ -

بحر مجتث مثنیٰ مخبون اصلم (مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن  
فعیلن)

— — — — — . — — — — — . — — — — — . — — — — — .

قارا گۆزۆنده گۆزهل، قصد جان علامتی وار،  
بو جان اؤنوندو قوی آلسېن، منه نه منتی وار؟!  
گۆزۆن گۆز ائيله دی جان آلمغا، قاشېن آلدې،  
بو امر خیرده قاش و گۆزۆن شراکتی وار.  
بو درد هیجر ایلن اولمک اگرچی خوشدو منه،  
باشېم دیزینده وئرم جان، بیر اؤزگه لذتی وار.  
نه قدهر اوخ آتا مژگانلارېن دوتار سینه،  
سین اؤخونلا منیم سینهمین رفاقتی وار.  
او خنجرین، بو باشېم؛ کس، آپار، منی قورتار، ۵  
چکنمیرم، بدنه باشېمین اذیتی وار.  
شکنج زولفۆوؤ گۆرجک، دئدی نجوم اهلی:  
«بو آی باشېندا عجب فتنه لر قیامتی وار!»  
گتیر قدملریوه باش و جان ائدیم شاباش،  
گۆرۆم بو جان سنه قوربان اول، لیاقتی وار.  
ملامت ائتمه منی مدعی! اوتان تارېدان،  
بو عشق، عشق مجازی دگیل، حقیقتی وار.  
منیم بو عشقیمه بنزهر نئجه سین عشقین؟  
ظهوری منده ائدیب جیلوه، سنده صحتی وار؟!  
منیم نگارېمی عاشق گۆزۆنده گۆرمه میسن، ۱۰  
همین بو قدر ائشیدیسن: «گۆزه لدی، شؤهرتی وار!»  
زبان حال ایله حالېمدان ائتمیشم حالی،  
چۆخ اهل حالدي یارېم، غریبه حالتی وار.

نه قدر من اؤنو چۆخ ایسته‌رم اۆره‌ک دۆلوسو،  
اؤنون منه بیره یۆز مین ائله محبتی وار.  
ریاض حۆسنده سیر گۆله اولوب قانع،  
ریاضت اهلیدی صراف، چۆخ قناعتی وار.



## - ۹ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

پیشانی خاطریم بیر طره‌ی پُر پیچ [و] تاب ایستر،  
عجب دیوانه‌دیر اؤز قیدینه بند [و] طناب ایستر!  
گؤلۆستان وجودوم شبنم غم‌لن تاپار رونق،  
نئجه کیم ابر رحمت باریشین اهل عذاب ایستر.  
خیال وصلیله بیر لحظه شاد اولدوم، خطا قیلدیم،  
دبیر درد و غم ایمدی گلیب سندن حساب ایستر.  
محبت اهلی محنت لذتین راحت بیلیر، جانا!  
همیشه آرزوی هیجر ائدر، نی خورد [و] خواب ایستر.  
جنون عشق اولان گۆندن سؤروشماز کیمسه احوالیم، ۵  
بلی دیوانه‌دن عاقل همیشه اجتناب ایستر.  
سوسامبش قتلیمه پیکان غم، ایستر ایچه قانیم،  
سانارسان کیم خمارآلوده‌دیر، جام شراب ایستر.  
اولور بزم محبتده شراب وصل ایلن سرخوش،  
او کس کیم سیخ محنتده کۆنۆل مُرغون کباب ایستر.  
یېخېلمېش کۆنلۆمه رحم ائيله ظالم، ائيله‌مه ویران،  
کیم اؤز معموره‌سین سن بی‌مروت تک خراب ایستر؟  
در امید اولوب صراف ه هر بیر سمتدن بسته،  
علی تک فاتح خیبر الیلن فتح باب ایستر.



## - ۱۱ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — . — — — .

وئریب سررشته اهل عشقه بیر سررشته دار آخر،  
کۆنۆلدە نار عشق اول دیر الده، زولف یار آخر.  
امید عقل [و] هوش و دین و دانش ائتمهیین مندن،  
قمار عشقه من وئردیم الیمده هر نه وار آخر.  
خیال ائتدیم کۆنۆل جمعیتی زولف سییه دندیر،  
اؤنو دوتدوم بئله اولدوم پریشان روزگار آخر.  
منیم صبریم ائوین ییخدین، داغبتدین، تار [و] مار ائتدین،  
گۆرۆم ییخسین ائوین مشاطه! بیر پروردگار آخر.  
اوتورموشدم یول اؤسته منتظر، یاربم گلیب کئچدی، ۵  
کئچیب بیر عمر، قالمیش یولدا چشم انتظار آخر.  
عنان اختیارې بیر گۆن اۆزلۆ یارا تاپشیردیم،  
اؤنو ائتدیم کۆنۆل ملکونده کلّی اختیار آخر.  
سالبر گیره خطی عشق اهلینی، زولفۆ چکیر دارا،  
نولور منده اولایدې بیرجه تاب گیر و دار آخر.  
بو قان اولموش کۆنۆل پیکانلارین قانلی دئییب دوتدو،  
بئله دیر قانلینې هر یئرده اولسا قان دوتار آخر.  
تؤکنده قانېمې شمشیر تیز ناز ایلن، ای کاش!  
اولایدې دیل دئیهدیم: «الترین وار ای نگار آخر!»  
اؤ گۆندن کیم اولوب قسمت ریاضت خانه عالمده، ۱۰  
یئتیب دکّان صرافى منه، منصوره دار آخر.

## - ۱۲ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — . — — — .

آلب ایمانیمې ای نازنینم! نازنین گۆزلر،  
چېخار ایماء ایلن یۆلدان، نه یۆل آنلار نه دین گۆزلر!  
بودور فیکریم آلاندا جانیمې اوغرو نگاهیلن،  
دیلیمده نطق اولایدې بیر دئیهدیم: «آفرین گۆزلر!».  
اگر مین گۆز اولاشیق، گۆره معشوقو بیر گۆزده،  
سنین وحشی گۆزۆن اما ائدر بیر گۆزده مین گۆزلر!  
یوخ اۆزگه یلن سر و کاریم، یقین بیل عین مقصودوم،  
همین قددیر، همین قامت، همین قاشدیر، همین گۆزلر.  
اگر دۆز عاشق ایلن اولمویا رفتارې یوخ عئیبی، ۵  
اولوب کج یۆل گئدهن مژگان ایلن بس هم نشین گۆزلر.  
گۆزۆندن درس سحر المیش سنین هاروت سحر آئین،  
دئییلسه - وار یتری - بو گۆزلره: «سحر آفرین گۆزلر!»  
گۆزۆندن غافل اولما، ای گۆزۆم! گۆر بیر نه عالمدر،  
دوتوب تیر و کمان الده، ائدیپ خالین کمین گۆزلر.  
ایلمده صبر و هوش و تاب و طاقت، هر نه وار آلدې،  
بیرین خطین، بیرین خالین، بیرین زۆلفۆن، بیرین گۆزلر.  
گۆزۆندن گۆز گۆرتۆمم، بیر خدنگ نازا موشتاقام،  
نه دن وېرماز کمان ابرو مگر قاشیندا چین گۆزلر.  
دئدیم: «صراف ای گۆزله سالما گۆزدن، ای گۆزۆم نورو!»، ۱۰  
دئدی: «غم ائیلهمه! معشوقه، عشق اهلین یقین گۆزلر!».



## - ۱۳ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

پریشان ائیله یین احوالیمې آشفته گیسودور،  
قېلان خم قدیمی محراب تک پیوسته، ابرودور.  
اؤلور هر بیر مریضه شربت لعل لیبن شافی،  
عجب صفرا شکندی یوخسا جانا! آب لیمودور؟  
اؤزۈنده اگله نیب خال سیاهین یا اوزاق یولدان،  
طواف کعبه عزمیلن گلیب سولطان هندودور.  
گۆزۈن اطرافنا مژگان دۆزۈلمۈش یا لب جودا،  
نظام ایلن اکیلمیش هر بیرى سرو دلجودور.  
آلب کۈنلۈم آپاردې گۈز لرین، ای گۈز لریم نورو!  
شکار شیر ائدر آهوی چشمین عین جادودور.  
نه تقصیر ائتمیشم آخر ایچرسن قانیمې سو تک؟  
مگر ظالیم سنین رأینده قانیم قان دگیل، سودور؟  
کمند زۈلفلن خاقان چینی دستگیر اتسن،  
یاراشیر ساعد سیمینه چۈخ پُر زور و بازودور.  
باشبمدان اوچسا عقلیم، عئیبی یۈخ دیوانه ی عشقم،  
من ایلن عقل ایشی تمثال سرما و پرستودور.  
دئدیم صراف ه: «کیمدیر سئودیگین محبویه؟» عرض ائتدی:  
«آدی هم اسم احمد، مسکن و مأواسې ویجودور.»

۵

صراف بن اودور کیم سۆزۈنۈن مقطعی "هو" دور.

## - ۱۵ -

بحر هزج مثنیٰ سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

صبادان گۆل اۆزۆنده سۆنبۆل زۆلفۆن اسهر تیتره،

منیم صبریم تئلین خط باشی تک، ظالیم کسه تیتره.

گۆرهنده پنجه ی مۆزگانپوی لرزان اولور کۆنلۆم،

بئله کیم چنگل شهبازا بیر تیهو دۆشر تیتره.

نئجه خنجر دمینده مُرغ بسمل اضطراب ائيله،

منیم کۆنلۆم قوشو سندن اۆتۆر اوندان بتر تیتره.

نگارا! محفل وصل ایچره تمکین ایسته سن مندن،

مگر سن بیلیمسن معشوقونا عاشق یئته تیتره؟

سنی گۆرچک نولور تۆپراغا دۆشمس، بی قرار اولسام، ۵

یئتنده شمع آیاغبنا، سالار پروانه پر تیتره.

اوجالسا آه سردیم، سبندبرار لعل لبین پۆسته،

اسنده رسمدیر، باد سحر، گۆلبرگ تر تیتره.

تنیم اینجکدی مو تک بیر سر مویوندا بند اولدو،

تۆکۆن ترپنسه ای جانا! وجودوم سربه سر تیتره.

گره ک من تیتره یم صراف تک تبار عشق اولدوم،

نئچۆن منبرده واعظ متصل سرسم دئیهر، تیتره؟

## - ۱۶ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

بو باغ ای باغبان! گۆلزار کوی یارا چوخ بنزەر،  
بو سروین راستی، سرو قد دلدارا چوخ بنزەر.  
دوتوب گۆل دامنیدن، مهد ناز ایچره کسب یانین،  
بو خار بی مروّت خوار اولان اغیارا چوخ بنزەر.  
اگرچی سؤنبول تر زؤلف جانان تک پریشاندهر،  
او بنزەر زؤلفه اما زؤلف اؤزؤ شاهمارا چوخ بنزەر.  
ایچیپ جام صبحی، بس خمار آلوده دی نرگس،  
سؤزؤمده واردی صحت، نرگس بیمارا چوخ بنزەر.  
دوتوم گۆلبرگ ترده لعل جانان تک لطافت وار،  
نه وجهیلن دئییم اول لعل شکر بارا چوخ بنزەر.  
خط جانانا بنزەر سبزه اما نامناسیدیر،  
بنفشه خط سبز یار گۆل رخسارا چوخ بنزەر.  
غم عشقیله هرگز داغ بر دل اولمایان بیلمز،  
شقایق آبرنگی عارض گۆلنارا چوخ بنزەر.  
منیم بو قان اولان کؤنلؤمه هم پیمانه دیر گویا،  
دولوب قان ایله لاله ساغر سرشارا چوخ بنزەر.  
شکوفه گرمی مجلسدن اؤز نقدین نثار ائتمیش،  
اولان صراف الینده درهم و دینارا چوخ بنزەر.

۵

www.duzgun.ir  
http://isamajidi.blogfa.com

## - ۱۸ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

پریوشلر همیشه رسمدیر عشاقه ناز ائیلر،  
منیم یاربمدا انصاف و مروّت چۆخدور، آز ائیلر.  
گۆرهنده ناوک غمزهن گلیر جان، چپخار جانیم،  
آتار پیکانه جیسمی، آشناسین پیشواز ائیلر.  
یئنه بزم تقرّبده مقام قاب قوسین له،  
مقوس قاشلارین محرابنا هر کیم نماز ائیلر.  
خیال کاکل مشکینه کۆنلۆم اولدو بیچیده،  
بو عمر کوته ایلن صحبت زۆلف دراز ائیلر.  
دهانین سیررینی بیلمزدی عقلیم، عشقیم اؤرگتدی،  
عجب دیوانه دیر، بیگانه یه افشای راز ائیلر.  
مخالف رغمینه بزم طربده مطرب مجلس،  
بیر اؤزگه شور ایلن باشلار نوا، ترک حجاز ائیلر.  
کۆنۆل، چین سر زۆلفۆنده ائتمز ناله بیهوده،  
قارانلیق گئجه ده محبوب ایلن راز [و] نیاز ائیلر.  
حدیث عشق محمودی سؤروشما هر ترش رودان،  
اؤنو شیرین حکایت ائیلهسه، حوسن ایاز ائیلر.  
امیدیم وار یئنه صراف الی آخردا بیر یانا،  
محبت بوته سینده بس کی جان نقدین گداز ائیلر.

۵

- ۱۹ -

بحر مجتث مثنیٰ مخبون اصلم (مفاعلن فعلاتن مفاعلن  
فعلن)

— — — . — . — — . — . — .

اگرچی رسمدی گۆل عندلیبه ناز ائیلەر،

منیم گۆلۆم منه اّما غریبه ناز ائیلەر.

یاخبیدی اللرینه قانیمې حنا یئرینه،

خضاب اولان الی کَفَّ الْخَضِيبَ ه ناز ائیلەر.

دۆشر قدملرینه گۆز یاشیم نه چم خم ایلن،

به سان طفل مؤدّب ادیبه ناز ائیلەر.

دئدیم نگارېما: «گل ناز ائدنده نازیمی چک،

مریض اولاندا مرضدیر طبییه ناز ائیلەر.»

من ائیلهدیکجه تملّق، سن ائیله عشوه و ناز، ۵

محبت اهلی حبیبیم! حبیه ناز ائیلەر.

رقیبیلن اوتوروب دورما، غصّه دن اوللم،

اگر دگیلسه نگاریم رقیبه ناز ائیلەر.

حدیث حۆسنۆوه عالمدی دل، ولی دیل ایلن،

بیانه گلمیری خطبه، خطیه ناز ائیلەر.

قاشبن، گۆزۆن کیمی بیلمزدی ناز و غمزه یولون،

او قدر مشق ائدیپ ایمدی عجیبه ناز ائیلەر.

بو درد عشقه دئدیم: «صبر ایلن علاج ائدهرم»،

نه فایده دلّی کۆنلۆم شکیه ناز ائیلەر.

نه قدر ناز اولّا صرّاف لا قبل نه اغیارا، ۱۰

نجیبزاده هاچان نانجیبه ناز ائیلەر؟

تقصیری نہ دیر علمینہ صراف عمل ائیله.



## - ۲۱ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — . — — — .

دئیهردیم قامت سروین، قیامتدن علامتدیر،  
بئله بیلمز ایدیم قامت دگیل، مطلق قیامتدیر!  
دولار، سن نُطقه گلسن، صحبت شیرین ایلن عالم،  
مگر شکر لبین لبریز حلوی حلاوتدیر.  
گۆز اؤستونده قاش اویناتماق نه لازیم؟ گل آپار اؤلدور،  
اگر ای نازنین! فیکر و خیالین قتل و غارتدیر.  
تمام اولماز حدیث سرگذشت کاکیلین آخر،  
پریشان قصه، طولانی قضیه، خوش حکایتدیر.  
دهانین قوت جاندر خلق اولوب اَمّا قناعتدن،  
بیلیر بو نکته‌نی هر کیمسه کیم اهل قناعتدیر.  
کۆنؤل اسفندیارین بیر خدنگ ناز ایلن ییخدین،  
او ضرب شستیه روحوم فدا، بو نه رشادتدیر.  
طبییم! قوی منی اؤز حالېما درمانېم اختارما،  
بو درد عشق ایلن اولمک منه عین سعادتدیر.  
دی گل، بیر بوسه وئر، آل جانېمې، سن راضی من راضی،  
مگر حلیت بیع و شرا غیر از رضایتدیر.  
دئیهردیم غیر ممکن سن اگر اولسایدې امکانی،  
تَعَالٰی الله بو نه حؤسن و وجاهت، نه ملاحئتدیر؟  
منه ترجیح وئرمه عشقه مجنونو، ای عاقل!  
منیم عشقیم درایت، سن دئیهن نقل و روایتدیر.  
اگر دؤشسم آیاقدان چکمه‌رم ال، عشق صحراسېن،  
گئده‌رم باشېم ایلن هر قده‌ر باشېم سلامتدیر.

۵

۱۰

کلام عشقده صغرا و کبرا احتیاج اؤلماز،  
 اؤنا برهان همین حؤسن رخ دلبر کفایتدیر.  
 خوشا! جانان ایلن مشغول صحبت اۆلدوغوم ساعت،  
 اگر عُمرؤمده بیر ساعت حساب اؤلسا، اؤ ساعتدیر.  
 کۆنؤل اۆلدە یۆز مین یۆل دئدیم گل ترک عشق ائیلە،  
 اؤز اجریندیر، چک! آخر سن دئییردین بس ظرافتدیر؟  
 ۱۵ دئدیم صراف ه: «- هاردان بیلیمسن ایستر سنی یاربن؟»،  
 دئدی: «- گۆرچک منی دلدن گۆلر، بو بیر علامتدیر!».



## - ۲۳ -

بحر مضارع مثنیٰ اخرب محذوف (مفعول فاعلاتن مفعول  
فاعِلن)

— . — . — — — . — . — —

هر کیم خیال زؤلقله زنجیره بسته دیر،  
همواره قید عقلدن عالمدہ رسته دیر.  
بزم وصاله یئتمه سه یئتمز فراغتہ،  
هر کیمسه دردِ هیجرله پیوسته خسته دیر.  
باشدا خیال موی میانین گۆرهن دئدی:  
«صد حئیف کیم بو کاسه ی چینی شکسته دیر.»  
جانیم چخبینجا دوررام آیاغا اؤتورمارام،  
جانانی صدر بزمده گۆرسم نشسته دیر.  
هر گۆنده گۆن جمالینی گۆرسم، اؤ مهوشین،  
نوروزدور اؤ گۆن منه، عید خجسته دیر.  
مطلق مقید ایلله یین آشفته کۆنلۆمۆ،  
زۆلف سیاه خم به خم و دسته دسته دیر.  
گۆلدن چخبیدی تازه، زرخدان یارا باخ،  
لیموی آبدار کیمی خیلی رسته دیر.  
بیر بوسه یه دانیشدی، منیم آلدی دینیمی،  
ایمدی نگار ایلن سۆزۆمۆز بوسه اؤسته دیر.  
صراف ه وئردیگین قورو جان نقدین، ای گۆزهل!  
گل آل، صباحا قویما قالا، ورشکسته دیر.

۵

www.duzgun.ir  
http://isamajidi.blogfa.com

## - ۲۵ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — . — — — .  
 او تار طره کیم جمعیتِ عمر دراز بیدر،  
 اؤنو هر گونده مین یول تار [و] مار ائتمک نه لاز بیدر؟  
 مقوس قاشلارین بیر طاقدر یوخ جفتی عالمده،  
 نئجه اؤز دؤنده ریم اوندان؟ او محراب نماز بیدر.  
 شکفته لبلرین جان گولشینده قونچهی تردیر،  
 کشیده قامتین باغ وفادا سرو ناز بیدر.  
 یانار کانون دلده عشق اودو اما دگیل ظاهر،  
 مؤید بو سؤزه گرمیت ایلن سوز و ساز بیدر.  
 اگر ناز ائتمه یه معشوقه، عاشیقده نیاز اولماز،  
 سنین نازین منیم سرماییه عجز [و] نیاز بیدر.  
 آغارتدیم مویه ایلن مو به مو مژگانلاریم رنگین،  
 او مشکین مویه چون گوردوم صدقندن شانه لاز بیدر.  
 طبیب بی مروت، ال گوتور نبضیمدن اینجیتمه،  
 دوی درد دل، وصل نگار دل نواز بیدر.  
 اگر من عاقبت محمودام ای بیگانه! بخل ائتمه،  
 دگیل اؤز طالعیمدن، بلکه اقبال ایاز بیدر.  
 دئیین صراف ه گل بو بزمه ائیله صحبت شیرین،  
 دوروب چون ال ال اؤسته خسرو خوبان ملاز بیدر.

۵

## - ۲۶ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — . — — — .

اگرچی ناز غمزه اول بت طنازه لازیمدیر،

ولی ناز ائتمه‌گه بیر حد و بیر اندازه لازیمدیر.

گۆتۆر مرهم طبیییم، دوتما زخم سینه سوراخین،

بو دارالملک عشقه بیر آچق دروازه لازیمدیر.

کۆنۆل، مشاطه قانین شیشه گر دوتسا، قویون دوتسون،

رخ جانانا چۆن زینت زمانی، غازه لازیمدیر.

اگر سلطان ملک عشقس، وئر ساخلا ما باشین،

خیال منصب سردارلق سربازه لازیمدیر.

منی صباغ درد [و] غم بویار هر گونده بیر رنگه، ۵

یقین معشوقه‌ی عشقه لباس تازه لازیمدیر.

چپخب ترتیدن، اوراق اولوب مجموعه‌ی جیسمیم،

محبت رشته‌سیندن جیلدیمه شیرازه لازیمدیر.

نهفته رازدیر آغزین اونی اغیارا بیلدیرمه،

او گیزلین سیرره همراز اولماق، اهل رازه لازیمدیر.

دگیل لازیم کۆنۆل گنجشکینی پابند زولف ائتمک،

او محکم پاچه‌بند، ای نازنین! شهبازه لازیمدیر.

چمنده باغبان شمشاد و سروین ریشه‌دن کسدی،

گۆرۆب چۆن شانه‌ی شمشاد او سرو نازه لازیمدیر.

دئیین صرافه چوخ لاف محبت و برما، آرام اول، ۱۰

بساط عشقه گیرمک صاحب اعجازه لازیمدیر.

## - ۲۷ -

بحر مجتث مثنیٰ مخبون اصلم (مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن  
فعیلن)

— — — . — . — — . — . — .

بی جا دگیل چمنده گۆزۆم بۆلۈپل آختاربر،  
درد دلین دئمکلیگه اهل دل آختاربر.  
از بس کی وار شباھتی آشفته کاکیله،  
وجهی اودور، بو شیفته دل سۆنۈپل آختاربر.  
چۆن برگ گۆلده وار لب جانانه بنزهریش،  
بو قان اولان کۆنۆل اودو برگ گۆل آختاربر.  
یوخ حاصلی گۆرۆر دۆشه نیر سرو آياغبنا،  
حاصل بو سرودن دل بی حاصل آختاربر.  
قۆیدوم طریق عشقه قدم قیس ایلن بئله،  
تاپدیم نگاری من، او هله محمل آختاربر.  
گللم گۆزۆن دالبنجا، گۆزۆم! گۆز گۆتۆرمرم،  
مقتوله باخ اولۇبدۆ، گئنه قاتل آختاربر.  
غمزه ن گهی گۆزه گۆز ائدر، گاه دل دیلر،  
گویا قاچاخدې، قان ائله ییب منزل آختاربر.  
تیر نگاه آتندا گۆزۆن، گۆز دۆلاندبربر،  
صیاد تک شکارین ائدر بسمل آختاربر.  
اولموش اگرچی هر دیله دل آشنا، ولی،  
دلداره دیل دئمکلیگه بیر خوش دیل آختاربر.  
هر کیم خیال یار ایله بیر ساعت ایلکشه،  
حسرت چکهر، او ساعتی یۆز مین ایل آختاربر.  
صراف اولوب ز بس اۆزۆ اۆز قانینا سوسوز،  
بیر آدم اؤغلو قان ائله یین قابیل آختاربر.

۵

۱۰



www.duzgun.ir  
http://isamajidi.blogfa.com



## - ۳۰ -

بحر هزج مثنیٰ سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

تَعَالَى الله نه عارضدیر بئله حؤسن و جمال اولماز،  
بئله قاش و گۆز و رنگ و رخ اولماز، خط و خال اولماز.  
باخا هر گۆز خمیده قاشبوا، هرگز او کور اولماز،  
دئییه هر دل گۆزۆن تعریفینی، هرگز او لال اولماز.  
دوتوب قیقاجی باخماق، تیر ناز آتماق، قاش اویناتماق،  
گۆزۆن حقیقینده شامل دیر بئله رعنا غزال اولماز.  
گل اۆلدۆر، قانیمې تۆک، سو کیمی ایچ، احتیاط ائتمه،  
کی هئچ بیر شربت آخر خون عاشیق تک حلال اولماز.  
دئیردین: «بی خیال اؤل!»، من خیال ائتدیم، باخېب گۆردۆم، ۵  
بو عالمده سنه عاشیق اۆلان کس بی خیال اولماز.  
دئدیم: «حکمت نه دیر آتدېن منی، اغیارا یار اولدون؟»،  
دئدین: «بو نکته یه ال وېرما، حکمتدن سئوال اولماز!».  
سنی جان تک آلام آغوشوما فرضاً نه دیر عئیبی،  
دئیلله: «رسمدیر فرض محال آخر محال اولماز.»  
سنین خوش حالتیندن متّصل خوش وقت [و] خوش حال،  
یقین مستقبل [و] ماضیده سن تک اهل حال اولماز.  
اوشاقلار دسته - دسته دۆشمۆش آردېمجان، جلال ایلن،  
داخې دیوانه یه بوندان گۆزهل عزّ و جلال اولماز.  
آدېن قۆیدوم غزل اؤز حالتیمدن شرح حال ائتدیم، ۱۰  
باخېب گۆردۆم سنه عرض ائتمه گه بیر - بیر مجال اولماز.  
سنین دردین بو صرافى قوّجالدېب، قامتین بۆکدۆ،  
جوان واختېندا هئچ کیم بۆيله پیر ماه و سال اولماز.

وئرمز نيه صرافبوا ياربم صله قاش گؤز.

## - ۳۲ -

بحر مضارع مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف (مفعول فاعلات  
مفاعیل فاعلن)

— . — . — — . . — . — . — —

گل بیرجه وئر بو بستر غمده سسیمه سس،  
آخر نفسده هارداسان ای عیسوی نفس!  
ائیلر بلای عشقه وجودیم دوام، اگر -  
داشقین سئیلن قاباغینی سد ائتسه خار و خس.  
عمرۆم یئتیدی باشا، دیلیم یوخسا، عئیی یوخ -  
سرمنزله یئتنده دؤشر نالهدن جرس.  
ممکن دگیل بو عرصهده بال و پر آچماغیم،  
بیر بۆلۆلم کی عالم اولوبدور منه قفس.  
بیزار اولوب بو ناله ی زار بیدان اینجیمه،  
ای میر شب! حراست بازار ائدر عسس.  
آلدن آپاردن ایمدی کی، سالما آياقلارا،  
یا یاخشی ساخلا، یا بو کۆنۆلدن علاقه کس.  
بیداد هیجردن قاپیوا داده گلیمشم.  
یئت بیرجه دادیما منم ای شوخ دادرس!  
شیریندی بس حکایت شهد [و] شکرلین،  
هر یترده صحبتین ائدهم، آزار ائدر مگس!  
صراف نقد عمرۆوی سن هیجره صرف قبل،  
قوی بزم وصله ائیلویه هر بوالهوس هوس.

۵

مین بئیتدن مقدم اولوب ایمدی بیر فلوس.







## - ۳۶ -

بحر مجتث مئمن مخبون محذوف (مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن  
فعیلن)

— . . . — . — . — . . — . — .

آلېب قرارېمې اۆل نازنین عشوه فروش،  
منی ائدیب اۆزۆنه بیر قولام حلقه به گوش.  
سپاه غمزه و سردار عشوه، لشکر ناز،  
دورویلا خدمت اۆچۆن خدمتینده دوش به دوش.  
اۆزۆن گۆرهنده نئجه آه [و] ناله ائیلیمه ییم؟  
بهار فصلی هاچان عندلیب اولور خاموش.  
دۆلاندېرېر گۆزۆنۆ چۆن پیاله پی درپی،  
ائدر مین عاقیلی اۆز چشم مستی تک مدهوش.  
دئیر دیلینده مسلسل سیل: یا عطشان!  
بو دؤورده اوجالېر عرشه بانگ نوشانوش.  
یاتېدې خال سیه گۆل اۆزۆنده خار کیمی،  
اؤ بختی یاتمېشې یا عطر گۆل ائدیب بی هوش؟  
رقیب لال اؤلاسان، سن دئین گنه قالدېم،  
نه دلده صبر و تحمل قالب، نه باشدا هوش.  
بو یولدا بختیمی گۆردۆم یاتېب، قویوب کئچدیم،  
دئدیم: «گئدیب نه عجب خواب غفلته خرگوش.»  
زالال عیشی ازل گۆنده ائدیلر قسمت،  
یئتیشدی خضره بقا چشمه سی، منه لب نوش.  
الین عبث یئره صراف قوینونا قویموب،  
عروس درد دل ایلن اولوبدو هم آغوش.

۵

۱۰

## - ۳۷ -

بحر مجتث مثنیٰ مخبون اصلم (مفاعلن فعلاتن مفاعلن  
فعلن)

— — — . — . — — . — . — .

اسیر اندیب منی بیر نکته‌بین دوراندیش،  
فرنگ‌زاده‌ی صنعان فریب ترسا کیش.  
اؤنون جمالبدیر عشق اهلینه ائدر جیلوه،  
وگرنه شاه‌ی نئجه دستگیر ائدر درویش.  
جمال بیردی اگر گۆزده اؤلمویا پرده،  
باخار گۆره‌ر هامی یئرده نگاری پیشاپیش.  
بو نیک و بد گۆرؤسن اعوجاج مظهردیر،  
دۆز اؤلسا گۆستریر آئینه عکس، بی کم و بیش.  
بصیرت اهلی گۆره‌ر یاری اؤزگه بیر گۆز ایلن،  
بو گۆز اؤنو گۆره بیلمز نه قدەر ائده نفییش.  
هلاک عاشیق اؤچۆن قهری عین رحمتدیر،  
کم اهل نوشا اؤلور نوش جان، مشقت بیش.  
سؤروشما مسئله‌ی عشق [و] حؤسنؤ زاهددن،  
گئنه بو نکته‌نی پیر مغان بیلیر نه کشیش.  
یئتیشدی کعبه‌ی مقصوده یؤل گئندن، صراف،  
امید وار یئتہسن سن ده، ائیلہمه تشویش!

۵

www.duzgun.ir  
http://isamajidi.blogfa.com

بو مسلسل طره مین کافر مسلمان ائيله ميش.  
 پاره - پاره کؤنلؤمؤ قېلمېش، بوراخمېش ايتلره،  
 اؤز الين کسديگي قوربانې احسان ائيله ميش.  
 آز مني آغلانگيلن گل اشک چشميמדن ساقېن،  
 بو مخرب سئيل، چؤخ معموره ويران ائيله ميش.  
 ۱۵ يوخ دئيهن صراف ه: «- اي بيچاره! بسدير، آغلاما!  
 بي خبرسن، گؤز باشېن عالمده توفان ائيله ميش.»





- ۴۱ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

منی سئودای زؤلفؤن ائیله ییب آشفته، مجنون تک،  
آخار سئیل سرشکیم هر طرف سرگشته جیحون تک.  
گدای مُلک عشقم، لیک اؤز شهریمده سولطانام،  
تؤکنمز نقد اشکیم وار الیمده، گنج قارون تک.  
بو فیکر ایلن کؤنؤل بیر بوسه آلسېن خاک پایبندان،  
گلەر گؤزدن دؤشر تۆپراغا دایم اشک گؤلگؤن تک.  
دئسهم سرو [و] صنوبر قدیوه بنزهر، مَعَاذَ اللَّهِ!  
دگیل شمشاد [و] عرعر دلنشین بو قدّ موزون تک.  
گؤل رویون ائدنده داغ دلدن لاله یه نسبت، ۵  
دولار کؤنلؤم فضا سې داغ ایلن پیوسته هامون تک.  
منی بیر تلخ گفتار ایله دیندیر آرزومندم،  
سنین زهرین گلیر شیرین مذاق جانا معجون تک.  
کؤنؤل قانیله دؤلموش بزم غمده کاسه ی چشمیم،  
اؤلوب چؤن جام عیشیم سرنگون بو طاس وارون تک.  
دئمه پیکان غمزه ن خون دلدن قانه غرق اؤلدو،  
درون سینهدّه یاتمېش صدفده درّ مکنون تک.  
قوپاررام تیشه ی حسرتله هر بیر گؤنده مین داغې،  
منی شیرین لبین شورو ائدیپ فرهاد، مجنون تک.  
نهال درد [و] غم اؤلسام نولور آخر دؤنؤب حالېم، ۱۰  
اؤلوبدور بار محنتدن خمیده قامتیم نون تک.  
منم صراف، لاکن نقد طاعتدن تهی دستم،  
دولوبدور دامنیم گرد گنهدن فُلك مشحون تک.

- ۴۲ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

صبا! سالما اۆزه گل طره‌ی جانانه‌دن ال چک،

قوی اۆز درد ایلن اۆلسۆن، بو دل دیوانه‌دن ال چک.

قارا اۆلسون اۆزۆن ای زۆلف کج، شمشادا باش وئرمه،

شل اۆلسون اللرین مشاطه، دۆز دور شاننه‌دن ال چک.

گل ای گۆز مردمی، هشیار ایکن بدمستلیک ائتمه،

خطا دیده، خطالی جیلوه‌ی مستانه‌دن ال چک!

دور ای خال سیه! گۆز گوشه‌سینده ائيله‌مه مسکن،

اوتان یۆلسوز، یولا گل، گوشه‌ی میخانه‌دن ال چک!

عذار یار گندم‌گون ده گۆر دانه‌ی خالی، ۵

واربندپر آدمیت زاهدا، صد دانه‌دن ال چک.

دئدیم یارا: «دئییرلر یۆخ دهانبن، اصلی وار یا یۆخ؟»

یۆخو وار ائتمه‌گه گۆلدۆ دئدی: «افسانه‌دن ال چک.»

خراب ایستردین، اۆلدو مُلک دل، ایمدی نه ایسترسن؟

عدالت ائيله سولطانیم، ساقبن ویرانه‌دن ال چک.

دئدیم صراف ه: «گل ترک محبت قبل!» جوابمدا -

دئدی: «هرگز دئمز عاقل صدف دۆردانه‌دن ال چک.»



بیر بؤیله گل بو عرصه نی صراف ه دوتما تنگ.





آغلار، گۆلر گۆره‌نده منی دوست، دۆشمینیم،  
قویدو منی عجب گُنه، خوش روزگارہ دل.  
صِراف یوخسا ائیلیه‌جک غم ضیافتی،  
شامہ، جگر کباب ائله‌ییب‌دیر، نہارہ دل.



- ۴۷ -

بحر مجتث مثنیٰ مخبون محذوف (مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن  
فعیلن)

- . . - . - . - . - .

خیال دانه‌ی خالینلا دۆلدو خانه‌ی دل،  
بیر آشیانه‌ی مور اۆلدو آشیانه‌ی دل.  
بیلیر بو مطلبی دل: «دلبریله دل بیردیر،  
اؤلا هر عاشیق بی‌دلده گر نیشانه‌ی دل.»  
وصال کویونا یوخدور کۆنۆلدن اۆزگه قاپی،  
کی باب عرش معلّادپر آستانه‌ی دل.  
حکایت لب یار و حدیث دانه‌ی خال،  
یئتهر تمامه تمام اۆلسا آب [و] دانه‌ی دل.  
اۆزۆنده فیکری بودور اۆز حقیقتین گۆرسۆن،  
دیلینده کلمه‌ی ارئی اۆلوب ترانه‌ی دل.  
خیال زۆلفله زنجیره واردی عاقل ایکن،  
اۆلوب بو سلسله سررشته‌ی بهانه‌ی دل.  
ادب سرای محبتده آدلانیب ممشوق،  
اؤدر ادب‌سیره تأدیپ تازیانه‌ی دل.  
اۆرهک دۆیۆنمه‌سی فریاد و ناله زمزمه‌سی،  
اۆلوبدو غم گۆنۆ چنگ و نئی [و] چغانه‌ی دل.  
بو قدەر وئرمه دیلیم، قصه‌ی دله تفصیل،  
کی قۇخارام دۆشه دیلدن دیله فسانه‌ی دل.  
سرشک آلبوی صراف لعل تک اۆزه سال،  
نه وقته ساخلیباجاقسان دۆلوب خزانه‌ی دل.

۵

۱۰

صراف اولان نگار ایله گر یکدل اولماسام.

## - ۴۹ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

بدن بۇرجوندا چۆن منزل دوتوب ماه شب افروزوم،  
گئجه م ایام بیض اولموش، منیم بیردیر شب [و] روزوم.  
منیم فصل بهار و لاله زارا احتیاجیم یوخ،  
خط سبزیل بهاریمدیر، جمالین عید نوروزوم.  
کۆنۆل ملکون تیکیب ییخماغدا گویا هم قسم اولموش،  
سنین پیکان دل دوزون، منیم آه جگر سوزوم.  
آچیب سینهمده گۆل - گۆل، قونچه گۆل تک زخم پیکانین،  
لباس عافیتدن عاری ام، وار رخت گۆلدۆزۆم.  
خیال شکر تنگ دهانین قوت جانیمدیر، ۵  
ریاضت اهلی یم، تنگ اولسا چوخ یئیدیر منیم روزوم.  
گۆره ن گۆندن گۆل رخسارین، آرتیب گۆز لیریم نور،  
باخار هر گۆل گۆره نده، وجهی وار چشم بدآموزوم.  
یانار پروانه سوز شمع رشک سوز و سازیمدان،  
سنه واضح دگیل آیا بو ساز عشق ایله سوزوم؟  
دئدین: «- صراف ای اۆلدۆررم!» اگر فرزند صادق سن -  
سۆزۆندن دؤنمه، قوی اۆلسون مساعد بخت فیروزوم!



## - ۵۰ -

بحر هزج مثنیٰ سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

گۆزۆم یاشېن کۆنۆل قانیله مرجان ائتمه ییم، ئئیلیم،

بو آغ دُرّی شبیه لعل جانان ائتمه ییم، ئئیلیم؟

قوروموش ئئی کیمی هر بند - بندیمدن چبخار ناله،

اسیر بند عشقم، آه [و] افغان ائتمه ییم، ئئیلیم؟

چکیدی سینه مه دود سیه تک آیرېلق داغی،

بناسېن تیشه ی آهیله ویران ائتمه ییم، ئئیلیم؟

انیسیم درد [و] محنت، مونسیم غم، همدیم ناله،

بو جمعیتله دۆنیانی پریشان ائتمه ییم، ئئیلیم؟

دوتولموش خاطیریم، گۆر، اهل شهرین ازدحامبندان، ۵

بو یور مجنون کیمی عزم بیابان ائتمه ییم، ئئیلیم؟

گۆزۆم یاشی آخار هیجرینده مروارید غلطان تک،

اؤنو خون جگرلن قانه غلطان ائتمه ییم، ئئیلیم؟

دئیرلر شربت لعل لبین هر درده درماندېر،

بیلیرسن اهل دردم، مئیل درمان ائتمه ییم، ئئیلیم؟

من بیچاره یه ائیلهر مذمت زاهد بی دین،

گۆرهنده کفر زۆلفون، ترک ایمان ائتمه ییم، ئئیلیم؟

اندیدی باغربمی قان لبرلین، قوی بیر ایچیم قانېن،

بو باش سېز مملکتده قانېما قان ائتمه ییم، ئئیلیم؟

یقینیمدیر اؤره کدن چبخسا پیکانېن، چبخار جانېم، ۱۰

گۆزهل جان تک اؤنو سینه مده پنهان ائتمه ییم، ئئیلیم؟

منی یالقېز گۆرهنده تۆرک مستین قصد جان ائیلهر،

خط و خالېن خیالېن مونس جان ائتمه ییم، ئئیلیم؟

بو بازار محبت ایچره صراف تهی دستم،  
یتیم دُر اشکی زیب دکان ائتمه ییم، نئیلیم؟

## - ۵۱ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

من آختاردیم، آراشدیم، بیر نگار نازنین تاپدیم،  
گلین ایمانه لامذهبلر، آخر تازه دین تاپدیم!  
بو محنت خانه ده اولدوم، دیریلدیم چوخ مشقتلن،  
لب معجزماسی بیر مسیحا آفرین تاپدیم.  
خیال زولفو چین - چین، دسته - دسته، تل به تل گزدیم،  
دل دیوانه پابند ائتمه گه حیل المین تاپدیم.  
لب لعلینده بی شک لذت آب بقا بولدوم،  
سر کویوندا مطلق نکمت خلد برین تاپدیم.  
حدیث خطینه پیچیده اولدوم، خط به خط باخدیم،  
خطاسیز هر سر مویوندان آیات مبین تاپدیم.  
خدنگ جان ستانین جان تک آلدیم باغریما باسدیم،  
حقیقته اونو چوخ راست گوردوم، دلنشین تاپدیم.  
جوان عمرؤم تۆکندی بیر جوان اؤسته بحمدالله،  
ایتیریدیم بی بها خرمهره، بیر در ثمین تاپدیم.  
رخ آلبندا بیر دؤنیا عجایب سیرلر قیلدیم،  
خط و خالیندا بیر عالم نگارستان چین تاپدیم.  
کؤنؤل بسدیر گؤزه للردن گؤتور گؤز، هرزه گرد اولما،  
سنی، هر یئرده خرمن گوردوم اوردن خوشه چین تاپدیم.  
دئدیم یارا: «هلاک ناز بوم، رحم ائله، ناز ائتمه،»  
دئدی: «به به! هله ناز ائتمه گین ایمدی چمین تاپدیم.»  
ایمده هر نه نقدیم وار ایدی صراف له تاپشردیم،  
اونو الحق امانت ساخلاماقدا چوخ امین تاپدیم.

۵

۱۰

## - ۵۲ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

سمند نازه گل باش وئرمه، ای من باشبوا قوربان!  
گۆز اؤستۆنده قاش اویئاتما، قارا گۆز قاشبوا قوربان.  
بلورین سینهی صاف ایچره وار بیر داش کیمی قلیبن،  
حیاتیم چئشمهسی، باغربندا سنگین داشبوا قوربان.  
خطین رشک نگارستان چیندیر، ای خطا دیده!  
بئله نقش [و] نگار اولماز اولوم نقاشبوا قوربان.  
من ابر تیره بختیم، سن بهار تازه و ترسن،  
گرهک من آغلییام، سن آغلاما، گۆز یاشبوا قوربان.  
باشبندان کاکیل مشکین نثار مشک اندیر دایم،  
هانې جاندا لیاقت عرض اندیم شاباشبوا قوربان؟!  
دوروب فراش تک غمزهن برابرده دئییر گلمه،  
کۆنۆل ملکونده شاهنشاه اولان فراشبوا قوربان.  
بلای عشق ایلن چۆن یار [و] یولداش اولموسان یاربم،  
هامې یولداش [و] یاربم، یاربوا - یولداشبوا قوربان.  
اگر صراف ه بیر خشخاش قدرینجه اولا لؤطفون،  
کفایتدیر هامې نقدیم او بیر خشخاشبوا قوربان.

۵

## - ۵۳ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — . — — — .

هانې بیر اهل درد آگاه اولا راز نهانېمدان،  
وئره دؤغرو نیشان معشوق بی نام [و] نیشانېمدان؟  
دل و دلبردن اؤترو اهل دل آردینجا چوخ دؤشدوم،  
نه بیر دلدن سوراغ آلدیم، نه یار دلستانېمدان.  
منیم دؤوریمده یاتماز بیر نفر، اما تعجبدور —  
یاتان بختیم اویانماز بیرجه فریاد و فغانېمدان.  
زیان و سود و خیر و شریمی بیلمزدیم اولدن،  
دؤشوب سئودای عشقه، آنلادیم سودی، زیانېمدان.  
طریق عشقده بیر همهریم یوخ سایه دن غیری،  
گئدەر اول بی وفادا، ظؤلمت شب گلسه یانېمدان.  
گوژوم یاشې تۆکندی احتیاطیم یوخ بحمدالله،  
آخار خون جگر پیوسته چشم خون فشانېمدان.  
پیای داغ دلدن کوهکن تک داغلار سالام،  
اگر آلسام اجازه خسرو شیرین زبانېمدان.  
ملامت داشینا، ای مدعی! باشیم نیشان ائتمه،  
حذر قبل تیر آه قامت همچون کمانېمدان.  
دئمه ای باغبان! سرو قد جانانه بی حاصل،  
ترنج غیغه باخ، آسلانېب سرو روانېمدان.  
شھید خنجر ناز اولماغا چؤخندانې موشاقام،  
الېن قوربانې لؤطف ائيله، کرم قبل، کئچمه قانېمدان.  
سنه قوربان، به غیر از نقد جان بیر برگ سبزیم یوخ،  
سعادتدیر، اودا گر چپخسا جیسیم ناتوانېمدان.

۵

۱۰

اوچار روحوم اگر تیر نگاهین کئچسه جیسمیمدن،  
چپخار جانیم اگر پیکان غمزهن چپخسا جانیمدان.  
دئدیم جانانه: «منظورون عیار قلبی بیلمکدیر،  
گلیب صراف ۛ شاگرد اول آیاق چکمه دؤکانیمدان».

## - ۵۴ -

بحر هزج مثنیٰ سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — . — — — .

نہ بیر یالقوز منم سن آفت صبر و قرار بېمسان،  
کۆنۆل مَلکوندہ شاھنشاه کلا اختیار بېمسان.  
سنین دۆرۆندہ ہرگز اۆزگہ بیر گۆن آروز ائتمہم،  
گۆزۆم نورو، منیم سن خوش گۆنۆم، خوش روزگار بېمسان.  
بو قَد و قامت و رخسار و زۆلف و خط و خال ایلن،  
گۆلۆستانبېم، گۆلۆم، باغېم، بہار بېم، لالہ زار بېمسان.  
غلط سۆزدۆر دئیہ ہر کیمسہ عُمَرہ اعتبار اولماز،  
منیم عُمُروم، گۆنۆم سن، عزت بېم سن، اعتبار بېمسان.  
ایکی دُنیا یا وئرمہم بیر سر مویون سنین آخر،  
قارا گۆزلۆ، گۆن اۆزلۆ، دادلی دوزلو بیر نگار بېمسان.  
خطا اولماز دئسہم ہر گہ سنہ: «ای جان آلاں اؤوچو!»  
اگرچی گۆزدہ بیر مستانہ آھوسان شکار بېمسان.  
دوتوب دامان وصلین خلق عالمدن کنار اولدوم،  
بِحَمْدِ اللہ بو گۆندہ زینت [و] زیب کنار بېمسان.  
ائدر حۆسن روخون ہر دم بیر اۆزگہ رنگ ایلن جیلوہ،  
بو جان باغېندا چۆن طاووس پُر نقش [و] نگار بېمسان.  
اۆزۆن مہوش، بویون دلکش، جمال بېن شعلہ ی آتش،  
ای آتش پارہ، بہ بہ! خرمن عُمَرہ شرار بېمسان.  
وجوہ نقددن صراف بېن اولموش کیسہ سی خالی،  
قالان موجود الیندہ بیرجہ نقد خوش عیار بېمسان.

ای بیر - بیرینه قلب ایله صافی قاتان اوغلان.



## - ۵۶ -

بحر مضارع مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف (مفعول فاعلات  
مفاعیل فاعلن)

— . — . — — . . — . — . — —

هرچند درد عشقه دُوشن چوخلدو هیجردن،  
لیکن گُورُونمُورُو بیرِ مفتون، همچو من.  
بُولبُول صفت گُولُومُو کنارِ اَلبیدی خار،  
قُمری یئرینه سروده مسکن دوتوب زغن.  
ائیلرله ناصحا، منی بو آغلاماقدان منع،  
من تک گُورُوم کی عشق بلاسینا دُوشه سن.  
جور رقیب طعنه ی ایامدان باخبن،  
مجنون شکلی تک آياغ اُسته قالب بدن.  
بو درده دُوشمه میس نجه مرطوب جمده گیم،  
ایندی ز بس اربقلامبشام بُشدو پیرهن.  
بسدير رضا! قضايا رضا وئر، دایان گیلن،  
تاب لاشماق آپارهر بورادا، ای عزیز من!

۵

## - ۵۷ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — . — — — .

دگیلسن باخبر، ای نازنین یاربم! اگر مندن،

وئیر هر بیر سر مویون نه دندیر بس خبر مندن؟

محبت مجلسین گل قیش گونونده ائيله یک گولشن،

گول و گول قونچا سندن، آه چون باد سحر مندن.

خطین دؤورونده بیر جمع پریشان مو پریشاندر،

او جمعیتده یوخدور بیر نفر شوریده سر، مندن.

زمانه ایرلیق طرحین آرایا سالسا، قوی سالسین،

بیر آه ایلن بناسین ائيله مک زیر و زیر مندن.

بو شمع قامت ایلن سرکش اولماق شمع تک سندن، ۵

او شمع وئرمه گه پروانه آسا بال و پر مندن.

طبییم، دردیمه غم بستیرنده گل مداوا قبل،

دوا عتاب لب سندن، قضا خون جگر مندن.

باش ایسترسن بو باش، گل، آل، بو امر خیری سال باشندان،

گوروم باش گئتسه، آخر ال چکهر بو دردسر مندن؟

رشادت خرجه وئرمکدی خیالین، گل ائده ک دعوا،

ولی سندن اوخ آتماق، سینهنی ائتمک سپر مندن.

گل، آل - وئر ائيله یک، یا این که منظورون تجارتدیر،

مکرر بوسه سندن، نقد جان بیر مختصر مندن.

تماشاما دوروب هر بیر طرفدن مملکت اهلی، ۱۰

دگیل مومکون تردد، باغلانپ راه گذر مندن.

منی شیرین غمینده، مدعی! فرهاد بنزه تمه،

اونون آثاری واردیر، قالماپب اما اثر مندن.

منِ مجذوبی تکفیر ائیلهمه، گۆر جذبه‌ی عشقی،  
مداین مُلکونه شیرینی چکدی مُلک ارمن‌دن.  
یقین آیینده اؤز عکسینه یاربم اولوب عاشیق،  
سالیب تیمار عشقه اؤز اؤزۆن قطع نظر مندن.  
خیالیم وار آچام جانان ایلن صراف دۆگانی،  
گۆمۆش تک آغ بدن اوندان، قېزېل تک رنگ زر مندن.

## - ۵۸ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — . — — — .

اله بیر تار مو سالمېش دل دیوانه زۆلفۆندن،  
اؤ تار ایلن دئیهر بیر عُمردۆر افسانه زۆلفۆندن.  
دئدیم: «- قیلام سر زۆلف کجین مژگان ایلن شانه»،  
سۆزۆم دۆزدۆر، نئدیم؟ ال چکمز آخر شانه زۆلفۆندن.  
خیال چئشمه‌ی حیوان ایلن ظۇلماته یول سالدېم،  
بِحَمْدِ اللَّهِ وَالْمَنَّةِ یئتیشدیم جانہ زۆلفۆندن.  
دوتوم دام بلادیر دام زۆلفۆن، دانه‌دیر خالین،  
نه خالیندان کئچر کۆنلۆم قوشو، جانا! نه زۆلفۆندن.  
صبا شیرازه‌بندی تئل به تئل اؤزدن چکیب یانه،  
عجب شیرازه‌ی محکم وئریب قرآنہ زۆلفۆندن.  
عرقچین نافه‌ی مشکین کیمی هر گۆنده مین دفعه،  
سالبر خرمن به خرمن مشک تر هر یانه زۆلفۆندن.  
سر زۆلفۆن دوتان گۆندن منی تکفیر ائدر زاهد،  
مگر بیلیمز می‌ن کافر یئتیب ایمانه زۆلفۆندن.  
گۆرۆم سېنسېن، داغېلسېن، بوندان آرتیق تار [و] مار اؤلسون،  
منیم معموره‌ی عیشیم اؤلوب ویرانه زۆلفۆندن.  
قیامت آشکار اؤلموش، نه‌دندیر قبردن دورماز،  
مگر وئرمز خبر باد سحر صنعانه زۆلفۆندن؟  
اؤلۆبدور حقّدن غافل مگر مشاطه‌ی حۆسنۆن؟  
سالبدیر فتنه‌لر چنگیز تک ایرانہ زۆلفۆندن.  
اگر صراف‌ی بوندان چۆخ پریشان روزگار ائتسن،  
شکایت ائیلهرم شاهنشاه ایرانہ زۆلفۆندن.

۵

۱۰



شحنه‌ی هیج‌رین دوتار صراف‌ای ای جانا! نه‌دن.

## - ۶۰ -

بحر مجتث مثنیٰ مخبون اصلم (مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن  
فعیلن)

— — — — — . — — — — — .

بو آب [و] رنگ ایله جانا، مگر گۆل ترسن،  
و یا سپهر ملاحتده ماه انورسن.  
قاشین خمیده کمان، کیپیگیگین کشیده سنان،  
نه، بلکه کشور جان آلماغا سکندر سن.  
خطین شکسته، بویون بسته، لبلرین پؤسته،  
نه پؤسته، پؤسته [و] بادام سان، مقشّرسن.  
بو حؤسن صورت و خال و خط و ملاحت ایلن،  
سنه بشر دئمک اولماز، اگرچی بنزه رسن.  
پریوشان و قمرطلعتان و سبزخطان، ۵  
سنه تمام رعیتدی، سن پیمبرسن.  
نه یوسف و نه زولایخا، نه خسرو [و] شیرین،  
بیر اؤزگه ماهلقاسان، بیر اؤزگه دلبرسن.  
گۆرهن وجودون اندر سئیر عالم اکبر،  
اگرچی ظاهر صورتده جرم اصغرسن.  
دالینجا مین دل دیوانه دسته - دسته گزهر،  
بو فوج عشقه مگر سن امیرلشکر سن؟!  
سفیدی رُخ صُبح وصال ایلن همشیر،  
بیاض طلعت بیضا ایلن برادرسن.  
بو سوز عشق ایله صراف ه بیر دئیهن یؤخدور، ۱۰  
یانار اؤد ایچره یانارسان، مگر سمندرسن؟

## - ۶۱ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

منیم ای مُبِیحه، سن کعبه و دیر و کنشتیمسن،  
بهار و لاله‌زار و گولشن و باغ و بهشتیمسن.  
اگر باشیم گنده، سئودای عشقین باشندان چیخماز،  
نئچون، باشندان یازبلمش بیر قضای سرنوشتیمسن.  
قدین بیر سرو نو رسته، جمالین طورفه گولدسته،  
قبول ائتسن اگر، من باغبان، سن باغ گشتیمسن.  
معنیر کاکیلین پرچین، او کاکیلدن خطین مشکین،  
خطاسیز بیر خطالی آهوی عنبر سرشتیمسن.  
۵ اوزون گول، عارضین گول، هم لب لعلین گول اندر گول،  
دی گل، گول ای گولوم! آخر مه اردیهشتیمسن.  
سنی گورره‌م اگر میخانه‌یه یا مسجده گئتسن،  
بو عالمده منیم سن مدعی خوب و زشتیمسن.  
دئدیم صراف ه: «گر من مؤمنم، قبله‌م بو گون سنسن،  
و یا خود بت پرستم، سن منیم آخر کنشتیمسن».



ظالم نیبہ ظولم ائتمہ گہ بیر بؤیلہ برین سن.













## - ۶۹ -

بحر هزج مثنیٰ سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

اؤلوب از بس اؤخ آتماق رسیمنه، جانا! بلد قاشین،  
اگر مین اؤخ آتا، کنچمز یقین بیر تیری ردّ قاشین.  
گۆرۆب فوج مؤژهن یاچوج تک خونریز [و] سرکشدير،  
سکندر تک قویوب ظلومات [و] نوره حدّ و سدّ قاشین.  
گۆز اؤسته اگله نیب تیغ دو پیکر الده، گۆز یولدا،  
وېرار جلاّد تک هر کیم سنه کج باخسا حدّ قاشین.  
اگر دین اولسا اؤندا من یقین عالمده بی دینم،  
مکرر طاق ایمانا وېرېدېر دست ردّ قاشین.  
اگیبدير باشینې گۆز گوشه سیلن باش باشا چاتمېش،  
یقین جان آلماغا ایستر گۆزۆندن بیر مدد قاشین.  
گۆزۆن مریخ، عطارد کییرگیین، خورشید [و] مه رویین،  
دل عشاقی تسخیر ائتمه گیه باغلب رصد قاشین.  
الفدیر کییرگیین، ها حلقه چشمین، لام کج زؤلفۆن،  
بیله الله، بیر الله اؤچۆن، لازېمدې مدّ قاشین.  
نه بیر یالقېز منم، آخر محلّ اعتمادېدېر.  
عدالت خانه ی حۆسنۆنده اولموش معتمد قاشین.  
قاشین گۆرجک آخار سئیل سرشکیم ساقدان، سۆلدان،  
وئریر - تأثیره باخ - بحر محیطه جزر [و] مد قاشین.  
کمان سست الینده تیتیره اما سخت بازودور،  
بیر آر مشق ائيله سه قویماز سلامت بیر احد قاشین.  
خیاطه زؤلف، خال اسپند، ابرو نعل، روخ آتش،  
بئله تعویذ ایلن گۆرمز یقین دیر چشم بد قاشین!

۵

۱۰



اۆلۆبدور مدّعی صرافدن مین نقد جان ایستر،  
ائدیب ثابت الینده واردې خطیندن سند قاشبین.

- ۷۰ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

نه یالقیز قدیمی خم قلمبش آخر خم به خم زولفون،  
منی بدنام ائدهن عالمده هم خالیندی، هم زولفون.  
صفات فعله هر نازک تئلی بیر محکم آیتدیر،  
اولوب صورتده حادث ائیلر اثبات قدم زولفون.  
گوروب حسن رخن تفسیری بیر تاریک مطلبدیر،  
اولوب تۆک - تۆک اونو شرح ائتمه گه تۆکدن قلم زولفون.  
آچیب پرچم، بلالی باشیمی سئودالارا سالدی،  
گوروم بدناملیقدا من کیمی اولسون علم زولفون.  
یتیمیدیر حقه اما کفر ایلن مشهور عالمدیر،  
یقین مظلوملار نفرینی ائیلیب متهم زولفون.  
دیلیلر تۆکده روح اولماز، نه دندیر چۆن دم عیسی،  
وئیر هر نفخه ده مین قالب بی روحه دم زولفون.  
گتیرمیش تختینه سرتیب ناز و غمزه سردارین،  
بودور فیکری کۆنوللر ملکونه آچسین علم زولفون.  
خطین فیکری حدیث کاکیلین تک بهجت افزادیر،  
او تاراج ملال ائتسه، ائدر یغمای غم زولفون.  
گوزون جان آماغا پیکان اله آلمش، قاشین خنجر،  
ایکی بدمست آراسیندا نه دن اولماز حکم زولفون.  
نه یالقیز وار اونون محبوبه لر بونوندا بیر حقیقی،  
آلبیدر بونونا صراف ایلن ویرسین قدم زولفون.

۵

۱۰



## - ۷۲ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

خیال چشم مست یارین دل مئی پرست اۆلدو،  
وئرین طفلان مکتب مژده، کیم دیوانه مست اۆلدو.  
بساط عشقه چۆن قویدوم قدم اولکی منزله،  
ایمدن شیشه ی ایمان [و] دین دۆشدۆ شکست اۆلدو.  
نه دندیر بیلیمیرم آهیم اۆدو یارا نشست ائتمز،  
و حال آن که نجه داش قلب اؤلا یئتدی، نشست اۆلدو؟  
دئیهدیم وصله یئتسم، ائیلهرم اۆز دردیمه درمان،  
یئتیپ پروانه تک یاندیم، شکستیم یاخشې بست اۆلدو.  
کمند آهی چوخ آهو دالبنجان آتدیم آخرده،  
بِحَمْدِ اللَّهِ شکاریم بیر غزال شیر مست اۆلدو.  
وئریم سربستلیک فرمانی کلا اختیار ائتدیم،  
اؤ گۆندن کیم کۆتۆل زنجیر عشقه پای بست اۆلدو.  
گۆزۆم، افتاده اول، گر چشمه سار فیضه طالبسن،  
نئچۆن قالماز سوسوز عالمده هر بیر یئر کی پست اۆلدو.  
اؤ صراف ی کیم ائتمیشدی مسخر عالمی دیلده،  
گئدیب دل بیلمه یین دلدارا ایمدی زیردست اۆلدو.

۵

گۆلدۆ دئدى: «- باخ گۆر يۇخو وار، ائيله ديم اولدو».



## - ۷۵ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

دیلیم یانسین اگر دلدن دئیهم گل ترک ناز ائيله،

ولی دلده تحمّل قالمایب، بیر قدر آز ائيله.

خدنگ ناز ایلن وپردین منی ییخدین، قویوب کئچمه،

مسلمانام، منه اسلام رسمیلن نماز ائيله.

کرم قبل، باشیمی توبراقدان آل، قوی دیزین اؤسته،

منی گل آخر عمرؤمده، عمرؤم! سرفراز ائيله.

خراب ائتمکلیگه دؤنیانی بیر ایماء کفایتدیر،

نه فیکر قتل [و] غارت قبل، نه قصد تۆرک تاز ائيله.

سنه کج باخسا هر گۆز، قویما گۆزدن ای کمان ابرو، ۵

اؤنو دوت ال به ال قوربان مژگان دراز ائيله.

بلاگردانبوام، رحم ائت منه، آل جانبی، قورتار،

آلیم دردین، منی گل دردرسردن بی نیاز ائيله.

تمام ائيله محدث، شرح وئرمه حال محمودی،

دانبشماق حالتین وار صحبت حؤسن ایاز ائيله.

خدنگ جانستان غمزهی جانان گلیر، ای جان!

اؤتورما جیسمد، اؤز روحونو چیخ پیشواز ائيله.

تؤکندی نقد عمرؤن، گئتدی ای صراف بی مایه!

قوجالدین، چاره سیز اؤز دردیهو بیر چاره ساز ائيله.

## - ۷۶ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — . — — — .

حقیقتده اگر عاشیقده سوز شمعده، پروانه،  
قویون یانسن بو یانماقلیقدان اهل عشقه پروا نه؟  
دوتوب تسییحی زاهد! اولما فیکر خالدران خالی،  
گر آدمسن، کفایتدیر سنین حقیقنده بیر دانه.  
وجودوم عشق اودیلن اود دوتوب اودلانیدی ای روحوم،  
یانارسان، جانپوا رحم ائیله چبخ بیر جیسمدن یانه.  
دئدیم: «دررم خدنگین سینه مه»، ایمدی پشیمانام،  
منیم سینه مه جهنم، حیغفدیر باتسا اوخون قانه.  
اوشاق دیوانه آردینجان گندهر، اما منیم کؤلوم،  
دوشوب ایمدی اوشاق آردینجان اولموش بؤیله دیوانه.  
چخبب طرف بناگوشوندا خط، اما پریشاندر،  
یقین پیچیده دیر سئودای گیسوی پریشانه.  
دئدیم: «وار بیر چوروک جانیم اگر، قوی خنجرین آلسن،  
خیال ائتمه گوره نده تیر غمزهن قبیما دیم جانه.  
قوپاردیب داش کیمی از بس آتیب هر بی سر و پایا،  
ائدیج جسمیم حصاربن بو دل دیوانه ویرانه.  
چپخارام گوزده سندن اوزگه بیر گوز مردمی اولسا،  
گوزوم نورو! سنه زبینه دیر بو قصر شاهانه.  
گوروب امر تجارتده اوشاقلار ایمدی ماهردیر،  
قویوب طفل یتیمین اشکینی صراف دکانه.

۵





بیلمز نه دیر کۆنۆلده کی منظور و مطلبیم،  
 هر فرقه ظنّ بدلن ائدر بیر گمان منه.  
 نه جبری یم، نه صوفی، نه قشری، نه وحدتی،  
 ای مدعی! اوتان دئمه فاحش یالان منه.  
 صراف نقد عمرؤوی صرف ائت بو نحو ایلن،  
 قوی وارسا منفعت سنه گل سین، زیان منه.



www.duzgun.ir  
http://isamajidi.blogfa.com

- 人 -

بحر رمل مئمن مخبون محذوف (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فععلن)

ای بالا! ای قوزو! ای شوخ ممه! قوربان گوزونه،

اۋلۇرم بىر بىلە قۇيما نىمە، قۇربان گۈزۈنە.

خم زولفون چمن عارضه چم تک دوشموش،

مایل اولما بو قدەر چم خمه، قوربان گۆزونه.

گورۇرم خلق دئير: «قاشبوا قوربان كسيليم!»

دئیرم من گئنه: «- با این همه، قوربان گوژونه!»

هر سر موی کجینده دۆزۆ مین عالم وار،

نَجِّهِ وَثَرِّم سَنِي بِيَرِ عَالَمِهِ، قُورْبَانِ گُوزُونِه!

۵ وار گوۛزل، چوَن دم عیسی دم جان بخشینده،

گل اوتور بیرجه وئراخ دم دمه قوربان گؤزونه.

دینی یوخ، کافر سرگشته‌دی، بدنام اولوسان،

وئرمە اۆز زۇلف خم اندر خمه، قوربان گۆزۈنە!

نَجْه کیم یوسفه دَئدیلر بو مَلک دیر نه بشر،

سندہ وار ایمدی همان ہمہمہ، قوربان گوزونہ.

قویموسان ایمدی کی صراف ادبني عاشیق امن،

وئر اجازہ لب لعین امہ، قوربان گوژونہ.

- ۸۱ -

بحر مجتث مثنیٰ مخبون اصلم (مفاعلتن مفاعلتن  
فعلتن)

— — — . — . — — . — . — .

اؤز اختیاریمې من وئرمیشم نگار الینه،  
یئتیدى فاعل مختارېن اختیار الینه.  
کۆنۆل، گر ایستییه سن مست جام عشق اولاسان،  
عنان هوشونو وئر یار هوشیار الینه.  
او گۆن کی قسمت ائدیبلر وجودو جزء به جزء،  
وئریبله رشته ی صبر و قرارې یار الینه.  
هوای دار ایله منصور عقل شهیازی،  
اوچوب، قونوب سرگیسوی تابدار الینه.  
نۆلوردو بیرجه گندهیدی خزان، گلهیدی بهار،  
دۆشهیدی دامن گۆل عندیلب زار الینه.  
حنایا باخ نتیجه گۆر بی حیادی قانه دۆنۆب،  
اوتانمایب، قهزارب، ال وئریب نگار الینه.  
چکییدی کامېنا کۆنلۆم قوشون او زۆلف سیه،  
اودار بلی دۆشه گنجشک بچه مار الینه.  
الینده اؤز ممه سین اؤینادېردې یار، دئدیم:  
«انار تازه دۆشۆب سرو گۆلعدار الینه!»  
دئمه بو عاشیقه: «گل تار زۆلفۆمه وېر چنگ!»  
وجودو چنگ اولو، گر دۆشسه بیرجه تار الینه.  
بو نوعیلن کی یانار اؤدلارا یانار صراف،  
خلاص اولونجا سالار نقد خوش عیار الینه.

۵

۱۰



- ۸۳ -

بحر مجتث مثنیٰ مخبون اصلم (مفاعلن فعلاتن مفاعلن  
فعلن)

— — — . — . — — . — . — . — .

قسم او کعبه‌ی رویینده، طاق ابرویه،  
قولام حلقه به گوشم بو خال هندویه.  
آلب قراریمی الدن بوراخما اؤز باشیما،  
اسیری‌یم، منی باغلا کمند گیسویه.  
گۆرن وجودومو سئیلاب اشک خون ایچره،  
دئیهر دۆشۆبدۆ خزان یاپراغی آخار سویه.  
اؤلوب نسیم سحر مشک ریز عنبر بیز،  
دگیب اسه‌نده مگر زۆلف عنبرین مویه؟  
گلیر نوايه تنیم تار [و] پودی، تار کیمی، ۵  
وېرانداندا شانه چۆ مضراب تار گیسویه.  
گۆزۆن دالبنجا گۆزۆم نورو، عالمین گۆزۆ وار،  
حریص اؤلور بلی صیاد صید آهویه.  
کۆنۆل حصارینې بیر کچ نگاه ایلن یېخدېن،  
فدا او شستیه، قوربان، او زور بازویه.  
آتاردې یوسفی الدن دوتاردې دامنیوی،  
اگر دۆشه‌یدی زۆلیخا گذاری ویجویه.  
آلبیدی مردمک دیده قامتین عکسین،  
مکان اؤلۆبدو لب جوی سرو دلجویه.  
بیری بیرینه دئیهر اهل شهر: «آی دوتولوب!» ۱۰  
سالاندا طره‌ی شیرنگ سایه مه‌رویه.  
گر ایسته‌سن اولا زۆلفۆن کیمی اوزون، عُمروُن،  
محبت ائيله بو صراف تک دوعاگویه.



عمرُون شبح هیجریلہ پایانہ یئتیردی.





## - ۸۷ -

بحر هزج مثنوی (مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن)

بیر ساغر ایلن ساقی! مست ائیله بو مخموری،  
ای قلیبیمین آرامی، وی گۆزلریمین نوری!  
نی نی منه بیر ساغر نئیلەر، دولو دولدور وئر،  
یا بیر قدح چینیی یا کاسهیی فغفوری.  
بو سینه مشبکدیر تیر غم ایلن گویا،  
اوستاد قضا تیکمیش بیر پردهیی زنبوری.  
سندہ بو هوا ایلہ، مطرب نئی و نای ایلہ،  
گل شورہ، نوا ائیلہ، چال نغمهیی ماهوری.  
معمورهیی جان و دل آز قالدی خراب اولسون، ۵  
جان [و] دل ایلن ساز ائت، ساز و دف و طنبوری.  
ساقی! مئی و معشوقه لازیمدی بو مخلوقه،  
بو مسئله ده اولموش چوخ سلسله جمهوری.  
تسبیح کیمی زاهد اورادا مقیددیر،  
ایستر آلا محشرده هر وردینه مین حوری!  
بو فیکر [و] خیال ایلن فردوسه طمع ائیلہ،  
هر مجلسه قویمازلار بیلمز، ائله یعفوری.  
ایستر اوریا اهلین، من اهل خراباتی،  
آیا گورون عالمده مُشرکدی کیمین جوری.  
امر ائتدی شراب ایچمه، من ایچمه گه آند ایچدیم، ۱۰  
اوندان سوروشون: «آیا ایمی نهدی منظوری؟»  
هر شهرده بیر عاشق مشهور جهان اولموش،  
بو مملکتین ایمی صرافدی مشهوری.



- ۸۹ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — . — — — .

انیدییر خم، قاشبن فیکری، خمیده طاق ایمانی،  
اوجالدېب کُفر زولفون بیدق دین مسیحانی.  
اؤزوم اهل کتابام، گورورم ریحانی خط ایلن،  
اؤزونده کاتب قدرت یازېب انجیل عیسینی.  
مقوس قاشلارېن بنزهر دئسه طاق کلیسیایا،  
اوجالېر کونلومون ناقوس تک فریاد [و] افغانی.  
منی زَنار زولفون چکدی آخر کنج مسجددن،  
گهی دیری منه مسکن وئیر، گاهی کلیسانی.  
یانار نار غمیندن سینهلر آتشکده آسا،

۵

عجب سئودای عشقین کافرستان ائتدی ایرانی.  
خط و خالبن گوروب ترساچه! تسبیحیمی آتدېم،  
سنین عشقینده من دوتدوم طریق شیخ صنعانی.  
نصارا دگیلم، رحم ائت منه، کافر! مسلمانام،  
بو دلتلن مگر جایز دیر اولدورمک مسلمانی؟  
بئله فیکر ائیله مه هیجرینده بیر من مو پریشانم،  
پریشان ائیله بییدیر کاکیلین مجموع دنیانی.  
گوزون یاشی آخار قدین گوره نده رود نیل آسا،  
دئیه رسن حضرت موسی<sup>(ع)</sup> عصاسی یاردې دریانی.  
اؤدر شیرین کلامین هر نفس، مین مرده دل، زنده،  
لب لعلین آپارمېش آبروی آب حیوانی.  
علاجیمدا اطبا بیلمز، ائیلهر سعی بیهوده،  
مریض درد عشقم دردیمین وار سنده درمانی.

۱۰

خیال گُوهر وصلیله من پیوسته عریانام،  
دولوب دُر یتیم اشک ایلن صرّاف دامانی.

- 9♦ -

بحر رمل مٹمن محذوف (فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

— • • — — • • — — • • — — • —

قبلسا آزاد او سر زولف دل آویز منی،

بیلیرم اۆلدۆرهجک غمزهی خونریز منی.

بیر اوزون <sup>۹</sup>عمر دۆر <sup>۹</sup>عمرۆم! یوخو گلمز گۆزۆمه،

کاکیلین فیکری ائدیپ عاشق شبخیز منی.

ورق خوښنده، تګ خالپوي گوردوم يانديښ،

اف دغل باز دو دل، ائيله دی بی چیز منی.

بو هوا ايله منيم نخله‌ی عَمْرُوم قورودو،

چکہ آغوشونا بیر گلبن<sup>۹</sup> نوخیز منی.

۵ لوح قسمتده یازیب کاتب دیوان قضا،

صدر مجلسدہ سنی، قابل دھلیز منی.

نرگس مستین اولان بزمده پیمانه نه‌دیر،

یاخشی مست ائیلەر ایکی ساغر لبریز منی.

من محبت چۆلۈنۈن عاشق سرگشته سىم،

بیلسه دیوانه، نۆلور، مردم تبریز منی!

جام وصلیندن اطباء منه پرهیز وئریب،

قورخورام اۆلدۆره آخرده بو پرهیز منی.

آفرین گوهر اشعار یوه صراف سخن،

گتيرير وجده بو شعر طرب انگيز مني.





## - ۹۲ -

بحر هزج مثنوی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

— — — . — — — . — — — .

شرار شمع آهیمدان منیم، پروانه‌لر یاندی،  
اۆزۆم یاندیم، کۆل اۆلدوم، سه‌لدیر، بیگانه‌لر یاندی.  
تجلائی جمال جام غملن اویله سرگرم،  
دوتوب اۆد، یاندی جانیم، بیلمه‌دیم اما نه‌لر یاندی.  
اۆزۆم سویون اۆزۆم سویوندان اوترۆ سو کیمی تۆکدۆم،  
خجالتدن سویا دۆندۆ مئی و میخانه‌لر یاندی.  
دئیین مجنونا بیل بی‌خانمان اولماق‌لغین قدرین،  
شعاع حۆسن لیلادان سراسر خانه‌لر یاندی.  
۵ یانارسان، ای کۆنۆل! گل طره‌ی جانانه چنگ اورما،  
نئچۆن مشاطه‌لر چنگینده گۆردۆم شانه‌لر یاندی.  
بلا صحراسی اۆلجاق مسکنیم، بیر آه چکدیم کیم،  
دوتوب صحرالار اۆد، صحرائشین دیوانه‌لر یاندی.  
بو غم کۆنجۆنده سنسیر، ای منیم شمع شب‌افروزوم!  
پیایی آهیم ایلن مشعل شاهانه‌لر یاندی.  
محبت بوته‌سینده یانما‌دی بیر نقدی صراف‌بن،  
بو سوز عشق ایلن چۆخ عاقل [و] فرزانه‌لر یاندی.

## - ۹۳ -

بحر مجتث مثنیٰ مخبون (مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلاتن  
فعیلن/)

— — . . — . — . — — . . — . — .

نۆلوردو مجلسیمیز بیر دقیقه خلوت اؤلایدی،  
دئییب، دانیشماغا جانان ایلن فراغت اؤلایدی.  
برابریمدن نگاریم یانایدی شمع کیمی،  
من آه سرد چکه ییدیم، او گرم صحبت اؤلایدی.  
گهی دورایدی قاباغیمدا سرو قامت ایلن،  
گۆزۆم گۆره - گۆره بو نشئه ده قیامت اؤلایدی.  
دئییب، گۆلۆب، اوتورایدی کمال عشرت ایلن،  
بسان آینه، دل خالی از کدورت اؤلایدی.  
او قدر صحبت ائده ییدیک اؤلایدی نصف اللیل،  
یاتایدی یار دیزیم اؤسته، باشی راحت اؤلایدی.  
کناره جان تک آلایدیم او طفل معصومی،  
بو شرط ایلن آرامیزدا حجاب عصمت اؤلایدی.  
تحمل ائتمه گه بار گران محنته کاش،  
اؤزۆمدن صبر [و] تحمل، دیزیمده طاقت اؤلایدی.  
گۆن اؤزلۆ یاردا یا اؤلمویایدی عشو و ناز،  
او نازی چکمه گه یا این کی منده حالت اؤلایدی.  
شرار شمع ایله گۆردۆم یاناردی پروانه،  
دئدیم: «بو شیوه نۆلور اهل عشقه عادت اؤلایدی؟»  
یئتیددی تنگه داخی تنگنای عالمدن،  
اجل گله ییدی، بو صراف اؤله ییدی، راحت اؤلایدی.

۵

۱۰



## ۳. ترجیع بند

- ۱ -

بحر هزج مثنیٰ سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
مفاعیلن)

منی چرخ فلک آواره قیلدی خانمانبمدان،  
کنار اتدی کنار خسرو شیرین زبانبمدان.  
ایم چبخدی گؤلۆمدن، گؤلشنیمن، گؤلستانبمدان،  
طریق عشقده، من چکمیشم ال باش و جانبمدان.  
اؤلان مجنون کیمی زنجیر عشقه بسته جانیم وای!  
وطن آوارهسی، غربت اسیری، خسته جانیم وای!

۲

خوشا! جانان ایلن هم درد و هم راز اۆلدوغوم گۆنلر،  
سر کویوندا ایتلرلن هم آواز اۆلدوغوم گۆنلر.  
ایمده، تار زۇلفۇ قصه پرداز اۆلدوغوم گۆنلر،  
کۆنۆلده، نار عشقی سوز ایلن ساز اۆلدوغوم گۆنلر.  
اؤلان مجنون کیمی زنجیر عشقه بسته جانیم وای!  
وطن آوارهسی، غربت اسیری، خسته جانیم وای!

۳

دئیین جانانه: «ای خورشید مهر خساریوه بنده!  
کۆنۆل جمعیتی چۆن ذره نوروندان پراکنده،

فراقین طاقت و صبر و تحمل قویمایب منده،  
 علیلم، دردمندم، دردیمین درمانی وار سنده،  
 اۆلان مجنون کیمی زنجیر عشقه بسته جانیم وای!  
 وطن آوارهسی، غربت اسیری، خسته جانیم وای!

۴ سنه شایسته‌دیر گۆلمک، نئچۆن بیر قونچا لب گۆلسن،  
 حرام اۆلسون اگر اغیار ایلن منسیر دئییب، گۆلسن.  
 ائدیسن سینهمی پیکان غمیلن، بؤیله گۆل - گۆل سن،  
 یانار قلبین منیم احوالما، گر حالیمې بیلسن.  
 اۆلان مجنون کیمی زنجیر عشقه بسته جانیم وای!  
 وطن آوارهسی، غربت اسیری، خسته جانیم وای!

۵ اگر منسیر گۆلۆم! گئتسن تماشای گۆلۆستانه،  
 گۆرۆم دۆنسۆن - الهی - لاله تک باغربن قېزېل قانه.  
 گۆزۆن بیمارپام، نرگس الیندن ألما پیمانہ،  
 لبین قوربانپام، سالما نظر گۆلبرگ خندانہ.  
 اۆلان مجنون کیمی زنجیر عشقه بسته جانیم وای!  
 وطن آوارهسی، غربت اسیری، خسته جانیم وای!

۶ گۆرۆم مندن سؤرا شمع روخون پروانه‌سیر قالسېن،  
 ایراق گۆزدن، گۆزۆن بی سورمه، زۆلفۆن شانہ‌سیر قالسېن.  
 ائدهن قان کۆنلۆمۆ مئیگون لبین، پیمانہ‌سیر قالسېن،  
 اؤ ایکی نرگس مستین مئی و میخانه‌سیر قالسېن.  
 اۆلان مجنون کیمی زنجیر عشقه بسته جانیم وای!  
 وطن آوارهسی، غربت اسیری، خسته جانیم وای!

۷ اگر آلسان اله ساغر، الینده باده قان اۆلسون،

صُراحی باشا چکسن حاش لله، نوش جان اؤلسون.  
 دؤنؤب پیمانیه باخسان، اؤزه اشکین روان اؤلسون،  
 اؤزؤن مخمور، چشمین مست، غمزین سرگران اؤلسون.  
 اؤلان مجنون کیمی زنجیر عشقه بسته جانېم وای!  
 وطن آوارهسی، غربت اسیری، خسته جانېم وای!

۸ منی ترک ائيله ییب گر اؤلسا یاربم اؤزگه لر یاری،  
 گؤرؤم عالمده اؤلسون من کیمی غملر گرفتاری.  
 داغېلسېن رونق بازاری، اسکیلین خریداری،  
 گئجه - گؤندؤز اؤزه اشک ندامت ائيله سین جاری.  
 اؤلان مجنون کیمی زنجیر عشقه بسته جانېم وای!  
 وطن آوارهسی، غربت اسیری، خسته جانېم وای!

۹ گزیب من گؤرمه دیم دؤنیانی محنت خانه دن غیری،  
 تاپېلماز کُنج راحت، گوشه ی میخانه دن غیری.  
 انیس بزم خلوت یوخ، غم جانانه دن غیری،  
 دئمه صراف، سن ده یازدېغېن افسانه دن غیری.  
 اؤلان مجنون کیمی زنجیر عشقه بسته جانېم وای!  
 وطن آوارهسی، غربت اسیری، خسته جانېم وای!



بحر رمل مٹمن مخبون محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن  
فاعلن)

— • — — — • — — — • — — — • —

2

3

۲

جان، نثار ائتمکلیگه بیر جان نثار ایستر کؤنؤل.

۵ ائیله ییب شووق وصالین واله [و] حیران منی،  
وادی حیرتده قویما بؤیله سرگردان منی.  
قورخارام سالسین آیاقدان محنت هیجران منی،  
هیجرالیندن جانہ گلیمیش وصل یار ایستر کؤنؤل.

۶ پرتو نور خیالینلا دۆلوب صحرای دل،  
گۆز یاشیم تک موجه گلیمیش جوش اندر دریای دل.  
طور عشقینده مناجات ائتمه گه موسی دل،  
طاقت و تاب آختار بر، صبر و قرار ایستر کؤنؤل.

۷ حجله گاه قاسمی هر لحظه کیم یاد ائیلهرم،  
نئی کیمی گلله م نوايا، داد و فریاد ائیلهرم.  
عیش [و] عشرت ملکونو، آه ایله بر باد ائیلهرم،  
چۆن تن تبار [و] چشم اشکبار ایستر کؤنؤل.

۸ خاطریم اولموش پریشان سۆنؤل سوسن کیمی،  
خلقدن کسمیش علایق رشته سین سوزن کیمی،  
چۆخ سؤر قبرین چکه آغوشه پیراهن کیمی،  
جان وئریب وصله یئنه پروانه وار ایستر کؤنؤل.

۹ تندباد هیجر ایله سۆلموش گۆلؤستانیم منیم،  
غصه دن اولموش خزان، گۆلبرگ خندانیم منیم.  
نطق یوخ، دیلدن دۆشؤب مرغ خوش الحانیم منیم،  
بۆلبؤل شوریده تک فصل بهار ایستر کؤنؤل.



۱۰ سیل غمدن آز قالب بنیاد جیسم اولسون خراب،  
 زورق جیسمیم او سیل ایچره قالب مثل حباب.  
 محفل وصلین خیالیه اولوب باغریم کباب،  
 اختیاریم یوخ، نئدیم، بی اختیار ایستر کؤنؤل.

۱۱ شور عشقین شوهرتی از بس کی عالمگیر اولوب،  
 بینوا صراف اودور مجنون بی زنجیر اولوب.  
 آب [و] خاک غمله گویا طیتیم تخمیر اولوب،  
 محنت [و] درد [و] مصیبت، هر نه وار ایستر کؤنؤل.

- ۲ -

— • — — • — — — • — — — • —

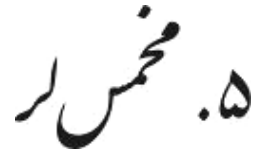
۲  
بس کی اؤلموشدوم علی! اؤز طالعیمدن نامید،  
خاطره گلّمزدی اصلاً نه بو ساعت، نه بو دید.  
کوکب بختیم منی ائتدی بو گونده روسفید،  
وئردی برج مرحمتدن باش،

۳  
گرچی بزم وصلدیر، نه مجلس اندوه [و] غم،  
چکهرم بونلان بئله آه پیایی، دم به دم.  
بلکه آهیم ائیله سین تأثیر سپند بر سبن قلم،  
آیر بلیق طرحین چکدن نقاش، علی خوش گلمیسن!

۴ اشک ایلن اۆلموش لبالب کاسه‌ی چشمیم چۆ مشک،  
چشمه‌ی خورشید ائدر بو کاسه‌یه پیوسته رشک.  
چۆن چبخار دریای دلدن بو دُر شهوار اشک،  
قوی ائدیم تا باشوا شایاش، علی خوش گلمیسن!

۵ نور وصلیندن بولوب آئینه‌ی قلبیم صفا،  
گئتدی ناخوشلوق وجودومدان، علی! تاپدیم شفا.  
سربلند ائتدین منی ای یوسف مصر وفا،  
لطف حق اولسون سنه بولداش، علی خوش گلمیسن!

- ۶ نه آنام وار بستر غمده پرستاریم اؤلا،  
نه باجیم وار غم گۆنۆنده یار و غمخواریم اؤلا.  
سندن اۆزگه بیر نفر یۆخدور هواداریم اؤلا،  
جان وئریب دردین آلایدیم کاش، علی خوش گلمیسن!
- ۷ بو امید ایلن آپاردیم من تب عشقه پناه،  
ناخوش اۆلسام اکبریم ائیلر عیادت گاه گاه.  
سن ده ایندی حالما بیر نوع ایلن ائیلر نگاه،  
اۆلماسین راز نهانیم فاش، علی خوش گلمیسن!
- ۸ رسمدیر هر کیم یتیم اۆلسا، اۆلور عالمده خوار،  
من کیمی اۆلماز ولیکن قوم و قارداشدان کنار.  
یالقیز ائوده بیر انیسیم یوخ، اۆزۆم درده دچار،  
اغلایم نئیله ییم من کۆل باش، علی خوش گلمیسن!
- ۹ نطقه گل ماه محرم گلدی، صراف! اۆلما لال،  
ائیلمه هرگز بو باطل عمر ایلن باطل خیال،  
حضرت صغرا دیلینجه ائیلر بؤیله عرض حال،  
گل باجین قوربان سنه قارداش، علی خوش گلمیسن!



بحر رمل مَثْمَن مَخْبُون مَحْذُوف (فَعْلَاتِن فَعْلَاتِن فَعْلَان فَعْلَان)

2

میرزە حسین واعظی گندیز ائەلەدیز دىستە باشې،  
 نە ئونون مسجىدى وار، منبرى، نە مۇلك و ماشې.  
 شېخ سلېمىن نە ئاۋى، پالتارى، نە اۋستۇ باشې،  
 گۇر نىجە قاتدى سۇيۇق سو، گىندە ايسىتى اشېما.  
 تۇكدۇ حرىت ايران عجب كۆل باشېما.

- ۲ -

بحر رمل مئمن مخبون محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن  
فاعلاتن فاعلاتن)

— . — — — . — — — . —

بو نه دیر؟ نه عدل دیر، هر لحظه مین بیداد اولور؟

بو نجه مشروطه دیر؟ گتدی که استبداد اولور؟

۲

مستبدلر ائیله ییبلر، گور نجه اشغال میز،

پاکی بو ناپاکلار، ناپاکدان وئرمیر تمیز.

باغلانیب هر بیر طرفدن میلته راه گریز،

گتت به گتت جوور و جفا و ظولملر مزداد اولور،

بو نجه مشروطه دیر؟ گتدی که استبداد اولور؟

۳

بیز دئدی که: «- مشروطه، خلقی سوق اندر آمالینا،

مستبدلر حاکیم اولدو، باخ بو شوم اقبالینا.

وای بئله آزادلیغا، وای میلّتین احوالینا!

جانې بو جرئومه لردن، بس هاچان آزاد اولور؟

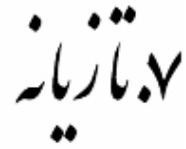
بو نجه مشروطه دیر؟ گتدی که استبداد اولور؟



— • — • — — • • — • — • — —

بیر کیمسه باخبر دگیل اُمُّ الْکِتَاب دان.

نئیلیم ازل گۆنۆنده سنی مرحمت قبلان،  
ایمدی آلب آپاردې جهان خرابدان.  
تاریخ ایسته‌دیم سنه صرافدان، دئدی: ۱۰  
«-قدر رضا مشخص اولور بو حسابدان.»



بحر هزج مثنى اءرب مكفوف محذوف (مفعول مفاعيل  
مفاعيل فعولن)

مدتدی کی ایرانن ایشی اؤدودور، آلاودور،  
ایران دئمە، کاشانە ی اندوہ و خېنودور.  
بیر انجمنی ائیلە میسیز شەرەدە برپا،  
قالخېدې گۆیە غلغلە، حمام گِرودور.  
گاو و خر و خرس ایلە قابان صدر نشیندی،  
بو مجلس شورادی و یا کی حسنودور؟  
اۆچ زات سیزی قویماز اؤلا مشروطەنی شرعی،  
صدری دۆڭۆسۆ، سارې یاغ و چای پیودور.  
چېخ منبرە، احکام شریعت سۆلە واعیظ!  
منبر سۆزۆ، الله ادې یا کی یک و دودور.  
مشروطە چېخارتدې، هامېنې ائودن، ائشیکدن،  
تالانە گئدن گئتدی قالانلاردا، گیرودور.





— — • • — — • • — — • • — —

بی دردلیگی بوشلما، اختارما حمیت،  
لازم دگی غیرت!

غیرت دئیگیین باشا بلا، جانا خطر دی!	دور وقت سحر دی!
هر کیمسه دئسه ملت و دین گئتدی اینانما،	هئچ بیر سؤزؤ قانما.
قانمازلېغبوبن قدرینی بیل، یاخشی ثمر دی!	دور وقت سحر دی!



بحر هزج مثنى اءرب مكفوف محذوف (مفعول مفاعيل  
مفاعيل فعولن)

چون سالدې منى گوژدن او گول چهره پري زاده،

گلمیب گۆزۈنە ئایلەيىب اۋز بىندەسىن آزاد.

صِرافِی حریف، اوّلِ مازادده ساتدی،

با این کی گورؤب مفتہ اولور اولِ مازاد.



لوچونجو بؤلوم:

عدده لر



## ۱. ادبی بزه کَلر

### ۱-۱. قصیده‌لر:

- ۱-۱/۱: موازنه. ۱-۲/۳: اضافه‌ی تشبیهی: آئینه‌ی ذات.
- ۱-۱/۲: موازنه. ۱-۲/۵: اشاره: «أنا مدينة العلم و علیُّ بأه».
- ۱-۱/۳: موصوف و صفت مقلوب: پاک ذاتی. ۱-۲/۶: ردّ الصدر إلى العجز: الف کلمه‌سینده.
- ۱-۱/۴: موازنه و تجنیس: علم و حلم؛ کرامت و سخاوت. ۱-۲/۹: قافیه تکراری: (هویدا).
- ۱-۱/۵: موازنه. ۱-۲/۱۱: اضافه‌ی تشبیهی: نارِ قهر؛ نورِ مهر.
- ۱-۱/۶: موازنه و اضافه‌ی تشبیهی: گولشن حقیقت. ۱-۲/۲۳: تضاد: آب و آتش. تناسب: آب، آتش و خاک.
- ۱-۱/۷: موازنه و جناس اشتقاق: نایب و مناب؛ قایم و مقام. ۱-۲/۲۴: تلمیح: حضرت ابراهیمی اودا آتما ناغیلی. جناس: آزر و آذر.
- ۱-۱/۸: جناس زاید: محرم و حرم. ۱-۲/۲۵: تلمیح: نوح گمیزی.
- ۱-۱/۱۱: موازنه. ۱-۲/۲۷: تلمیح: حضرت موسی یا طور داغیندا نور تجلاسی.
- ۱-۱/۱۲: موازنه. ۱-۲/۲۸: تلمیح: حضرت عیسی معجزه‌سینه.
- ۱-۱/۱۳: تشبیه: ولایت/گوهر، علی(ع)/صدف. ۱-۲/۲۹: اشاره: وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى. (بقره/ ۵۷)
- ۱-۱/۱۶: تضاد: کج و راست. ۱-۲/۲۹: سنجش و مقابله: حضرت موسی / فرعون.
- ۱-۱/۱۷: تضاد: ابتدا و انتها. ۱-۲/۳۴: اشاره: حضرت سلیمان حاکمی.
- ۱-۱/۱۸: نغمه: (ش) حرفینده. ۱-۲/۳۵: اشاره: حضرت یوسف و حضرت یعقوب ناغیلی.
- ۱-۱/۱۹: نغمه: (س) حرفینده. ۱-۲/۳۵: اضافه‌ی استعاری: گنج معرفت. تضاد: شاه و گدا.
- ۱-۲/۲: تکرار: وجود.

- ۳۶/۲-۱: اشاره: حضرت یوسف گوژه‌لیگی. سنجش و مقابله: حضرت علی(ع) / حضرت یوسف.
- ۳۶/۲-۱: پای ملخ، اشاره: حضرت سلیمان ناغلی.
- ۳۶/۲-۱: اضافه‌ی تشبیهی: مرغ دل.
- ۲- ۱. غزل:**
- ۱/۱ - ۲: نغمه: (س) حرفینده. اضافه‌ی تشبیهی: سیمین ساق.
- ۲/۱ - ۲: تضاد: تریاک و تریاق. اضافه‌ی تشبیهی: معجون لب.
- ۴/۱ - ۲: ارسال المثل.
- ۵/۱ - ۲: ارسال المثل. اضافه‌ی تشبیهی: پیکان / غمزه.
- ۶/۱ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: پنجه‌ی مژگان. تلمیح: حضرت عیسی(ع) ناغلی.
- ۹/۱ - ۲: تلمیح: شیرین و فرهاد ناغلی. ایهام: شیرین: ۱ - شیرین دادی ۲ - شیرین، خسرو و شیرین ناغلبندا.
- ۱/۲ - ۲: جانلی سایما(جاندارانگاری).
- ۲/۲ - ۲: تضاد: کفر و ایمان.
- ۳/۲ - ۲: جناس: خال و خیال.
- ۵/۲ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: سیب زرخدان.
- ۹/۲ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: ناوک مژگان.
- ۱/۳ - ۲: ارسال المثل و لف و نشر مرتب: شاعر اوژو، کسک و یاری داش.
- ۵/۳ - ۲: استخدام: (ضعیف) هم شاعیر باره‌سینده و هم یار زولفو باره‌سینده.
- ۹/۳ - ۲: تقابل: بیر و مین.
- ۱/۴ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: آتش آه. حسن تعلیل: گوژون اولدوزلو اولماغی.
- ۸/۴ - ۲: استعاره‌ی تشبیهی: خدنگ غمزه.
- ۱/۵ - ۲: تکرار: پریشان.
- ۴/۵ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: سیب زرخدان.
- ۶/۵ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: یاقوت لب. مقایسه و سنجش: یاقوت لب / لعل بدخشان.
- ۷/۵ - ۲: تلمیح: شیخ صنعان ناغلی.
- ۸/۵ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: ناوک غمزه و قاشی کمان.
- ۱۰/۵ - ۲: تضاد: کافر و مسلمان.
- ۷/۶ - ۲: ارسال المثل.
- ۸/۶ - ۲: تشبیه: ناز / خنجر. ارسال المثل.
- ۱/۷ - ۲: کنایه: قصد جان.
- ۲/۷ - ۲: تکرار: قاش و گوژ. ارسال المثل.
- ۴/۷ - ۲: جانلی سایما(جاندارانگاری): مژگان‌دا. تکرار: اوخ و سینه.
- ۸/۷ - ۲: سنجش و مقایسه: عشق مجازی / عشق حقیقی.

- ۷/۱۱ - ۲: جناس تام: حال و حال.
- ۷/۱۲ - ۲: سنجش و تقابل: مین و بیر.
- ۹/۲ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: گؤلؤستان وجود، شبنم غم، ابر رحمت.
- ۹/۴ - ۲: تضاد: محنت و راحت.
- ۹/۵ - ۲: تضاد: دیوانه و عاقل.
- ۹/۶ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: پیکان غم. جانلی سایما(جاندارانگاری): غم‌ده.
- ۹/۷ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: سیخ محنت و کؤنؤل مرغو.
- ۹/۹ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: در امید. تلمیح: خیبر ماجراسبنا. جناس اشتقاق: فتح و فاتح.
- ۱۰/۱ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: تیر غمزہ.
- ۱۰/۲ - ۲: تناسب: سرکرده و قہلج و سرباز و صف.
- ۱۰/۳ - ۲: ارسال المثل.
- ۱۰/۴ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: سیخ مژگان.
- ۱۰/۶ - ۲: جناس تام: حیوان و حیوان.
- ۱۰/۷ - ۲: کنایه: نقد جان.
- ۱۰/۸ - ۲: تلمیح: شیخ صنعان ناغہلی.
- ۱۰/۹ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: چاه زرخدان.
- ۱۰/۱۱ - ۲: ارسال المثل. اضافه‌ی تشبیهی: سیم اشک.
- ۱۱/۳ - ۲: استخدام: (پیشان) کی هم زؤلفه‌دیر هم‌ده روزگار.
- ۱۱/۶ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: گؤن‌اؤزلؤ.
- ۱۱/۷ - ۲: لف و نشر مرتب.
- ۱۱/۹ - ۲: تشبیه: شمشیر تیز ناز. کنایه: اؤلایدی دل جرئت‌دن کنایه‌دیر.
- ۱۱/۱۰ - ۲: تلمیح: منصور حلاج ناغہلی.
- ۱۲/۶ - ۲: تلمیح.
- ۱۲/۹ - ۲: تشبیه: یار قاشی / کمان.
- ۱۳/۱ - ۲: استخدام: (پیشان و آشفته) احوال و گیسویه؛ و (خم)، عاشق بؤیونا و یار قاشبنا ایشله‌نییدیر. جانلی سایما(جاندارانگاری): یار قاشبندا. تشبیه: قد عاشق / محراب. حسن تعلیل: عاشق آشفته‌دیر چؤن معشوقون گیسوسو آشفته‌دیر و عاشق بؤیو اگری‌دیر چؤن یارین قاشی اگری‌دیر.
- ۱۳/۳ - ۲: تشبیه: خال سیاه / سلطان هندو.
- ۱۳/۴ - ۲: تشبیه: ایکی ردیف مژہ/ ایکی ردیف سرو.
- ۱۳/۵ - ۲: تشبیه: یار گؤزؤ/ آهو گؤزؤ.
- ۱۳/۶ - ۲: اغراق: معشوق گؤجؤ.
- ۱۳/۷ - ۲: ارسال التمثیل.
- ۱۴/۶ - ۲: ارسال المثل.



- ۱۵/۱ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: گؤل اؤز و سؤنؤل زؤلف.
- ۱۵/۲ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: چنگال مژگان. ارسال المثل.
- ۱۵/۳ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: کؤلؤم قوشو. ارسال المثل.
- ۱۵/۶ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: لعل لب. ارسال المثل.
- ۱۷/۳ - ۲: تناسب و تقابل: نرگس و بنفشه و لاله. اضافه‌ی تشبیهی: نرگس گؤزؤن، بنفشه خطین، لاله عارضین.
- ۱۷/۴ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: لعل لبین. تکرار: خط.
- ۱۸/۱ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: ناوک غمزه. تضاد: بیگانه و آشنا.
- ۱۸/۳ - ۲: تشبیه: ابرو/ محراب.
- ۱۸/۴ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: کاکل مشکین. تضاد: کوته و دراز.
- ۱۸/۸ - ۲: تلمیح: به داستان عشق محمود و ایاز.
- ۱۹/۴ - ۲: ارسال المثل.
- ۱۹/۵ - ۲: ارسال المثل.
- ۱۹/۱۰ - ۲: ارسال المثل.
- ۲۱/۱ - ۲: تشبیه مضمیر مفضل: یار سرو قامتی قیامتدن علامتدیر، بلکه اؤزؤ قیامتدیر.
- ۲۱/۴ - ۲: استخدام: (پریشان) هم قصه‌یه و هم یار کاکیلینه.
- ۲۱/۶ - ۲: تلمیح: اسفندیار ناغیلې.
- ۲۱/۱۰ - ۲: تلمیح: لیلی و مجنون ناغیلې.
- ۲۰/۳ - ۲: ارسال المثل.
- ۲۰/۴ - ۲: موازنه و تضاد: مین و بیر.
- ۲۲/۳ - ۲: ارسال المثل.
- ۲۲/۴ - ۲: تلمیح: شیرین و فرهاد ناغیلې.
- ۲۲/۵ - ۲: تلمیح: مجنون ناغیلې.
- ۲۲/۶ - ۲: تلمیح: یوسف و زلیخا ناغیلې.
- ۲۲/۷ - ۲: تلمیح: شیخ صنعان ناغیلې.
- ۲۳/۴ - ۲: تضاد: دوررام و اؤتورمارام.
- ۲۳/۵ - ۲: تشبیه: یار جمالی / آی و گؤنه.
- ۲۳/۶ - ۲: تنسیق الصفات و تناقض: مطلق و آشفته.
- ۲۳/۹ - ۲: کنایه: جان نقدی. تناسب: نقد و ورشکسته.
- ۲۴/۱ - ۲: استعاره: مه‌پاره یاردان استعاره، و هلال یار قاشهندان استعاره‌دیر. تضاد: کج و راست.
- ۲۴/۴ - ۲: جناس زاید: خراب و خرابه.
- ۲۴/۷ - ۲: حسن تعلیل.
- ۲۴/۸ - ۲: سنجش و مقابله: عاشق / معشوق.

- ۲۴/۹ - ۲: لف و نشر مرتب: آه، انیس و ناله  
مونس دیر.
- ۲۵/۸ - ۲: تلمیح.
- ۲۵/۹ - ۲: تلمیح: خسرو و شیرین ناغبلې. ایهام:  
شیرین: ۱ - شیرین دادی ۲ - شیرین، خسرو و  
شیرین ناغبلندا.
- ۲۶/۶ - ۲: تشبیه: جسم/ دفتره. تشبیه محبت /  
شیرازیه کی عاشیق جیلدینه لازمدهر.
- ۲۷/۲ - ۲: حسن تعلیل. تشبیه و قرابت: کاکل  
یار/ سنبل.
- ۲۷/۳ - ۲: حسن تعلیل. تشبیه و قرابت: لب  
جانان / برگ گل.
- ۲۷/۴ - ۲: استعاره: سرو یاردان استعاره. تضاد  
حاصل و بی حاصل.
- ۲۷/۶ - ۲: تکرار: گۆز. جناس اشتقاق: قاتل و  
مقتول.
- ۲۷/۸ - ۲: اضافه تشبیه: تیر نگاه.
- ۲۷/۹ - ۲: تکرار: دل.
- ۲۸/۱ - ۲: اغراق: گۆزۆن یاش تۆکمه گینده.
- ۲۸/۵ - ۲: ایهام: خطا: ۱ - یئر آدی. ۲ - سهو  
معناسیندا.
- ۲۸/۷ - ۲: اغراق: معشوق گۆزه لیگی. جانلی  
سایما (جاندارانگاری): عطارد و قوس قزحده.  
تشبیه مضمّر و مفضل.
- ۲۹/۱ - ۲: موازنه.
- ۲۹/۲ - ۲: ارسال المثل.
- ۲۹/۳ - ۲: ارسال المثل.
- ۲۹/۴ - ۲: تلمیح: محمود و ایاز ناغبلې.
- ۲۹/۵ - ۲: تشبیه: لعل لب.
- ۲۹/۸ - ۲: اشاره: المّجاز قنّطره الحقیقه.
- ۳۰/۱ - ۲: تناسب و تقابل: قاش و گۆز، رنگ و  
رخ، خط و خال.
- ۳۰/۳ - ۲: تشبیه: تیر ناز.
- ۳۲/۱ - ۲: ارسال المثل.
- ۳۲/۴ - ۲: تشبیه: شاعیر/ بۆلبول.
- ۳۲/۷ - ۲: تضاد: بیداد و داد.
- ۳۳/۵ - ۲: کنایه: وئردیم باد فنا یا.
- ۳۳/۷ - ۲: تشبیه: مین تیر طعنه.
- ۳۴/۳ - ۲: تلمیح: شیرین و فرهاد ناغبلې.
- ۳۴/۴ - ۲: رد الصدر الی العجز.
- ۳۵/۳ - ۲: تجنیس: راح روح. تناقض و تضاد:  
خالی و پر.
- ۳۵/۹ - ۲: تلمیح: شیخ صنعان ناغبلې.
- ۳۶/۲ - ۲: تناسب و تقابل: سپاه و سردار و  
لشکر. اضافه تشبیه و جانلی سایما (جاندار  
انگاری): سپاه غمزه، سردار عشوه، لشکر نار.
- ۳۶/۹ - ۲: تلمیح: خضر و آب حیات ناغبلې.

- ۳۷/۱ - ۲: تلمیح: شیخ صنعان ناغیلی.  
 ۳۷/۲ - ۲: تضاد: شاه و درویش.  
 ۳۸/۱ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: گؤل اؤز، و سؤنبؤل زؤلف.  
 ۳۸/۳ - ۲: استعاره: نرگس مست کی یاربین گؤزؤندن استعاره‌دیر.  
 ۳۸/۱۱ - ۲: اغراق.  
 ۳۹/۸ - ۲: تشبیه مفضل. تلمیح: حضرت ابراهیمین اؤدا آتما ناغیلی.  
 ۳۹/۱۱ - ۲: کنایه: خط ایمانبوا آخرده چکهر. خط ایمان الدن گنتمکدن کنایه‌دیر.  
 ۴۱/۱ - ۲: استخدام: (آشفته) کی هم زؤلف باره‌سینده‌دیر هم مجنون. اغراق: سیل سرشک. تلمیح: لیلی و جنون ناغیلی.  
 ۴۱/۲ - ۲: تلمیح: گنج قارونا.  
 ۴۱/۴ - ۲: تناسب: سرو، صنوبر، شمشاد و عرعر. حشو: معاذالله. تشبیه مضمّر مفضل: یاربین بؤیو سرو و صنوبره اؤخشا‌ییر اما اؤنلاردان افضل‌دیر.  
 ۴۱/۶ - ۲: تضاد: زهر و شیرین.  
 ۴۱/۷ - ۲: اغراق: آغلاماغدا. استعاره: طاس وارون گؤی‌دن استعاره‌دیر.  
 ۴۱/۸ - ۲: تشبیه: غمزه/ پیکان.  
 ۴۱/۹ - ۲: تلمیح: شیرین و فرهاد ناغیلی. ایهام شیرین: ۱ - شیرین، خسرو و شیرین ناغیلیندا ۲  
 - شیرین دادی. مجنون: ۱ - دیوانه و سرگشته ۲ - مجنون، لیلی و مجنون ناغیلیندا.  
 ۴۱/۱۱ - ۲: تشبیه: گناه / گرد.  
 ۴۲/۳ - ۲: تضاد: هوشیار و مست. ایهام: خطا: ۱ - خطا و اشتباه ۲ - تۆرکستاندا یئر آدی.  
 ۴۳/۵ - ۲: تلمیح: شیخ صنعان ناغیلی.  
 ۴۳/۶ - ۲: تضاد میان کج و دؤز.  
 ۴۳/۷ - ۲: تشبیه: چشم یار / چشم آهو.  
 ۴۳/۸ - ۲: ارسال المثل.  
 ۴۵/۳ - ۲: تلمیح: منصور حلاج ناغیلی.  
 ۴۵/۷ - ۲: تلمیح: لیلی و مجنون ناغیلی.  
 ۴۵/۱۱ - ۲: تلمیح: موسی(ع) ناغیلی.  
 ۴۵/۱۲ - ۲: تضاد: آغلار و گؤلر؛ دوست و دؤشمن. لف و نشر مرتب: آغلار دوست و گؤلر دؤشمن.  
 ۴۶/۵ - ۲: تشبیه: دل / نرد.  
 ۴۸/۱ - ۲: قافیه: بو غزلده اقواء وار کی قافیه عیبی ساییلبر.  
 ۴۸/۷ - ۲: تضاد: عاقل و دیوانه.  
 ۴۹/۳ - ۲: لف و نشر مرتب: سنین پیکان دلدوزین کؤنؤل مُلکون تیکمه‌گه و منیم آه جگرسوزیم اؤنو ییخماغا هم قسم اولوبلار.  
 تشبیه: کؤنؤل / مُلک.  
 ۴۹/۴ - ۲: تشبیه: زخم پیکان / گؤل غنچه.

- ۵۰/۱ - ۲: استعاره: آغ دُر، گۆز یاشدان استعاره و لعل یارېن لیندن استعاره دیر.
- ۵۰/۳ - ۲: استخدام: (داغ) ایرلبیق کلمه سی اؤچۆن ایستی معناسی وئریر و هم تیشه باره سینده داغ.
- ۵۰/۴ - ۲: تضاد: جمعیت و پریشان.
- ۵۰/۵ - ۲: تلمیح: لیلی و مجنون ناغېلی.
- ۵۰/۶ - ۲: تشبیه: اشک / مروارید غلطان.
- ۵۱/۴ - ۲: تشبیه: لب یار / لعل.
- ۵۲/۱ - ۲: اضافه ی تشبیهی: سمند نار.
- ۵۲/۲ - ۲: اضافه ی تشبیهی: بلورین سینه. تشبیه: لب / سنگ. استعاره: حیاتیتم چشمه سی یاردان استعاره دیر.
- ۵۲/۴ - ۲: سنجش و مقایسه: شاعیر اؤزۆ / معشوق.
- ۵۲/۶ - ۲: ردّ الصدر الی العجز: فرّاش.
- ۵۲/۷ - ۲: تکرار: یار و یۆلداش.
- ۵۳/۲ - ۲: تکرار: دل. لف و نشر مرتب.
- ۵۳/۳ - ۲: تکرار و تضاد: سود و زیان؛ خیر و شر.
- ۵۳/۶ - ۲: حسن تعلیل.
- ۵۳/۷ - ۲: تلمیح: شیرین و فرهاد؛ و خسرو و شیرین ناغېلی. جناس تام: داغ. ایهام: شیرین: ۱
- شیرین، خسرو و شیرین ناغېلندا ۲ - شیرین دادې.
- ۵۳/۸ - ۲: اضافه ی تشبیهی: ملامت داشې و تیر آه. تشبیه: قامت / کمان.
- ۵۳/۹ - ۲: اضافه ی استعاره ی: سرو روان معشوقدان استعاره دیر. اضافه ی تشبیهی: ترنج غبغه.
- ۵۳/۱۰ - ۲: اضافه ی تشبیهی: خنجر ناز.
- ۵۳/۱۱ - ۲: نغمه و تکرار: (س) حرفینده.
- ۵۳/۱۲ - ۲: موازنه.
- ۵۴/۳ - ۲: تنسیق الصفات و لف و نشر مرتب.
- ۵۴/۵ - ۲: تضاد: ایکی و بیر. تنسیق الصفات.
- ۵۴/۶ - ۲: استخدام: (خطا) ۱- آهو اؤچۆن یئر آدېدېر. ۲. اولماز فعلی اؤچۆن، سهو و اشتباه معناسېندادېر. تشبیه: چشم یار / چشم آهو.
- ۵۴/۹ - ۲: اضافه ی تشبیهی: اؤزۆن مهوش، جمالېن شعله ی آتش. استعاره: آتش پاره یاردان استعاره دیر.
- ۵۵/۶ - ۲: تناقض: گۆن و تیره. اضافه ی استعاره ی: جفت هلالی یارېن قاشېندان استعاره دیر.
- ۵۵/۷ - ۲: کنایه: قان ائیلمه، اؤلدۆرمکدن کنایه دیر.
- ۵۵/۸ - ۲: تکرار صاف. تضاد قلب و صاف. نغمه (ص) حرفینده.

- ۵۷/۳ - ۲: استخدام: (پریشان و جمع) کی هم  
گیسو اؤچون و هم توپلانمیش انسانلار  
اؤچوندور. تکرار: جمع و پریشان.
- ۵۷/۴ - ۲: جانلی سایما (جاندارانکاری): زمانده.
- ۵۷/۵ - ۲: تکرار: شمع. تشبیه: قامت یار / شمع.
- ۵۷/۳ - ۲: لف و نشر مرتب و اضافهی تشبیهی:  
عَناب لب.
- ۵۷/۹ - ۲: کنایه: نقد جان.
- ۵۷/۱۱ - ۲: تلمیح: شیرین و فرهاد ناغیلی.  
مقایسه: شاعیر اؤزؤ / فرهاد.
- ۵۷/۱۲ - ۲: ارسال المثل و تلمیح: خسرو و  
شیرین ناغیلی.
- ۵۸/۲ - ۲: تضاد: سر و آخر؛ کج و دؤز.
- ۵۸/۳ - ۲: اشاره: آب حیات ظلماتدادیر.
- ۵۸/۴ - ۲: اضافهی تشبیهی: کؤنلؤم قوشو. تشبیه:  
زلف / دام بلا؛ یار خالی / دانه.
- ۵۸/۹ - ۲: تلمیح: شیخ صنعان ناغیلی.
- ۵۸/۱۰ - ۲: اشاره: چنگیزین ایرانا یؤرؤش  
اتدیگی.
- ۵۸/۱۱ - ۲: استخدام: (پریشان) کی هم  
شاعیرین روزگاری اؤچون و هم یاربین زؤلفؤ  
اؤچوندور.
- ۵۹/۲ - ۲: اضافهی تشبیهی: تیر مژگانین. تضاد:  
دؤز و کج.
- ۵۹/۳ - ۲: اضافهی تشبیهی: طرّهی زنجیر.
- ۵۹/۷ - ۲: تضاد: آشنا و بیگانه.
- ۵۹/۱۰ - ۲: ارسال المثل.
- ۵۹/۱۱ - ۲: اضافهی تشبیهی: شعلهی آه. اغراق:  
آه دا.
- ۶۰/۲ - ۲: تشبیه: قاش / خمیده کمان؛ کیبریک /  
کشیده سنان.
- ۶۰/۳ - ۲: تجنیس: شکسته و بسته و پؤسته.  
تشبیه: لبلرین پؤسته. تفریق و رجوع: شاعیر  
یارین لبین پؤستهیه بنزه دیر سؤنرا او بزه کدن  
دؤنؤر.
- ۶۰/۴ - ۲: تناسب: صورت و خط و خال.
- ۶۰/۵ - ۲: استعاره: پریوشان و قمرطلعتان و  
سبز خطان، معشوقون گؤزه للیگیندن استعاره دیر.
- ۶۰/۷ - ۲: تضاد و تناقض: اکبر و اصغر.
- ۶۱/۱ - ۲: تناسب: کعبه و دیر و کشت؛ بهار و  
لاله زار و گلشن و باغ و بهشت.
- ۶۱/۲ - ۲: کنایه: باشیم گنده، اؤلمکدن کنایه دیر.  
تکرار: باش. جناس تام: باش و باش.
- ۶۱/۳ - ۲: تشبیه: قد یار / سرو؛ اونون جمالی /  
گلدسته.
- ۶۱/۴ - ۲: جناس تام: خطا و خطا.
- ۶۱/۵ - ۲: اضافهی تشبیهی: اؤزؤن گؤل، عارضین  
گؤل، لب لعل.

- ۶۱/۶ - ۲: تضاد و تقابل: مسجد و میخانه. تضاد: خوب و زشت.
- ۶۱/۷ - ۲: حسن مقطع.
- ۶۲/۱ - ۲: تکرار: چین.
- ۶۲/۲ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: لب لعل. تشبیه: کوثر/ یارب لب لعلینه؛ اؤنون قدی/ طوبایا؛ اؤنون آراسته‌لیگی/ خلدبرینه. تناسب: کوثر و طوبی و خلدبرین.
- ۶۲/۳ - ۲: تفریق و رجوع.
- ۶۲/۵ - ۲: تضاد: جمعیت و پریشان.
- ۶۲/۶ - ۲: تجاهل عارف و تضاد: ظاهر و باطن. تناسب: میان گوهر و در.
- ۶۲/۷ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: گؤل اؤز.
- ۶۲/۸ - ۲: ردّ الصدر الی العجز: گوشه.
- ۶۳/۱ - ۲: تلمیح: حضرت عیسی معجزه‌سینه.
- ۶۳/۱ - ۲: تنسیق الصفات.
- ۶۳/۳ - ۲: تنسیق الصفات.
- ۶۳/۴ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: شعله‌ی رخسار و گؤن اؤزلؤ. اغراق: معشوق او قدر نورلودور که اؤنا آفتاب عالم آرا دئمک اولار.
- ۶۳/۵ - ۲: تلمیح: حضرت ابراهیمین اؤدا آتما و موسی(ع)نن طوردا پیغمبر اولماغی ناغیلې.
- ۶۳/۸ - ۲: تلمیح: یوسف و زلیخا و لیلی و مجنون ناغیلې.
- ۶۴/۴ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: مجمر حسن یار.
- ۶۴/۵ - ۲: تشبیه مرکب: ایکی تابلو بیر بیرینه بنزه‌یب.
- ۶۴/۶ - ۲: تشبیه: روح / طایر.
- ۶۴/۷ - ۲: تضاد: قۇجا و نوجوان و جوان.
- ۶۴/۹ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: جان پرده‌سی.
- ۶۴/۳ - ۲: تشبیه: شاعیر اؤزؤ/ نی.
- ۶۵/۱ - ۲: اغراق. تضاد: گئجه و گؤندؤز.
- ۶۵/۴ - ۲: تضاد: گئجه و صبح.
- ۶۵/۶ - ۲: تکرار و تضاد: جوان و قۇجا.
- ۶۵/۸ - ۲: ارسال المثل.
- ۶۶/۱ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: خدنگ ناز و کؤنؤل قوشو.
- ۶۶/۱ - ۲: اضافه‌ی استعاره‌ی: سؤنبؤل مشکین یارب زؤلفؤندن استعاره‌دیر.
- ۶۶/۳ - ۲: جناس تام: کنار.
- ۶۶/۴ - ۲: تضاد: یوخ و وار.
- ۶۶/۵ - ۲: کنایه: ایچیردیم اؤز قانیمې، غصّه یئمکدن کنایه‌دیر.
- ۶۶/۶ - ۲: تکرار: ماه و مهر. تشبیه: معشوقون اؤزؤ/ آی. تفریق و رجوع: بئله کی اول یارې گؤزه‌لیک بابتدن آی و گؤنشه اؤخشادېب سؤنرا یارې اولارا افضل ائدیپ.

- ۶۶/۸ - ۲: حشو ملیح: جرّاک الله.
- ۶۹/۵ - ۲: تکرار: باش و گۆز.
- ۶۶/۱۰ - ۲: تضاد: قارا و آق.
- ۶۹/۶ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: گۆزؤن مریخ و عطارد کیپرگیین. تناسب: مریخ و عطارد و خورشید و مه.
- ۶۶/۱۱ - ۲: تقابل و تناسب: ردیف و قافیه و سجع و بحر.
- ۶۹/۷ - ۲: لف و نشر مرتب و تشبیه: الف کیپرک، لام زؤلف و ها حلقه‌ی چشم؛ مدّ قاشبن. تناسب: کیپرک و زؤلف و حلقه‌ی چشم و قاش.
- ۶۷/۱ - ۲: تکرار و تضاد: پیر و جوان.
- ۶۷/۱ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: سنگ جفا. تضاد: آباد و ویرانه.
- ۶۷/۶ - ۲: تشبیه: زلف / زنجیر.
- ۶۷/۸ - ۲: تکرار: بیر و ایکی.
- ۶۷/۹ - ۲: تکرار: شیر و آهو. اضافه‌ی تشبیهی کؤنؤل شیری.
- ۶۷/۱۰ - ۲: تضاد: کافر و مسلمان.
- ۶۸/۳ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: گۆن اؤزلؤ. تضاد: صباح و شام.
- ۶۸/۴ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: خیال شیشه‌سی.
- ۶۸/۸ - ۲: تلمیح: محمود و ایاز ناغلی.
- ۶۸/۱۱ - ۲: تجنیس: غزل و غزال. تضاد: رام و وحشی.
- ۶۹/۱ - ۲: تضاد: مین و بیر.
- ۶۹/۳ - ۲: استعاره: تیغ دو پیکر، یاربین قاشبندان استعاره‌دیر.
- ۶۹/۴ - ۲: سنجش و مقایسه: معشوق / شاعیر اؤزؤ.
- ۷۰/۱ - ۲: حسن مطلع.
- ۷۰/۲ - ۲: تناقض: نازک تئل و محکم آیت.
- ۷۰/۴ - ۲: تناسب: پرچم و علم.
- ۷۰/۶ - ۲: تلمیح: حضرت عیسی معجزه‌سینه.
- ۷۰/۹ - ۲: جانلی سایما (جاندارانگاری): یاربین گۆز و قاشی.
- ۷۰/۱۰ - ۲: حسن مقطع.
- ۷۱/۱ - ۲: موازنه و تناسب: قاش و باش و گۆز و اؤز.
- ۷۰/۲ - ۲: تضاد: پس و پیش؛ گئجه و گۆندؤز.

- ۷۱/۵ - ۲: جانلی سایما (جاندارانگاری) و تشبیه: یاربَن زُولفُو / لشکره.
- ۷۱/۷ - ۲: تشبیه: حسن / مجمر.
- ۷۱/۸ - ۲: جناس: تاریک و باریک.
- ۷۲/۵ - ۲: اضافہ تشبیه: کمند آه.
- ۷۲/۷ - ۲: ارسال المثل.
- ۷۳/۴ - ۲: تقابل: مین و بیر.
- ۷۴/۲ - ۲: اضافہ تشبیه: ناوک مژگان. تشبیه: یاربَن قاشی / کمان.
- ۷۴/۳ - ۲: اضافہ تشبیه: لعل لب.
- ۷۴/۴ - ۲: رد الصدر الی العجز: کوئول.
- ۷۵/۲ - ۲: اضافہ تشبیه: خدنگ ناز.
- ۷۵/۵ - ۲: اضافہ تشبیه: کمان ابرو.
- ۷۵/۷ - ۲: تلمیح.
- ۷۶/۵ - ۲: رد الصدر الی العجز.
- ۷۶/۶ - ۲: حسن تعلیل.
- ۷۷/۴ - ۲: اضافہ تشبیه: تیر آه. تشبیه: قامت خمیده / قوجالبق زمانی و عصا.
- ۷۷/۵ - ۲: اضافہ تشبیه: تاج فقر.
- ۷۷/۶ - ۲: اضافہ تشبیه: خار و خس وجود. حسن تعلیل: گۆز یاشی تۆکمکده.
- ۷۸/۲ - ۲: تشبیه: مژگان و خط و خال / یاغی.
- ۷۸/۳ - ۲: رد الصدر الی العجز: غبغب.
- ۷۸/۵ - ۲: تلمیح: خضر و آب حیات ناغلی.
- ۷۹/۱ - ۲: اضافہ تشبیه: طایر دل. تکرار: پریشان. استخدام: (پیشانی) کی هم زولف باره سینده دیر و هم شاعیرین احوالی.
- ۷۹/۲ - ۲: جانلی سایما (جاندارانگاری) و اضافہ تشبیه: کمان ابرو. تکرار: پیکان. تناسب: کمان و تیرانداز و پیکان.
- ۷۹/۳ - ۲: تشبیه مرکب.
- ۷۹/۴ - ۲: اضافہ تشبیه: لعل لب. تشبیه: ساغر / لاله. تکرار: قان.
- ۷۹/۵ - ۲: تشبیه مرکب و تلمیح: مغوللاربَن ایرانا یوروش گتیرمه گی.
- ۷۹/۶ - ۲: تشبیه مرکب و اضافہ تشبیه: لعل لب.
- ۷۹/۸ - ۲: تضاد و سنجش: مین نامسلمان و بیر مسلمان.
- ۷۹/۹ - ۲: تشبیه: زلف / زنجیر. اضافہ تشبیه: چاه زرخندان.
- ۷۹/۱۰ - ۲: جانلی سایما (جاندارانگاری): مردم چشمده. اضافہ تشبیه: گوهر اشک.
- ۸۰/۲ - ۲: تکرار: چم و خم.
- ۸۰/۴ - ۲: تقابل: بیر و مین.
- ۸۱/۲ - ۲: اضافہ تشبیه: عنان هوش.



- ۸۱/۵ - ۲: تضاد: گنده‌یدی خزان و گله‌یدی بهار.
- ۸۱/۷ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: کۆنۆل قوشو. ارسال المثل. تشبیه: دل / گنجشک؛ زلف یار / مار.
- ۸۱/۹ - ۲: ایهام و تکرار: تار و چنگ: ۱ - آلات موسیقی ۲ - تار مو و چنگال دست.
- ۷۲/۳ - ۲: تجاهل عارف و اضافه‌ی تشبیهی: صفحه‌ی رو.
- ۸۲/۵ - ۲: جناس اشتقاق: خط و خطوط. تکرار: خط.
- ۸۲/۹ - ۲: رجوع و تقابل: مین و بیر.
- ۸۲/۹ - ۲: کنایه: نقد جان. تناسب: نقد و سودا و سرمایه.
- ۸۳/۱ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: کعبه‌ی رو و طاق ابرو. کنایه: غلام حلقه به گوش.
- ۸۳/۳ - ۲: تشبیه مرکب.
- ۸۳/۴ - ۲: تجاهل عارف. تجنیس: ریز و ییز.
- ۸۳/۵ - ۲: تشبیه مرکب.
- ۸۳/۶ - ۲: ارسال المثل و تکرار: گۆز. جناس اشتقاق: صید و صیاد.
- ۸۳/۷ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: کۆنۆل حصارې.
- ۸۳/۸ - ۲: تلمیح: یوسف و زلیخا ناغیلې.
- ۸۴/۱ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: بلا ناوکی.
- ۸۴/۵ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: سیب زرخدان.
- ۸۴/۶ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: یاقوت لب. تضاد کفر و ایمان.
- ۸۴/۷ - ۲: تلمیح: حضرت آدم و بهشتدن هبوط ائتمه‌سی.
- ۸۴/۹ - ۲: ایهام در چین: ۱ - چین اؤلکه‌سی ۲ - چین زلف.
- ۸۵/۶ - ۲: تکرار قان.
- ۸۵/۱۰ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: کمان ابرو و تیر مژگان.
- ۸۶/۶ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: گۆن اۆزلۆ. تلمیح: یوسف و زلیخا ناغیلې.
- ۸۶/۷ - ۲: تقابل: بیر و مین.
- ۸۶/۹ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: خال زنگی. آهوی کماندار. استعاره آهوی کماندار یاربن گۆز و قاشپندان استعاره‌دیر.
- ۸۶/۱۰ - ۲: تشبیه مرکب.
- ۸۷/۴ - ۲: تناسب: نی و نای و مطرب و نوا و ماهور.
- ۸۸/۳ - ۲: لف و نشر مرتب.
- ۸۹/۱ - ۲: تضاد: ائدییدیر خم و اوجالده‌ب.
- ۸۹/۸ - ۲: ردّ العجز الی الصدر: (پریشان).
- ۸۹/۹ - ۲: تلمیح: حضرت موسی(ع) معجزه‌سینه. اغراق: گۆز یاشې تۆکمک.

۸۹/۱۲ - ۲: استعاره: دُر، گؤز یاشپندان  
استعاره‌دیر.

۹۰/۳ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: ورق حؤسن.

۹۰/۶ - ۲: استعاره: نرگس و ساغر یاربین  
گؤزؤندن استعاره‌دیر. تناسب: مست و پیمانہ و  
ساغر.

۹۰/۹ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: گوهر اشعار.

۹۱/۱ - ۲: تکرار: نهان.

۹۱/۸ - ۲: ایهام: شیرین: ۱ - شیرین، خسرو و  
شیرین ناغیلی ۲ - شیرین دادی.

۹۱/۱۰ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: خرمن افلاک.

۹۱/۱۱ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: سنگ ملامت.

۹۲/۱ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: شمع آه.

۹۳/۳ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: سرو قامت.

۹۳/۴ - ۲: اضافه‌ی تشبیهی: آئینه‌ی دل.

## ٢. آدَلار و جدوللر

### ١-٢. آيهلر و عربجه عبارهلر

أُرْنِي, ١٢١, ١٧٤	دارالملك, ١٥١
أَلْحَقْ, ١٣٤, ١٤٧, ١٧٩	ذوالجلال, ١١٤
الْحَمْدُ لِلَّهِ, ١٢١	ذوالفقار, ١٤٩
اللَّهُ نُورٌ, ١١٧	سَلُونِي, ١١٨
الله, ١٢٠, ٢٤٠	شكرلله, ٢١٢
أُمُّ الْكِتَابِ, ١١٨, ٢٣٨	طه, ٩٧, ١١٨, ٢١٥
إِنَّا فَتَحْنَا, ٩٧, ١١٧	عُرْوَةُ الْوُثْقَى, ٩٧, ١١٨
إِنَّمَا, ٩٧, ١١٦, ١١٨	عَلَى الدَّوَامِ, ١٩٩
بِأَمْرِهِ, ١٦٣	عَلَى الرُّؤْسِ, ١٥٨
بِحَمْدِ اللَّهِ وَ الْمِنَّةِ, ١٨٨	فَدَيْنَا, ١١٩
بِحَمْدِ اللَّهِ, ١٧٩, ١٨١, ١٨٣, ١٩٧, ٢٠٤	قَابُ قَوْسَيْنِ, ١٤٢
بَدْرُ الدُّجَا, ١١٥	قَاسِمُ الْأَرْزَاقِ, ١١٩
بَلَّغْ, ١١٦	كَشِفُ غَطَا, ١١٦
بَيْتُ الْأَحْزَانِ, ١١٩	كَفَ الْخَضِيبِ, ١٤٣
تَعَالَى اللَّهُ, ١٤٥, ١٥٥	كَلامَ اللَّهِ نَاطِقٌ, ١١٨
جَزَاكَ اللَّهُ, ١٩٧	كُنْتُ كُنْزٌ, ١١٦, ١١٨
حَاشَ لِلَّهِ, ٢٣٠	كُنْ فَكَانَ, ١١٥
حَاشَا وَ كَلَّا, ١١٩	كَهْفُ الْوَرَى, ١١٥
حَاشَ لِلَّهِ, ١٩٨	لَا فِتْنَى, ١١٥
حَبْلُ الْمَتِينِ, ١١٥, ١٧٩	لَوْ كُشِفَ, ١١٤
حُجَّةُ اللَّهِ, ١١٨	لَيْلِ أَسْرَا, ١١٨
خَيْرُ الْبَشَرِ, ١١٨	مَا هَذَا الْبَشَرِ, ١١٩

وَاللَّيْلِ, ۲۱۵	مَعَاذَ اللَّهِ, ۱۶۷
وَلَيَّْ اللَّهُ أَعْظَمُ, ۱۱۸	مَنْ وَ سَلُوا, ۱۱۹
وَلَيَّْ حَيَّ, ۱۱۸	نَجَّى اللَّهُ, ۹۷, ۱۱۹
هَلْ أَتَى, ۹۷, ۱۱۸	نِصْفُ اللَّيْلِ, ۲۲۷
هِيَهَاتَ, ۳۴۱	وَالشَّمْسُ وَالضُّحَى, ۱۱۵
	وَالشَّمْسُ, ۲۱۵

## ۲- ۲. شخص آدلاری

شُبَّیر, ۱۱۸	آزر, ۱۱۹, ۱۹۴
شمر, ۱۲۲	ابراهیم آزر, ۱۶۵
شیخ صنعان, ۲۲۲	احمد, ۱۳۷
شیرین, ۱۲۰, ۱۲۴, ۱۴۲, ۱۵۰, ۱۶۷, ۱۸۱,	اسفندیار, ۱۴۵
۱۸۶, ۱۸۷, ۱۹۱, ۲۲۵, ۲۲۸	اسکندر, ۱۲۱, ۲۳۱
صغرا, ۲۳۵	اشکبوس, ۱۵۸
علی اصغر <sup>(ع)</sup> , ۱۲۲	امیرالمؤمنین, ۱۱۸
علی اکبر <sup>(ع)</sup> , ۱۲۲	ایاز, ۱۴۲, ۱۵۰, ۱۵۴, ۱۹۹, ۲۰۷
علی (ع), ۱۱۷, ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۱۴, ۱۱۵, ۱۱۶,	جمشید, ۱۳۴
۱۳۳, ۲۳۴	چنگیز, ۱۸۸, ۲۱۲
عیسی, ۱۱۹, ۱۵۷, ۲۰۲, ۲۱۳, ۲۱۵, ۲۲۲	حسین, ۱۲۱, ۲۳۱
فرعون, ۱۱۹	خسرو, ۱۵۰, ۱۸۱, ۱۹۱, ۲۲۸
فرهاد, ۱۲۰, ۱۲۴, ۱۴۷, ۱۵۹, ۱۶۷, ۱۸۶,	خضر, ۱۶۱, ۲۱۱, ۲۱۸
۲۲۵	خلیل, ۱۱۹
قابیل, ۱۵۲	خواجeh قنبر, ۱۱۸
قارون, ۱۶۷	ذبیح الله, ۱۱۹
قاسم, ۲۳۲	روح الامین, ۱۲۱
قیس, ۱۲۰, ۱۵۲	روح الله, ۱۱۹
کوهکن = فرهاد, ۱۸۱	زردشت, ۱۹۵
لیلا, ۱۲۰, ۱۹۴, ۲۲۶	زهرا <sup>(س)</sup> , ۱۱۸
لیلی, ۱۳۲	زینب, ۱۲۲
ماریه, ۱۲۱	زولیکھا, ۷۱, ۱۴۷, ۱۹۱, ۱۹۴, ۲۱۶, ۲۱۹
مجنون, ۳۴, ۱۳۲, ۱۴۵, ۱۴۷, ۱۶۷, ۱۷۱,	سکندر, ۱۹۱, ۲۰۰
۱۷۷, ۱۸۵, ۱۹۴, ۲۲۶, ۲۲۸, ۲۲۹, ۲۳۳	سکینه, ۱۲۲
محمود, ۱۴۲, ۱۵۰, ۱۵۴, ۱۹۹, ۲۰۷	سلیمان, ۱۱۹, ۱۳۴
مرتضی علی, ۱۱۵, ۱۱۶	شُبَّیر, ۱۱۸

نوح, ۹۷, ۱۱۹	مسیح, ۲۲۱
هاجر, ۱۲۱	مسیحا, ۱۱۹, ۱۷۹, ۱۹۴, ۲۱۵, ۲۲۲
هاروت, ۱۳۶	مُشگر, ۲۱
هامون, ۱۶۷	مصطفی (ص), ۱۱۴, ۱۱۸
یأجوج, ۲۰۰	منصور, ۱۳۵, ۱۷۱, ۲۱۴, ۲۳۱
یعفور, ۲۲۰	موسی, ۱۱۹, ۱۲۱, ۱۷۱, ۲۲۲, ۲۳۲
یعقوب, ۱۱۹	میرزه جواد, ۲۳۶
یوسف, ۷۰, ۱۱۹, ۱۹۱, ۱۹۴, ۲۱۳, ۲۱۶, ۲۳۴	میرزه حسین واعظ, ۲۳۶
	نمرود, ۱۱۹

### ۳-۲. حیوان و قوشلار آدلاری

شاهمار, ۱۴۰	آهو, ۱۲۶, ۱۲۹, ۱۳۷, ۱۴۹, ۱۶۹, ۱۸۳, ۱۹۲,
شهیار, ۱۳۹, ۱۵۱, ۲۱۴	۱۹۵, ۲۱۶, ۲۱۹
شیر, ۱۳۷, ۱۹۸, ۲۰۴	ایت, ۱۶۴, ۲۲۸
طاووس, ۱۶۵, ۱۸۳	بۆلؤل, ۱۴۹, ۱۵۲, ۱۵۷, ۱۷۵, ۱۸۵, ۲۳۲
طوطی, ۱۳۴	پازند, ۱۹۵
عندلیپ, ۱۴۳, ۱۶۰, ۱۶۱, ۲۱۴	پرستو, ۱۳۷
عنقا, ۱۷۵	پروانه, ۱۲۱, ۱۲۵, ۱۲۸, ۱۳۹, ۱۵۴, ۱۷۶,
غزال, ۱۵۵, ۱۹۹, ۲۰۴, ۲۱۵	۱۸۶, ۱۸۹, ۲۰۴, ۲۰۶, ۲۰۹, ۲۱۷, ۲۲۶,
قابان, ۲۴۰	۲۲۷, ۲۲۹, ۲۳۲
قمری, ۱۸۵	تیهو, ۱۳۹, ۲۱۹
قو, ۱۳۸	خر, ۲۴۰
کیوتر, ۱۸۹	خرس, ۲۴۰
گاو, ۲۴۰	خرگوش, ۱۶۱
گنجشک, ۱۵۱, ۲۱۴	خروس, ۱۵۸
مار, ۲۱۴, ۲۱۹	زاغ, ۲۱۲
مگس, ۱۵۷	زغن, ۱۸۵
ملخ, ۱۲۰	سمند, ۱۸۰
مور, ۱۲۰, ۱۲۳, ۱۳۴, ۱۷۴	سمندر, ۱۶۵, ۱۹۱

#### ۴-۲. یثر آدلاری

ارمن, ۱۸۷	طور سینا, ۱۹۴
ایران, ۱۸۸, ۲۱۲, ۲۲۲, ۲۳۶, ۲۴۰	عمّان, ۲۱۷
بدخشان, ۱۲۸, ۲۰۶, ۲۳۱	فرات, ۱۲۱
بطحا, ۱۱۸	فرنگ, ۱۶۹
تبریز, ۲۱, ۲۲۴	قاف, ۱۷۵
جیحون, ۱۶۷	کنعان, ۱۳۴, ۲۱۹
چین, ۱۳۷, ۱۴۱, ۱۴۸, ۱۹۳, ۲۱۷, ۲۲۰	مداین, ۱۸۷
حبش, ۱۹۵	مصر, ۲۱۹, ۲۳۴
ختا ← خطا, ۲۱۵	منا, ۱۲۱
خطا, ۱۲۵, ۱۲۹, ۱۵۳, ۱۵۶, ۱۶۸, ۱۸۰, ۱۹۲	نجف, ۱۱۸
۱۹۳, ۲۱۵	نگارستان چین, ۱۷۹, ۱۸۰
خیبر, ۱۱۸, ۱۳۳	نیل, ۲۲۲
صنعان, ۱۲۸, ۱۳۴, ۱۴۷, ۱۶۰, ۱۶۲, ۱۶۹	ویجو, ۷۱, ۱۳۷, ۲۱۶
۱۸۸	



## ۵-۲. بیتگی و گول آدلاری

سؤنبول, ۱۳۹, ۱۴۰, ۱۵۲, ۱۶۳, ۱۷۵, ۲۳۲	بنفشه, ۱۴۰, ۱۴۱
شقایق, ۱۴۰	ترنج, ۱۸۱
شمشاد, ۱۵۱, ۱۶۳, ۱۶۷, ۱۶۸	خار مغیلان, ۱۳۸
صنوبر, ۱۶۷	خشنخاش, ۱۸۰
عرعر, ۱۶۷	ریحان, ۱۲۵, ۱۶۵, ۲۲۲
لاله, ۱۴۰, ۱۴۱, ۱۶۳, ۱۶۷, ۱۷۶, ۱۸۳, ۱۹۲,	سرو, ۱۳۷, ۱۳۸, ۱۴۰, ۱۴۱, ۱۴۵, ۱۵۰, ۱۵۱,
۲۲۹, ۲۱۲, ۱۹۷	۱۵۲, ۱۵۳, ۱۵۴, ۱۶۷, ۱۸۱, ۱۸۵, ۱۹۲,
لیمو, ۱۳۷, ۱۴۸	۲۱۲, ۲۱۴, ۲۱۶, ۲۲۷
نخل, ۲۲۴	سمن, ۱۶۰
نخله‌ی طوبی, ۱۹۳	سوسن, ۲۳۲
نرگس, ۱۴۰, ۱۴۱, ۱۶۳, ۲۲۴, ۲۲۹	سیب, ۱۲۵, ۱۲۸, ۲۱۷

## ۶- ۲. موسیقی اصطلاحلاری

طبل, ۱۵۸	بم و زیر, ۱۲۹
طنبوری, ۲۲۰	تار, ۲۱۶
کوس, ۱۵۸	چغانه, ۱۷۴
ماهوری, ۲۲۰	چنگ, ۲۳۸, ۱۷۴, ۷۲
مضرب, ۲۱۶	حجاز موسیقی, ۱۴۲
مطرب, ۲۲۰	دستگاه, ۱۲۹
نئی, ۱۶۰, ۱۷۴, ۱۷۷, ۱۹۵, ۲۲۰, ۲۳۲	دف, ۲۲۰
نای, ۲۲۰	ریاب, ۲۳۸, ۷۲
	زیر, ۱۲۹

## ۷-۲. فلسفی و عرفانی اصطلاحلار

طیلسان, ۱۶۰	اثبات, ۱۱۷, ۱۹۳, ۲۰۲
عالم لاهوت, ۱۱۵	أَسْمَاءُ حُسْنَى, ۹۷, ۱۱۹
عرفان, ۲۰۵	اکبر, ۲۳۱
عقل کلّ, ۱۱۵	أَلْفِ إِلَّا, ۱۱۷
عقول, ۱۱۷	اوهام, ۱۱۷
عَلَّتْ غَايِبِي, ۱۱۴, ۱۱۷	برهان, ۱۴۶
عنایت, ۱۴۷	پیر مغان, ۱۳۸, ۱۶۲
عین حق, ۱۱۶	ترسابعه, ۱۲۸, ۲۲۲
فردوس, ۱۱۷	تفسیر, ۲۰۲
قاب قوس, ۱۴۲	توحید, ۱۱۵, ۱۱۷
قشری, ۲۱۰	جبری, ۲۱۰
قیل و قال, ۱۲۶	جدل, ۱۴۴
قهر, ۱۴۷, ۱۶۲	حادث, ۲۰۲
کثرت, ۱۶۵	حقیقت, ۱۱۴
کشیش, ۱۶۲	حیرت, ۲۳۲
کعبه, ۱۱۵, ۱۳۷, ۱۶۲, ۱۹۲	درویش, ۱۵۴
کنشت, ۱۹۲	دیر, ۱۹۲
کوثر, ۱۲۱, ۱۳۴, ۱۴۴, ۱۹۳	رضا, ۱۸۵, ۱۹۶, ۲۲۱
کُون [و] امکان, ۱۱۸	زند, ۲۰۵
لاء نفی, ۱۱۷	ریاضت, ۱۳۱, ۱۳۵, ۱۷۶
لامکان, ۱۱۵	سالک, ۱۱۵
مرکب, ۱۱۷	سلوک, ۱۹۹
مَشْكُوءَة, ۱۱۷	شیخ سلیم, ۲۳۶
معرفت, ۱۱۶	صفات فعل, ۲۰۲
مغیبه, ۱۶۰, ۱۹۲	صوفی, ۲۱۰
ممکن, ۱۱۷, ۱۴۵	طور, ۱۷۱, ۲۳۲

وادی محنت, ۱۴۹

وحدتی, ۲۱۰

ولایت, ۱۱۵

نصارا, ۱۹۴

هو, ۱۳۸

واجب, ۱۱۷

۸- ۲. داشلار

خرمهره, ۱۷۹  
دُر, ۸۷, ۱۱۴, ۱۱۸, ۱۶۷, ۱۷۷, ۱۷۸,  
۱۷۹, ۱۹۳, ۲۲۳, ۲۳۴  
صدف, ۱۱۵, ۱۵۰, ۱۶۷, ۱۷۳  
گوهر, ۱۷۳, ۲۱۲  
گهر, ۱۶۶  
لؤلؤ, ۲۲۱  
لعل, ۸۷, ۱۲۵, ۱۲۸, ۱۳۷, ۱۳۹, ۱۴۰, ۱۴۱,  
۱۵۴, ۱۷۳, ۱۷۴, ۱۷۷, ۱۷۹, ۱۹۲, ۱۹۳,  
۲۰۶, ۲۱۲, ۲۱۳, ۲۲۲, ۲۳۱  
مرجان, ۸۷, ۱۷۷  
مروارید غلطان, ۱۷۷  
یاقوت, ۱۲۸, ۲۰۶, ۲۱۷

۹-۲. قبیله‌لر و طایفالار

ترسا, ۱۶۲, ۱۹۴

تۆرك, ۱۲۵, ۱۲۸, ۱۸۹, ۱۹۳, ۲۰۷

جمعیت, ۱۳۵, ۱۴۷, ۱۵۰, ۱۷۷, ۱۸۶, ۲۲۸

جمهوری, ۲۲۰

زردشتیان, ۱۵۸

زنگی, ۲۱۹

قوم اسرائیل, ۱۱۹

محمدی (ص), ۱۱۵

مسیحی, ۱۲۳

هندو, ۱۳۷, ۲۱۲, ۲۱۶

هندوچه, ۱۲۵

## ۱۰ - ۲. کتاب آدلارې

انجیل, ۲۲۲

زند, ۱۹۵

قرآن, ۱۶۳, ۱۸۸

### ۳. لغت - معنی

تعوید [عر.] (ا.) یاز بلمبش دعا یا قرآن آیەسى، انسانى گۆز دەگمەدن، خەردن و مىزىلىكىدن ساخلايان دعا. ئەمىن Səmin [عر.] (ص.) قىمەتلى، دەگىرلى. جەرم اصغر Cerme asğar [عر.] (تر. و ص.) كىچىك جەسم. جۈھر [مەر. گۈھر] اينجى. حادىث [عر.] (ص.) اسكى دە اۆلمۈيانىن و سۆنرا وجودا گەلىشىن اۆزەللىگى. جەل المەتىن [عر.] (تر.) و ص.) ساغلام اىپ. حەكم [عر.] (ص.، ا.) آرا بولۇجو. حەمرا [عر.] (ص.) قەرمەزى. خەرمەھرە (ا.) دۆرد آياغلىنەن بۇيۇنونا باغلانان باھاسىز و بۇيۇك بىر زىنگىل مۇھرە. خەلد بىرىن [عر. فا.] (تر.) و ص.) اۆستۈن بەشت.	اوليا [عر. ج. ولى] (ا.) آللاھ آدمالارى، ولىر. اوهام [عر. ج. وھم] (ا.) خىيالار و تصورلر. آيات كبرى [عر.] (تر. و ص.) بۇيۇك نىشانلر. بەدرالجا [عر.] (تر. و ص.) قارائىلەدا پارلايان بۇتۇن آى. بەسمل ائەمك [عر. تر.] (مەص. مەر.) ذىچ ائەمك، باش كەسمك. بەطحا [عر.] (ا.) گۇرۇكملى مەكەننەن وادەسى. بەھجەت [عر.] (ا. مەص.) سۇنەمك. بەياض [عر.] (ا. مەص.) اغلەق، تەمىز يازما. بەيدق (ا.) دەرەش. بەيضا [عر.] (ص.) آغ، پارلاق. تەرساكىش (تر. ا. مەص.) مەسىچى، نەسرانى.	ائەلجارى [تر.] (ص.) ھامەسى. أبنوس (ص.) (مەج.) قارا، قاپقارا. ائەقىيا [عر. ج. تەقى] گناھدان پەرىزەندەنلر. اھىيا [عر.] (ا. مەص.) اۆلۇ دەيەلمەك. اھفا [عر.] (ا. مەص.) گەيزلەمك. اسفەل [عر.] (ص.) أشاغىراق. اعلى [عر.] (ص.) يۇخارىراق. اعوجاج [عر.] (ا. مەص.) اگىرلىك. أفاق [عر. ج. افق] (ا.) افقار و دىئالار. انفس [عر. ج. نفس] (ا.) نەفسلر و جانلار. اوصيا [عر. ج. وصى] (ا.) خەلفەلر، وصىلر.
--	---	---



ذوالجلال [عر.] (ص.)	همیشه‌لیک اقامت ائیله‌ین	حقایق معنوی‌نین سالک
بؤیۆکلۆک صاحبی.	کیمسه.	اۆره‌گینه ظاهر اۆلماسی.
راح [عر.] (ا.) چاخبر.	عالم اکبر [عر.] (تر. و ص.)	کن فکان [عر.] اۆل! پس
روح‌الامین [عر.] (ا.)	بؤیۆک دۆنیا.	اۆلدو.
جبرئیلین صفتی.	عقول [عر. ج. عقل] (ا.)	کهف الوری [عر.] (تر. اض.)
سَخا [عر. سخی] (ص.)	عقلر.	انسانلارین سېغېناجاغې.
باغېشلايان.	علت غایی [عر.] (تر. و ص.)	لاء نفی [عر.] جنس آدې نېن
سمندر [یو.] (ا.) کَرْتَنکله	صانعین اۆز صنعتیندن قصد	اۆستۆنه گلەر و اۆز آدېنې
کیمی بیر حیوان، افسانه‌لره	و غرضی.	نفی ائیلر.
گۆره اۆد ایچره یاشاییر.	عین حق [عر.] (تر. اض.)	لامکان [عر.] (ص.) یئرسیز،
سندروس [معر. از یو.] (ا.)	اصل و محض حق و	عالم ملکوت، عالم قدس.
داغ سروی. اسکی طبده	حقیقت.	لو کشف [عر.] (جم. شر.)
اوندان بیر سارې ماده	غازی [عر.] (ص.) حق	آشکار اۆلسایدې.
توتاردېلار.	یۆلوند ساواشان.	لوا [عر.] (ا.) عَلم، بیرق.
شاییه [عر.] (ا.) شک و	فاعل مختار [عر.] (تر.)	ماسوا [عر.] (ا.) مخلوقلار.
گمان.	وصـ.) اۆز ایـشینی اۆز	میرا [عر.] (ص.) تمیز، سوچ
شحنه [عر.] (ا.) ضابطه	اراده‌سی ایله باشا یئتیرن	و گناه‌دان اوزاق.
مأمورو، گنجّه محافظی.	کیمسه.	مجوس [عر.] (صـ، ا.)
صباغ [عر.] (ا.) بؤیاچی.	فُلك مشحون [عر.] (تر.)	زردشت دینی ایزله‌ین.
طائف [عر.] (صـ، ا.) طواف	وصـ.) دۆلو گمی.	مرآت تجلّا [عر.] الوهیت
ائله‌ین.	فلوس [عر. ج. فُلس] (ا.)	ذاتی و صفاتی‌نېن سالک
طلعت [عر. طلعة] (ا.) اۆز،	ده‌گه‌رسیز پوللار.	اۆره‌گینه آشکار اۆلماغې.
صورت.	فیض عظمّا [عر.] (تر.)	مرتد [عر.] (صـ، ا.)
طیلسان [عر.] (ا.) قاضیلار	وصـ.) بؤیۆک باغېش.	اسلامدان دۆن مسلمان.
و خطیب‌لرین گئییدیکلری	قَدَم [عر.] (اِـمـصـ.) اسکی ده	مرصع [عر.] (صـ.) جواهر
اوزون، قۇلسوز و گئیش بیر	و زامان‌دان آیرې اۆلان شئی.	ایله مزین اۆلموش شئی.
لباس.	حادث اۆلمايان.	مشکوة [عر.] (ا.) چراغ.
عاکف [عر.] (صـ، ا.) عبادت	کشف غطا [عر.] (فـعـ. مر.)	مصباح [عر.] (ا.) چراغ.
اۆچۆن مقدس بیر یئرده	پرده‌نی کنار وورماق؛ و غیبی	مصدر [عر.] (ا.) بیر ایش
		یا بیر شئین منشأی.

مصطفیہ [عر.] (ا.) سگّو  
 کیمی دیر کی ائولردہ یا  
 دکانلاردا اؤنون اؤستؤندہ  
 اؤتورارلار.  
 معجز [عر.] (ا.) معجزہ.  
 مغیچہ (ا.) مغ اوشاغی،  
 جوان اؤغلان کی ائولردہ  
 خدمت ائیلہرمیش، عرفان  
 ساحہ سیندہ گؤزہل سالکین  
 رمزی دیر.  
 مقتبس [عر.] (ص.) ایشیق  
 آلمیش، اخذ اؤلموش.  
 مقشّر [عر.] (ص.) آچیق،  
 آیدین، آغزی آچیق.  
 ملّع [عر.] (ص.) رنگارنگ.  
 منیر [عر.] (ص.) اؤزؤندن  
 نورو اؤلان شئین صفتی.  
 نار [عر.] (ا.) اؤد، جہنم.  
 نایب مناب [عر.] (ص.)  
 قائم مقام، وصی.  
 نکہت [عر.] (ا.) خۇش  
 قۇخو.  
 نور ھدا [عر.] (تر. اض.)  
 ھدایت ایشیغی.  
 ھاماش [تر.] (ا.) یۆلداش،  
 ھمراہ.  
 ھویدا (ص.) ایشیق، آشکار.  
 یعسوب [عر.] (ا.) رئیس و  
 باشقان.

## ۴. قایناق‌لار

---

۱. قرآن کریم.
۲. انوری، حسن. فرهنگ فشرده‌ی سخن، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۳. تبریزی، اسرار. بهجة‌الشعرا، نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مرکزی تبریز.
۴. تربیت، محمد علی. دانشمندان آذربایجان، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
۵. تهرانی، شیخ آقابزرگ. الذریعة الی تصانیف الشّعیه، تهران.
۶. حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد. دیوان حافظ، تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۵.
۷. دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه‌ی دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات، ۱۳۷۷.
۸. دولت‌آبادی، عزیز. سخنوران آذربایجان، تبریز، دانشگاه تبریز.
۹. دیهیم، محمد. تذکره‌ی شعرای آذربایجان، تبریز، آذربادگان، ۱۳۶۷ (۵ جلد). تهران: تالار کتاب، ۱۳۶۷.
۱۰. دیوان شهریار، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۷۱.
۱۱. شیروانی، سید عظیم بن محمد. دیوان اشعار ترکی سید عظیم شیروانی، تدوین: حسین محمدزاده صدیق، تبریز، ندای شمس، ۱۳۸۵.
۱۲. صراف سخن (مجموعه‌ی مقالات همایش بزرگداشت یکصدمین سال وفات حاج رضا صراف تبریزی)، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی، تبریز، ۱۳۸۳.
۱۳. صفوت، محمدعلی. داستان دوستان، تبریز.
۱۴. فضولی بیاتلی، محمد بن سلیمان. دیوان اشعار ترکی، تصحیح، تدوین و مقدمه: دکتر حسین محمدزاده صدیق، تبریز: اختر، ۱۳۸۴.
۱۵. قوسی تبریزی، علیجان. دیوان قوسی، سهام‌نلیان سیده حمیده رئیس‌زاده، ناشر مصحح، تهران، ۱۳۷۶.

۱۶. کسروی، احمد. زبان ترکی در ایران (اللغة التركية فی ایران)، ترجمه: احمد امیرفرهنگی/ پرفسور دکتر محمدعلی شهابی، به کوشش رضا همراز تبریزی، تبریز، ۱۳۸۴.
۱۷. مجتهدی، مهدی. رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، تهران.
۱۸. مجله‌ی ارمغان آذربایجان، سال سوم، ش ۶۰، ۱۶ آذر ۱۳۸۳.
۱۹. مسعود، جبران. الرائد: فرهنگ الفبایی عربی - فارسی، ترجمه‌ی رضا انزابی‌نژاد، تهران: شرکت به‌نشر، ۱۳۸۰.
۲۰. مشار، خان بابا. فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، تهران، ناشر مؤلف، ۱۳۵۰.
۲۱. معین، محمد. فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۲۲. منافعی، میرعلی. جنوب آذربایجان ادبیاتپ اتنولوگیاسی، علمی نشریاتپ، باکی، ۱۹۸۱.
۲۳. نصیری، محمدرضا(زیر نظر). اثر آفرینان، زندگینامه‌ی نام‌آوران فرهنگی ایران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴.
۲۴. هیئت، جواد. آذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخیش، تهران، نشر وارلیق، ۱۳۵۸.
۲۵. هیده‌جی، حکیم ملامحمد. دیوان اشعار ترکی، مقدمه، تصحیح و تحشیه: حسین محمدزاده صدیق. زنجان: پینار، ۱۳۸۷.
۲۶. Nursel Özensel. **TEBRİZLİ RİZA SARRAFIN ĞAZELLERİ**, Yonetmen:Istanbul Üniversitesi Fen – Edebiyat Fakultesi, Türl Dili ve Edebiyatı Bölümü, Eski Türk Filolojisi Kürsü Başkanı prof. Dr, Muharrem Ergin, Ist., 1970. (Meznniyet Tezi).

## ۵. كشف الابات

- آب اولور آتش سر كويون هواسبندان سنين، ۱۱۸  
 آتاردې يوسفى الدن دوتاردې دامنيوى، ۲۱۶  
 آتش عشقه گرفتار اولمايان ييلمز نهدير- ۱۸۹  
 آتش پرست ائديب منى سوز درون دل، ۱۵۸  
 آچما كمند زولف، نه لازم، اشاره قبل، ۱۷۱  
 آچېب پرچم، بلالې باشبېمې سئودالارا سالدې، ۲۰۲  
 آچېب سينه مده گول - گول، قونچه گول تك ۱۷۶...  
 آدېن قويدوم غزل اؤز حالتيمدن شرح حال ائتديم، ۱۵۵  
 آردېمجا دسته - دسته دؤشوب اهل مملكت، ۱۷۱  
 آز منى آغلاتگيلن گل اشك چشميمدن ساقېن، ۱۶۴  
 آستان درگه پاكين چراغان ائتمه گه، ۱۱۸  
 آسيب غم و غصه، منى سالدې آياقدان، ۲۱۷  
 آشيان اولموش خيال خاليوه خاكى بدن، ۱۲۳  
 آشيان چين زولفوندىن كنار اولماز كؤنول، ۱۸۹  
 آغارتدېم مويه ايلن مو به مو مژگانلارېم رنگين، ۱۵۰  
 آغلار، گولر گؤره نده منى دوست، دؤشمينم، ۱۷۲  
 آفرين گوهر اشعاريوه صراف سخن، ۲۲۴  
 آلدې بير اوغرو نگاه ايلن اليمدن دينيمى، ۱۶۳  
 آلدېم سوراغ زولفونؤ وئرديم صبایا دل، ۱۴۱  
 آلدېن آپاردېن ايمدى كى، سالما آياقلارا، ۱۵۷  
 آلماسان ويرانه كؤنلؤمدن قرار و صبريمى، ۱۸۹  
 آلمېسان يانبوا گوردؤم گئجه رؤيادا، منى، ۱۲۸  
 آلېب ايمانېمې اى نازنينيم! نازنين گؤزلر، ۱۳۶  
 آلېب قرارېمې الدن بوراخما اؤز باشېما، ۲۱۶  
 آلېب قرارېمې اول نازنين عشوه فروش، ۱۶۱  
 آلېب كؤنلؤم آپاردې گؤزلرين، اى گؤزلريم نورو! ۱۳۷  
 آلېبدې مردمك ديدنه قامتين عكسين، ۲۱۶  
 آنلار بياض حؤسن رخ ياردا نه وار، ۱۳۲  
 آهو باخشلي گؤزلرين آلدې قرارېمې، ۱۶۹  
 آھېم شرارې خرمن افلاكى ياندېرېر، ۲۲۵  
 آينهنده اؤز عكسينه ياربېم اولوب عاشيق، ۱۲۹  
 ائتديم حسين<sup>(ع)</sup> مزارېنې چؤخ ايللر آرزو، ۱۲۱  
 ائدر حؤسن روخون هر دم بير اؤزگه رنگ ايلن جيلوه، ۱۸۳  
 ائدر شيرين كالامين هر نفس، مين مرده دل، زنده، ۲۲۲  
 ائندنه صحبت شيرين اؤ يار لب شكريم، ۲۱۹  
 ائندنه قان كؤنلؤمؤ مئيگون لېين، پيمانه سيز قالسېن، ۲۲۹  
 ائيديدير باغريمې قان لېلرين، قوى بير ايچيم قانېن، ۱۷۷  
 ائيديدير خم، قاشين فيكرى، خميده طاق ايمانى، ۲۲۲  
 ائديسن سينه مى پيكان غميلن، بؤيله گول - ۲۲۹...  
 اؤز اختيارېمې من وئرميشم نگار اليه، ۲۱۴  
 اؤز جانېنې ترك ائيله ين اولماز، من اؤزؤمدن - ۲۰۵  
 اؤز درديم ايله قوى اؤلؤم اى مدعى! اوتان، ۱۶۹  
 اؤزؤ بير مور محقير و دفتري پاى ملخ، ۱۲۰  
 اؤزؤم اهل كتابام، گورؤرم ريحانى خط ايلن، ۲۲۲  
 اؤزؤنده فيكرى بودور اؤز حقيقتين گورسؤن، ۱۷۴  
 ائيلرله ناصحا، منى بو آغلاماقدان منع، ۱۸۵  
 ائيله ممكن سن كى واجيدير وجودون عالمه، ۱۱۷  
 ائيلر بلای عشقه وجوديم دوام، اگر - ۱۵۷  
 ائيلر بو قدير عالمه قاش و گوزؤ تعريف، ۱۵۶  
 ائيله ييب شؤوق وصالېن واله [و] حيران منى، ۲۳۲

- ایلییدی پس و پیش بناگوشی احاطه، ۲۰۳  
ادب سرای محبتده آدلانپ ممشوق، ۱۷۴  
از بس کی وار شباهتی آشفته کاکيله، ۱۵۲  
اسلامبن اتندی کج قیلجین، راست قدینی، ۱۱۵  
اسیر ائدیپ منی بیر نکتهبین دوراندیش، ۱۶۲  
اشک ایلان اولموش لبالب کاسه‌ی چشمیم چۆ مشک، ۲۳۴  
اگر آلسان اله ساغر، الینده باده قان اولسون، ۲۲۹  
اگر باشیم گنده، ستودای عشقین باشندان چبخماز، ۱۹۲  
اگر دین اولسا اوندان من یقین عالمده بی‌دینم، ۲۰۰  
اگر دۆز عاشق ایلان اولمویا رفتارې یوخ عثیبی، ۱۳۶  
اگر دۆشسم آیاقدان چکمه‌رم ال، عشق صحراسین، ۱۴۵  
اگر سلطان مُلک عشقسن، وئر ساخلاما باشین، ۱۵۱  
اگر صراف ه بیر خشخاش قدرینجه اول لا لوطفون، ۱۸۰  
اگر صراف ی بوندان چۆخ پریشان روزگار اتسن، ۱۸۸  
اگر من عاقبت محمودام ای بیگانه! یخل ائتمه، ۱۵۰  
اگر منسیز گۆلۆم! گئتسن تماشای گۆلۆستانه، ۲۲۹  
اگر مین گۆز اول لا عاشیق، گۆره‌ر معشوقو بیر گۆزده، ۱۳۶  
اگر ناز ائتمه‌یه معشوقه، عاشیقده نیاز اولماز، ۱۵۰  
اگرچی رسمدی گۆل عندلیبه ناز ائیلهر، ۱۴۳  
اگرچی سۆنبۆل تر زۆلف جانان تک پریشاندر، ۱۴۰  
اگرچی قلبی قاراسان، گۆرۆم آغ اولسون اوزون، ۱۹۷  
اگرچی ناز غمزه اول بت طنازه لازیمدر، ۱۵۱  
ال چکدی مُلک و مالدان، اهل و عیالدا، ۱۲۲  
ال گۆتۆرمم تار زۆلفۆندن کی بیر نازک تتلی، ۱۲۶  
ال دن آلب قراریمي بیر دلبر قشنگ، ۱۶۹  
ال دن خیال خال و خطین آلدی عقلمی، ۲۰۶  
الف قدین خلقه لاء نفی اثبات ائیلهدی، ۱۱۷  
الف‌دیر کییریگین، ها حلقه چشمین، لام کج زۆلفون، ۲۰۰  
اله بیر تار مو سالمیش دل دیوانه زۆلفوندن، ۱۸۸  
الیم چبخدی گۆلۆمدن، گۆلشنیمدن، گۆلستانیمدن، ۲۲۸  
الیمده صبر و هوش و تاب و طاقت، هر نه وار آلدی، ۱۳۶  
الیمده هر نه نقدیم وار ایدی صراف ه تاپشیردیم، ۱۷۹  
الیمده، تار زۆلفۆ قصه‌پرداز اولدوغوم گۆنلر، ۲۲۸
- ایلمی قۆیدوم اۆره‌ک باشینا، سن بیر اۆخ ایلن، ۱۹۸  
الین عبث یئره صراف قۆینونا قۆیموب، ۱۶۱  
الینده اۆز ممه‌سین اۆینادپردی یار، دئدیم: ۲۱۴  
امر اتندی شراب ایچمه، من ایچمه‌گه آند ایچدیم، ۲۲۰  
امرینده‌دیر زمان و مکان امر کُن فکان، ۱۱۵  
امید ائتمز ایدیم وصلیه جزاک الله، ۱۹۷  
امید عقل [و] هوش و دین و دانش ائتمه‌یین مندن، ۱۳۵  
امیدیم وار یئته صراف الی آخبردا بیر یانا، ۱۴۲  
انسان دئمک اولماز سنه، سن حور و پری‌سن، ۱۵۶  
انصافا باخ، مروته باخ، وصله یئتمه‌میش، ۲۰۶  
انصافا باخین، رحمه باخین، قانیمې سو تک - ۱۳۸  
انیس بزم خلوت یوخ، غم جانانه‌دن غیری، ۲۳۰  
انیسیم آه و فغان اولدو، مونسیم ناله، ۱۴۹  
انیسیم درد [و] محنت، مونسیم غم، همدیم ناله، ۱۷۷  
اوجالسا آه سردیم، سهندبرار لعل لبین پۆسته، ۱۳۹  
اوجار روحوم اگر تیر نگاهین کئچسه جیسمیمدن، ۱۸۲  
اوشاق دیوانه آردبجان گنده‌ر، اما منیم کۆنلۆم، ۲۰۸  
اوشاقلار دسته - دسته دۆشمۆش آردبمجان ... ۱۵۵  
ای بالا! ای قوزو! ای شوخ ممه! قوربان گۆزۆنه، ۲۱۳  
ای بت یوسف‌لقا! وی دلبر مجنون فریب! ۱۹۴  
ای پادشاه مُلک قضاء کشور قدر، ۱۱۵  
ای پری پیکر، ملک منظر، جفا گستر، مگر، ۱۹۴  
ای پیمبرزاده! آیا سن مسیحاسان نه‌سن؟ ۱۹۴  
ای تازه قونچا! سیرری نه‌دیر بس آچیلمامیش، ۲۳۸  
ای تۆرک خطا دید! مگر لعبت چین‌سن؟ ۱۹۳  
ای جمال الله! جمالین اولسا ظاهیر پرده‌دن، ۱۲۰  
ای جمالی مظهر آیات کبرا، یا علی! (ع) ۱۱۷  
ای جوان، بیر اولاسان یاخشې منی بیر ائله‌دین، ۱۹۸  
ای چئشمه‌ی حیات! دئسه‌م سنگدل سنه، ۱۵۹  
ای خال، خیال لب جانانه‌دن ال چک، ۱۲۵  
ای خانه زاد خانه‌ی حق، وی شه بحق، ۱۱۴  
ای خط، دئمه وار سرخط آزادی الیمده، ۱۲۵  
ای دئیهن: «یوخدور قیامت!»، قامت دلداری گۆر، ۱۶۳

- ایچمه سه پیکان غمزه ن قانہی، یانماز کؤنؤل، ۱۲۳  
ایچیپ جام صیوحی، بس خمار آلوده دی نرگس، ۱۴۰  
ایچیردیم اؤز جیگیریم قانہنی، ووروب تۆکدؤن، ۱۹۷  
ایستر او ریا اهلین، من اهل خراباتی، ۲۲۰  
ایستردی بیر علاقه قہلا زؤلف یار ایلن، ۱۷۳  
ایستہدی چکسین فلک هر آی باشیندا ماه نو، ۲۱۸  
ایستہسن عاشیق سنین دؤورؤندہ بیر دؤور ائیلہ، ۱۸۹  
ایکی دؤنیایا وئرمہم بیر سر مویون سنین آخر، ۱۸۳  
ایمان و دین و مذہب و ناموس [و] ننگیمی، ۱۵۸  
ایگیدیر باشینی گؤز گوشہ سیلین باش باشا چاتمیش، ۲۰۰  
اؤچ زات سیزی قویماز اولاشروطہنی شرعی، ۲۴۰  
اؤرہک دؤیؤنمہسی فریاد و نالہ زمزمہسی، ۱۷۴  
اؤزؤم سویون اؤزؤم سویوندان اؤترؤ سو... ۲۲۶  
اؤزؤن حقیقت والشمس دیر، خطین واللیل، ۲۱۵  
اؤزؤن گورہندہ نئجہ آہ [و] نالہ ائیلہیم؟ ۱۶۱  
اؤزؤن گؤل، عارضین گؤل، ہم لب لعلین گؤل... ۱۹۲  
اؤزؤن مہوش، بویون دلکش، جمالین شعلہی آتش، ۱۸۳  
اؤزؤندہ اگلہنیب خال سیاہین یا اوزاق یۆلدان، ۱۳۷  
اؤزؤندہ زؤلفؤنؤ گؤرچک تعجب ایلہ دندیم: ۲۱۹  
او تار طرہ کیم جمعیّت عمر دراز بدمیر، ۱۵۰  
او خنجریں، بو باشیم؛ کس، آپار، منی قورتار، ۱۳۰  
او سر زؤلفؤوہ مشاطہ پری شانہ وبرار، ۱۲۸  
او صرافی کیم ائتمیشدی مسخر عالمی دیلدہ، ۲۰۴  
او قدر صحبت ائدہدیک اؤلایدی نصف اللیل، ۲۲۷  
او گؤن کی قسمت ائدیبلر وجودو جزء بہ جزء، ۲۱۴  
او گؤندن کیم اولوب قسمت ریاضت خانہ عالمده، ۱۳۵  
او نازنین کیمی معشوقہ، من کیمی عاشق، ۱۴۹  
او نگار مہوشہ ای صبا! دہ منیم دیلیمجہ دایانماسین، ۲۲۱  
اوتورموشدم یؤل اؤستہ منتظر، یاربم گلیب کئچدی، ۱۳۵  
اود دوتوب یاندی، کباب اولدو، تۆکندی خون دل، ۱۳۴  
اولان محنون کیمی زنجیر عشقہ بستہ جانیم وای! ۲۲۸  
اولدوم غم وصال ایلہ بیر پیر ماه و سال، ۲۰۹  
اولدون محبت اهلینہ مصباح کُنت کُنت، ۱۱۶  
ای دُر بحر شرف، شاهنشہ مُلک نجف، ۱۱۸  
ای دُر دؤرچ عز و شرف، شاه لو کُشف، ۱۱۴  
ای دل! دئمہ دلدارا دہانہن سر مودور، ۱۳۸  
ای دل! غم نگار ایلہ خوشدور گؤنؤن، خوش اول، ۱۵۳  
ای ذات پاک، عبت غایی کاینات، ۱۱۴  
ای زؤلف سیہ، دایرہی خالدا دورما، ۱۲۵  
ای زؤلف شکن در کشن اجریندی چک آخر، ۱۴۴  
ای زؤلف، تۆقوشما کمر یارا، قہراسان، ۱۶۶  
ای ساکنان عالم لاهوتہ مقتدا، ۱۱۵  
ای سرو روان! وئرمہ نمازہ بو قدر طول، ۱۵۴  
ای سرو روان، گل قدمین قوی گؤزؤم اؤستہ، ۱۳۸  
ای سیب زنج! ایستییہسن یتیمہسین آسیب، ۱۲۵  
ای شانہ، بو گیسوی پریشانہ دؤلاشما، ۱۲۵  
ای شہ والا مکان، پیوستہ ائیلہر آروز، ۱۱۸  
ای شہریار مملکت اولیا، علی! ۱۱۴<sup>(۴)</sup>  
ای شیخ! بھشتی، دئمہ ترک ائیلہین اولماز، ۲۰۵  
ای عاکفان گوشہی توحیدہ میزبان، ۱۱۵  
ای قونچہی نشکفتہی لعل لب جانان، ۱۲۵  
ای کاش اولمویایدی کؤنؤل پای بند عشق، ۱۵۹  
ای کلام اللہ ناطق، وی کلید کُنت کُنت، ۱۱۸  
ای گوہر ولایتہ بیر پرہیا صدف، ۱۱۵  
ای گؤلشن حقیقتہ بیر طؤرفہ باغبان، ۱۱۴  
ای گؤنلر اولوب تیرہ سنین چاتما قاشیندان! ۱۸۴  
ای مصدِر جلالِ خداوند ذوالجلال، ۱۱۴  
ای مصور! صورت جانانی چکسن پردہ چک، ۱۲۶  
ای ملت اسلام! اویان وقت سحردی، ۲۴۱  
ای منبع کرامت و دریای علم و حلم، ۱۱۴  
ای ناخداي کشتی دریای لامکان، ۱۱۵  
ای ناوک مژگان، حذر ائت سینہمہ دگمہ، ۱۲۵  
ای نور دیدہ! وجہی نہدیر بو شتاب ایلن، ۲۳۸  
ای ولیّ اللہ اعظم! عالم و آدم سنہ - ۱۱۸  
ایتمز آدہم عالمده یقینیمدی من اولسم، ۱۴۴  
ایجاد صفحہ سیندہ، غلط نقطہ یم اگر، ۱۷۵

- اولماسایدی حضرت عیسی ایله همدم دمین، ۱۱۹  
 اولموش اگرچی هر دیله دل آشنا، ولی، ۱۵۲  
 اولموش سنین یانیندا گۆزه‌لر فنای محض، ۲۱۱  
 اولوب از بس اوخ آتماق رسیمنه، جانا! بلد قاشین، ۲۰۰  
 اولوب نسیم سحر مشک ریز عنبر بیز، ۲۱۶  
 اولوبدو گوشه‌ی چشمینده خال چۆن زنگی، ۲۱۹  
 اولوبدور حقدن غافل مگر مشاطه‌ی خو‌سۆن؟ ۱۸۸  
 اولوبدور مدعی صرافدن مین نقد جان ایستر، ۲۰۱  
 اولور بزم محبتده شراب وصل ایلن سرخوش، ۱۳۳  
 اولور هر بیر مریضه شربت لعل لبین شافی، ۱۳۷  
 اونون جمالیدر عشق اهلینه ائدر جیلوه، ۱۶۲  
 اویناتما قاش، ای تۆرک خطا دیدیه و بدمست! ۱۲۵  
 اویناتماغا یوخ زولفون اگر، اولما مکدر، ۱۲۹  
 اوینار تب عشق ایله وجودوم گنجه - گۆندۆز، ۱۲۹  
 اوینار ز بس کی مهره‌ی مهر نگار ایلن، ۱۷۳  
 بئله فیکر ائیلهمه هیجرینده بیر من مو پریشانم، ۲۲۲  
 بئله تۆخونوب خال و خطین بیر - بیره گویا، ۱۴۴  
 باب شُبیر و شُبیر، ابن عم خیر البشیر، ۱۱۸  
 باخ بیرجه رنگیمه نجه گۆر سیل جفا، ۱۵۸  
 باخ بیرجه شیشه کۆنلۆمه، ای شوخ سنگدل! ۱۷۰  
 باخا هر گۆز خمیده قاشیوا، هرگز او کۆر اولماز، ۱۵۵  
 باش ایسترسن بو باش، گل، آل، بو امر خبری ...، ۱۸۶  
 باش وئردی بناگوشده چۆن سبزه‌ی تر خط، ۱۶۵  
 باشدا خیال موی میانین گۆره‌ن دئدی: ۱۴۸  
 باشدان چیخیب، ایستیپ دورا قارشې گۆزه، زولفون، ۲۰۳  
 باشمدا تاج فقر ایله واردر خیال دوست، ۲۰۹  
 باشمندان اوچسا عقلیم، عییبی یوخ دیوانه‌ی عشقم، ۱۳۷  
 باشمې کسه‌نده او نازنین، منی قویما یین ال ...، ۱۹۶  
 باشبندان کاکیل مشکین نثار مشک ائدری دائم، ۱۸۰  
 باغبان یخمش یتره شمشادی گۆرچک قدینی، ۱۶۳  
 باغریم باشې کبابدی، قان گۆز یاشیم شراب، ۲۳۸  
 بانگ نوشانوش کیم میخانه سمتیندن گلیر، ۱۲۶  
 بَدْرُالدَّجَا، ولی خدا، شاه لافَتی، ۱۱۵
- بدن بۇرجوندا چۆن منزل دوتوب ماه شب افروزوم، ۱۷۶  
 بدنام ائدییدی هر بیر یی رنگیله منی، ۱۶۹  
 برابریمه نگاریم یانایدی شمع کیمی، ۲۲۷  
 برهمزن جمعیت دل‌های پریشان، ۱۹۳  
 بزم وصاله یتمه‌سه یتمز فراغته، ۱۴۸  
 بس تیر آه چکدیم اولوب قامتیم کمان، ۲۰۹  
 بس کی اولموشدوم علی! اؤز طالعیمدن نامید، ۲۳۴  
 بساط عشقه چۆن قۇیدوم قدم اولکی منزله، ۲۰۴  
 بستر غمده نوازش قبل سؤروش احوالینی، ۲۱۲  
 بسدیر رضا! قضایا رضا وئر، دایان گیلن، ۱۸۵  
 بسدیر هلاک عاشیقا ابروی تیر چنگ، ۱۷۰  
 بصیرت اهلی گۆره‌ر یاری اؤزگه بیر گۆز ایلن، ۱۶۲  
 بلا صحراسی اولجاق مسکنیم، بیر آه چکدیم کیم، ۲۲۶  
 بلاگردانبوام، رحم ائت منه، آل جانمې، قورتار، ۲۰۷  
 بلای عشق ایلن چۆن یار [و] یولداش ...، ۱۸۰  
 بلای عشقه دوتوم ای کۆنؤل! دوام ائله‌دین، ۱۹۹  
 بلورین سینیه‌ی صاف ایچره وار بیر داش ...، ۱۸۰  
 بو آب [و] رنگ ایله جانا، مگر گۆل ترسن، ۱۹۱  
 بو امید ایلن آپاردیم من تب عشقه پناه، ۲۳۵  
 بو امید ایلن بۆکۆلۆب قدیم، کیم اولام نگار ...، ۱۹۶  
 بو ایشده زولیا کیمی بیر شیرزن ایستر، ۱۴۷  
 بو بازار محبت ایچره صراف تهی دستم، ۱۷۸  
 بو باغ ای باغبان! گۆلزار کوی یارا چۆخ بنزه‌ر، ۱۴۰  
 بو تربت حسینّه نجه مشک تر دئییم؟ ۱۲۱  
 بو حؤسن صورت و خال و خط و ملاحات ایلن، ۱۹۱  
 بو درد عشقه دئدیم: «صبر ایلن علاج ائده‌رم»، ۱۴۳  
 بو درد هیجر ایلن اولمک اگرچی خوشدو منه، ۱۳۰  
 بو درده دۆشمه‌میش نجه مرطوب جمده گیم، ۱۸۵  
 بو سئیل سرشکیمله نمیم خارجه چبخماز، ۱۶۶  
 بو سرزمین ماریه رشک بهشتدیر، ۱۲۱  
 بو سوز عشق ایله صراف له بیر دئیهن یوخدور، ۱۹۱  
 بو سینیه مشبکدیر تیر غم ایلن گویا، ۲۲۰  
 بو سنبق سینیه‌مه ووردون نه گۆزه‌ل سنگ جفا، ۱۹۸



- بو شعر نغزده، صراف! طورفه جاذبه وار، ۱۹۹  
 بو شمع قامت ایلن سرکش اولماق شمع تک سندن، ۱۸۶  
 بو صفحهده اولمازدی نه شیرازه، نه ترتیب، ۱۶۵  
 بو طریق عشقه درد دل، منیلن همیشه هاماشدیر، ۱۹۶  
 بو عشقه پرده چکمه گه چوخ ائیلهدیم تلاش، ۱۵۹  
 بو غم کونجونده سنسیز، ای منیم شمع شبافروزوم! ۲۲۶  
 بو فیکر [و] خیال ایلن فردوسه طمع ائیلەر، ۲۲۰  
 بو فیکر ایلن کونول بیر بوسه آلسن خاک پایبندان، ۱۶۷  
 بو قان اولموش کونول پیکانلارین قانلی ۱۳۵...  
 بو قد و قامت و رخسار و زولف و خط و خال ایلن، ۱۸۳  
 بو قدهر وئمه دلیلم، قصه‌ی دله تفصیل، ۱۷۴  
 بو کشمکشدہ اؤزؤن اولدون عاقبت محمود، ۱۹۹  
 بو کمند عشقه اگر دؤشه، قوجالار دئییلله جوان اولور، ۱۹۶  
 بو لال اولان دلیلمده یقینیمدی توک بیتەر، ۱۵۳  
 بو محنت‌خنده اولدوم، دیریلدیم چوخ مشقتلن، ۱۷۹  
 بو نکته‌ی باریک، بو منزلگه تاریک، ۲۰۲  
 بو نوعیلن کی یانار اؤدلارا یانار صراف، ۲۱۴  
 بو نه‌دیر؟ نه عدلیر، هر لحظه مین بیداد اولور؟ ۲۳۷  
 بو نیک و بد گورؤسن اعوجاج مظهردیر، ۱۶۲  
 بو هوا ایله منیم نخله‌ی عمرؤم قورودو، ۲۲۴  
 بو یولدا بختیمی گوردوم یاتیب، قویوب کتچدیم، ۱۶۱  
 بودور فیکریم آلاندا جانیمې اؤغرو نگاهیلن، ۱۳۶  
 بوندان سؤرا نه نوعيله من راحت اگلینیم، ۱۵۸  
 بهار اولاندا بئله رسمدیر اؤخور بؤلبؤل، ۱۴۹  
 بی‌آبرو گورؤب منی گؤز تئز سالیب اؤزه، ۱۵۹  
 بیاض صفحه‌ی رویینده خط سبزدی یا، ۲۱۵  
 بیتُ الأخرآن ایچره سن یعقوبه اولدون هم‌نفس، ۱۱۹  
 بی‌جا دگیل چمنده گوزؤم بؤلبؤل آختاربر، ۱۵۲  
 بی‌حرف تاپیلمازدی حروفاتده معنا، ۱۶۵  
 بی‌خبردیر حقدن صنعانی تکفیر ائیله‌ین، ۱۳۴  
 بی‌خبرسن ای دل دیوانه! آیا گورمؤسن؟ ۲۱۲  
 بیداد هیجردن قاپوا داده گلیمیشم، ۱۵۷  
 بی‌دردلیگی بؤشلاما، آختارما حمیت، ۲۴۱  
 بیر انجمنی ائیلهمیسیز شهرده برپا، ۲۴۰  
 بیر اوزون عمردور عمرؤم! یوخو گلمز گوزؤمه، ۲۲۴  
 بیر اگری قاش اؤیناتماغا وئردیم گؤزه مین جان، ۱۵۶  
 بیر بوسه‌یه دانیشدی، منیم آلدی دینیمی، ۱۴۸  
 بیر دایره‌ی عشقه صنعانی بیگه‌ندیم، ۱۴۷  
 بیر رمز ایله یاربم اندر اهل دله قاش گؤز، ۱۵۶  
 بیر ساغر ایلن ساقی! مست ائیله بو مخموری، ۲۲۰  
 بیر عؤمردور سالیدې منی آه [و] زاره دل، ۱۷۱  
 بیر کیمسه‌یه دئمهم الیمی دوت کناره چک، ۱۷۵  
 بیر نوجوان غمینده قوجالدیم جوان ایکن، ۱۹۵  
 بیر یاندان ائل شماتتی، بیر یاندان آیربلیق، ۲۲۵  
 بیر یایدا مین اؤخ آتا بیر تیری یایلماز، ۱۵۶  
 بیردیر هامې عضوونده سنین ظاهر و باطن، ۱۹۳  
 بیرری بیرینه دئیهر اهل شهر: «آی دوتولوب!» ۲۱۶  
 بیز دئدیک: «مشروطه، خلقی سؤق اندر آمالنا، ۲۳۷  
 بیزار اولوب بو ناله‌ی زاربمدان اینجیمه، ۱۵۷  
 بی‌شک و شبیه خلقت ارواح انس و جان، ۱۱۶  
 بیلدی بو آستاندا عین حیات وار، ۱۲۱  
 بیلدی مریض عشقه داخی اؤزگه چاره یوخ، ۲۰۶  
 بیلدیردی خلق عالمه راز نهانی، ۲۲۵  
 بیلیمز نه‌دیر کونؤلده‌کی منظور و مطلبیم، ۲۱۰  
 بیلمه‌دیم یاربین ایکی صورتله بیر تک خالی وار، ۲۱۸  
 بیلیمرم آیا بشرسن، یا ملک‌سن، یا پری، ۱۲۳  
 بیلیمرم یولسوز پریوشلر الینده ئیله‌یم، ۲۱۲  
 بیلیر بو مطلبی دل: «دلبريله دل بیردیر، ۱۷۴  
 بینوا صرافى گوردوم شور ایلن آغلار، دئدیم: ۱۹۴  
 بؤلبؤل صفت گولؤمؤ کناره آلبیدی خار، ۱۸۵  
 بؤیانیدی قان ایله گؤز یاشیم، توکولؤبدؤ هر ۲۲۱...  
 پادشاه کون [و] امکان، جیسم مخلوقاتا جان، ۱۱۸  
 پاره - پاره کونلؤمؤ قلمبش، بوراخمیش ایتلره، ۱۶۴  
 پرییچدی چوخ، یوخسا یانې گون قاباغندا، ۲۰۳  
 پرتو نور جمال بی‌مثالبندان سنین، ۱۱۸  
 پرتو نور خیالینلا دؤلوب صحراى دل، ۲۳۲

- پروانه تک بو مُلکده یۆخ اشیان منه، ۲۰۹  
 پروانه تک فراق اودونا یاندی مرغ دل، ۱۲۱  
 پروانه یولون قویما کسه پردی فانوس، ۱۵۴  
 پریشان ائیله یین احوالیمې اشفته گیسودور، ۱۳۷  
 پریشان خاطیریم بیر طره ی پُر پیچ [و] تاب ایستر، ۱۳۳  
 پریشان و قمرطلعتان و سبزخطان، ۱۹۱  
 پریشلر همیشه رسمدیر عشاقه ناز ائیلر، ۱۴۲  
 پنجه ی مژگانه پابند اولسا کونلوم عئیبی یوخ، ۱۲۳  
 پیایی داغ دلدن کوهکن تک داغلار سالام، ۱۸۱  
 پیاده وادی محنتده مات اولوب قاللام، ۱۴۹  
 پیکانلارین یثربندن آخار چشمه - چشمه قان، ۲۲۵  
 پیوسته بار غم چکه رم، چکه رم نفس، ۱۳۲  
 تۆک خنجر ناز ایله قیزیل قانبمې، دورما، ۱۲۹  
 تۆکرم ز بس اۆزه گۆز یاشین، گنجه گوندوز آه... ۱۹۶  
 تۆکنده قانبمې شمشیر تیز ناز ایلن، ای کاش! ۱۳۵  
 تۆکوب عذارا بو مه پاره زولف قاره گلیر، ۱۴۹  
 تا دؤشدؤ اۆزه، خالداں ایربلمادی خطین، ۱۶۶  
 تا زولف خیالیه وارانم، گۆز یوموب آچمام، ۲۰۳  
 تاب ائیلر کونؤل! کش مکش عشقه بو یولدا، ۱۴۷  
 تاپدیر سنی همسایه لرین، دورما! دئییر یات! ۳۴۱  
 تاپشیر صبایا خانه خراب ائتمه سین منی، ۱۷۳  
 تاپشیردی صبایا دئدی: «- سال زولفؤ اؤز اؤسته»، ۱۵۶  
 تار زولفون حسرتیندن بئیلر اینجه لیدیم گۆزه ل، ۱۸۹  
 تاریخ ایستدیم سنه صرافدان، دئدی: ۳۳۹  
 تجالای جمال جام غملن اویله سرگرمم، ۲۲۶  
 تحمّل ائتمه گه بار گران محنته کاش، ۲۲۷  
 ترک ائیلهدیم بو یولدا من اؤز ننگ و ناممې، ۱۷۰  
 تسبیح کیمی زاهد اورادا مقیددیر، ۲۲۰  
 تصویریمی منیم قوجا چکدی جوان ایکن، ۱۴۱  
 تعالی الله نه عارضدیر بئله حؤسن و جمال اولماز، ۱۵۵  
 تعجیل ایلن دئدین گله سن باشیم اؤستؤنه، ۱۷۰  
 تماشاما دوروب هر بیر طرفدن مملکت اهلی، ۱۸۶  
 تمام ائیلر محدث، شرح وئرمه حال محمودی، ۲۰۷
- تمام اولماز حدیث سرگذشت کاکیلین آخر، ۱۴۵  
 تندباد هیجر ایله سولموش گؤلؤستانیم منیم، ۲۳۲  
 تنیم اینجیلدی مو تک بیر سر مویندا بند اولدو، ۱۳۹  
 توفانا وئیر عالمی بو اشک روانیم، ۱۴۴  
 تیر بلا ایچیددی مگر آب زندگی، ۲۰۹  
 تیر بلا گلنده قلیب سینه سین سپر، ۱۲۲  
 تیر عشقین سینهدن چبخماز مگر جانیم چیخا، ۲۱۸  
 تیر غمزه ن قانبما باتماز- دندیم - یاندان کنچر، ۱۳۴  
 تیر مژگانین گئدر دوز عاشیق ایلن کج یولا، ۱۸۹  
 تیر نگاه آتанда گۆزؤن، گۆز دؤلاندیرپر، ۱۵۲  
 تۆکندی نقد عمرؤن، گئتدی ای صراف بی ماهیه! ۲۰۷  
 تۆکه نیب قیزیل - گوموشوم رضا، گره ک اشک... ۲۲۱  
 جام وصلیندن اطبا منه پرهیز وئریب، ۲۲۴  
 جام وصلیندن رقیب بی حیا سرمست اولوب، ۱۹۰  
 جان پرده سین لباس ائله اولسا پسند طبع، ۱۹۵  
 جانانی گذرگاهدا گوردوم دئدیم الحق، ۱۴۷  
 جانیم چیخار، چیخا غم جانانه سینهدن، ۱۹۵  
 جانیم چیخینجا دوررام آیاغا اوتورمارام، ۱۴۸  
 جانیمې آلاماقدی عشوه ن قانبما قیلدی کرم، ۲۱۸  
 جمال بیردی اگر گۆزده اولمویا پرده، ۱۶۲  
 جمعدن خارجه بیر دیوانه دیر بی سلسله، ۱۳۴  
 جمعیت دل زولفده چوخ عزت ایلن دیر، ۱۴۷  
 جنون عشق اولان گۆندن سؤروشماز کیمسه احوالیم، ۱۳۳  
 جوان عمرؤم تۆکندی بیر جوان اؤسته بحمدالله، ۱۷۹  
 جور رقیب طعنه ی ایامدان باخین، ۱۸۵  
 جیفه ی دؤنیایا پابند اولما گر صرافسان، ۱۲۶  
 جؤرمؤم نه دیر آتدین منی، بیگانه نی دوتدون؟ ۱۸۴  
 چاه کنعاندا اگرچی ماه کنعان اینجیدی، ۱۳۴  
 چتین بو دایره ی عشقندن کناره چیخام، ۲۱۹  
 چرخ برینه شعله ی آهیمدی خطا سالیب، ۱۴۱  
 چشم سیاه یار، دل پیر ایلن اوینار، ۱۲۹  
 چکسه اگر دهانپوې موهوم، عبث دگیل، ۱۴۱  
 چکمه زحمت دردیمن درمائی یوخدور، ای طیب! ۲۱۸

- چکیدی قتلیمه خنجر ولیک اۆلدۆرمز، ۱۴۹  
 چکیدی کامبنا کۆنلۆم قوشون اۆ زۆلف سیه، ۲۱۴  
 چکیدی سینه مه دود سیه تک آیرېلیق داغی، ۱۷۷  
 چمنده باغبان شمشاد و سروین ریشه دن کسدی، ۱۵۱  
 چین سر زۆلفۆنده کۆنۆل ائیلهدی مسکن، ۲۱۷  
 چۆن اسم بلا واسطه دیر مطلع عشقه، ۱۳۸  
 چۆن برگ گۆلده وار لب جانانه بنزه ریش، ۱۵۲  
 چۆن جیلوه گاه عشقه موسی کیمی کۆنۆل، ۱۲۱  
 چۆن سالدی منی گۆزدن اۆ گۆل چهره پری زاد، ۲۴۳  
 چۆن شمع پا پیاده دی، دۆنیانی یاندیرار، ۲۱۱  
 چۆن گۆردۆ الف طالب کثرتدی بس اتدی، ۱۶۵  
 چۆن مست جام عشقدی، صحرای عشقه، ۱۲۱  
 چۆن مطلع ایجاد همین خطدی صراف، ۱۶۶  
 چۆن وئردی دل اۆ دلبر نامهربانه دل، ۱۷۳  
 چۆن هیجره یار طالب اولور، وصله اهل عشق، ۱۳۲  
 چۆخ ائیلمه پیچ و خم و دستار یله بازی، ۱۲۹  
 چۆخ ترله میسن، هئچ خبرین یۆخدو پیشیرسن، ۲۴۱  
 چۆخ تشنه ام گنیر اۆ شکرلبرین امیم، ۱۵۳  
 چۆخ قان ائله مه قورخارام آخر قالا آدین، ۱۸۴  
 چنچ منبره، احکام شریعت سؤله واعیظ! ۲۴۰  
 چپخارام گۆزده سندن اوزگه بیر گۆز مردمی اولسا، ۲۰۸  
 چپخماز کناره دایره ی خط [و] خالدين، ۱۷۱  
 چپخامبش جانیم دئیین صراف ه تئز ... ۲۱۸  
 چپخب تر تیبدن، اوراق اولوب مجموعه ی جیسمیم، ۱۵۱  
 چپخب طرف بناگوشوندا خط، اما پریشان دیر، ۲۰۸  
 حَبْلُ الْمَتْنِ، امام مبین، پیشوای دین، ۱۱۵  
 حجله گاه قاسمی هر لحظه کیم یاد ائیلهرم، ۲۳۲  
 حدیث حۆسنۆوه عالمدی دل، ولی دیل ایلن، ۱۴۳  
 حدیث خطینه پیچیده اولدوم، خط به خط باخدی، ۱۷۹  
 حدیث عشق محمودی سؤروشما هر ترش رودان، ۱۴۲  
 حسرت چکه رم سن یاتاسان، من باشین اؤسته - ۱۸۴  
 حسرت گۆز یله طرف گۆلۆستانه باخمارام، ۱۷۵  
 حضرت موسییا مولا! سن تجلاً ائیلهدین، ۱۱۹
- حقیقتده اگر عاشیقدی سوز شمع، پروانه، ۲۰۸  
 حکایت لب یار و حدیث دانه ی خال، ۱۷۴  
 حلقه ی زۆلفِ گره گیرده باغلانیدی کۆنۆل، ۱۲۸  
 حنایا باخ نجه گۆز بی حیادی قانه دۆنۆب، ۲۱۴  
 خار و خس وجودومو یئردن گۆتۆرمه گه، ۲۰۹  
 خاطریم اولموش پریشان سۆنۆل سوسن کیمی، ۲۳۲  
 خاک پایین لذتین درک ائتسه هر مور ضعیف، ۱۳۴  
 خال و خطین خیالی ایلن گلدی جانه جان، ۱۷۳  
 خالین گۆره نده طایر روحوم قاناد آچار، ۱۹۵  
 خدنگ جان ستانین جان تک آلدیم باغربما باسدیم، ۱۷۹  
 خدنگ جانستان غمزه ی جانان گلیر، ای جان! ۲۰۷  
 خدنگ غمزه ایله زخم داریدی صراف، ۱۲۷  
 خدنگ ناز ایلن و بر دین منی بیخدین، قویوب کئچمه، ۲۰۷  
 خدنگ نازیله کۆنلۆم قوشون شکار ائله دین، ۱۹۷  
 خراب ائتمکلیگه دۆنیانی بیر ایماء کفایتدیر، ۲۰۷  
 خراب ایستردین، اولدو ملک دل، ایدمی نه ... ۱۶۸  
 خرابه کۆنلۆم اولوب عشق یار ایله معمر، ۱۲۷  
 خضر دن سرمشق آلبدیر یوخسا بو گۆز مردمی، ۲۱۸  
 خط جانانا بنزه ر سبزه اما نامناسب دیر، ۱۴۰  
 خط و خالین گۆرۆب ترساچه! تسبیحیمی آتدیم، ۲۲۲  
 خطا اولماز دئسه هر گه سنه: «ای جان آلا... ۱۸۳  
 خطین دۆورۆنده بیر جمع پریشان مو پریشان دیر، ۱۸۶  
 خطین رشک نگارستان چین دیر، ای خطا دید! ۱۸۰  
 خطین شکسته، بویون بسته، لبرین پؤسته، ۱۹۱  
 خطین فیکری حدیث کاکیلین تک بهجت افزادیر، ۲۰۲  
 خطین هواسی ایلن نافه ی غزال ختا، ۲۱۵  
 خلق ایچره وصل مجلسی نین گرچی آدی وار، ۱۳۲  
 خم زۆلفۆن چمن عارضه چم تک دۆشمۆش، ۲۱۳  
 خنجر چکه ر دئییلله گۆزۆن گۆز امیری تک، ۱۴۱  
 خواجه ی قنبر، امیرالمؤمنین، یعسوب دین، ۱۱۸  
 خیاطه زۆلف، خال اسیند، ابرو نعل، روح آتش، ۲۰۰  
 خیال اتتدیم کۆنۆل جمعیته زۆلف سیه دندیر، ۱۳۵  
 خیال چشمه ی حیوان ایلن طۆلماته یول سالدیم، ۱۸۸

- خیال چشم مست یاریلن دل مئی پرست اولدو، ۲۰۴  
خیال دانه‌ی خالینلا دۆلدو خانه‌ی دل، ۱۷۴  
خیال زۆلفله زنجیره واردی عاقل ایکن، ۱۷۴  
خیال زۆلفؤ چین - چین، دسته - دسته، ... ۱۷۹  
خیال شکر تنگ دهانین قوت جانبدیر، ۱۷۶  
خیال شیشه‌سینه عکس قامتین سالدین، ۱۹۹  
خیال کاکل مشکینه کۆنلۆم اولدو پیچیده، ۱۴۲  
خیال گوهر وصليله من پیوسته عریانام، ۲۲۳  
خیال وصليله بیر لحظه شاد اولدوم، خطا قیلدیم، ۱۳۳  
خیالیم وار آچام جانان ایلن صراف دۆکانی، ۱۸۷  
خوشا! جانان ایلن مشغول صحبت اولدوغوم ساعت، ۱۴۶  
خوشا! جانان ایلن هم‌درد و هم‌راز اولدوغوم گۆنلر، ۲۲۸  
دئدی: «کناره چکیل خلقدن، کنارما گل»، ۱۲۷  
دئدیم جانانه: «منظورون عیار قلبی بیلیمکدیر، ۱۸۲  
دئدیم سنه: «سر زۆلف نگارا باغلاما بتل»، ۱۹۹  
دئدیم صراف له: «کیمدیر سئودیگین محبوبه ... ۱۳۷  
دئدیم صراف له: «گر من مۆمنم، قبله‌م بو ... ۱۹۲  
دئدیم صراف له: «گل ترک محبت قبل ... ۱۶۸  
دئدیم صراف له: «هاردان بیلیمسن ایستر ... ۱۴۶  
دئدیم نگارا: «گل آل جانیم احتیاط ائتمه!»، ۱۲۷  
دئدیم نگارما: «گل ناز اندنده نازی می چک، ۱۴۳  
دئدیم یارا: «دئییرلر یوخ دهانین، اصلی وار یا یوخ؟» ۱۶۸  
دئدیم یارا: «هلاک نازبوام، رحم ائيله، ناز ائتمه»، ۱۷۹  
دئدیم: «حکمت نه‌دیر آندین منی، اغیارا ... ۱۵۵  
دئدیم: «خطین وئری صرافا خط آزادی، ۲۱۵  
دئدیم: «دررم خدنگین سینه‌مه»، ایمدی پشیمانام، ۲۰۸  
دئدیم: «صراف ی گۆزله سالما گۆزدن، ای ... ۱۳۶  
دئدیم: «قبلام سر زۆلف کجین مژگان ایلن شانه»، ۱۸۸  
دئدیم: «وار بیر چۆرۆک جانیم اگر، قوی ... ۲۰۸  
دئدین: «صراف ی اولدوررم! اگر فرزند صادق سن - ۱۷۶  
دئسمه سرو [و] صنوبر قدیوه بنزهر، معاذالله! ۱۶۷  
دئمه ای باغبان! سرو قد جانانه بی‌حاصل، ۱۸۱  
دئمه بو عاشیقه: «گل تار زۆلفۆمه وېر چنگ!» ۲۱۴
- دئمه پیکان غمزهن خون دلدن قانه غرق اولدو، ۱۶۷  
دئمه غمزهن کۆنلۆمه رحم ائيله ایچمز قانین، ۱۸۹  
دئمه‌رم رقیبه، دئدیم سنه منی قانلی گۆز ... ۲۲۱  
دئمیشم بیر گۆنۆم اولسون سنه، ای میرزه جواد! ۲۳۶  
دئۆب پیمانیه باخسان، اۆزه اشکین روان اولسون، ۲۳۰  
دئهردیم غیر ممکن سن اگر اولسایدی امکانی، ۱۴۵  
دئهردیم قامت سروین، قیامتدن علامتدیر، ۱۴۵  
دئهردیم وصله یتسم، ائيله‌رم اۆز دردی‌مه درمان، ۲۰۴  
دئیب، گۆلۆب، اوتورایدیق کمال عشرت ایلن، ۲۲۷  
دئیر دیلنده مسلسل سبیل: یا عطشان! ۱۶۱  
دئیردیم آغز بوا یوخ، ای گۆلۆم! بِحَمْدِالله، ۱۹۷  
دئیردین: «بی‌خیال اول!»، من خیال ائتدیم ... ۱۵۵  
دئیرلر شربت لعل لبین هر درده درماندیر، ۱۷۷  
دئیلله قاعده‌دیر مهر، نور ماهه وئیر، ۱۹۷  
دئیین جانانه: «ای خورشید مه‌رخساریوه بنده! ۲۲۸  
دئیین صراف له چۆخ لاف محبت وېرما، آرام اول، ۱۵۱  
دئیین صراف له گل بو بزمه ائيله صحبت شیرین، ۱۵۰  
دئیین گۆن اۆزلۆ زۆلیخایا دورماسین گل‌سین، ۲۱۹  
دئیین مجنونای بیل بی‌خانمان اولماق‌لغین قدرین، ۲۲۶  
دائم یارالی سینه‌مه سنگ جفا درر، ۲۰۶  
داغ دل ایله قېرده فرهادی اؤدلارام، ۲۲۵  
داغ دلده گۆل - گۆل آچمیش زخم پیکانین گۆرۆب، ۱۶۳  
داغیلسین رونق بازاری، اسکیل‌سین خریداری، ۲۳۰  
دالینجا مین دل دیوانه دسته - دسته گره، ۱۹۱  
دانسته و فهمیده خط و خاله وېر بلدیم، ۲۰۵  
در امید اولوب صراف له هر بیر سمتدن بسته، ۱۳۳  
درد عشقین بؤیله بو عالمده دشوار اولدوغون، ۱۲۶  
دردیمی بیر نفسه سندن غیری اظهار ائتمه‌رم، ۱۸۹  
دردین منه ده، اؤلسم اگر، ائيله‌رم فاش، ۱۵۴  
درویشینم ای شه! منه بیر مرحمت ائيله، ۱۵۴  
دعوا صفی آراسته‌دیر هر ایکی یاندان، ۲۰۳  
دل دیوانه‌می شایسته‌ی زنجیر گۆرۆب، ۱۹۸  
دل و دلبردن اوترۆ اهل دل آردینجا چۆخ دۆشدۆم، ۱۸۱

- دلبر! بو قَد موزون [و] لب میگون ایلن، ۱۹۴  
 دلبر! خطین چپخپ یا فتنه بریا ائتمه گه، ۲۱۲  
 دلدارا دئدیم: «دردیمه قبل چاره» بویوردو: ۱۴۴  
 دوتماز دلیم شکایت ائدیم درد هیجردن، ۱۷۳  
 دوتوب تسییحی زاهد! اولما فیکر خالداں خالی، ۲۰۸  
 دوتوب دامان وصلین خلق عالمند کنار اولدوم، ۱۸۳  
 دوتوب قیقاجی باخماق، تیر ناز آتماق ... ۱۵۵  
 دوتوب گؤل دامنیندن، مهد ناز ایچره کسب یانین، ۱۴۰  
 دوتولموش خاطیریم، گۆز، اهل شهرین ازدحامیندان، ۱۷۷  
 دوتوم دام بلادیر دام زولفون، دانه دیر خالین، ۱۸۸  
 دوتوم گولبرگ ترده لعل جانان تک لطافت وار، ۱۴۰  
 دود آهبدان چراغ مهر و مه خاموش اولور، ۱۶۳  
 دور ای خال سیه! گۆز گوشه سینده ائیلهمه مسکن، ۱۶۸  
 دوروب فراش تک غمزه ن برابرده دئییر گلمه، ۱۸۰  
 دهانین ایسته دی کلک قضا چکه موهوم، ۱۲۷  
 دهانین سیررینی بیلمزدی عقلیم، عشقیم اؤرگتدی، ۱۴۲  
 دهانین قوت جاندیر خلق اولوب اما قناعتدن، ۱۴۵  
 دی گل، بیر بوسه وئر، آل جانمی، سن ... ۱۴۵  
 دیباچه ختم اولوبدو، کتچیر مطلب اؤستونه .  
 دیلن دیلین فداسی گنجه کتجدی یاربدان، ۱۵۸  
 دیلیم یانسین اگر دلدن دئییم گل ترک ناز ائیله، ۲۰۷  
 دینی یوخ، کافر سرگشته دی، بدنام اولوسان، ۲۱۳  
 دیلر تۆکده روح اولماز، نه دندیر چۆن دم عیسی، ۲۰۲  
 دگیل لازیم کۆنؤل گنجشکینی پابند زولف ائتمک، ۱۵۱  
 دگیلسن باخبر، ای نازنین یاربم! اگر مندن، ۱۸۶  
 دؤشر قدملرینه گۆز یاشیم نه چم خم ایلن، ۱۴۳  
 دؤشممن جفاسینا دئییم سن دؤز، نئجه دؤزؤم، ۱۶۹  
 دؤشممن سؤزؤ، فلک غمی، بیگانه طعنه سی، ۲۲۵  
 دؤلار، سن نطقه گلشن، صحبت شیرین ایلن عالم، ۱۴۵  
 دؤلاندیربر گۆزؤنؤ چۆن پیاله بی درپی، ۱۶۱  
 دؤلدوروب آفاقا حؤسنؤن صوت ما هذا البشر، ۱۱۹  
 رُخ آلبندا بیر دؤنیا عجایب سیرلر قبلدیم، ۱۷۹  
 رخسار یاری گۆردؤ یانار چۆن درخت طور، ۱۷۱  
 ردیف و قافیه و سجع و بحر بیلمزدی، ۱۹۷  
 رسمدیر هر کیم یتیم اولسا، اولور عالمده خوار، ۲۳۵  
 رشادت خرجه وئرمکدی خیالین، گل ائده ک دعوا، ۱۸۶  
 رقیب طعنه سینیه بیر دقیقه دؤزمدین، ۱۹۹  
 رقیب کۆر اولو هر گۆزده اولمویا نقطه، ۱۲۷  
 رقیب لال اولاسان، سن دئین گنه قالدیم، ۱۶۱  
 رقیبی قویمارام عالمده راحت اگیلسین، ۱۴۹  
 رقیبلن اؤتوروب دورما، غصه دن اوللم، ۱۴۳  
 رنگ روخونده سو کیمی بیر اؤزگه لؤطف وار، ۱۶۹  
 روح الامین بو بقعه ی عرش آستاندا، ۱۲۱  
 روحوم اوچار از بس کی سزبلدار دل زاریم، ۱۲۹  
 روز وصال یاردا وار بیم هیجر، لیک، ۱۳۲  
 روی سیاهیله زر ناقص عیار تک، ۱۱۶  
 ریاض حؤسنده سیر گؤله اولوب قانع، ۱۳۱  
 ریحان کیمی سرسبز [و] خوش و تازه و تردیر، ۱۶۵  
 ز بس کی آتش آهیم یانین شراره لنیب، ۱۲۷  
 زاهد! دئمه آخر نه دی بو عشق مجازی، ۱۵۴  
 زاهدین کُفرؤنه عشقیم وئری فتوی صریح، ۱۲۸  
 زبان حال ایله حالبدان ائتمیشم حالی، ۱۳۰  
 زرد و ضعیف اولوب بدنیم نئی تک آغلارام، ۱۹۵  
 زردشته یوخ دئییم روخ جانانه باخ اوتان، ۱۹۵  
 زلال عیشی ازل گۆنده ائندیلر قسمت، ۱۶۱  
 زمانه آیریلیق طرحین آرایا سالسا، قوی سالسین، ۱۸۶  
 زنجیره گۆرؤب دئمه دیوانه آدبما، ۱۷۵  
 زنجیره شمر باغلادی گۆردؤ سکینه نی، ۱۲۲  
 زیان و سود و خیر و شریمی بیلمزدیم اولدن، ۱۸۱  
 زینب گۆرؤب جنازه سیننی یئرده بی کفن، ۱۲۲  
 زولف ایچره خال گوشه ی چشمین گۆره ن دئدی: ۱۹۵  
 زولف جانان مهر و مه لن همسر و هم دوش اولوب، ۱۲۶  
 زولف زنجیرین سئون - عاشیق دئمین - بیگانه دیر، ۱۶۴  
 زولفون قوجارام لعل لب یاری امند، ۱۵۴  
 زولفونده بی جهت غم ایلن الفت ائتمه ییب، ۱۷۳  
 ساخلا ییب ساقی بلورین جامی سیمین ساقدا، ۱۲۳

- ساقی! منی و معشوقه لازمده بو مخلوقه، ۲۲۰  
 سالما آیاغا، وئرسن اگر، آلمارام گیرو، ۱۷۱  
 سالمیش اؤزه تک خالینې یاندېرسېن حریفی، ۱۲۹  
 سالب خیال خطین رخنه دین عیسیه، ۲۱۵  
 سالبدی زولف سیاهین قارا خط اؤزره، مگر - ۱۴۹  
 سالبر گیره خطی عشق اهلینی، زولفو چکیر دارا، ۱۳۵  
 سیاه غمزه و سردار عشوه، لشکر ناز، ۱۶۱  
 سر زولفون دوتان گۆندن منی تکفیر اندر زاهد، ۱۸۸  
 سرچشمه حیات سنین، نوش لب منیم، ۲۱۱  
 سرشک آلبوی صراف لعل تک اؤزه سال، ۱۷۴  
 سرلوح حؤسندن خطین اندی لب اؤستونه، ۲۱۱  
 سرمایه معشوقه دی تۆک باشد، نه هر تۆک! ۱۶۵  
 سس سیز و برار، بیخار، داغدار، قلب عالمی، ۱۷۰  
 سفیدی رخ صبح وصال ایلن هم شیر، ۱۹۱  
 سمند نازه گل باش وئرمه، ای من باشیوا قوربان! ۱۸۰  
 سن بو مخلوقاتا باب علمی مفتوح ائیلهدین، ۱۱۷  
 سن جانبی آل، من ده آلبم بوسه لیئندن، ۱۹۳  
 سن حؤسن صورت ایله گرفتار کبر و ناز، ۱۶۰  
 سن ذبیح الاها مشق عشقی تعلیم ائیلهدین، ۱۱۹  
 سن راج روح بخش کیمی خالی از ملال، ۱۶۰  
 سن صفی الاها وئردین زنگ محنتدن صفا، ۱۱۹  
 سن گۆلشن ملاحته بیر گۆل، من عندلیب، ۱۶۰  
 سن ماه پاره، صبح صفا تک سمن لقا، ۱۶۰  
 سن ملک عز و نازدا سولطان مقتدر، ۱۶۰  
 سندن نیشانه یؤخدو بو خلق ایچره بیلیم، ۲۰۹  
 سنده بو هوا ایله، مطرب نئی و نای ایله، ۲۲۰  
 سنسن حبیب حضرت معبوده جانشین، ۱۱۶  
 سنسن کلید قفل در گنج معرفت، ۱۱۶  
 سنسن منیر مشعل والشمس و الضحی، ۱۱۵  
 سنسن وصی ختم رسل، نفس عقل کل، ۱۱۵  
 سنلن اوجالده بیدق دین محمدی (ص)، ۱۱۵  
 سنه شایسته دیر گۆلمک، نئچون بیر قونچا ... ۲۲۹  
 سنه قوربان، به غیر از نقد جان بیر برگ سبزیم یوخ، ۱۸۱  
 سنه کج باخسا هر گۆز، قویما گۆزدن ای کمان ابرو، ۲۰۷  
 سنی جان تک آلام آغوشوما فرضاً نه دیر عیبی، ۱۵۵  
 سنی گۆرچک نۆلور تۇپراغا دۆشسم، بی قرار اولسام، ۱۳۹  
 سنی گۆرهم اگر میخانه یه یا مسجده گئسن، ۱۹۲  
 سنین خوش حالتیندن متصل خوش وقت ... ۱۵۵  
 سنین دۆرؤنده هرگز اؤزگه بیر گۆن آروز ائتمم، ۱۸۳  
 سنین دردین بو صراف قوجالده، قامتین بؤکدؤ، ۱۵۵  
 سو کیمی قانیمی تۆکمک دگی منظورون اگر، ۱۹۸  
 سواد مردمک دیدن مرکب دیر، ۲۱۵  
 سودون اندید ملاحظه سؤدای عشقه، ۱۴۱  
 سوسامیش قتلیمه پیکان غم، ایستر ایچه قانیم، ۱۳۳  
 سیل غمدن آز قالب بنیاد جیسم اولسون خراب، ۲۳۳  
 سؤروشما مسئله عشق [و] حؤسنؤ زاهد، ۱۶۲  
 سېنسېن الی مشاطه گۆزل، کۆنلؤمؤ یاردی، ۲۱۷  
 شاد اول رقیب امر ائله وورسونلا طبل [و] کوس، ۱۵۸  
 شأنینده گلدی آیهی بلغ پیمبر، ۱۱۶  
 شراب وصل ایله سرخوش اولوب اولان گۆندن، ۱۹۹  
 شرار شمع آهپمدان منیم، پروانه لر یاندی، ۲۲۶  
 شرار شمع ایله گۆردؤم یاناردی پروانه، ۲۲۷  
 شعله ای آهیم باشمدا بیر مرصع تاجدیر، ۱۸۹  
 شعله رخسار یله نورانی قیلدین عالمی، ۱۹۴  
 شکرلله مردم چشمیم عجب صراف اولوب، ۲۱۲  
 شکسته خط ایله جان نقدین ائیلهمرم سودا، ۲۱۵  
 شکسته کۆنلؤمؤ بیر گلدی ائیلهدی ویران، ۱۴۹  
 شکفته لبلرین جان گۆلشنینده قونچهی تردیر، ۱۵۰  
 شکنج زولفؤوؤ گۆرچک، دئدی نجوم اهلی: ۱۳۰  
 شکوفه گرمی مجلسدن اؤز نقدین نثار ائتمیش، ۱۴۰  
 شور عشقین شؤهرتی از بس کی عالمگیر اولوب، ۲۳۳  
 شهید خنجر ناز اولماغا چؤخاندی موشاقام، ۱۸۱  
 شیخ صنعان کیمی هر کیمسه سنی گۆردؤ دئدی: ۱۲۸  
 شیر آهونو دوتا، سن گۆزل، آهو گۆز ایلن، ۱۹۸  
 شیرین سو منه زهردی سن سیز ماتان اوغلان، ۱۸۴  
 شیرینی بس حکایت شهید [و] شکرلیین، ۱۵۷

- شیرینلیک عبارتدی سنین شهید لبیندن، ۱۹۳  
صبا شیراز بندى تئل به تئل اوزدن چکیب یانه، ۱۸۸  
صبا! سالما اوزه گل طره‌ی جانانه‌دن ال چک، ۱۶۸  
صبادان گؤل اوزونده سؤنیول زولفون اسهر تیتیره، ۱۳۹  
صبح اولانجان یاتمادیم، یاندیم رقیبین حالینا، ۱۲۶  
صبر ائتمه‌ییم نه چاره قیلیم؟ سنده یوخ گنه، ۲۳۸  
صبریم کسلییر، عمر آزالیر، محنتیم آرتار، ۱۲۹  
صراف الینه یتیمه‌دی بیر گوهر وصلین، ۲۱۷  
صراف ایله کیم چاک گریبانه یتیشدین، ۱۲۵  
صراف اولوب ز بس اوزو اوز قانینا سوسوز، ۱۵۲  
صراف دل و دینوی قویدون بو خط اوزره، ۱۶۵  
صراف شاه طاسبنا بیر شاه‌ی سالماییب، ۱۵۳  
صراف صفا اهلی اولوب صاف ائله قلیبن، ۱۸۴  
صراف عشق کافری، صنعان طریقه‌لی، ۱۶۰  
صراف نقد شعر داخی خرجه گنتمیری، ۱۵۸  
صراف نقد عمرؤن ائدیب صرف معصیت، ۱۱۶  
صراف نقد عمرؤوی سن هیجره صرف قبل، ۱۵۷  
صراف نقد عمرؤوی صرف ائت بو نحو ایلن، ۲۱۰  
صراف له اگر بزم وصال اولمایا قسمت، ۱۴۷  
صراف له باخ ز بس اوزونون قلبی قلیدیر، ۲۲۵  
صراف له دئدیم: «حکمت ایلن یوخ وار اولانماز»، ۲۰۵  
صراف له دئدیم: «قافیه ساز ائتمه» بویوردو: ۱۵۴  
صراف له وئردیگین قورو جان نقدین، ای گؤزه‌ل! ۱۴۸  
صراف یوخسا ائیلیه‌جک غم ضیافتی، ۱۷۲  
صراف! ساخلا توسن طبعین لجامه‌نی، ۱۵۹  
صراف! طعنه وبرما دله، اهل دل بیلیر، ۱۷۳  
صراف [ین] آه [و] ناله‌سی، بیگانه طعنه‌سی، ۲۰۶  
صراف، عشق کافریدیر، چوخ تعجب، ۲۱۱  
صرافلیق آدی غلط محضدیر منه، ۱۷۵  
صرافی حریف، اول مازادده ساتدی، ۲۴۳  
صفات فعله هر نازک تئلی بیر محکم آیت‌دیر، ۲۰۲  
صنعان کیمی طریقه‌ی اسلامی ترک ائدیپ، ۱۶۹  
صورت گؤل عارض جانانه اولموش آینه، ۱۶۳
- طاووس روخون گوردو آچیب چتر ملمع، ۱۶۵  
طاير دل قوندو زولف عنبرافشان اوستونه، ۲۱۲  
طیب بی‌مروت، ال گؤتور نبضیمدن اینجیتمه، ۱۵۰  
طیبیم! قوی منی اوز حالینا درمانیم آختارما، ۱۴۵  
طیبیم، دردیمه غم بسترینده گل مداوا قبل، ۱۸۶  
طریق عشقده بیر مهره‌یم یوخ سایه‌دن غیری، ۱۸۱  
ظاهرده گرچی قاش ایله مژگان چکهر ولی، ۱۴۱  
عئیبیم آچیلدی ایدمی کی اولدوم گؤنؤ قارا، ۱۷۰  
عارض گؤلگونون ائیلر خودپرستی بت پرست، ۱۹۴  
عاشق‌لیق اگر کُفردی یا عشق غلط‌دیر، ۱۳۸  
عاقبت شیرین غمین صرافی فرهاد ائیله‌ییب، ۱۲۴  
عالم علم سلونی، معنی أم الکتاب، ۱۱۸  
عذار یار گندم‌گون‌ده گور دانه‌ی خالی، ۱۶۸  
عرصه‌ی محشرده صرافین یتیش فریادینا، ۱۲۰  
عرفان [و] نظربازی و رندی و ظریفی، ۲۰۵  
عرقچین نافه‌ی مشکین کیمی هر گونده مین دفعه، ۱۸۸  
عروۃ‌الوثقی‌یه معنا، تاجدار ائما، ۱۱۸  
عشق آتیشنه یانماغی پروانه‌دن اؤرگن، ۲۱۷  
عشق اهلی آستانبوا باش قویسا عئیبی یوخ، ۱۵۳  
علاج‌مدا اطبا بیلمز، ائیلر سعی بیهوده، ۲۲۲  
علیل اولوبدو دئیرلر مزاج یار، مگر ۲۱۹  
عمرؤم اسکیلدیکچن آرتار گؤن به گؤن ضعف تنیم، ۱۲۶  
عمرؤم یتیب‌دی باشا، دیلیم یوخسا، عئیبی یوخ - ۱۵۷  
عمرؤمده بیرجه آنلامادیم صبحو شامدان، ۱۷۱  
عمرؤمده گنتمهرم گؤل [و] گؤلزار سئیرینه، ۱۷۵  
عنان اختیاری بیر گؤن‌اؤزلو یارا تاپشیردیم، ۱۳۵  
عنقای قاف عزت ایدیم، سهندی پرلریم، ۱۷۵  
عهد ائیلهدیم قویام اوزومؤ خاک پاییه، ۲۰۹  
غافیل دؤشوبن دینیوی دؤنیایا ساتیبسان، ۲۴۱  
غبار خط دگی حؤسؤنده کاتب قُدرت، ۲۱۵  
غیغب دگیل، حباب معلق‌دی، محو اولور، ۲۱۱  
غلط سؤزدور دئیهر کیمسه عمره اعتبار اولماز، ۱۸۳  
غم عشقیله هرگز داغ بر دل اولمایان بیلمز، ۱۴۰

- غمزه ن اوخو باغرم باشېنې اؤيله يارب کیم، ۱۳۸  
غمزه ن خیالی جان دېر، اما چه فايده، ۱۷۱  
غمزه ن گهی گؤزه گؤز اندر، گاه دل ديلر، ۱۵۲  
فدا او ليلريوه، قونچا گؤل کیمی گؤلدون، ۱۹۷  
فراقېن طاقت و صبر و تحمل قويمایېب منده، ۲۲۹  
فرهاد آدېنې دفتر عشاقدا يازمېن، ۱۴۷  
فرهاد قويدو جانېنې بير بى ستوندا، ۱۵۹  
فصل بهارى ايستمېرم بۇلبۇل اولماسام، ۱۷۵  
فُلك محنتدن تاپېب نوح نَجّی الله نجات، ۱۱۹  
فوج حُسنه باج آلان غمزه نى سر کرده قېلېب، ۱۹۸  
فوج مژه اؤز باشېنا دۇنيانى داغبتدې، ۱۶۶  
فيض جودوندن وجود ماسوا موجود اولوب، ۱۱۷  
فيكر و ذيكري روز و شبده، ورد «يا محبوب ... ۱۲۰»  
قارا اولسون اؤزون اى زۇلف كچ، شمشادا ... ۱۶۸  
قارا گؤزؤنده گؤزل، قصد جان علامتى وار، ۱۳۰  
قارانلق ائوده باشېم غم ديزنده، گؤز يۇلدا، ۲۱۹  
قاسِم الارزاق سنسن، خوان جودوندان سنين، ۱۱۹  
قاشلارېن سر کرده دير گويا دوتوب عربان قېلېج، ۱۳۴  
قاشېن خميده كمان، كيپرېگين كشيده سنان، ۱۹۱  
قاشېن گۇرچك آخار سئيل سرشكيم ... ۲۰۰  
قاشېن، گؤزؤن کیمی بيلمزدى ناز و غمزه يۇلون، ۱۴۳  
قالدېم عذاب هيجر ايله من، سن اؤزؤن گنديب، ۲۳۸  
قان آغلايېن بو مرقد شش گوشه صاحبي، ۱۲۱  
قانلي دېر خالېن دئمكده، قانېمې بيلدى حلال، ۲۱۸  
قانېمې ناحق يتره تۇكمكليگه مسرور اولوب، ۱۶۳  
قبر ياكين يا حسين! مَدَندى وار ايستر كؤنؤل، ۲۳۱  
قُدْرَت الله، حُجَّة الله، جانشين مصطفى (ص)، ۱۱۸  
قديمی پيوسته قاشېن اگدى چوگان ائيله دى، ۲۱۸  
قدين بير سرو نو رسته، جمالېن طۇرغه گؤلدسته، ۱۹۲  
قرص قمرده لكه دگيل داغ باطله، ۲۱۱  
قسم او كعبه روينده، طاق ابرويه، ۲۱۶  
قصه شهد لبين شيريندير از بس، كنجمېرم، ۱۳۴  
قوربان اولوم قلم قاشبوا ائتمه، ائتمه گؤز، ۱۵۹
- قوربان گتيرمه گيه بو مناي محبته، ۱۲۱  
قوروموش نئى كيمي هر بند - بنديمن چبخار ناله، ۱۷۷  
قوى نيتيويه عشقه باشدان گندهجك باش، ۱۴۷  
قيامت آشكار اولموش، نه دندير قيردن دورماز، ۱۸۸  
قۇپاردېب داش كيمي از بس آتېب هر بى سر و پا، ۲۰۸  
قۇپاررام تيشه ي حسرتله هر بير گؤنده مين داغي، ۱۶۷  
قۇرخوتما بو يۇلدان منى، يۇلسوز يۇلا گل گئت، ۱۳۸  
قوى زير عرقچينده قالا سالما جينيه، ۲۰۳  
قويدوم طريق عشقه قدم قيس ايلن بئله، ۱۵۲  
قويدون منى رباب عجب خورد و خوابدان، ۲۳۸  
قويسون اؤزؤن شبيه پيمبر آياغبنا، ۱۲۱  
قويموسان ايمدى كى صراف آدېنې عاشيق امن، ۲۱۳  
قويموش محبت عالمى نين گؤز بناسېنې، ۱۷۳  
قېزېل گؤمۇش داخى صراف له منفعت وئرمز، ۲۱۹  
قېلدې سنين مفارقتين باغري قان منى، ۲۲۵  
قېلسا آزاد او سر زۇلف دل اويز منى، ۲۲۴  
كنجدى على اصغر<sup>(ع)</sup> شيرين زباندان، ۱۲۲  
كؤنلؤم او چين زۇلفده سؤدا خيالى وار، ۱۵۳  
كؤنلؤم گؤره نده خالين اوچوب، قؤندو زۇلفؤنه، ۲۰۶  
كؤنلؤم نجه خيال لب ياردان كئچر، ۱۷۳  
كؤنلؤم يانار، گؤزؤمدن آخار قانلي گؤز ياشي، ۲۳۸  
كؤنلؤم يانارسا مجمره ي حؤسن ياردا، ۱۹۵  
كؤنؤل اسفنديارېن بير خدنگ ناز ايلن بيخدين، ۱۴۵  
كؤنؤل اولده يؤز مين يول دنديم گل ترك ... ۱۴۶  
كؤنؤل بسدير گؤزه لردن گؤتور گؤز، هرزه گرد اولما، ۱۷۹  
كؤنؤل حصارېنې بير كچ نگاه ايلن بيخدين، ۲۱۶  
كؤنؤل قانيله دؤلموش بزم غمده كاسه ي چشميم، ۱۶۷  
كؤنؤل ملكون تيكيب بيخماغدا گويا هم ... ۱۷۶  
كؤنؤل، اگر سنه مهمان گله غم جانان، ۲۱۹  
كؤنؤل، گر ايستيه سن مست جام عشق اولاسان، ۲۱۴  
كؤنؤل، مشاطله قانېن شيشه گر دوتسا، ... ۱۵۱  
كافر اوغلو! نييه صراف له دندين كافردير، ۱۹۸  
كاكيل كيمي هر كيمسه سرافكندელიك ائتدى، ۲۱۷



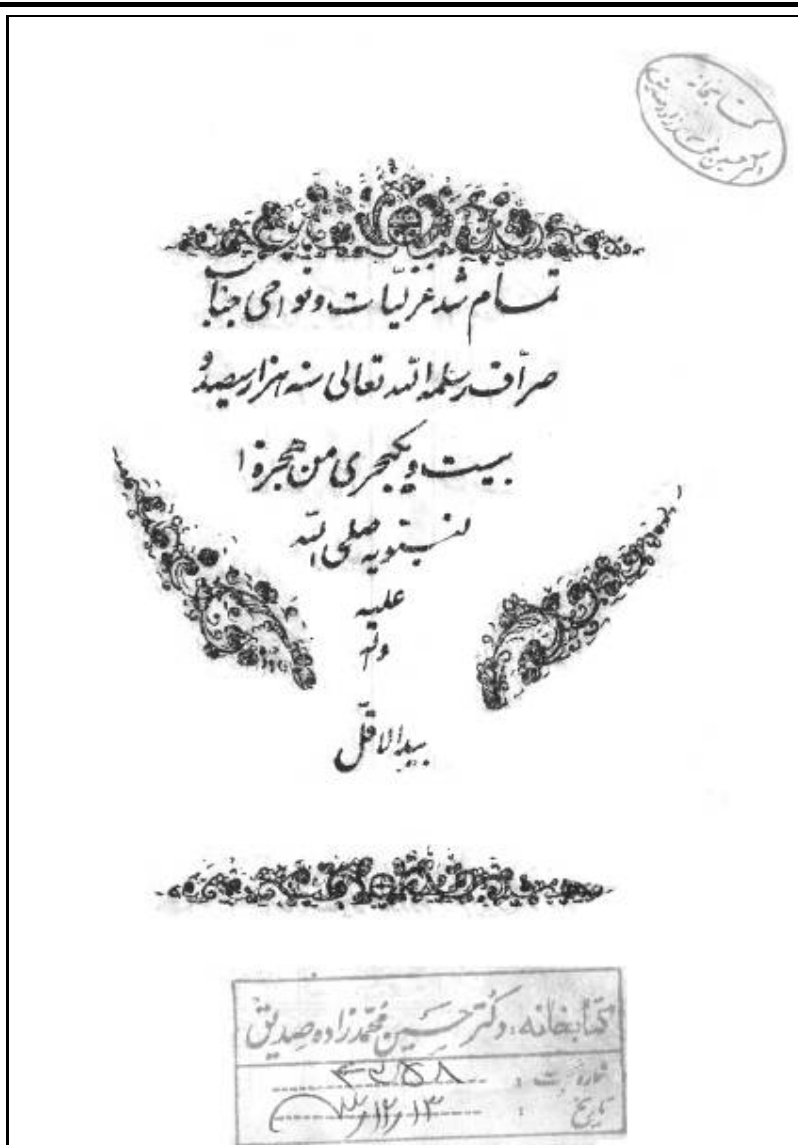
- کاکیلیندیر باشد یا کیم قارا بختیم دیر منیم؟ ۲۱۲  
 کج قاشلارین سۆزۆن دوزو چاچی نسب کمان، ۱۶۹  
 کج نگاهین ای کمان ابرو! نه تیرانداز دهر، ۲۱۲  
 کرم قبل، باشیمې تۆپراقدان آل، قوی دیزین اۆسته، ۲۰۷  
 کشف ائیلییم نه نوع ایلن اغیارا سییریمی، ۲۰۹  
 کلام عشقده صغرا و کبرا احتیاج اولماز، ۱۴۶  
 کلک قدرت صفحهی حۆسنۆنده خط سبز ایلن، ۱۶۳  
 کم و کیف ذاتیوې درک ائتمز اوهام و عقول، ۱۱۷  
 کمان سست الینده تیرهر اما سخت بازودور، ۲۰۰  
 کمند اهی چۆخ آهو دالینجان آندیم آخرده، ۲۰۴  
 کمند زۆلفلن خاقان چینی دستگیر ائسن، ۱۳۷  
 کناردان باخارام، گل منی کناربوا آل، ۱۹۷  
 کناره جان تک آلایدیم اؤ طفل معصومی، ۲۲۷  
 کُنج غمده بیر نفر یۆخ منله هم آواز اولار، ۲۳۱  
 کوثر لب لعلیندی، بۆیون نخلهی طوبی، ۱۹۳  
 کوی نگارا من نه امید ایله یۆل سالیم؟ ۱۷۰  
 کیمدن شکایت ائیلییم آخر بلا گۆنۆ، ۲۰۹  
 کیمدیر - دئدیم - «عشاقین ائدهن بختینی قارا؟» ۱۳۸  
 کۆنۆل، چین سر زۆلفۆنده ائتمز ناله بیهوده، ۱۴۲  
 گنت مسئلهی عشقی سؤروش پیر مغاندان، ۱۳۸  
 گۆتۆر مرهم طیبیم، دوتما زخم سینه سوراخین، ۱۵۱  
 گۆردۆ چۆن کۆنلۆم خدنگین همد جانسوزدور، ۲۱۸  
 گۆردۆم خمیده قاشین اگیلمیش کمان کیمی، ۲۰۶  
 گۆردۆم ز بس کی بنزیری یاقوتا لبلرین، ۲۰۶  
 گۆرسن یاتېب نگاریمې قوی یاتسېن، ای رقیب! ۱۵۳  
 گۆرن وجودومو سئیلاب اشک خون ایچره، ۲۱۶  
 گۆرهن گۆندن گۆل رخسارېن، آرتېب گۆز لریم نورو، ۱۷۶  
 گۆرهن وجودون اندر سئیر عالم اکبر، ۱۹۱  
 گۆرهنده پنجهی مۆزگانېوې لرزان اولور کۆنلۆم، ۱۳۹  
 گۆرهنده ناوک غمزهن گلیر جانه، چپخار جانیم، ۱۴۲  
 گۆرهنده یاری دئدین خاکپایینه دۆشهرم، ۱۹۹  
 گۆرۆب امر تجارتده اوشاقلار ایمدی ماھردیر، ۲۰۸  
 گۆرۆب حُسن رُخون تفسیری بیر تاریک مطلبدیر، ۲۰۲  
 گۆرۆب فوج مۆزهن یا جوج تک خونریز ... ۲۰۰  
 گۆرۆرم خلق دئیر: «قاشبوا قوربان کسلیلم!» ۲۱۳  
 گۆرۆرم قتلیمه آمادهدی جلاذ گۆزۆن، ۱۲۸  
 گۆرۆم سېنسېن، داغېلسېن، بوندان آرتیق تار ... ۱۸۸  
 گۆرۆم مندن سؤرا شمع روخون پروانه سیز قالسېن، ۲۲۹  
 گۆز اۆسته - دئدین - «قاش ائله ییب جانېوې آلام!» ۱۵۶  
 گۆز اۆسته اگیلنېب تیغ دو پیکر الده، گۆز یۆلدا، ۲۰۰  
 گۆز اۆسته قاشېن بیر گۆز ایلن دۆز یولا گتتمز. ۱۴۴  
 گۆز اۆستۆنده قاش اویناتماق نه لازیم؟ گل ... ۱۴۵  
 گۆز حلقه سینده گۆردۆ خدنگین، دئدی کۆنۆل، ۱۴۱  
 گۆز گوشه سینیی ائيله میسن اۆزده گۆز آلتی، ۱۹۳  
 گۆز مردمکی نقطه، قاشېن سین کشیده، ۱۵۶  
 گۆز مردمی ز بس اۆزه اشک روان سالبر، ۱۵۳  
 گۆز مردمیله چۆنکۆ بیلېب وار رفاقتی، ۱۷۱  
 گۆزدن دۆشر خزان گۆلۆ تک پایمال اولار، ۱۷۱  
 گۆزلریم سنسيز تۆکر قان یاش، علی خوش گلمیسن! ۲۳۴  
 گۆزلرین هر گۆنده یۆز مین آدم اوغلون اولدۆرۆر، ۱۲۳  
 گۆزلریندن غافل اولمون، وار ایشین دنباله سی، ۱۲۶  
 گۆزۆم یاشې آخار هیجرینده مروارید غلطان تک، ۱۷۷  
 گۆزۆم یاشې تۆکندی احتیاطیم یۆخ یحْمَدالله، ۱۸۱  
 گۆزۆم یاشې یودو تۆپراقدان خس و خاری، ۲۱۹  
 گۆزۆم یاشېن کۆنۆل قانیله مرجان ائتمه ییم نئیلیم، ۱۷۷  
 گۆزۆم، افتاده اول، گر چشمه سار فیضه طالبسن، ۲۰۴  
 گۆزۆن اطرافینا مژگان دۆزۆلمۆش یا لب جودا، ۱۳۷  
 گۆزۆن بیمار یام، نرگس الیندن آلما پیمان، ۲۲۹  
 گۆزۆن جان آلمانا ییکان اله آلمېش، قاشېن خنجر، ۲۰۲  
 گۆزۆن دالینجا گۆزۆم نورو، عالمین گۆزۆ وار، ۲۱۶  
 گۆزۆن گۆز ائيله دی جان آلمانا، قاشېن آلدی، ۱۳۰  
 گۆزۆن مریخ، عطارد کییر گین، خورشید ... ۲۰۰  
 گۆزۆن یاشې آخار قَدین گۆرهنده رود نیل آسا، ۲۲۲  
 گۆزۆندن درس سحر آلمېش سنین هاروت ... ۱۳۶  
 گۆزۆندن غافل اولما، ای گۆزۆم! گۆر بیر نه عالمدیر، ۱۳۶  
 گۆزۆندن گۆز گۆرتۆمم، بیر خدنگ نازا موشتاقام، ۱۳۶

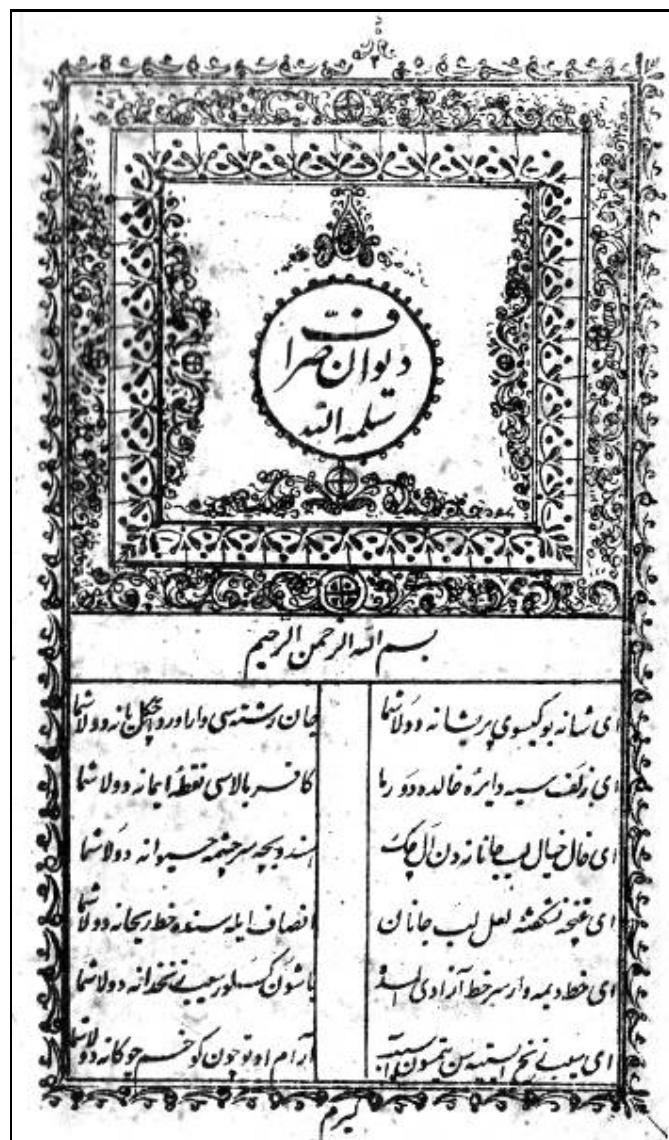
- گۆزۈندە عینک خورشید حضرت عیسی، ۲۱۵  
گۆستریر خال سیاهین طایر ایمانه، دن، ۱۸۹  
گنئییدی اگیننه تازه قباى زنگارى، ۲۱۹  
گلو و خر و خرس ایله قایان صدر نشیندی، ۲۴۰  
گنیر قدملریوه باش و جان اندیم شاباش، ۱۳۰  
گنیرمیش تختینه سرتیب ناز و غمزە سردارین، ۲۰۲  
گداى مُلک عشقم، لیک اؤز شهریمده سولطانام، ۱۶۷  
گر ایسته سن اؤلا زۇلقۇن کیمی اوزون، عُمرۇن، ۲۱۶  
گر دئسه م ممکن سنه، من تک بشر ممکن دگیل، ۱۱۷  
گر منت ایلن عقدەى خاطیر اؤلۆ مکشوف، ۱۵۴  
گرچی بزم وصلدیر، نه مجلس اندوه [و] غم، ۲۳۴  
گرداب بحر هیجرده من مبتلاى غم، ۱۶۰  
گردین مینا، اؤزۆن زیبا، گۆزۆن شهلا، سۆزۆن - ۱۹۴  
گرم صحبت اۆلدون اغیار ایله یاندېردېن منی، ۱۹۴  
گرهک من تیرهم صراف تک تیدار عشق اۆلدوم، ۱۳۹  
گریب من گۆرمه دیم دۆنیانی محنت خانه دن غیری، ۲۳۰  
گل اۆلدۆر، قانبې تۆک، سو کیمی ایچ، ... ۱۵۵  
گل ای گۆز مردمی، هشیار ایکن بدمستلیک ائتمه، ۱۶۸  
گل بیرجه وئر بو بستر غمده سسیمه سس، ۱۵۷  
گل شعله ی شمع دل سوزانبې گۆز یان، ۱۲۵  
گل، آل - وئر ائیله یک، یا این که منظورون ... ۱۸۶  
گلدیم بو طرف باغدا سئیر گۆل ائتمه گه، ۲۰۹  
گلسه نۆلورمو اشک تریمدن گۆلاب ایگی، ۱۶۰  
گللم گۆزۆن دالېنجا، گۆزۆم! گۆز گۆتۆرم، ۱۵۲  
گلیر بو آهوی وحشی، کۆنۆل! خبردار اۆل، ۱۴۹  
گلیر نوبه تنیم تار [و] پودی، تار کیمی، ۲۱۶  
گوشه ی لعل لیبینده اگیله نیب خال سیه، ۲۱۲  
گهی دورایدې قایاغېمدا سرو قامت ایلن، ۲۲۷  
گیرم یاناسان شمع تک ای گردنی بلور! ۱۲۵  
گۆل اۆزده گۆرۆب سبزه ی خطین، دندیم: «ای خط، ۱۹۳  
گۆل رویون ائندنه داغ دلدن لاله یه نسبت، ۱۶۷  
گۆلدن چېخبېدی تازه، زرخدان یارا باخ، ۱۴۸  
گۆلدن گۆلاب آلېرلار، سنین عطرین آختارېب، ۲۳۸
- گۆلۆستان وجودوم شبنم غم لىن تاپار رونق، ۱۳۳  
گۆن اۆزلۆ یارا وئریلدىن هر آى [و] ایللر ایلن، ۱۹۹  
گۆن اۆزلۆ یاردا یا اۆلمویایدې عشوه و ناز، ۲۲۷  
گۆن اۆلدو، گۆن اورتا هامې یاتمېشلار اویاندې، ۲۴۱  
گۆنۆزۆم قارادې گۆن اۆزلۆلر سر زۇلقۇ تک ... ۲۲۱  
لال اۆل دلیلم اگر وئره سن اۆزگه یارا دل، ۱۶۹  
لاله گون ساغر آلېب لعل لیبیندن کام دل، ۲۱۲  
لب لعلینده بی شک لذت آب بقا بولدوم، ۱۷۹  
لبلرین فیکری منه قوت دل اؤلسا نه عجب، ۱۲۸  
لبلرین وصفین قویوب اوصاف کوئردن دئیهر، ۱۳۴  
لعل لیبین لیبینده خطاکار عاشقه، ۱۴۱  
لوح حۆسۆنده یازېلمېش آیه ی الله نُور، ۱۱۷  
لوح رخساریوی دوتموش اؤ خطاکار خطین، ۱۲۸  
لوح قسمتده یازېب کاتب دیوان قضا، ۲۲۴  
مجنون کیمی گرکه دۆشه صحرا یا رسمدیر، ۱۳۲  
مجنونا دئیین اؤلما دد و دام ایله مانوس، ۱۴۷  
محبت اهلی محنت لذتین راحت بیلیر، جانا! ۱۳۳  
محبت بوته سینده یانمادی بیر نقدی صرافین، ۲۲۶  
محبت عالمینی پایه پایه سئیر ائتدین، ۱۹۹  
محبت مجلسین گل قېش گۆنۆنده ائیله یک گۆلشن، ۱۸۶  
محتاج مقسّر دگیل آیات جمالی، ۱۶۵  
محمود کیمی ایسته سه هر کیم اؤلا زنده، ۱۵۴  
مخالف رغمینه بزم طریده مطرب مجلس، ۱۴۲  
مدّدی کی ایرانین ایشی اؤددور، آلاودور، ۲۴۰  
مردم چشمه دندیم: «گل کئچ بو سیم اشکدن»، ۱۳۴  
مژگان و خط و خالین اۆلوب یاغې زۇلقۇوه، ۲۱۱  
مژگانې گۆره نده عطارد اؤخون آتار، ۱۵۳  
مستانه گۆزۆن اوینادا قاش، ائتمه ملامت، ۱۲۹  
مستبدلر ائیله یبیلر، گۆر نئجه اشغال میز، ۲۳۷  
مستحقّم گل منی بیر بوسه ایلن شاد قبل، ۱۲۳  
مشاطه ی حۆسن ایستیری خطین اۆزه چکسین، ۲۰۳  
مشروطه چېخارتدې، هامېنی اتودن، ائشیکدن، ۲۴۰  
مطلب و منظورو شاه، التفاتېندېر سنین، ۱۲۰

- مطلق مقید ائیله یین آشفته کۆنلۆمۆ، ۱۴۸  
 معجرین آتمیش باشبندان نوعروسان چمن، ۱۶۳  
 معشوقه جانین ایسته سه وئر، معتبردی چۆخ، ۱۳۲  
 معشوقه لبین چشمه ی کوثر بیلیب امدی، ۱۴۴  
 معشوقه ده چۆن عشوه و ناز اولماسا اولماز، ۱۵۴  
 معصیت کارم، منه توقیقین هر گه یار اولور، ۲۳۱  
 معموره ی جان و دل آز قالدی خراب اولسون، ۲۲۰  
 معنبر کاکیلین پرچین، او کاکیلدن خطین مشکین، ۱۹۲  
 مقوس قاشلارین بنزه دئسه م طاق کلیسایا، ۲۲۲  
 مقوس قاشلارین بیر طاقدر یوخ جفتی عالمده، ۱۵۰  
 ملامت ائتمه منی مدعی! اوتان تاربدان، ۱۳۰  
 ملامت داشینا، ای مدعی! باشیم نیشان ائتمه، ۱۸۱  
 ممکن دگیل بو عرصه ده بال و پر آچماغیم، ۱۵۷  
 ممنونام اگر جانما منت قویوب آلسا، ۱۴۷  
 من اختاردیم، ارشدیم، بیر نگار نازنین تاپدیم، ۱۷۹  
 من ائیلهدیکجه تملق، سن ائیله عشوه و ناز، ۱۴۳  
 من ابر تیره بختیم، سن بهار تازه و ترسن، ۱۸۰  
 من اگر بو یولدا اولم، منی سر کوی یاردا دفن ائدین، ۱۹۶  
 من بیچاره یه ائیلره مذمت زاهد بی دین، ۱۷۷  
 من ترک شراب لب یار ائیلهدیم اولدو، ۲۰۵  
 من جرعه نوش بزم بلا، سن پیاله نوش، ۱۶۰  
 من درد عشقی گیزلده بیلیم بو شهرده، ۱۳۲  
 من ده بو آستاندا گۆز یاشی ایسته رم، ۱۲۲  
 من سنین راهبندا جان وئرمکلیگه آماده ایم، ۱۸۹  
 من عین حق دئمه م، دئهرم عین حقسن، ۱۱۶  
 من کیمی تریاک عیش اولسا هر عاشق بیلیر، ۱۲۳  
 من مجذوبی تکفیر ائیلهمه، گۆز جذبه ی عشقی، ۱۸۷  
 من محبت چؤلونون عاشق سرگشته سی، ۲۲۴  
 من محفل وصاله یقینجه دایانمارام، ۲۲۵  
 من نئجه وصف ائیله ییم، خالق سنه مداح اولوب، ۱۱۷  
 مندن اوزون دۆلندهری گر ایسته م باخام، ۱۳۲  
 منصور تک یقین ائله دیم دارا تابي وار، ۱۷۱  
 منم صراف، لکن نقد طاعتدن تهی دستم، ۱۶۷
- منه ترجیح وئرمه عشقه مجنونو، ای عاقل! ۱۴۵  
 منی بیر تلخ گفتار ایله دیندیر آرزومندم، ۱۶۷  
 منی ترک ائیله ییب گر اولسا یاربم اوزگه لر یاری، ۲۳۰  
 منی چرخ فلک آواره قبلدی خانمانیمدان، ۲۲۸  
 منی زئار زولفون چکدی آخر کنج مسجددن، ۲۲۲  
 منی سئودای زولفون ائیله ییب آشفته، مجنون تک، ۱۶۷  
 منی شیرین غمینده، مدعی! فرهاده بنزه تمه، ۱۸۶  
 منی صباغ درد [و] غم بویار هر گونده بیر رنگه، ۱۵۱  
 منی یالقیز گۆره نده تۆرک مستین قصد جان ائیلهر، ۱۷۷  
 منیم ای مغبجه، سن کعبه و دیر و کنشتیمسن، ۱۹۲  
 منیم او سؤنبول مشکین امیدگاهیمدی، ۱۹۷  
 منیم بو عشقیمه بنزه نئجه سنین عشقین؟ ۱۳۰  
 منیم بو قان اولان کۆنلومه هم پیمانده دیر گویا، ۱۴۰  
 منیم دؤوریمده یاتماز بیر نفر، اما تعجبدور ۱۸۱  
 منیم صبریم ائوین پیخیدن، داغبتدن، تار ... ۱۳۵  
 منیم فصل بهار و لاله زارا احتیاجیم یوخ، ۱۷۶  
 منیم نگاربمی عاشق گۆزونده گۆرمه میسن، ۱۳۰  
 مهر رویون ائتدی موسی دان ید بیضا عیان، ۱۱۹  
 مهر لب نگار ایله آغزیم موهولله نیب، ۱۵۸  
 میرزه حسین واعظی گتدیز ائله دیز دسته باشی، ۲۳۶  
 میزبان اولدون حبیب آلاها سن معراجدا، ۱۱۹  
 مین تیر طعنه دگدی منه، زنده ام هنوز، ۱۵۸  
 مین دفعه دئسه م غمزوه رحم ائت! منه ائتمز، ۱۴۴  
 مین ناز ایلن بو مملکتین ماهرولری، ۲۰۶  
 مین یتردن آیلدبر سنی بیچاره احبا، ۲۴۱  
 مۆمکۆن دگی بیر محنته مین جان دؤزه، اما، ۲۰۵  
 نئجه خنجر دمینده مرغ بسمل اضطراب ائیلهر، ۱۳۹  
 نئجه عبث یتره اوز دردیمه چکیم پرده؟ ۱۲۷  
 نئجه کیم یوسفه دئیلر بو ملکدیر نه بشر، ۲۱۳  
 نئیلیم ازل گۆنۆنده سنی مرحمت قبلان، ۲۳۹  
 نار قهریندن، اولور نار جهنم شعله ور، ۱۱۷  
 نار نمرودو ائدیپ لطفون خلیله گۆلستان، ۱۱۹  
 ناز ایلن یاربم گئنه عزم گۆلۆستان ائیلهمیش، ۱۶۳

- نازنین آدین سلیمان ائیلهدی نقش نگین، ۱۱۹  
 ناصح سنی تارې، یثری افسانه دانیشما، ۱۳۸  
 ناصح هاچان گۆره‌نده نصیحت دیلین آچار، ۱۹۵  
 نامردم اگر اوخلویاسان بیر دئیهم: «اوخ! اوخ!» ۱۸۴  
 ناوک غمزەن ایچر قانیمې، ای قاشې کمان! ۱۲۸  
 نایب مناب محکمه‌ی شرع مصطفی (ص)، ۱۱۴  
 نرگس گۆزۆن، بنفشه خطین، لاله عارضین، ۱۴۱  
 نرگس مستین اولان بزمده پیمانه نه‌دیر، ۲۲۴  
 نرگس مستین گۆرۆب نرگس خمار اولوده‌دیر، ۱۶۳  
 نصارا دگیلم، رحم ائت منه، کافر! مسلمانام، ۲۲۲  
 نطقه گل ماه محرم گلدی، صراف! اولما لال، ۲۳۵  
 نقاش نقش قامت سروین روان چکه‌ر، ۱۴۱  
 نقد جانە بیرجه بوسه وئرسن آلام نقد به نقد، ۱۳۴  
 نگارا! محفل وصل ایچره تمکین ایسته‌سن مندن، ۱۳۹  
 نور حق آئینه‌ی ذاتیندا اولموش جیلوه‌گر، ۱۱۷  
 نور وصلیندن بولوب آئینه‌ی قلبیم صفا، ۲۳۴  
 نه آنام وار بستر غمده پرستاریم اولالا، ۲۳۵  
 نه بیر یالقوز منم سن آفت صبر و قرار بېمسان، ۱۸۳  
 نه بیر یالقیز منم، آخر محلّ اعتماد بېمدر- ۲۰۰  
 نه تقصیر اتمیشم آخر ایچرسن قانیمې سو تک؟ ۱۳۷  
 نه جبری‌یم، نه صوفی، نه قشری، نه وحدتی، ۲۱۰  
 نه خط، جمیع خطوطه بو خطدیر ناسخ، ۲۱۵  
 نه دیزده اختیار، نه دلده قرار وار، ۲۲۵  
 نه دیزیمده تاب و توان قالب، نه بلایا دۆزمه‌گه ... ۱۹۶  
 نه روادې ناز ایله قاشلارېن قورا یابینې، بۆکه قَدیمی، ۲۲۱  
 نه شایه‌دیر جوهر حۆسن روخ یارا، ۱۶۵  
 نه علاج اندیم؟ کیمه یالوارېم؟ داغېدې، ... ۲۲۱  
 نه قدر سن یۆخ ایدین اهل شهر راحت ایدی، ۱۹۹  
 نه قدر سن یۆخودون، بیلمزیدیم عشق نه‌دیر، ۱۹۷  
 نه قدر من اؤنو چۆخ ایسته‌رم اۆره‌ک دۆلوسو، ۱۳۱  
 نه قدر ناز اولالا صراف قبل نه اغیارا، ۱۴۳  
 نه قدەر اوخ آتا مژگانلارېن دوتار سینهم، ۱۳۰  
 نه قدەر رضایه دئدیم: «رضا، بو نگاره باغلاما... ۱۹۶
- نه گۆزۆمده وار یۆخو یاتماغا، نه دۆزۆم ... ۱۹۶  
 نه یالقیز قَدیمی خم قبلیمش آخر خم به خم زۆلفۆن، ۲۰۲  
 نه یالقیز وار اؤنون محبوبه‌لر بۆینوندا بیر حقیق، ۲۰۲  
 نه یوسف و نه زۆلیخا، نه خسرو [و] شیرین، ۱۹۱  
 نهال درد [و] غم اولسام نۆلور آخر دۆنۆب حالېم، ۱۶۷  
 نه‌دندیر بیلیمیرم آهېم اؤدو یارا نشست ائتمز، ۲۰۴  
 نهفته رازدېر آغزېن اؤنو اغیارا بیلدیرمه، ۱۵۱  
 نی نی غلط ائتدیم نه سمندردی نه ریحان، ۱۶۵  
 نی نی منه بیر ساغر نیله‌ر، دۆلو دۆلدور وئ، ۲۲۰  
 نۆلو بیر دقیقه بو حالین، گۆره سئیل اشک روانیمی، ۲۲۱  
 نۆلوردو بیرجه گئده‌یدی خزان، گله‌یدی بهار، ۲۱۴  
 نۆلوردو مجلسیمیز بیر دقیقه خلوت اولایدې، ۲۲۷  
 وئردیم شکنج زۆلف پریشانە کۆنلۆمۆ، ۲۰۶  
 وئرمز او قدر امان منه اغیار تنگ چشم، ۱۷۰  
 وئریب سربستلیک فرمانی کلاً اختیار ائتدیم، ۲۰۴  
 وئریب سررشته اهل عشقه بیر سررشته دار آخر، ۱۳۵  
 وار امیدیم سالا صراف اله بیر سرمایه، ۱۲۸  
 وار گۆزەل، چۆن دم عیسی دم جان بخشینده، ۲۱۳  
 وجودوم عشق اؤدیلن اؤد دوتوب اؤدلاندې ... ۲۰۸  
 وجوه نقددن صرافېن اولموش کيسه‌سی خالی، ۱۸۳  
 وجهی نه‌دی صرافې سالېسان نظریندن، ۱۹۳  
 ورق حۆسندە، تک خالېوې گۆردۆم یاندېم، ۲۲۴  
 وصال کویونا یۆخدور کۆنۆلدن اۆزگه قاپی، ۱۷۴  
 وعده وئردین آلاسان جانبې جان و دل ایلن، ۱۹۸  
 هئچ کیمسه اۆزۆن خوار و ذلیل ایسته‌مز اما، ۲۰۵  
 هئی گوشه‌ی چشمیلن او شهلا گۆز، ال ائیلەر، ۱۴۴  
 هانې بیر اهل درد آگاه اولالا راز نهانېمدان، ۱۸۱  
 هانې جان آلان کسه یانېمې، گله رحم ائده ... ۱۹۶  
 هر آندا دل ایستر دئیە اوصاف جمالېن، ۱۶۶  
 هر آى باشې وار وجهی بزەر طاق هلالی، ۱۶۶  
 هر بندی بو امید ایله بند قلم اولموش، ۱۶۶  
 هر سر موی کجینده دۆزۆ مین عالم وار، ۲۱۳  
 هر شهرده بیر عاشق مشهور جهان اولموش، ۲۲۰

- هر شیوه ایله دردیمی گیزلتدیم اولمادی، ۱۵۳  
هر طرف اسکندر دل آب حیوان آختارپر، ۲۳۱  
هر کیم اگر سئوال ائده بو سؤز فسانه دیر، ۱۳۲  
هر کیم خیال زوْلقله زنجیره بسته دیر، ۱۴۸  
هر کیم خیال یار ایله بیر ساعت اگیلشه، ۱۵۲  
هر کیم متاع محنته آختاردی مشتری، ۲۲۵  
هر کیمده عشق اولا ائده جک جیلوه، حؤسن دوست، ۱۳۲  
هر کیمسه اولا رابطه ی شعرده ربطی، ۱۴۷  
هر کیمسه بلا ناو کینی جانیه یتیردی، ۲۱۷  
هر کیمسه دئسه ملت و دین گئتدی اینانما، ۲۴۲  
هر گؤزه ل معشوقه، بیر عاشیق بیابانگرد ائدی، ۱۲۰  
هر گون آی ایلن همسر اولا مادر گیتی، ۱۸۴  
هر گونده گون جمالینی گورسم، او مهوشین، ۱۴۸  
هر نه حکم ائیلیه سن حکم سنین حکموندور، ۱۹۸  
هر چند درد عشقه دوشن چوخدو هیجردن، ۱۸۵  
هرگز بو خطا دیدیه کیمی قاش گوز ائده نمز، ۱۵۶  
هلاک عاشیق اوچون قهری عین رحمتدیر، ۱۶۲  
هوای دار ایله منصور عقل شهبازی، ۲۱۴  
هیجربنده گوزوم یاشینی بو مردم چشمیم، ۲۱۷  
یتنه بزم تقریده مقام قاب قوسین ه، ۱۴۲  
یتیبیدی تنگه داخی تنگنای عالمدن، ۲۲۷  
یتیبیدیر حقه اما کفر ایلن مشهور عالم دیر، ۲۰۲
- یتیشدی کعبه ی مقصوده یول گئدهن، صراف، ۱۶۲  
یاتبیدی خال سیه گول اوزونده خار کیمی، ۱۶۱  
یاخبیدی اللرینه قانیمی حنا یتیرینه، ۱۴۳  
یاربم اگر دانشسا لب نیم خند ایلن، ۱۹۵  
یاربم چپخادب خط چون اندیب شام [و] ... ۱۶۶  
یاقوت لبین فیکری منه قوت دل اولدو، ۲۱۷  
یانار پروانه سوز شمعه رشک سوز و سازبمدان، ۱۷۶  
یانار کانون دلده عشق اودو اما دگیل ظاهر، ۱۵۰  
یانار نار غمیندن سینهلر آتشکده آسا، ۲۲۲  
یانارام آتش هیجرائیوا باک ائیلهرم، ۱۲۸  
یانارسان، ای کونول! گل طره ی جانانه چنگ اورما، ۲۲۶  
یقین آیینده اوز عکسینه یاربم اولوب عاشیق، ۱۸۷  
یقینیمدیر اوره کدن چپخسا پیکانین، چپخار جانبم، ۱۷۷  
یوخ اوزگه یلن سر و کاریم، یقین بیل عین مقصودوم، ۱۳۶  
یوخ باغاندا شرم و حیا، هئج اوتانمیر، ۱۵۳  
یوخ حاصلی گوزور دوشه نیر سرو آباغینا، ۱۵۲  
یوخ دئیهن صراف ه: «ای بیچاره! بسدیر، آغلاما! ۱۶۴  
یوخ ساحل نجات به غیر از کنار دوست، ۱۵۹  
یوخ منده گنه سئوسم اگر دانه ی خالین، ۲۱۷  
یوخسا گر جیسمیمده جان اولموش حساب ... ۱۲۶  
یولوندا مایه ی نقدی توکندی صرافین، ۱۴۹  
یخبلمش کونلومه رحم ائيله ظالم، ائيله مه ویران، ۱۳۳





دیوانین ایلک چاپی نین باشلانغیجی.

غزلیات ترکی

۳

بسم الله الرحمن الرحيم

غزلیات ترکی

۱

ای شانه او گیسوی پریشانه دولاشما  
 جان رشتہ سی وار اوردا چکیل یانه، دولاشما  
 ای زلف سیه دایره خالده دورما  
 کافر بالاسی نقطه ایمانه دولاشما  
 ای خال، خیال لب جانانہ دن ال چک  
 هندوبچه سرچشمه حیوانه دولاشما  
 ای غنچه شکفته لعل لب جانان  
 انصاف ائلہ سنده خط ریحانه دولاشما  
 ای خط دشمه وار سرخط آزادی الیمده  
 باشین کسیر، سیب زرخدانه دولاشما  
 ای سیب زرخ ایستیه سن یتمه سین آسیب  
 آرام اوتو، چون گو خم جوگانه دولاشما  
 گیرم یانیسان شمع تک ای گردن بلور  
 چوخ سرکش اولوب چاک گریبانه دولاشما

دیوانین کنگره چاپی نین باشلانغیجی.





دیوانین ۱۳۱۷ سنجی ایل چاپندان بیر صحیفه.